





گراورسازی زنگنه هاشمی

سیاست آمریکا در ایران

تألیف :

مهدی کیانفر

عنوان	صفحه

فهرست مطالب کتاب

عنوان	صفحه

عنوان	صفحه

صفحه

عنوان

عنوان	صفحه

مقدمه

کتابی که اکنون از نظر خوانندگان گرامی میگذرد سیاست آمریکا را از ۱۸۳۶ یعنی از بدو ورود اولین میسیون فرهنگی آمریکا بایران تا زمان حاضر مورد بحث قرارداده وضمناً مختصری از دیپلماسی همسایگان بزرگ ایران یعنی دول انگلیس وروسیه بیان میکند .

راجع بروابط سیاسی ایران وامریکا تا کنون کتابی نه فقط بزبان فارسی بلکه بهیچ یك از زبانهای خارجه تدوین نشده بود وتنها در بعضی کتب و مجلات خارجی مطالبی جسته و گریخته در این باره دیده میشد .

از اینرو نگارنده مصمم شد تا آنجا که وسع وتوانائیم اجازه میداد از روی مدارك و اسناد مثبته که رونوشت آنها در متن کتاب مندرج است کتابی راجع بروابط سیاسی و فرهنگی و اجتماعی ایران و آمریکا که در حال حاضر برای هرفرد ایرانی وقوف واطلاع بر آن کمال ضرورت را دارد ترتیب دهم . ضمناً مآخذی که در اینجا بکار رفته فهرست آن در صفحه آخر کتاب درج شده است .

دولت آمریکا از بدو مناسبات خود همواره دوستی و مودت خویش را بمردم کشور ما ابراز داشته و تا آنجا که مقدور و میسر بوده هیچگاه از کمکهای مؤثر خویش به ملت ایران دریغ نکرده است . خاصه کمك آنکشور برای تخلیه قوای خارجی از ایران پس از جنگ اخیر نمونه بارزی از علاقمندی آمریکا باستقلال و حفظ تمامیت ارضی ایران میباشد و شرح این قضایا به تفصیل در متن کتاب آمده است .

درحال حاضر که آمریکا کمك بکشورهای ضعیف را درسرلوحه برنامه خود قرار داده است بعضی ازدول سعی دارند که آمریکا را یك کشور امپریالیست جلوه داده بملت ایران چنین وانمود کنند که آمریکا

عنوان	صفحه

سیاست آمریکا در ایران

تألیف

مهدی کیانفر

لیسانسیه در حقوق و علوم سیاسی

چاپ اول

شهریور ۱۳۳۸

ناشر :

کتابخانه خیام

طهران - خیابان ناصرخسرو

چاپخانه علمی

ضمن کمکی که بایران میکنند میخواهد سیاست امپریالیستی را اعمال نماید یا اینکه کوشش مینمایند بوسیله دیپلماسی خود در ایران کاری کنند که آمریکا را دلسرد و اورا از ایران روگردان نموده که میدان را جهت خویشتن خالی و بلامعارض کرده تا مجدداً ایران را دچار سیاست‌های شوم گذشته نمایند.

لیکن غافل از اینکه ملت باهوش ایران در تحت توجهات **اعلیحضرت همایون شاهنشاه محمدرضاشاه پهلوی** اکنون بدرجه‌ای از رشد و بلوغ سیاسی رسیده که دیگر فریب این تبلیغات سراپا دروغ را نخواهد خورد وخط مشی خودرا طبق مصالح خویش اختیار خواهدنمود. خاصه اینکه تاریخ سیاسی آمریکا که شمه‌ای از آن دراین کتاب بیان شده بخوبی نشان میدهد که نه فقط تاکنون دامن ملت آمریکا از لکه و ننگ امپریالیسمی پاك و منزه مانده بلکه همیشه آمریکا طرفدار ملل ضعیف و کوچك بوده است.

در خاتمه امیدواریم همانطوری که آمریکا تاکنون نسبت بملت ایران ازهیچگونه کمك معنوی دریغ نکرده است درآتیه هم روش دیرین خودرا فراموش نکرده و بکشور ایران که درمدت چهارسال جنگ خسارات فراوان دیده تاتوانسته پیروزی متفقین را تأمین نماید کمك مادی ومعنوی بیشتر و مؤثرتری نماید که در خور مقام و منزلت این ملت کهنسال که سهم بزرگی در بنای کاخ تمدن وپیشرفت علم و فرهنگ بشری دارد باشد.

در اینجا وظیفه خودمیدانم ازدانشمند اجل و فاضل ارجمند جناب آقای علی پاشا صالح استاد دانشگاه که در تألیف این کتاب نگارنده را کمك معنوی و راهنمائیهای مفید فرمودند تشکر و سپاسگزاری کنم.

پاینده باد دوستی ایران و آمریکا

تاریخ ۳۰ شهریور ۱۳۲۸ ـ ۲۱ سپتامبر ۱۹۴۹ **مهدی کیانفر**

بر فرانسه غالب آمده و بسیاری از مستعمرات آنکشور را درامریکای شمالی بدست آورده بود البته برای نگاهداری این مستعمرات که مستلزم مخارج سنگین بود دولت احتیاج بپول داشت لیکن نمیخواست این پول را از جیب اشراف انگلیس بپردازد بلکه سیاست امپریالیستی او این بود که : باید افراد مستعمرات کار کنند و نتیجه زحمات آنها بصورت طلا یا کالاهای مورد احتیاج تقدیم اعلیحضرت جرج سوم شود .

از اینرو بود که دولت انگلیس قانون مالیات تمبر را جهت امریکا از پارلمان گذراند بدون اینکه بیک فرد امریکائی اجازه دهد تادر باره این قانون ظالمانه اظهار نظر کند .

مفاد این قانون عبارت بود که از کلیه روزنامه‌ها ومجلات و بروات تجارتی و اجاره‌نامه ها و اسناد دادگستری حق تمبری تا مبلغ چهارده لیره انگلیسی وصول گردد درست این قانون بمنزله کبریتی بود که به مخزن باروتی زده شود .

امریکائیها این قانون را بر خلاف عدل و انصاف دانسته ومیگفتند انگلیس حق نداشت بدون رضایت مردم چنین تحمیلی را بنماید . کلیه تمبرها را سوزانیدند و ادارات فروش تمبررا منحل کردند . در نتیجه دولت انگلیس مجبور شد در مقابل این مقاومت شجاعانه ملت آمریکا سر تعظیم فرود آورده و قانون تمبر را ملغی نماید . لیکن مشعل استقلال طلبی که در امریکا شعله ورشده بود چیزی نبود که بتوان او را بزودی خاموش نمود بلکه چون آتش خانه می‌کرد و بتدریج دامنه پیدامینمود بطوریکه تقریبا در سراسر امریکا نهضت استقلال طلبی شیوع پیدا کرد مثلا در **کارولینای** جنوبی« **کریستوفر کارسدن** » میگفت « ما باید در برابر حقوق طبیعی بشر جانبازی کنیم نیوانگلندی و نیویورکی معنی

قسمت اول

نظری بتاریخ سیاسی امریکا

فصل اول - مبارزه برای استقلال

وقتیکه امریکا بحد رشد و بلوغ سیاسی رسید فهمید که دیگر باید خود را اززیر یوغ سیاست استعماری انگلستان نجات داده واستقلال خویش درابدست آورد. اینفکر درست درموقعی بمغز آزادیخواهان امریکا خطور کرد که ملت از هرحیث لیاقت تحصیل کردن آزادی را داشت و تمام افراد و ساکنین امریکای شمالی بدون توجه به نژاد واصل و نسب خود دست بدست هم داده حاضر شدند تا آخرین قطره خون خویش برای بدست آوردن آزادی امریکا مبارزه کنند این درخت کهنسال دمکراسی که امروزه در امریکا یعنی در آزاد ترین کشور جهان سایه افکنده است نهال آن باخون هزاران فرد آزادیخواه امریکائی اعم از مرد وزن پیر و جوان آبیاری شده تاچنین میوه شیرینی را بثمر رسانیده که در عصر حاضر در کلیه اقطار جهان افراد روشنفکر آرزو میکنند که در امریکا بوده ودرزیر سایه درخت دمکراسی با چشیدن از طعم میوه لذیذ آن یعنی آزادی و برابری باخیال آسوده وراحت بزندگی خویش ادامه دهند.

وقتیکه درسال ۱۷۶۳ جنگهای هفت ساله خاتمه پذیرفت جنبش استقلال طلبی امریکا شروع شد. چون درجنگهای هفت ساله انگلیس

ندارد همه تار پودیك ملت هستیم » یکی دیگر میگفت « آیا زندگانی و صلح آن اندازه گرانبها است که باید با قیمت بردگی آنرا حفظ نمود؟ خدا نکند اینطور باشد. خدایا من آزادی بده یا مرگ . »

دولت انگلیس وقتی نارضایتی مردم امریکارا در مقابل خود دید بعوض اینکه روی خوشی بآنها نشان دهد و باآنان ازدر دوستی درآید به پیروی ازسیاست « استاتو کوئو » « بستن » را به روی امریکائیها بست و فرمان « ماساچوست » رالغو وقوانین شدیدی وضع نمود امریکائی‌ها در مقابل نمایندگانی انتخاب و کنگرهٔ درسپتامبر ۱۷۷٤ در فیلادلفیلا تشکیل دادند وچهل و پنج نماینده در آن شرکت کردند و ایستادگی در برابر انگلیس را تصویب نمودند دراین هنگام آزادیخواهان مردم را تشویق به پایداری درمقابل انگلیس و گرفتن استقلال امریکامینمودند در این ضمن آزادیخواه معروف « توماس پین » که نژاداً انگلیس بوده و از بانیان استقلال امریکا بشمار می‌رود رساله معروف خودرادرتحت عنوان « عقل سلیم » انتشار داد که تاثیر بسزائی درروحیه ملت نمود و بآنها فهماند که « حق گرفتنی است نه دادنی » و درآن چنین نوشت .

« بیائید خط بطلانی ازفراموشی برروی نفاق‌ها واختلاف‌های داخلی بکشیم وهمه باهم، در طرفداری ازحقوق وآزادی بشر وگرفتن استقلال ممالك متحد امریکا ازدل و جان بکوشیم ! دولت موظف است که آزادی وامنیت را حفظ کند وچون دولت انگلیس برما مانند یك مستعمره حکمروائی می‌کند و رعایت هیچیك ازین دواصل رانمی‌نماید، ما بیهوده بدو مالیات‌میپردازیم و بر احکام واوامرش گردن می‌نهیم . . . مگر می‌توان این عقیده احمقانه راتائیدکرد که قاره ای بدین بزرگی تاابدمقهور

و محکوم جزیره ای بدان کوچکی باشد ؟ ! »

در واقع انتشار این رساله بمنزله ضربه محکمی بود که بر پایه‌های کاخ آمال استعماری انگلیس درامریکای شمالی فرود آمد و آنرا چون شهر پمپی در هم ریخت و برای ابد در زیر زمین مدفون ساخت. بالاخره پس از یکرشته مبارزات دلیرانه که مردم امریکا نمودند در ۷ ژوئیه ۱۷۷٦ با صدور اعلامیه استقلال که توسط « جفرسن » پیشنهاد شد صفحه نوینی در تاریخ ملت امریکا بوجود آمد.

اعلامیه استقلال پس از ذکر مقدمه و علل انقلاب آمریکا چنین می گوید « **این حقیقت در نظر ما کاملا روشن و آشکار است که : همه نوع بشر یکسان و برابر خلق شده و از جانب پروردگار از حقوق غیر قابل انتقالی مانند حق حیات ، آزادی و جستجوی خوشبختی برخوردار گردیده‌اند و برای تامین این حقوق حکومت هائی تاسیس شده که اختیارات قانونی آنها ناشی از رضایت افراد جامعه است تا اگر حکومتی درصدد از بین بردن اصول مسلم مذکور برآید ملت حق دارد آنرا تغییر دهد و حکومتی جدید تشکیل دهد و آنرا طوری برپا سازد و اختیاراتش را بوضعی بنا کند که معتقد است بهترین وسیله تامین و آرامش و خوشبختی اش خواهد شد.** »

این اعلامیه که بمثابه پیش آهنگ آزادی بود . امریکائی ها را برای بدست آوردن استقلال مجهز تر وچون پولاد آب دیده آنها را سخت تر درمقابل انگلیسها نمود تا اینکه پس از هفت سال جنگ عده‌از آزادیخواهان کشورهای اروپائی ازقبیل لافایت وروشامبو از فرانسه و عده‌ای دیگر از آلمان وهلند بکمك استقلال طلبان امریکا آمده و در صفوف ارتش قرار گرفتند .

فصل دوم

جرج واشنگتن و جفرسن

در موقع انقلاب فرماندهی ارتش انقلابیون بعهده کشاورز آزادیخواهی بنام جرج واشنگتن واگذار گردیداین مرد آزاده اولین سنك بنای جمهوری امریکا را کارگذاشت و در میدان نبرد باثبات و استقامت بی نظیری که ازخود نشان داد توانست



جرج واشنگتن

ملت امریکا را بطرف فتح و پیروزی هدایت کند و استقلال آنرا

بدست آورد . ناگفته نماندتوده انگلیس که برای نخستین مرتبه در جهان پرچم آزادی را بوسیله منشور « **ماگانا کارتا** » بدست آورده و بمردم نشان داده بود که از این ببعد حکومت مختص ملت خواهد بود، بهیچوجه در این جنگها بادولت موافق نبود وحتی افسرانی آزادیخواه مانندلرد «**جفری امبرست**» از جنگ بر علیه امریکا اباورزیدند سر انجام جنگ با کمك فرانسه خاتمه پذیرفت و معاهده قطعی صلح در ۳ سپتامبر ۱۷۸۳ در پاریس بین انگلستان وفرانسه بامضا رسید و این پیمان بمثابه شناسائی رسمی استقلال امریکاشد . ودرمه ۱۷۸۵ مجلس موسسان در **فیلادلفیا** تشکیل گردید تارژیم حکومت آینده امریکارا معین نمایند و بسیاری از اشخاص بزرك و نوابغ عالم از قبیل **واشنگتن** ، **فرانکلن** ، **مادیسن** **هاملتین** ، **راندلف** ، میسن ودیکنسن بعضویت مجلس موسسان انتخاب شدند . وجهت استحکام وحدت ملی پایه حکومت را بر این سه رکن استوار ساختند .

۱ ـ کنگره مرکب از مجلس سنا و مبعوثان .

۲ ـ رئیس جمهور .

۳ دیوان عالی دادرسی .

بعدا اولین کنگره درپائیزسال ۱۷۸۹ منعقدشد یك متمم ده مادة بقانون اساسی افزود که باعلامیه " حقوق بشر " Bill of Right معروف است حاوی این نکات بود . آزادی بیان و آزادی مذهب و مصونیت از تعدی دیگران و حق داد رسی دادگاهها برای عموم ملت شناخته شد . ازاین بعد امریکائی دیگر خودرا آزاد وحاکم برمقدرات خویش میدانست .

دومین رئیس جمهور امریکا "ژان ادامس "است که شخص حقوقدان

و سیاستمدار مدبری بود و موسس حزب « بستن » میباشد و نیروی دریائی امریکا بوسیله او تاسیس گشت .

سپس « جفرسن » که اورااولین‌پیشوای دمکراسی وبزرگترین حامی حقوق مردم امریکا مینامند بریاست جمهور رسید . در زمان



جفرسن

« جفرسن » امریکا مـانند بسیاری از اقوام دیگر مجبور بود بدزدان دریائی باج‌بدهدولی بواسطه حسن‌تدبیر این‌شخص نیروی دریائی امریکا دزدان دریائی را تار و مار کرد و امریکا توانست‌بدون‌هیچ‌مانع ورادعی‌در تمام‌اقیانوسها کشتیرانی کندوهمچنین سرزمین «لوئیزانا »را ازفرانسه خرید وضمیمه امریکا کرد . درسال ۱۸۱۲ مجدداً جنگ بین آمریکاوانگلیس آغازشدوسرلشکرامریکائی‌موسوم‌به « اندرجاکسن » در « نیو ارلئان » انگلیسها راشکست سختی داد وکشتی‌های شراعی امریکاتوانستند در مقابل‌معظمترین نیروی‌دریائی آنروز مقاومت کنند وبالاخره شاهدپیروزی‌رادرآغوش کشیدند.جفرسن دومرتبه بمقام‌ریاست جمهوررسیدوسیاست‌اواین‌بود که: آزادی‌برای‌عموم‌وفراهم ساختن‌اسباب

سعادت و کامیابی متساوی برای همه . جفرسن عقیده خودرا راجع به حکومت چنین بیان‌می کند

نخستین و یگانه منظور یك حکومت خوب باید توجه به زندگانی وسعادت افراد ملت باشد نه‌خراب کردن‌آن . آزادی بهیچوجه ازخطر مصون نخواهد ماند مگر آنکه در دست خود ملت باشد اساس حقیقی حکومت دمکراتیك مساوات در حقوقی است که برای تمام افراد ملت شناخته شده است تا هرطور که بخواهند نسبت بشخص‌ودارائی خویش حکومت نمایند .

سر انجام‌درزمان جفرسن‌بکلی دست انگلیس ازامریکای‌شمالی کوتاه گشت وشکست خودرا ازامریکای شمالی بوسیله بدست‌آوردن مستعمرات در امریکای جنوبی‌جبران نمود و منافع اقتصادی سرشاری از این مستعمره جدید بدست آورد . دولت انگلیس درصورتیکه‌دراین هنگام طرفدار صلح کامل‌در اروپا بود آتش جنك‌را در امریکای‌جنوبی دامن میزد .

فصل سوم

سیاست مونرو

در ۱۸۱۷ مونرو بریاست جمهوری امریکا انتخاب شدچون در زمان مونرو تحول عظیمی در سیاست خارجی امریکا پیدا شد از اینرو دیپلماسی امریکا در این زمان خیلی قابل توجه میباشد بنابراین برای انکه ما سیاست خارجی امریکا را بخوبی تشریح کنیم مجبوریم قبلاقدری بعقب بر گشته و نظری به اوضاع سیاسی آن روز اروپا بیافکنیم .

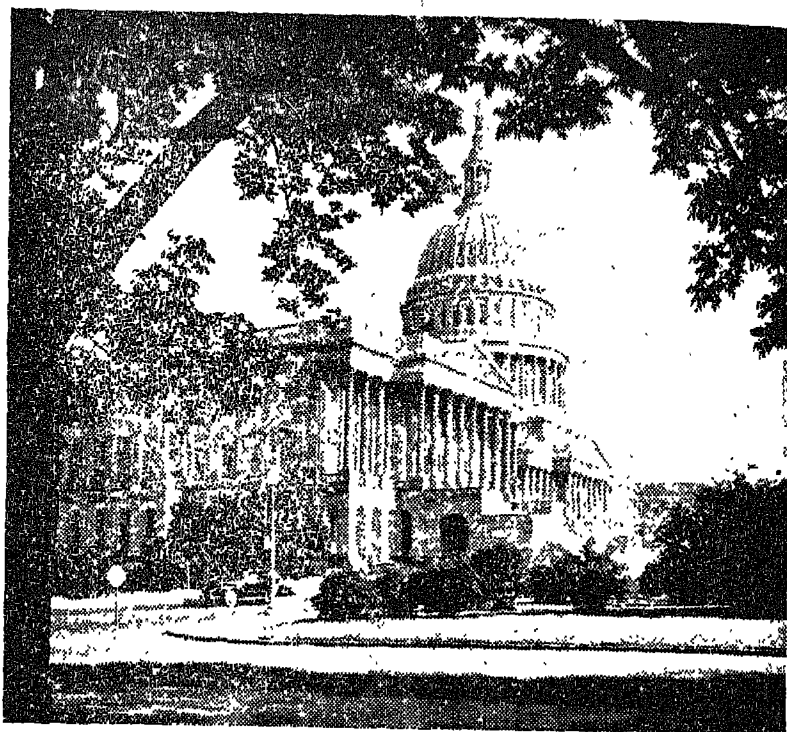


مونرو

الکساندر تزار روسیه که در اثر اقدامات سیاسیون وقت اروپا از قبیل مترنیخ ـ تالیراند ـ کاستیلری در کنگره وین نتوانسته بود

بمقاصد سیاسی خود نایل گردد و در کنفرانسهای بعدی هم شکست خورده بود برای جبران آن فورمول جدیدی مبنی بر اتحاد بین سلاطین اروپا بنام « اتحاد مقدس » پیشنهاد نمود ومنظورش از این امر این بود که نفوذ وزیران ودیپلماتها را کم نموده و باموافقت پادشاهان سرنوشت ملل را تعیین کند . درحقیقت اتحاد مقدس عبارت بود از : توافق سلاطین علیه آزادی ملل .

دراین هنگام در امریکای جنوبی اهالی بتحریك انگلیسها بر علیه پرتقالیها و اسپانیائیها برای تحصیل آزادی خوددست بشورش وانقلاب



عمارت عظیم وباشکوه کنگره امریکا که به « کاپیتول » معروف است

زده بودند تزار روسیه برقابت انگلستان و برای بدست آوردن عثمانی شورشیان امریکای جنوبی را پیروان انقلاب فرانسه نامید و بنام اتحاد مقدس ازتمام سلاطین اروپا در خواست کمك باسپانی نمود بدین ترتیب میخواست توجه تمام دول اروپارا بطرف امریکا متوجه کند تا باخیال راحت کار دولت عثمانی را یکسره کرده و خودرا وارث منحصر بفرد این « مرد بیمار که در حال احتضار بود » قلمداد نماید.

وقتیکه رئیس جمهور مونرو از اینموضوع اطلاع حاصل کرد در ۱۸۲۱ اعلامیه بکنگره داد که بعد از شرح وقایع امریکا پیشنهاد مسدود کردن امریکارا در مقابل نفوذ اروپا نمود واعلام نمود درصورت مداخله هریك ازدول اروپا دول متحد امریکا حاضر است که ازمستعمرات امریکای جنوبی دفاع نماید. ودر موقعیکه اتحاد مقدس خیال مداخله درامریکا راداشت این اعلامیه که در حقیقت بمثابه حمایت از آزادی ملل برضد سلاطین بود پاسخ امریکا باتحاد مقدس محسوب میشد طرحی را که کنگره امریکا برضد اروپاتنظیم نموده بود بوسیله نفوذ مونرورد شد ورئیس جمهور مانع گردید که در اثر زیاده روی کنگره روابط امریکا واروپا قطع گردد. در اواسط سال ۱۸۲۵ بود که دول امریکا تشکیل یك کنگره راکه فقط امریکائیها در آن عضویت داشتند و عقاید مونرو در آن اعلام شود پیشنهاد نمودند و محل آنرا در « پاناما » که نقطه اتصال بین دو قاره امریکا است تعیین کردند و « بولیوار » رئیس شورشیان امریکای جنوبی دراثر فتوحاتی که نصیبش شده بود خیال داشت مانند دول متحد امریکای شمالی دول متحد امریکای جنوبی رابرقرار نماید. دول امریکای شمالی نیز دربدو امر با این عقیده موافقت داشتند چون با

تشکیل این کنگره منافع انگلیس در امریکای جنوبی بخطر می افتد یعنی درحقیقت دول امریکای جنوبی استقلال خودرا بدست میآوردند و اززیر سلطه انگلیس خارج می‌شدند ودیگر انگلیسها نمی توانستند مانند سابق‌از منافع اقتصادی‌سرشار آنجا بهره مند شوند ولطمه بزرگی باوضاع‌اقتصادی انگلیس‌وارد میآمد بدین‌جهت « کانینگ »سیاستمدار مدبر انگلیسی که رئیس دولت بود شروع به تحریکاتی نمود در اثر اقدامات اودول برزیل وآرژانتین درکنگره پاناما حاضرنشدند ونیزدر اثر تحریکات کانینگ اکثریت افکار عمومی مخالف کنگره گردیدزیرا در موضوع اینکه چطور بایدعقیده مونروعملی گردد اختلاف حاصل‌شد. بموجب این‌عقیده اعلام شده بودکه امریکا باید بدست امریکائی ها اداره شود . اما امریکائی کیست ؟ آیا سفید پوستانی هستند که از اروپا مهاجرت کرده اند ؟ یا بومیها وسیاه پوستها نیز باید دخالت نمایند در اثر این تحریکات که انگلیسها در امریکاشروع کردند دول متحد امریکای شمالی از ترس‌دخالت بومیها وسیاه پوستان طرفداری‌از کنگره ننموده ودرمارس ۱۸۲۶ کنگره متفرق گردید و تصمیم گرفته شد که با هیچ دولتی اتحاد تعرضی و یا تدافعی بسته نشود مونرو ایالت **فلوریدا** را از اسپانیی خریداری کرد وضمیمه‌امریکا نمود خلاصه‌اصول سیاست خارجی مونرو این بود که « **سیاست مانسبت به‌اروپا اینست**

که در کار های داخلی هیچ یك از دول دخالتی نکنیم و باآنان‌روابط دوستانه بیشتری‌پیدا کنیم وآن روابطرا بوسیله سیاست صمیمانه پایدار ومردانه نگاهداریم‌وازهیچیك ازآنها نیزصدمه ولطمه ای‌تحمل ننمائیم . »

فصل چهارم

آزادی ازنظر آبراهام لینکلن

یکی دیگر ازروسای معروف جمهوری امریکا آبراهام لینکلن میباشد واین مرد برای اولین مرتبه برعلیه برده گی شروع بمبارزه نمود و قبل از اینکه بریاست جمهوری برسد همیشه سخنرانی های مهیجی علیه دیکتاتوری وله آزادی مینمود و ازنطق زیر معلوم میشود که چقدر او طرفدار اصول دمکراسی و دشمن سرسخت دیکتاتوری و استبداد بوده



آبراهام لینکلن

لینکلن چنین گفت :

«چه چیزی ضامن استقلال ماست ؟ آیا برج و باروی های ما یا کنارهای مستحکم کشور ما و یا نیروی بحری ماست ؟ نه ، اینها اسباب پشت گرمی ما در برابر زور واستبداد نیستند ، تمام آنها ممکن است برضد ما بکار روند بدون آنکه سستی وضعفی درقدرت مبارزه ما پدید آورند ، پشت گرمی ما عشق به آزادی است که خداوند درنهاد ما نهاده است وضامن ما آن روحیه ایست که آزادی را چون میراثی برای نوع بشر درسراسر جهان ودر

همه جا بدست آورده است . اگر این روحیه رااز بین برید تخم های ظلم و استبداد را در درگاه خود کاشته‌اید، همینکه فکر خودرا بازنجیرهای بندگی آشنا سازید پاهایتان را برای بستن باآن حاضر کرده اید ، واگر بپامال کردن‌حقوق دیگران عادت نمائید گوهر استقلال خویش‌را از دست‌داده وخودرا بندگان سزاوار اولین دیکتاتور ظالم‌زبردستی که‌درمیان شما پیداشود قرار داده اید . »

لینکلن این نطق رادر مقابل ده‌هاهزارنفراز اهالی آمریکا ایراد نمودودربین کف زدن‌های‌ممتدمورد تحسین حضارواقع‌شد ویکی‌ازعلل موفقیت او گردید .

در سال ۱۸۵۰ بین کشورهای های شمالی و جنوبی دول متحد امریکا اختلافاتی در باره قضیه بردگان و آزادی بازرگانی خارجی‌پیدا شد اهالی‌جنوب که بیشتر از کشاورزی‌امرارمعاش‌میکردندطرفدار‌استفاده از بردگان و آزادی بازرگانی خارجی بودند چون‌باین‌ترتیب‌میتوانستند اجناس‌خودرا ببهای‌خوبی بفروش‌رسانده‌وکالاهای صنعتی‌را باقیمت‌ارزان بدست آورند برعکس قسمت شمالی که ازسال ۱۸۳۰ در اثر مهاجرت اروپائیان توسعه زیادی پیداکرده واهالی آن کارخانجات زیادی تاسیس کرده بودندآزادی بازرگانی خارجی را مانع‌بزرگی برای پیشرفت کار خود می‌دیدند وبارژیم بردگی نیز مخالف بودند .

درسال ۱۸۵۲ رژیم چهار ناحیه که ازمکزیك منتزع وبه دول متحد امریکای شمالی ملحق گردیده‌بودمورد اختلاف‌شمالیهاوجنوبی‌ها گردید ولی بالاخره سازشی در این موضوع بین آنها حاصل گردید اما تبلیغات شمالی ها برای‌ازبین بردن بردگی‌وانتخاب **ابراهام‌لینکلن** در سال ۱۸۵۹ بریاست جمهوری باعث تشدید اختلاف گردید و پس از جنگی که بین آنها شروع شد بالاخره بعد از چهار سال بنفع شمالی‌ها

خاتمه پیدا کرد ودر ۲۲ سپتامبر ۱۸۶۲ لینکلن رژیم بردگی را لغو و صفحه نوینی درتاریخ آزادی بشریت بازنمود .

اینك یکی دیگر از نطقهای لینکلن که راجع به تفسیر کلمه آزادی نموده و برای همیشه درهر کشوری وسرزمینی صدق میکند و تا کنون کسی «آزادی» را جامع تر وبهتر ازاین تعریف نکرده است ازنظر خوانندگان میگذرانیم تا بدانند بی‌جهت نیست که امروز آزادیخواهان جهان کاخ سفید امریکا را قبله‌گاه خود دانسته و امریکا را مشعلدار آزادی و پیشوای صلح ودمکراسی میخوانند.

لینکلن چنین گفت :

« ماهمه خود را طرفدار آزادی میدانیم ولی متاسفانه مفهوم آزادی برای همه یکسان نیست برای بعضی آزادی عبارت از اینست که هر فردی ازافراد بشر آنطوریکه دلش میخواهد ، آزادانه زندگی کند ومحصول کار خویش را آنطوریکه دلش خواهد بمصرف رساند اما ، هرفردی ، آزادی را در این می پندارد که دیگران بدلخواه ایشان زندگی کنند و محصول کار مردم بدلخواه ایشان خرج شود و هیچکس آزادی فردی نداشته باشد پس این دو تعریف نه فقط مثل هم نیستند بلکه کاملا متناقض اند وآنچه دسته دوم «آزادی» میخوانند دسته اول ظلم و بردگی میدانند .

« چوپان ، دندان تیز گرك را ازگلوی نرم بره بدور می‌-کند و بره سپاسگذار چوپانست که جانش راازچنگال گرك نجات داده است . بره چوپان را ناجی خویش میخواند . اما گرك بهمین علت ، چوپان را « آزادی کش » مینامد و باو فحش

می‌دهد و میگوید آن بره خیانتکار و باید بمیرد !

« واضح است که گرگ و بره نمیتوانند در تعبیر و تعریف کلمه « آزادی » همعقیده شوند. امروز همین اختلاف بر سر تعریف آزادی درمیان زادگان بشر حکمفرماست.

« بدین ترتیب مشاهده میکنیم که چگونه هزاران مرد وزن که هر روز بدام بردگی واسارت میافتند وآزادی انفرادی را از دست میدهند بوسیله بعضی چنین تعبیر میشود که «آزادشده‌اند» و « آزادی پیروز شده است » وحال آنکه گروهی دیگر می - گویند« آزادی ایشان از دست رفته » و« بدام اسارت و بندگی افتاده اند. »

در سال ۱۸۹۸ چون دولت اسپانیا بنحوی ظالمانه و بیرحمانه با اهالی مستعمرات خود رفتار میکرد امریکا برای آزادی این بیچارگان که در زیر تازیانه اسپانیائیهای سفاك وخونخوار زن در مقابل شوهر، پسر در مقابل پدر، بچه در مقابل مادر، جان میسپردند هزاران از جوانان امریکائی را قربانی دادتا توانست سرزمینهای« **پرت ریکو** » « کوبا » «مجمع الجزایر فیلیپین» و«هاوائی » را اززیر چنگال استعماری اسپانیا نجات داده واهالی آنجا را درتحت حمایت خود محافظت نمود.

در اینموقع عدهٔ ساده لوح بدولت حمله کردند که امریکا رژیم امپریالیسم را پیش گرفته وگویا داعیه آزادی خواهی دیرین خود را فراموش کرده اما این حملات کاملا بی مورد بود زیرا دنیا بزودی فهمید که امپریالیسم خیالی امریکا منجر بجمهوری کوبا و خود مختاری مجمع الجزایر فیلیپین وحقوق تابعیت مساوی برای مردم پرت ریکو و هاوائی گردید.

امریکا بمردم هیچیک از مستملکاتش نگفت که شما باید وضع حاضر را حفظ کنید یا اینکه آنها را مانند چارپایان به بیگاری وا دارد ودر صورتیکه کمترین ناراضیتی در ناصیه ایشان مشاهده کند گروه گروه آنها را از دم لوله‌های مسلسل بگذراند بلکه بعکس متصل صحبتش این بود «خود را تربیت کنید وطریقه حکومت ملی را فرا گیرید ما نمیخواهیم برای همیشه وقت خود را صرف اداره امور شما کنیم . ممکنست سیاست فعلی را ادامه داد اما این روش موجب ناراحتی فکر ما میباشد ما بخواندن و نوشتن فرهنگ و بهداشت توجه خاص داریم و نمیخواهیم در زیر پرچم امریکا بردگی را ترویج دهیم ما بخاطر داریم که برای کسب آزادی وشروع استقلال خود چه رنجها برده ایم مامیخواهیم افراد جهان آزاد باشند ودرحل مسائل روز مره بماکمك کنند . »

فصل پنجم

جنك اول جهانی وسیاست ویلسون

امریکا بپیشرفت و ترقی خود ادامه میداد تا اینکه **ویلسون** بریاست جمهوری انتخاب شد پس از مدتی افق سیاسی بهار سال ۱۹۱٤ اروپا از ابرهای تیره وتاری پوشیده شد ودر پایتختهای اتریش آلمان بوی باروت استشمام میگردید و صلح جهانی دائما مورد تهدید قرار میگرفت جنك بين الملل اول شروع شد بالاخره بعد از آنکه ابتداء آلمان درتمام جبهه‌ها فاتح بوددراثرطولانی شدن جنك قوای او روبضعف رفت ومتفقين



ویلسون

در اغلب جبهه ها ابتکار عمل را در دست گرفتند (هندنبورك) در خاطرات خود مینویسد : آلمان چکشی را که برای منکوب کردن دشمنان خود بلند کرده بود رفته رفته بزمین افتاد تا اینکه متفقين آنرا اززمین بر داشته بر ضد خود او استعمال کردند . دولت آلمان درمقابل

این مشکلات و برای ضعیف کردن متفقین و اختلال وسائل ارتباط آنها
در سال ۱۹۱۷ بجنك زیر دریائی توسعه داد و قریب ۴۰۰ کشتی و
۸۰۰ هزار تن مواد مورد احتیاج متفقین را بقعر دریا فرستاد . دولت
آلمان اینوسیله را مانند تهدیدی بر علیه متفقین برای بدست آوردن صلح
با آنها استعمال میکرد درست درهمین موقع بود که کشتی «لوزیتانیا»
امریکائی را غرق کردند وقریب ۱۳۹ نفر امریکائی راهم کشتند واین عمل
باعث نفرت جهانیان و مخصوصاً امریکائیها نسبت برفتار آلمان ها گشت
ویلسون قبل ازانتخاب مجدد خود بریاست جمهوری نمیخواست بطور
آشکارانه طرف متفقین یا متحدین را بگیرد باین جهت درمقابل تبلیغات
آنها صبر وحوصله بخرج داد وفقط با ارسال یاداشتهای اعتراضی بدولت
آلمان اکتفاء نمود وقتی دومرتبه بریاست جمهوری انتخاب شد در ۱۹۱۶
ویلسون پیشنهاد صلح را بدول اروپاارسال داشت وفقط پیشنهاد کرد تا
نظریات طرفین خواسته شود که شاید بتواند صلح را بر قرار کندوحتی
میانجیگری خودرا هم پیشنهاد نکرد دول آلمان و اطریش که مترصد
موقع بودند بدون اینکه بمنظور حقیقی رئیس جمهور پی برند و برای
اینکه اورا مجبور بهمراهی با خود کنند در ۲۷ دسامبر موافقت خودرا
با میانجیگری رئیس جمهور امریکا اعلام داشتند و تقاضای تشکیل
کنگره ازمتخاصمین در یك کشور بیطرف نمودند رئیس جمهور امریکا
که آزادی ملل و برقراری اتفاق بین آنها سرلوحهٔ برنامه خود قرارداده
بود ازمانوردیپلماسی آلمان منزجر گردیدو بفکر چاره دیگری افتاد دراین
موقع « ویلهلم » برای اینکه امریکا رامجبور بمیانجیگیری کندرویه
تهدید آمیزی پیش گرفت و در ژانویه ۱۹۱۷ اعلام نمود بجنك زیر
دریائی توسعه بیشتری خواهد داد چون قبلا دولت آلمان وعده داده بود

که بر ضد کشتیهای امریکائی اقدامی نکند مفهوم این اعلامیه چنین تعبیر میشد که دیگر دولت آلمان بیطرفی کشتیهای امریکائی را مراعات نخواهد کرد و بعداً در ۳ فوریه ۱۹۱۷ دو کشتی امریکائی ازطرف آلمانها غرق شد باینجهت کشتیهای بازرگانی امریکائی برای دفاع در مقابل زیر دریائیهای آلمان خودرا مسلح کردند ودر ۲۳ فوریه ۱۹۱۷ درعین حال که رئیس جمهورامریکا اعلام میکرد نظرجنك ندارد از کنگره تقاضا مینمود وسائل واختیارات لازم را برای محافظت جان ومال اتباع امریکا در اختیار او گذاشته شود وتصویب این اختیارات تا ۱۳ اوریل بطول انجامید تا اینکه مذاکرات آلمانها در مکزیك برای انعقاد پیمان اتحادی با ایندولت ودولت ژاپن برعلیه دول متحد امریکا فاش گردید و کنگره امریکا تردید را جائز ندانسته ودر ۱۵ آوریل ۱۹۱۷ با پشتیبانی اکثریت زیادی دولت امریکا بآلمان اعلان جنك داد .

باید دانست امریکا با اعلان جنك بآلمان بهیچوجه تقاضائی نداشت بلکه ورود اودرجنك بمنزله عمل یك قاضی بود که بعد از شنیدن دلائل طرفین تصمیمی اتخاذ نموده وامر باجرای آن دهد آنچه امریکا رابجنك کشانید وملت را تهیج کرد درواقع احساسات ملی بود ، وقتی دیدند که پرچم کشور آنها بدون جهت طعمه حریق قرار گرفته وقتی مشاهده نمودند که آزادی آنها درخطر افتاده اعلان جنك دادند و گفتند «**صحیح است که حفظ صلح گرانبها است اما نه آن اندازه که بقیمت تضیع حقوق مردم و امحاء دمکراسی تمام گردد . باید برای دمکراسی و برای کمك کسانیکه جهت حفظ حقوق خودمبارزه میکنند جنگید. باید جهانی بوجود آورد که حقوق مردم دائما در آن حفظ گردد .**»
این بود منظورامریکا ازجنك . با ورود امریکا بجنك شکست آلمان

قطعی شد وباآنکه امریکا خودراآماده جنك نکرده بود طولی نکشید
که دوملیون نفرسرباز درفرانسهٔپیاده کرداینجا بود کهملت خوش‌حساب
امریکا دینی راکه به «لافایت» مدیون بود درست در موقعیکه فرانسه
ومتفقین بکلی ازهرروزنه امیدی مایوس شده بودند وفنای‌خودراقطعی
ومسلم میدانستند بفرانسه پرداخت وتاج فتح وپیروزی را بدست‌مارشال
فوش تقدیم ملت فرانسه‌کرد . اما نتیجه که از این جنك نصیب امریکا
شد بشرح زیر بود .

امریکا درجنك تلفات وخسارات فوق العاده ای دید ولی بعد ازجنك مطالبه غرامت یا مستعمراتی نکردوتنها قطعه زمینی راکه امریکا دراروپا بدست آوردگورستانی بودکه در آن سربازان خودرا بخاك سپرد ملت امریکا هیچگاه ازضرر هائی که در نتیجه جنك عایدش شد شکایت نکردزیراعملی‌راکه‌کرده بود ازروی طیب خاطروبرای حفظ معتقدات خود بود ومنظور مادی ازاین کارنداشت .

بالاخره درژانویه ۱۹۱۸ ویلسون اعلامیه معروف خود را که
مشتمل بر۱٤ ماده بود منتشرساخت و پیشنهادکردکه‌این اعلامیه‌اساس
بر قراری صلح قرارگیرد ودر نطقی که بمناسبت روز استقلال امریکا
ایرادکرد چنین گفت :

« این‌امتیازگرانبهای ماستکه نه فقط آزادیهای امریکا بلکه آزادیهای کلیه‌ملل‌را نیز تامین‌میکنیم »

ما شنیده ودیده ایم که مبارزه خود مختاری و استقلال در میان سایر اقوام توسعه می یابد و منجر بپیروزی میشوده

ما آمده ایم که حق آزادی سیاسی را چون‌حق‌مسلم‌نوع

بشر محترم شماریم .

سال بسال چون بساط آزادی و دموکراسی درسراسر جهان بیشتر گسترده میشود انبساط خاطر ما نیز افزون میگردد.

اکنون ما با خطری مواجه شده ایم که برآنست آنچه ما با خون دل بدست آورده ایم و آنچه جهان بسالیان دراز کسب کرده است همه را یکسره بر باددهد باتمام گستاخیهای پیشین و باتمام ستمگریها و بیدادگریهای دیرین استبداد نظامی بار دیگر خودرا مسلح ساخته و برعلیه امیدهای مسالمت آمیز مردم لشگر بر انگیخته است .

ما ناگزیر از نوحق مسلم بشر رامبنی بر اینکه در وضع قوانین و تعیین تکالیف خود نسبت بدولت متبوعه آزاد باشد تأکیدو تائید کنیم و یا باید بگذرانیم که انسانیت قربانی جاه طلبیهای سبعانه کسانی گردد که مصمم هستند آنچه را که نمیتوانند دستخوش هوی و هوس خویش سازند بر باد فنا دهند .

گذشته وحال باهم سخت درپیکارند ...

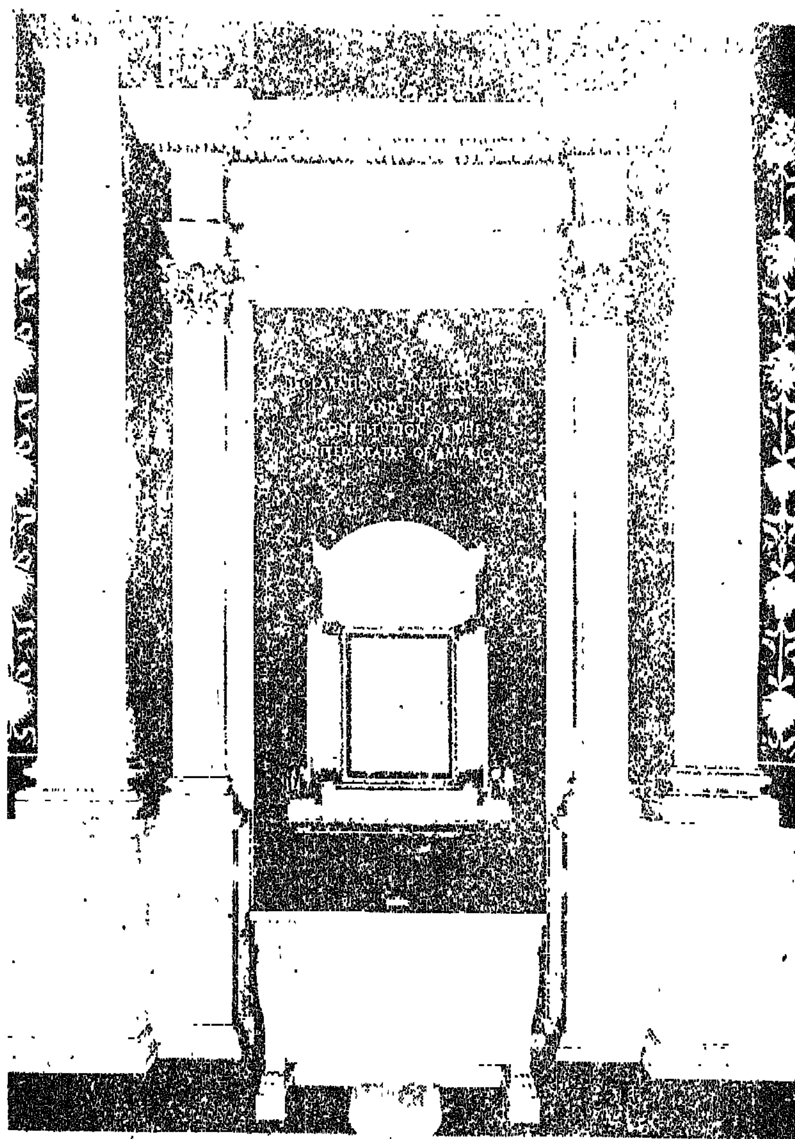
آنچه ما میجوئیم حکومت قوانینی است که مبنایش رضایت مجریان و پشتیبانانش عقاید منظم افراد بشری باشد .

آرزوی ما نظم بین المللی نوینی است که طبق آن عقل وعدالت و نفع مشترك بشر حکمفرما گردد . بدون چنین نظم نوینی صلح از جهان رخت برخواهد بست .

هموطنان عزیز ! من ازشما درخواست میکنم که متفق الرأی گردید و این روز جشن را متبرك سازید و آنرا اولین روزی اعلام نمائید که برای آزادی تمام ملل جهان تخصیص یافته باشد .

در پایان سال ۱۹۱۷ ویلسون هیئتی از استادان دانشگاه وعلمای جغرافیائی تشکیل داد تا بسوابق تاریخی و نژادی ملل اروپا رسیدگی

کنند و با درنظر گرفتن امال و آرزوهای آنها ملت های گوناگون را مستقل ساخته با اتحاد آنها صلح را بر قرار سازند و بعد از امضاء ترك مخاصمه با آلمان ویلسون شخصاً با عده زیادی از متخصصین که مدارك زیادی همراه خود داشتند باروپا مسافرت کرد . ضمناً برای موافق نمودن افکار عمومی با نظریات خود ، ویلسون بشهر های فرانسه و انگلیس و ایتالیا مسافرت نمودو بمطالعات خودادامه دادو بعدا پایه جامعه ملل راریخت وحتی درمیثاق آن که قبلا بوسیله انگلیسها نوشته شده بود تغیرات و اصلاحات بیشماری بعمل آورد لیکن بعداً چون کنگره امریکا نمیخواست که دولت امریکا بواسطه شرکت در جامعه ملل برای خودش تعهدی ایجاد نماید باینجهت با شرکت امریکا در جامعه ملل موافقت ننمود و سیاست خارجی امریکا ازاین تاریخ ببعد رجعت بسیاست عدم مداخله نمود وتقریبا میتوان گفت که دومرتبه بسیاست مونرو متمایل شد .



قانون اساسی امریکا از آن لحاظ مورد تکریم همه واقع شده که در عین حال که حقوق و قدرت حکومت متحده مرکزی را تعیین می نماید، حقوق ایالات و افراد را نیز تعیین کرده و محترم میشمارد

فصل ششم

جنك دوم جهانی وسیاست روزولت

سال ۱۹۳۹ که آتش جنك دوم جهانی باز بوسیله آلمانها روشن شد در این موقع روزولت رئیس جمهور امریکا بود دراوریل ۱۹۳۹ روزولت پیامی بدولت انگلیس و فرانسه و آلمان وایتالیا فرستاد ودر آن پیشنهاد کرد که برای حفظ صلح ونجات دادن اروپا ازچنگال مهیب جنك دولت های بزرگ کنفرانسی تشکیل بدهند ومسائل مهمی راکه باید حل وفصل شود بین خود مورد بحث قرار دهند. وبرای اینکه از هر گونه اقدام خصومت آمیزی نسبت بیکدیگر



روزولت

خود داری کنند باید یك پیمان عدم تجاوز ده ساله بین خود منعقد نمایند. لیکن آلمانها این پیشنهاد را نپذیرفتند و هیتلر ضمن نطقی که در ساعت ۱۱ روزجمعه ۲۸ اوریل در مجلس رایشتاك ایرادنمود ابتداء مثل سایر نطقهایش از حق حیات ودفاع توسعه آلمان صحبت نمود وپس از بیان یکسلسله مطالب مربوط بوقایع مهم اروپا بموضوع پیام روزولت ومسئله لهستان رسید (البته باید متوجه بود که پیام روزولت

بیشتر برای مسئله لهستان بود) پیشوای آلمان پاسخ صریح وقطعی بامریکا داد و گفت که : امریکا حق مداخله در روابط خصوصی کشورهای اروپا را ندارد . . . در حقیقت این پاسخی بود بپیام روزولت . بعد از آنکه جنك شروع شد ولهستان بفاصله مدت کمی از پادر آمد روزولت مجبور شد برای حفظ منافع امریکا وجلوگیری از خطر احتمالی بلکه حتمی آلمان در سیاست عدم مداخله وقانون بیطرفی تجدید نظر کند و در ضمنی که تکلیف خود را نسبت بدیگران روشن میکرد ملت امریکارا هم راضی نموده رهم منافع آنهارا حفظ نماید .

از اینرو از کنگره تقاضا نمود که بکشورهای اروپا اسلحه فروخته شود ودرقانون «پیت مان» تغیری داده شودو پس از یکرشته مباحثات طولانی بالاخره روزولت برای کنگره پیام فرستاد وتوضیح داد که مقصود او از اصلاح قانون بیطرفی اینست که از کشانده شدن امریکا بطرف جنك بوسیله این قانون جلوگیری بعمل آید وکنگره هم پس از اینکه بمنظور روزولت پی برد برای اینکه امریکا از خطر جنك مصون ماند آنرا تصویب نمود وحالا دیگر بتدریج آمریکا خود را اماده برای دفاع مینمود .

دراین موقع شب وروز ملت هائی که درزیر ضربات چکمه پولادین فاشیستها خورد شده بودند و سر زمینهای آنها مورد اشغال نازیهای خوانخوار در آمده بود بوسیله فراریان خود که در امریکا پناهنده شده بودند ونیز دولتهای دیگری که در زیر بمب‌های آتش‌زای آلمان فاشیست آخرین مرحله حیات خود راطی میکردند ونیمه رمقی از آنها باقی بود مانند انگلستان واتحاد جماهیر شوروی دائماً بوسیله رادیو وروز نامه ها و

نمایندگان سیاسی خود در امریکا تقاضای کمک فوری امریکا و ورود او را بجنك جهت کشورهای خود وقاره اروپا از زیر چنگال اهریمن فاشیست مینمودند امریکا مترصد فرصت بود تااینکه بطور ناگهانی از طرف ژاپونیهای متجاوز در پرل‌هاربور بکشتیهای امریکائی حمله‌شد وامریکادیگر نتوانست بیش‌ازاین‌شاهد عملیات ظالمانه ومتجاوزانه‌دول محور باشدومجبورشدبرای‌دفاع‌از دمکراسی‌وآزادی بشریت برای‌دومین مرتبه وارد جنك جهانی شود وقتی‌امریکا وارد جنگ شد روزولت در نطق تاریخی‌خودش‌مقصود امریکا را ازورود بجنك چنین بیان‌نمود.

«مادر برابر هیچ‌تهدیدی ودرمقابل‌هیچ خطری‌تسلیم نخواهیم شدوضمانت‌آزادی که‌پدران‌مادراعلامیه‌حقوق‌بشر برای‌ما‌نگاشته انداز‌دست‌نخواهیم‌داد ماتصمیم قطعی‌گرفته‌ایم که‌نگذاریم‌هیچ مجموعه قوای متحدهٔ در روی‌زمین اساس‌متین حقوق انسانی‌را متزلزل‌نماید ما با یکدیگر در برابرسراسر جهانیان عهد‌بسته‌ایم اکنون که در دفاع‌ازآزی اد سلاح جنك بدست‌گرفته‌ایم‌مادام که آزادی در تمام روی زمین بر قرار نشود آن سلاح را بر زمین نگذاریم . ماامروز جنك میکنیم برای سعادت و سلامت و ترقی نه تنها ملت خودمان بلکه برای تمام ابناء بشر . »

پس از اعلان جنك امریکا بدول محور - بلا فاصله ارتش امریکا از غرب گرفته‌تا شرق بتمام جبهه‌های جنك اعزام شد وسیل مهمات وادوات جنگی از قبیل طیاره ، تانگ ، توپ ، مسلسل ، زره پوش واتومبیل و غیره ازامریکا واز راه‌ایران کـه به «پل‌پیروزی » ملقب گردید‌بطرف روسیه شوروی سرازیر شد وکمك امریکا از راه ایران سبب شد که ارتش مغلوب نشده هیتلر که تا قلب روسیه یعنی مسکو لنین گرادو

سرحدات قفقاز پیش رفته بود بزانو درآید و سرانجام مساعدتهای مؤثر وبیشمار ملت امریکا بود که دیهیم پیروزی را بوسیله استالین تقدیم ملت اتحاد جماهیر شوروی نمود وسرزمین‌های آنها راکه در تحت اشغال نازیها بود نجات داد وملل اروپائی راکه در زیر سلطه آلمان فاشیست بود رهائی بخشید واز اینروست که آنها همیشه آزادی خود رامدیون ملت با شهامت شجاع آزادیخواه آمریکا که ناجی ایشان و مشعلدار صلح جهان است میدانند . شك نیست که ملل آزادیخواه اروپا سرانجام سزای ماجرا جویانی راکه اکنون عوض سپاسگذاری وحق‌شناسی نسبت بامریکا شب وروز این ملت نجیب رایعنی ناجی خود را بوسیله دستگاه تبلیغاتی خویش درمعرض، هرگونه تهمت وتوهین وناسزا قرار میدهند کف دستشان خواهد گذاشت.

فصل هفتم

هاری ترومن وصلح جهان

در اواخر جنك روزولت درگذشت وپرزیدنت ترومن بلا فاصله طبق قانون اساسی رئیس جمهور امریکا شد واوهم از سیاست شادروان روزولت پیروی کرد وگفت :



هاری ترومن

«امریکا نمیخواهد بساط امپراطوری در سراسر جهان بگستراند، نمیخواهد دیگران را بنده و خود را آقا سازد این افکار با ایدآلهائیکه همیشه امریکا داشته ودارد مطابقت نمی کند آنچه امریکا میطلبد صلح است صلحیکه شالوده یك دنیای آزاد را بریزد وصلحی که ترقی کلیه افراد بشر را تامین نماید وهمه را خوشبخت گرداند .چهار آزادی هدف سیاست آمریکا است آزادی بیان وآزادی مذهب وآزادی از ترس وآزادی از فقر . این چهار آزادی را نه تنها برای خود بلکه برای کلیه مردم روی زمین می خواهد وپیوسته برای حصول آن ها مبارزه می کند .»

ترومن بنای سازمان ملل متفق را که پایهٔ اساس آن در زمان مرحوم روزولت ریخته شده بود بپایان رسانید و ۵۸ دولت برای نگاهداری صلح وحل اختلاف بین خود عضویت او را قبول کردند و شورای امنیت مرکز رسیدگی بدعاوی دول گردید وقتی امریکا ملاحظه کرد که متفقین دیروز که از برکات کمکهای بیشمار ملت امریکاحیات نوینی گرفتند ودر ازاء همکاری در نگاهداری صلح شروع کردند به آنتریك کردن‌وصلح دنیا را بمخاطره انداختن وبمیثاق ها و پیمان‌های خود پشت پازدند . درست همان سیاستی راکه طرفداران نظم نوین از سال ۱۹۳٦ باین طرف پیش گرفتندیعنی کشورهای اطراف خود را از قبیل اتریش چکوسلواکی وغیره یکی بعداز دیگری بلعیدندطرفداران دمکراسی نوین هم در سیاست درست پای‌خود را جای پای آنها گذاشته منتهی بصورت ولباس دیگری مقاصد امپریالیستی خود را بمرحله اجرا گذاشتندواز اینرو برای جلوگیری‌از تجاوزات متفقین دیروز ومتخاصمین امروز و نگاهداری صلح دولت امریکا مجبور شد پیمان اتلانتیك را طبق ماده ۵۲ از منشور ملل متفق باسایر دول دموکراسی منعقد نماید وبرای اینکه ملل بدبخت وبیچاره اروپا را که در اثر جنك مصائب و سختی فراوان دیده و از هستی ساقط شده اند بتوانند از فقر و ذلت رهائی بخشد بوسیله طرح اقتصادی مـارشال‌بآنها کمك مادی ومعنوی می نماید تاآنها هم مانند ملت امریکادررفاه وآسایش زندگی کنند .

یکی دیگر از اقدامات مفید امریکا برای توسعه روابط فرهنگی وحسن تفاهم بیشتری بین ملت امریکا و سایر ملل جهان ، عبارت از تصویب قانون « فول برایت » بودکه بموجب این قانون هر ساله از کشورهائی که‌این‌قانون‌راقبول‌نمایند عدهٔدانشجوجهت‌تحصیل بکشورهای های متحد امریکای‌شمالی بخرج دولت‌امریکا اعزام میشوند وهمچنین

بعکس عده‌ای از دانشجویان امریکائی جهت یادگرفتن زبان وتحصیل بکشورهای مذکور خواهند آمد.

با توضیحات مختصری که تا کنون داده شد خوانندگان محترم ملاحظه میفرمایند سیاستی راکه امریکا بعداز این تعقیب میکندعبارت خواهد بود از «سیاست‌جهانی»



آچسن وزیر امور خارجه امریکا

یعنی بعبارت دیگر آمریکاضامن صلح است در تمام نقاط جهان وهر دولتی یاملتی که بخواهد درهر گوشهٔ از جهان عقایدو مقاصد خود را بازورو قلدری تحمیل ملت دیگری نماید بیدرنك با نیروی شکست ناپذیر امریکا که حامی صلح ودمکراسی در جهان است مواجه خواهد شد و باینجهت است که ملیونها افراد آزادی خواه و دول دمکرات جهان که مشتاق صلح وآزادی هستند دست بدست هم داده ودر پشت امریکا که بمنزله دژدمکراسی وسنگر آزادی محسوب میشود ایستاده تا اگر از طرف ماجراجویانی ویاراهزنان بین‌المللی که در زیر ماسك حمایت‌ازطبقه رنجبر! برعلیه صلح اقدامی شود بانیروی شگرف خود آنها رابسرنوشت آتش افروزان جنك مانند هیتلر وگورنیك وفن ریبن تروپ دچار سازند، و ملت‌آنها را هم از زیر یوغ استبداد وخودسری این زمامداران خود خواه وخون

آشامشان نجات دهند.
نمیدانم سرنوشت شوم ملت آلمان وژاپن برای دیکتاتورها وزمامداران کشورهای توتالیتر که بعناوین مختلف هر روزه آتش جنگ را دامن میزنند کافی نیست وچشم حقیقت بین این خون خواران در چه موقع باز خواهد شد آیا پس از نابودی خود وکشورشان ؟ برای جلوگیری ازجنگ فقط ملتها هستند که میتوانند بانیروی عظیم واراده‌قوی خود این دیکتاتورهای تهی‌مغز غاصب حقوق خویش راکه فقط طالب جنگ وخونریزی وکشورگشائی هستند از تخت زمامداری سرنگون کرده وبجای آنها مردان سیاستمدار صلح جو ودمکرات بگمارند تا جهان پس‌از این در صلح وصفای ابدی بسر برد

قسمت دوم

سیاست امریکا در ایران

فصل اول

آغاز روابط سیاسی ایران و آمریکا

در سال ۱۸۳۶ بود که اولین میسیون فرهنگی امریکائی بایران آمدند این کاروان دانش در ارومیه (رضائیه) رحل اقامت افکندند و پس از چندی دست بیك رشته اقدامات مفید جهت ملت ایـران زدند . بیش از چهل آموزشگاه روستائی ودبیرستان در شهرهـای آذربایجان و همچنین در همـدان، کـرمانشاه ،رشت ، مشهد ، طهران وغیره و نیز بیمارستان هائی باز نمودند تقریباً همه این تأسیسات چند سال پیش بر چیده شد .

پیش از آنکه دولت آمریکا روابط سیاسی با ایران بر قرارسازد در سال ۱۸۲۹ دوتن ازمیسیو نرهای امریکائی بنام **الی‌اسمیت**[۱] و**تیموتی دو آیت**[۲] برای دیدن نصرانیهای شمال غربی ایران بخصوص ارومیه از طرف کلیسا مأموریت یافته ودر بهـار سال ۱۸۳۰ این دوپیش آهنك مسافرتی بارمنستان وایران نموده ونتیجه مطالعات خود را تحت عنوان « تحقیقات » منتشر ساختند در نتیجه گزارش آنها دکتر **پرکینز**[۳] معلم کالج **امرست**[۴] باخانم خود درسال ۱۸۳٤ برای ارشاد نصرانیهای ارومیه وارد تبریز شد .

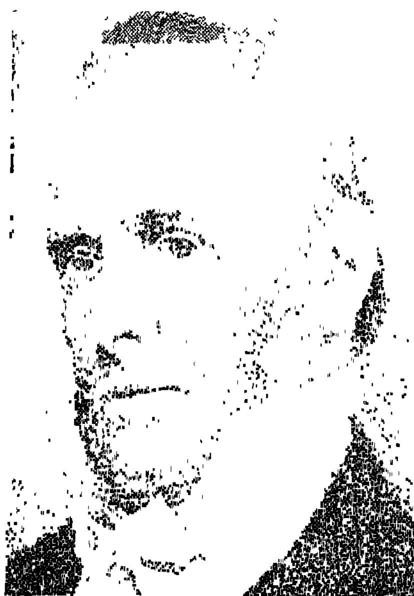
سال‌بعدد کتر **گرنت**[۵] وبانویش‌در تبریزبقافله سالار امریکائیان

---

۱ - Eli Smith ۲ - Timothy Dwight
۳ - Perkins ٤ - Amherst ٥ - Grant

پیوستند و باهم راه رضائیه راپیش گرفتند ودر ۲۰ نوامبر ۱۸۳۵ کاروان بمنزل رسید .

بنا براین نخستین میسیونر امریکائی که در ایران رحل اقامت افکنده دکتر پرکینزوخانمش بوده‌اند وچند کتاب راجع بایران نوشت منجمله کتابی راجع بنصرانیهای ساکن ارومیه ودیگر کتابی بنام هشت سال اقامت در ایران ونیز کتابی راجع بزندگانی میسیونرها در ایران وبعد از چندی درگذشت .



جمز بیو کنان

بیست ودوسال بعد از آمدن میسیون امریکائی بایران روابط دوستی و بازرگانی دو کشور بر اساس عهدنامهٔ استوارمیشود یعنی در سال ۱۸۵۶ عهدنامه بوسیله آقای فرخ غفاری امین الملك سفیر ایران دردربار عثمانی بنمایندگی ناصرالدین شاه پادشاه ایران و کارل اسپنس۱ سفیر امریکا دردربار عثمانی بنمایندگی « پرزیدنت جمز بیوکنان ۲ رئیس جمهور امریکا در دو نسخه بفارسی وانگلیسی منعقد میشود که متن آن بقرار ذیل است .

---

۱ — Carrol Spence ۲ – Buchanhan

بسم الله الرحمن الرحیم

«چون اعلیحضرت کیوان رفعت خورشیدرأیت فلك زینت گردون حشمت اقدس همایون خسرو اعظم خدیو انجم حشم جمشید داراب دستگاه وارث‌تاج وتخت کیان شاهنشاه اعظم بالاستقلال کل ممالك ایران ورئیس جمهوری دول مجتمعهٔ امریکای شمالی که هر دو بالسویه واز صمیم قلب مایل هستند که روابط دوستی را مابین دودولت برقرار داشته وآنرا بوسیله عهدنامه مودت وتجارت که بالمقابله بجهة اتباع طرفین معظمین معاهدین مفید وسودمند باشد مستحکم نمایند لهذاو کلاء مختار خود را برای حصول این مقصود از قرار ذیل معین نمودند.

از طرف رئیس جمهوری دول مجتمعه امریکای شمالی (**کارل اسپنس**) وزیر مقیم اتازونی امریکا در دربار دولت عثمانی واز طرف اعلیحضرت شاهنشاه کل ممالك ایران جناب فرخ خان امین الملك سفیر کبیر اعلیحضرت شاهنشاه ایران دارای تمثال همایونی وحمایل آبی وکمر مرصع وغیره وغیره.

وبعد از آنکه وکلاء مختار مزبور اختیار نامه‌های خود رامبادله کرده وآنرا موافق قاعده ومرتب بترتیبات شایسته یافتند در مفادفصول ذیل متفق الرأی شدند.

فصل اول - از این ببعد دوستی صادقانه و مناسبات حسنه مابین دولت واتباع ممالك مجتمعه امریکای شمالی وممالك ایران وتمام اتباع آن برقرار خواهد بود.

فصل دوم - سفرای کبار یا مأمورین سیاسی که هریك ازدولتین معظمتین معاهدتین بنزد دیگری فرستاده ومقیم نمایندخود وتمام کسانیکه هیئت سفارت از آنها مرکب است مانند سفرای کبار و مامورین سیاسی

In the name of
God the Clement and
the Merciful.
The President
of the United States of
North America, and
His Majesty as exalted
as the Planet Saturn;
the Sovereign to whom
the Sun serves as a Standard,
and whose splendor and
magnificence are equal
to that of the Sky; the
Sublime Sovereign, the

بسم الله الرحمن الرحیم

چون اعلیحضرت کیوان رفعت
خورشید رایت فلک رتبت
گردون حشمت خسرو اعظم شه
انجم حشم جمشید جاه داراب
دستگاه وارث تاج و تخت

عکس اولین عهدنامه بین ایران و امریکا

دول کاملة الوداد در مملکتین پذیرفته شده وبا آنها نیز از همان قرار رفتار خواهد شد وازهرجهت از همان امتیازات و معافیات بهره یاب خواهند بود .

فصل سوم - اتباع طرفین معظمین معاهدین از قبیل مسافر وتاجر وصنعتگر وغیره که درخاك یکدیگر مقیم بوده باشند مورد احترام واقع شده وکاملا درحفظ وحراست کارگذاران مملکتی ومأمورین خودشان خواهند بود ورفتار نسبت بآنها از هرجهت مانند رفتار با اتباع دول کاملةالوداد خواهد بود مومی الیهم میتوانند ازراه خشکی ودریا هرقبیل مال التجاره ومحصول به مملکتین آورده وازآنجا خارج کنند وبه خرید وفروش ومعاوضه رسانیده وبهر محل خاك مملکتین که بخواهند حمل نمایند .

ولی مقرر است که تجارهریك ازدولتین که بتجارت داخله مملکت دیگری اشتغال ورزند ازهرحیث این تجارت مطیع قوانین همان مملکت خواهند بود که درآنجا تجارت مینمایند ودر صورتیکه یکی ازمملکتین معاهدتین ازاین ببعد امتیازات دیگری درخصوص چنین تجارت داخله باتباع سایر دول بدهد همین امتیازات بالسویه بتجار طرف مقابل که در خاك مملکت او مشغول بتجارت داخله هستند داده خواهد شد .

فصل چهارم - در مملکتین از مال التجاره که اتباع طرفین معظمین معاهدین داخل وخارج مینمایند بغیراز حقوقیکه بر مال التجاره وارده وصادره اتباع دول کاملتة الوداد تعلق میگیرد در موقع ورود و خروج چیز دیگری نباید دریافت شود ودر هیچیك از مملکتین بهیچ اسم ورسم وعنوان هیچ نوع حقوق فوق العادة از این قبیل مال التجاره مطالبه نخواهد شد .

فصل پنجم - تمام مرافعات ومنازعات واقعه درایران مابین اتباع ایران و تبعه اتازونی به محکمه ایرانی که معمولا مرجع اینگونه مسائل است در محلی که قنسول یا مامور اتازونی اقامت داشته باشد رجوع خواهد شد و گفتگو وحکم آن ازروی انصاف ودرحضور گماشته قونسول یامامور اتازونی بعمل خواهد آمد.

تمام منازعات ومرافعاتیکه در ممالك ایران مابین اتباع اتازونی به وقوع می‌رسد کلا برای محاکمه وفیصل به‌قونسول یامامور اتازونی که در ایالت محل‌وقوع مرافعه یا در نزدیکترین ایالت اقامت دارد رجوع خواهد شد. مشار الیه موافق قوانین اتازونی حکم خواهدداد.

تمام مرافعات ومنازعات واقعه در ایران مابین تبعه اتازونی و اتباع دول خارجه بتوسط قونسول های آنها محاکمه و قطع خواهدشد.

در اتازونی منازعات واقعه‌مابین ایرانی ها یا مابین ایرانی وتبعه اتازونی و یا مابین ایرانی و خارجه موافق قواعدیکه در اتازونی در مورد اتباع دول کاملة الوداد معمول است محاکمه خواهد شد.

در صورتیکه اتباع ایرانی‌مقیم اتازونی و تبعه‌اتازونی مقیم ایران متهم به جنایت شوند در این دومملکت رسیدگی ومحاکمه همانطور خواهد بود که در مورداتباع دول کاملةالوداد مقیمین این دو مملکت معمول است.

فصل ششم - درصورتیکه تبعه یکی ازطرفین معاهدین درخاك دیگری وفات کند اشیاء اوبالتمام بخانواده یاشرکاء اوتسلیم خواهدشد و درصورتیکه متوفی اقوام یاشریك نداشته باشد اشیاء او در هریك‌از مملکتین بقونسول یابه مامور دولت متبوعه اوتسلیم می‌شود بجهة‌اینکه مشار الیه موافق قوانین مملکت خوددر موردآن اقدام نماید.

فصل هفتم طرفین محض حمایت تجارت و اتباع خود و برای تسهیل روابط حسنه و مصفانه مابین ایشان حق خواهند داشت که مامور سیاسی در پای تخت جانبین مقیم نموده و هریك سه قونسول در مملکت دیگری معین نمایند.

قونسولهای اتازونی در تهران و بندر بوشهر و تبریز مقیم بوده و قونسولهای ایران درواشنگتن نیویورك و نیواورلئان اقامت خواهند داشت

قونسولهای طرفین معظمین معاهدین در خاك یکدیگر که محل اقامت خواهند بود از احترامات و امتیازات و معافیاتیکه بقونسولهای دول كاملةالوداد داده شده است بالمقابله بهرهمند خواهند شد.

مامورین سیاسی وقونسولهای اتازونی نه برخفا ونه برملا ازاتباع ایرانی حمایت نخواهند کرد واز اصولی که مرضی الطرفین ودر این جا قید است تخلف نخواهند ورزید وعلاوه براین مقرراست که اگر هریك از قونسولها بتجارت اشتغال ورزد مطیع همان قوانین ورسومی خواهد بود که افراد اتباع دولت متبوعه او که در همانجا شغل تجارت دارند مطیع هستند.

و نیز مابین طرفین معاهدین مقرر است که عدهٔ نوکرهای مامورین سیاسی وقونسولی اتازونی بیش از آن نخواهد بود که مامورین سیاسی وقونسولی روس مقیمین ایران برحسب عهدنامه مجاز هستند.

فصل هشتم ـ طرفین معظمین معاهدین براین متفق شدند که این عهد نامه مودت وتجارت که بواسطه دوستی صادقانه و اطمینان حاصله بین الدولتین استحکام یافته است ازروز مبادله تصدیق نامجات آن الی مدت ده سال معمول و مجری باشد.

و هرگاه قبل از انقضای ده سال اول هیچیك از طرفین معظمتین و

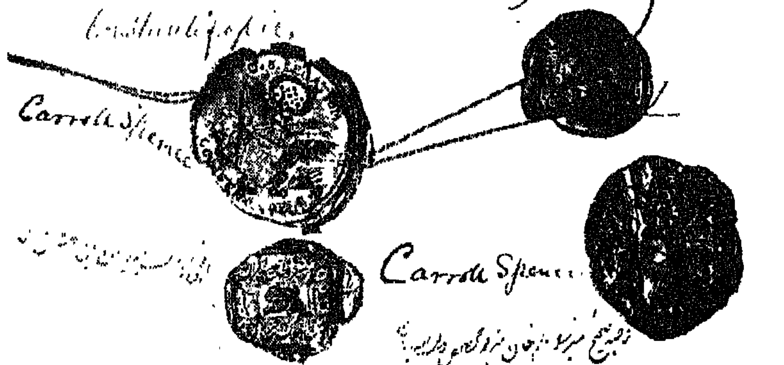
معاهدتین رسماً فسخ آنرا به دیگری اعلام ننمایند این عهد نامه الی یك سال بعد ازمدت ده سال هم مرعی و برقرار خواهد ماند وهمچنین اجرای آن الی مدت دوازده ماه بعداز اعلام درهر زمانیکه این اعلام بوقوع رسد واجب خواهد بود .

و نیز وکلاء مختار دولتین معظمتین معاهدتین براین متفق شدند که تصدیق نامجات دولتین متبوعتین خودرا درظرف شش ماه ودرصورت امکان زودتر در اسلامبول مبادله نمایند .

علیهذا وکلاء مختارطرفین معظمین معاهدین این عهد نامه را امضی نموده وبمهر خود ممهورداشتند نخستین بزبان فارسی وانگلیسی دراسلامبول ۱۳ دسامبر سنه ۱۸۵٦ میلادی مطابق ۱۵ ربیع الثانیه سنه ۱۲۷۳ هجری

(امضی) **کارل اس پنس** **فرخ خان امین الملك**

میان گروه میسیونرهای امریکائی که بتدریج بخاك ما آمدند نام خواهر وشوهر خواهر یکی از نمایندگان مجلس امریکا دیده میشود مسافرت این زن وشوهر بایران ونفوذ همین نماینده است که میتوان گفت در ایجاد روابط رسمی بین دو کشور تاثیر بسیار مهمی داشته زیرا لایحه تأسیس سفارت طهران در کنگره امریکا با اصرار وپشت کاروی طرح و تصویب شد . در آن زمان مردم امریکا ازایران بیخبر بوده و افکارعامه که برای تصویب قوانین لازم است نسبت بایران وجود نداشت لذا نامبرده از کرسی خطابه مجلس بمبارزه شدیدی بر خاست و در ششم فوریه ۱۸۸۲ میلادی طرحی پیشنهاد نمود که پروندهٔ مشکلات امریکائیان مقیم ارومیه را بمجلس بیاورند تا « لزوم توجه بحال آنان وضرورت تأسیس روابط سیاسی بین جوانترین ونیرومند ترین دول روی زمین ازیکطرف وکهن سال ترین ملل جهان که روزی مقتدرترین وبرومند ترین دولتها



عکس قسمت آخر نخستین عهد نامه بین ایران وامریکا

بوده است ازطرف دیگر محرز و تامین گردد .»

ضمناً مرحوم حاج میرزاحسین خان سپهسالار بوسیله نمایندگان سیاسی امریکا در خارجه مشغول اقدام بود کـه هرچه زودتر روابط سیاسی بین ایران وامریکا را بر قرار نماید .

اینك ترجمه گزارشی راکه «جان فاستر ۱ » وزیر مختار امریکا در پطرز بورگ که دردوم ماهمه ۱۸۸۱ بوزارتخارجه امریکافرستاده است ذیلا نقل میکنیم :

« دیروز جناب حاج میرزاحسین خان سپهسالار اعظم سفیر کبیر فوق العاده پادشاه ایران که برای تبریک جلوس امپراطور روسیه وارد شده است بسفارت امریکاآمد . در مذاکراتیکه‌هنگام بازدید پیش آمد سپهسالار اظهار تاسف نمودکه دولت امریکا با ایران هیچگونه روابط رسمی نداردوحال‌آنکه قرار داد تجارت‌ومودتی که بین دوکشورمنعقد شده مستلزم داشتن روابط رسمی است .

سپهسالار اظهار نمود کشتیهای امریکا به بندرهای ایران آمد و رفت میکنندواتباع آمریکا درایران سکونت دارند وچون هزینه‌زندگی در تهران بسیار ارزان است دولت امریکامی‌تواند بدون مصارف‌زیادی کار داری در آنجا داشته باشد . سپهسالار اظهار داشت هیئت مـذهبی آمریکائی که‌قسمت اعظم ساکنین آمریکائی آنکشورراتشکیل میدهند متهم شدند که در اغتشاشات اخیر کردها با ترکها همدست بوده‌اند دولت ایران وی‌رامأموررسیدگی‌این امر نموده ودرنتیجه تحقیقات‌معلوم شد اتهام مزبور بی اساس بوده است وسپهسالار توانسته بود روحانیون مسیحی را از این اتهام شدید تبرئه نماید . . . سال گذشته هنگامیکه

---

۱ – Gohn W . Foster

رهسپار محل مأموریت کنونی خود بودم و از لندن عبور میکردم در کاخ « سنت جیمز » وزیر مختار ایران در انگلستان را ملاقات نمودم او هم اظهار میل مینمود که دولت امریکا نمایندهٔ بایران اعزام دارد .

چند سال پیش موقعی که شاه ایران در این شهر بود باسر کنسول امریکا در سن پطرزبورگ در این خصوص مذاکره و همین قسم تمایل نموده بود . لذا شبهه‌ای ندارم اگر نماینده‌ای از طرف دولت امریکا بایران فرستاده شود بادل وجان پذیرفته خواهد شد . . . »

در سوم اوت ۱۸۸۲ کمیسیون خارجه لایحه قانونی مربوط به پنجهزار دولار اعتبار حقوق کاردار و سرکنسول تهران را بکنگره پیشنهاد نمود. یکی از نمایندگان اعتراض کرد با نداشتن روابط بازرگانی قابل توجهی بچه علت باید سرکنسول از امریکا بایران فرستاده شود . مستر ویلیامز ۱ نماینده ویسکانسین مدافعه لایحه پاسخ داد این لایحه از طرف دو وزیر خارجه امریکا بدرخواست وزیر مختار امریکا در پطرزبورگ و مستر کرتین ۲ نماینده ایالت پنسیلوانیا و مستر کسون ۳ وزیر مختار پیشین امریکا دراتریش بانفاق آراء کمیسیون امور خارجه پیشنهاد شده است

مستر کسون در نامه خود بعنوان وزارت خارجه امریکا می نویسد تجارت سالانه ایران از هیجده تا بیست ملیون دولار است از این مبلغ دوازده ملیون دولار واردات و هفت ملیون دلار صادرات است و پنبه امریکائی را ممکن است در ایران رواج داد و نفت امریکا هم اکنون در آنکشور راه یافته است .

کرتین گفت « نفوس ایران درحدود هشت ملیون است. مساحت

---

۱ - Mr - Williams of Wisconsion

۲ - Mr . Curtain from Pennsylvanian ۳ - Kasson

ایران سه برابر خاك فرانسه است .

شهر های بزرك وثروتمند درایران فراوان است جمعیت تبریز ۱۲۰٫۰۰۰ - تهران ۸۵٫۰۰۰ مشهد ۷۰٫۰۰۰ اصفهان ۶۰٫۰۰۰ یزد ۴۰٫۰۰۰ است

یکی از اجناس امریکا که در تجارت ایران دیده میشود وباید با دیده اهمیت تلقی نمود یك قلم چهار ملیون دولار پنبه است که تنها در سال گذشته وارد تبریز شد وقسمت عمده آن مال امریکا است که ابتداء بانگلستان و ازآنجا بصورت پارچه بایران حمل شده است. یکی از نویسندگان اخیر گفته است **ایران شاید هرگز مانند دوران سیروس نتواند بر دنیا حکومت کند لکن براثر گردش روزگار وحرکت چرخهای تاریخ روزی خواهد رسید که نفوذ بازرگانی و مذهبی ایران صدها ملیون نفوس بشر را فراخواهد گرفت .**

موقعیت جغرافیائی ایران بسیار مهم است میسیونرهای امریکائی که در سال ۱۸۳۴ شروع بکار نمودند خدمات مفیدی انجام دادند .

مدارس در ارومیه و تبریز و تهران و سایر نقاط باز نموده وچاپخانه بایران آورده وبزبان سریانی که زبان نصرانیان است نشریاتی دارند که پیروان آن مذهب را هایع زرشاد است ...

ارنست رنان۱ دانشمند بزرگ فرانسوی وعضو فرهنگستان فرانسه گفته است :

« نام میسونرهای امریکائی که بایران آمدند همیشه با یکی از مهمترین وقایع تاریخ السنه سامی توام خواهد بود زیرا آنها بودند که

---

۱ - Erenest renan (1823 - 1832)

نظم وترتیبی باین زبان داده و آنرا سریانی جدید نام نهادند دستور این زبان که اکنون دارای ادبیات و مطبوعات خوبی توسط است مستر «استادارد» منتشر گردید ...»

شور سوم نیز تمام شد ولایحه تصویب گردید باندازه ای امریکا ازایران بیخبر بود که کمیسیون خارجه کنگره ازبیم آنکه مبادا کنگره نپذیرد حتی در پیشنهاد خود رتبه وزارت مقیم را هم برای نماینده سیاسی امریکا در تهران قائل نشد وبعنوان کار دار وسر کنسول قناعت کردند ولی در دوره بعد این قسمت اصلاح شد و کنگره عنوان وزارت مقیم را پذیرفت درپنجم اوت ۱۸۸۲ میلادی یعنی درست ۴۸ سال بعداز ورود هیئت روحانیون امریکا بایران وایجاد مدارس و بیمارستان ها کنگره امریکا قانون تاسیس سفارت تهران را تصویب نمود .

فصل دوم

نخستین نماینده سیاسی امریکا در تهران

چون ناصرالدینشاه ملاحظه کرده بود که هیئت های امریکائی که بایران آمدند، برخلاف سایر هیئت های ممالك همجوار که نظر سیاسی داشتند ودر امور ایران بعناوین مختلف انتریگ کرده وباعث اغتشاش وانقلاب درسراسر ایران میشدند تااین کشور راضعیف کرده بتوانند امتیازات اقتصادی بدست آورند، غیر ازحس بشر دوستی ونظر آموزش وپرورش و پیشرفت فرهنك و خدمت بهمنوع خود مقصد دیگری ندارند از این رو دوستی با امریکا را جهت منافع ملت ایران ضروری ولازم دانست.

اینك برای اینکه خوانندگان گرامی متوجه شوند که ملت امریکا از آغاز روابط سیاسی با ما نسبت بملت ایران علاقه ومحبت داشته و برای ترقی وتعالی کشورما از هیچگونه راهنمائی وپیشنهاد کمك مضایقه نکرده است عین نامهٔ را که سفیر امریکا در تاریخ ۱۸۸٦ بوسیله مخبرالدولـه وزیر علوم وتجارت ومعادن و تلگراف به ناصر الدین شاه نوشته وجواب شاه را در این زمینه بنظرتان میرسانیم.

« جناب جلالتمآب مخبر الدولـه وزیر علوم و تجارت و معادن تلگراف[۱]

جنابا

از وقتی که جنابعالی حسب الفرمایش اعلیحضرت شاهنشاه مرا

---

۱ ـ ترجمه این نامه از انگلیسی بفارسی متعلق بزمان ناصرالدین شاه است



بنجامین اولین سفیر امریکا در ایران

سر افراز فرموده بامن‌از بابت ترقی داخل ایران گفتگو کرده و ازمن نصیحت‌خواستند که بچه رسم وقاعده میتوان این ترقی را بواسطه‌تنخواه وصناعت امریکیه بجا آورد بلا فاصله شکرگذاری کردم .

از اعتماد فوق العادهٔ که اعلیحضرت شاهنشاهی وجناب عالی در اقتدار وتدبیر شخصی وقدر وصداقت هم وطنی من دارید .

هنرومعرفت هم‌وطنی (وطنان) من‌سبب‌اقبال حالیه دولت‌آمریك است ومرتبه معظم دولت امریکدر میان دول وملت دنیا از این است

ترقی عجیب جمهوری‌آمریك شمالی ومنفعته غرب که ازآن بابت بدولت‌شده مشهور است ویقین بر اعلیحضرت شاهنشاهی آشکار است‌و واضح است که‌اعلیحضرت‌ازآن‌جهت‌رجوع به امریك می کنند وازآنجا امدادمیخواهند برای اتمام‌امر بزرگی‌که خیال کرده‌اند برای خیررعایا وبرای افزایش‌دولت و جلالت ممالك وسیع که تحت‌سلطنت ایشان است وتا حال ازمصلحت ایشان احسان و نعمت بی اندازهٔ دیده است . چون احترام‌و اخلاص‌شخص اعلیحضرت‌شاهنشاه ودوستی‌حقیقی بایران دارم از هر بابت‌حاضرم که واسطه ترقی ایران بشوم .

اهل آمریك با خیالات تازهٔ هستندوچون طبیعتاً غیرت وادراك اختراعی دارند می‌توانند هر امری‌که باشداجراء نمایند ، در وطن‌خود هم در شمال هم در جنوب از مزاحمات واشکالات در امور مهندسی و معادن غالب میآیند وازآن جهة‌بهتر می‌توانند در ولایات غرب اشکالات را رفع نمایند اهل آمریك بنظر من بسیارمناسب است‌برای‌کاردرایران .

ایران ولایتی است باکوه و دره بسیار وآب وهوای مختلف و گاه اتفاق می‌افتدکه در یک محل میان آب وهوای چهار فصل تفاوت کلی پیدا میشود .

دولت چین که از قدیم ترین وخود دارترین دول دنیااست و بعد از امتحانات واخراجات زیاد آخرالامر برین شده که عملجات وچرخ و آلات کاررابرای معدن‌طلا که‌در « چیفؤ » است از کالیفرنی بیاورند .

بلکه لازم نباشد که‌عرض کنم واشاره نمایم که چطور اول راههای آهن بزرگ را در روسیه اهل امریك ساخته وچطور راه‌آهن شمال و مرکز مکزیك را ساخته وتا حال کارمیکند وچطور در معادن نقره‌یك یك کار میکنند وچطور تجارت حالیه ژاپون کار آنهـا است وچطور با وجود مجاهده‌ومقابله‌انگلیس حتی‌در هندوستان ترانموای ساخته‌والان هم کار میکنند وحالاهم دولت چین در کار است بواسطه اهل‌آمریك در تمام مملکت بانك خانه ملتی درست میکنند ، اینهمه کارهای بزرك وبعضی‌دیگر که نقل آن زیادی است دلیل‌است که‌اهل‌آمریك‌بزودی و بخوبی‌آموخته بولایت غریب‌می‌شوند

چون صفات اهل امریك‌را می‌شناسم باید عرض کنم که مداخله‌در کارهای خارجه‌بامیدی می کنند که عوض زحمت‌ووقت و کار خودمنفعت کافی حاصل شود وبرای تعیین‌این منفعت امید وارند که قبل از سروع بکار ضمانت قابل بایشان داده شود . .

این ضمانت بچه‌نحو وچقدرباشد بسته‌به قراریست که‌داده‌میشود وگفتگو از بابت این حالا فایده ندارد چونکه‌از موجودات ایران‌مطلع نیستیم وچون‌مشکل هم‌هست که اطلاعات صحیح‌را بدست‌بیاوریم‌نمیدانم قابلیت ایران چیست وچه بایدکرد برای ترقی‌آن .

نصیحت من اینست که اول اقدامی که‌درین امر بزرگ بشوداین باشد که دولت علیه ایران بدون تاخیر ومعطلی یك یاچند مهندس قابل وکار دیده رااز آمریك بگیرد و این مهندس‌علماً و عملا کار معادن را

بشناسد و به محض ورود درایران فوراً شروع کنند بگردش و بازدید که مشخص نمایند اندازه وعرض ایران چقدر است .

برای این امر مفیداست کـه دولت ایران نمونه معدنیات را باتفصیل محل ونمونه از هر قبیل جنس فلاحتی وصناعتی بمن بدهند که به امریك بفرستم واز امریك تجزیه وملاحظه کرده دولت امریك آنها را دائماً در واشنگتن نشان بدهد ، برای اینکه اهـل آمریك از موجودات ایران مطلع شوند واز بابت پیشرفت همین امرهم خوبست که نقشه‌های زمین ایران وممالك آن وتفاصیل علمی وعملی از معادن وفلاحت وغیره را و استاتیستیك محصول حالیه و گذشته راوراپرتهای تجارتی داخله وخارجه تهیه وراپرت‌ها واستاتیستیك وغیره خوب است بزبان فرانسه نوشته شود که بتوانیم راپرت مفصل را بر ذوق امریك بنویسیم و بفرستم کـه همه را بخوانند .

بجهت ترقی کامل راه آهن هم لازم است ایضاً بانك ملی. ولی چون از خیالات اعلیحضرت شاهنشاهی در این باب مطلع نیستم نمیتوانم عرض کنم با وجود مدت کمی که در ایران هستم بر من واضح شد که برای ترقی ایران واسطه وپول امریك مناسب تر ازواسطه دیگراست .

چون بی‌شبهه‌است که دولت من هرگز میل ندارد مداخله در امور دول خارجه کند هم دلیل پلیتیکی دارد که امریك برای این امر مناسب تر است .

همین قدر که ترقی کار های معدنی برای ایران لازم است ترقی فلاحت هم لازمست در این روزها دولت روس درآسیای مرکزی برای ترقی زراعت پنبه اقدام زیادی مینماید وبرای اینکه نتیجه خوبی ببخشد از امریك هم تخم هم زارع وفلاح پنبه آورده است .

یقین است که دولت ایران اگر همین وضع رفتار بنماید و به عمل پنبه ترقی بدهد درزمان کمی میتوان اجناس پنبهٔ بافته که حالا از خارج به قیمت گران میخرد خودش بسازد بخارجه بفروشد .

ایضاً بخیال من آسان است که در جنوب ایران نی‌شکر مثل در ایام قدیم بعمل آورده شود وعمل تنباکوراهم بایدترقی داد وتخم‌اجناس مختلف باید از امریك آورد .

باز هم فقرات زیادی است که میل دارم بعرض‌اعلیحضرت برسانم بنقد باید عذر خواهی بنمایم از اینکه آنقدر اوقات جنابعالی را اشغال کردم و استدعا دارم که هر گاه خدمت اعلیحضرت شاهنشاهی مضمون این صفحات را عرض کنید هم یاد آوری کنید که همیشه حتی الامکان و باسعی تمام موافق میل خاطر همایون رفتارنموده هرگز راضی نخواهم شد که اعتمادی که بمن داشتند وانشاءالله خواهند داشت تزلزل یابد . در خاتمه عرض میکنم که انجام این خیالات در ترقی‌مملکت خود جلال وعزت بزرگی سلطنت اعلیحضرت شاهنشاهی خواهد شد »

ادوارد اسپنسر پرت

جواب شاه بسفیر آمریکا بوسیله مخبرالدوله

« مخبرالدوله این مراسله وزیر مقیم را خواندیم همه را صحیح وپاکیزه واز روی کمال دولتخواهی وخیر خواهی نوشته‌است جواب مختصر او اینست که شما باو برسانید وقرارش را بدهید آمدن یك نفر مهندس برای گشتن ودیدن معادن‌وغیره در ایران‌لازم است‌واین مهندس هرچه زودتر بیاید بهتر است وبعداز اینکه آمد باید یکسر بطهران‌بیاید واز اینجا اطلاعات موجوده باو داده خواهد شد وبلدها واسباب کارش هم حاضر خواهد شد که برود مأموریت ومقصود خود را کاملا حاصل

نماید حالا قرار این مهندس را که بچه وضع و چطور باید بیایدشما باوزیر مقیم بدهید که لازم است . علاوه بر این مهندس یکنفر هم عالم ژئولژ لازم میدانم که از علم فلاحت وزراعت وساختن درختها ونباتات اطلاع داشته باشد که او هم آمده برأی العین مشاهده کند وبفهمد که در ایران اراضی آن استعداد کدام یك از نباتات ومحصولات رادارد وچه عمل می آید وکدام رودها قابل سد بستن است و این عالم می‌تواند تمام آنچه را که وزیر مقیم از ماخواسته است راپرت کند زیراکه حالا راپرت این کار بطور صحیح حاضر نیست که داده شود و از برای استاتیستیك وغیره هم اجزای گمرکخانهای ایران کمال همراهی را خواهند کرد که بتوانند همه چیز را حاصل کند و به ینگی دنیا برده منتشر کنند ، عجالتاً چیزی که لازم است آوردن این دونفر است شما همین تفصیل را بوزیر مقیم حالی نمائید که بداند آوردن این دو نفر لازم است وقرار آمدن این دو نفر را بزودی وخوبی بدهید »

مهندس معدن آمد وشروع به اکتشافات نمود ولی در این هنگام از یکطرف آنهائیکه باستناد نوشته‌های مامورین سیاسی شان در ایران که بوزارت خارجه دولت متبوع خود نوشته بودند :

[1]« عقیده صریح وصادقانه من اینستکه چون مقصود نهائی ما فقط صیانت هندوستان می باشد در اینصورت بهترین سیاست این خواهد بود که کشور ایران را در این حال ضعف وتوحش وبربریت بگذاریم و سیاست

---

[1] از نامه سراوزلی سفیر انگلیس معاصر فتحعلی شاه در ایران بوزارت خارجه انگلیس در تاریخ ۲۵ اکتبر ۱۸۱٤ که در مجله « آسیائی پادشاه مطبوعه لندن درژانویه ۱۹٤٤ نشر شده است .

دیگری مخالف آن تعقیب نکنیم » . و از طرف دیگر آنهائیکه برای
اجرای وصیت نامه پطر کبیر معاهدهٔ ننگین گلستان و ترکمانچای‌راجهة
انتزاع قسمتی از خاک میهن عزیز ما و خفه کردن ملت ایران بنام «کاپیتولاسیون»
و اضمحلال دستگاه اقتصادی و مالی اینکشور بملت ما تحمیل
کرده بودند مانع اقدامات مفید امریکائیها در ایران شده و نگذاشتند از
این فرصت خوبی که برای ایران پیش آمده بود ملت ما استفاده کند.
نخستین سفیری که از امریکا بایران آمد، بنجامین بود. که در



پرزیدنت ارثور

حدود بیست سال در
مشرق می‌زیسته وزبانهای
یونانی‌وترکی‌وفرانسه
را می‌دانست و کتابی
بنام «ترک و یونانی» منتشر
ساخته بود. درزمستان
سال ۱۸۸۳ بنجامین
ازطرف پرزیدنت ارثور
باعنوان وزارت مقیم
مامور تأسیس سفارت
تهران گردید فرمان وی در ۲۷ فوریه ۱۸۸۳ صادر شد و در آوریل
سال ۱۸۸۵ همینکه حزب دمکرات زمام امور امریکارا در دست گرفت

---

۱ - S. G. W. Benjamin ۲ - President Arthur

طبق روش آن زمان از کار کناره‌جوئی اختیار نمود وفردریك وینستون[1] از طرف گرور کلیولند[2] رئیس جمهور جدید در ۳۰ نوامبر ۱۸۸۵ بوزارت مقیم بجای وی برگزیده شد. بنجامین شرح مسافرت ووقایع وآداب و ورسوم ومذاهب وادیانرا درکتاب ایران وایرانیان دوسال بعد در لندن منتشر ساخت.

بنجامین در اینکتاب شمه‌ای از رقابت دول بزرك همسایه ایران در آغاز روابط می‌نویسد. ازجمله آثار فراوان بنجامین کتاب دیگری است راجع بکشور ماکه درسال ۱۸۸۹ میلادی منتشر شده وسر گذشت ایرانرا از ادوار ما قبل تاریخ بیان می‌کند فرق این کتاب باتواریخ دیگر از آنجهت است که توجه بیشتری باساطیر ایران و سلسله ساسانیان نموده است.

بنجامین عقیده داشت تا زمان وی تاریخ نویسان عیسوی حق سلطنت ساسانیان را ادا نکرده بودند. اقامت ممتد وی در نقاط مختلف شرق و چند سالی که در ایران بسر برد ویرا بر آن داشت که بر خلاف بعضی از نویسندگان خائن خارجی از قبیل موریر[3] مؤلف کتاب افسانه ای بنام « حاجی بابا » که در آن از هیچگونه دروغ و افتراء نسبت بایرانیان فرو گذار نکرده است، نسبت به شرقیان جانب انصاف رانگاه دارد و مقام بلندتری از آنچه دیگران برای مردم خاور قائل بودند قائل گردد.

---

۱ - Frederick H. Winston ۲ - President Grover Clevaland.
۳-J. Morrier

بنجامین مینویسد وقتیکه نزد شاه رفتم تا استوارنامه خودرا تقدیم کنم هنگام ایراد خطابه‌ای که بعنوان پیام رئیس دولت متبوعم بود شاه بادقت خاصی گوش میداد وبا اینکه فرانسه را میفهمید مترجم ترجمه می‌نمود درپاسخ خطابه من اعلیحضرت از گشایش سفارت ابراز خشنودی نمودو اظهار داشت توسعه مناسبات سیاسی بین دوملت بنفع هر دو کشور است . سپس پرسید آیا سفارت آمریکا در طهران بطور موقت یا دائم خواهد بود عرض کردم دلائلی هست که تصور می‌رود بطور دائم سفارت باقی بماند . باهؤکدترین طرزی شاه ازمن خواست بدولت متبوع خود گزارش دهم که دولت ایران علاقمند است همیشه سفارت امریکا درپایتخت ایران باقی باشد

فصل سوم

مورگان شوستر اولین مستشار مالی امریکائی در ایران

دورنمائی از سیاست انگلیس وروسیه در ایران

ژرژ براندس دانمارکی یکی از نویسندگان معروف دانمارك درروز نامهٔ «پولیتیکن»[1] که از روزنامه های معروف دانمارك است دراواسط سال ۱۹۱۵ راجع بشخصیت شوستر چنین مینویسد : بعقیده من درتمام قرن بیستم شخصی قابل تر وفعال تر ازمرگان شوستر امریکائی دیده نشده است یکی از سیاسیون[2] بی وجدان انگلیس با کمك وزرای کوته نظر ضعیف بالاخره کار را بجائی رساندند که این مرد را از دایره فعالیت خود بیرون کشیده


مورگان شوستر

کارهایش را عقیم گذاردند سرادوارد گری توانست باکمك مشت وبازوی روس شخصی مانند مرگان شوستر را ازکار بیندازد .

چون درزمان توقف شوستر اوضاع سیاسی ایران خیلی وخیم بوده وبرای اینکه اوضاع آنروز را بهتر روشن کنیم قدری بعقب بر میگردیم در سال ۱۸۸۷ سفیر روس در تهران شاهزاده دولکوروکی[3] بزور تهدید ازدولت ایران قول گرفت نه خودایران راه آهن بسازدونه تا چهارسال

---

۱ Politiken ۲ سرادواردگری ۳ Doloruki

دیگر امتیاز یك چنین اساسی را که برضد تمدن و ترقی است (!) بخارجه بدهد. بعد از انقضای چهار سال این قرارداد تجدید شد و ایندفعه مدت قرار داد را تا سال ۱۹۰۹ گذاردند. در این اثناء انقلاب ایران شروع شد، مشروطیت آمد و مجلس بازشد و چون دولت تازهٔ ایران دیگر حاضر نبود تهدیدهای آن دو دولت را بشنود و قراردادهای کهنه را باز تجدید کند دولتهای روس و انگلیس در ۷ آوریل ۱۹۱۰ متفقاً یاد داشتی بدولت ایران دادند بدین مضمون که: دولت ایران هیچوقت حق ندارد بخارجه چه یك شخص تنها باشد چه یك شرکتی امتیازاتی بدهد که «مضر بمنافع سیاسی یا نظامی یکی از آن دودولت واقع شود.» در جواب سؤال دولت ایران که مقصود از امتیازات مضره چیست آن دودولت در ٤ مه ۱۹۱۰ یاد داشت تازه‌ای بدولت ایران دادند که در آن تقاضای خود را مفصل تر شرح داده بودند و بموجب آن مقصود از امتیازات ممنوعه بنادر دریائی، خطوط تلگراف و تمام وسائل حمل و نقل از هر قبیل مانند راه آهن، شوسه، کشتی، شراعی و بخاری، اتومبیل وغیره معین شده بود.

در همین موقع یك نویسنده مشهور انگلیسی بنام «ویلیام ارشر[۱]» با کمال بی شرمی و وقاحت در مقالاتی که در روزنامه ها برعلیه ایران منتشر میکرد نوشت ایران هنوز یك مملکت «نیم وحشی» است که نه یك خط آهن دارد و نه یك بندر دریائی دارد!!

دولت روسیه وانگلیس برای اینکه سیاست امپریالیستی خود را در ایران تعقیب کنند و بمقصد خود که عبارت از استعمار واستثمار این کشور بوده نائل شوند بدواً شروع کردند بضعیف نمودن ایران و بافور مول

۱ -Wiliam Arsher

دیپلماسی جدیدی در تحت عنوان « نفوذ صلح جویانه » ابتداء متوسل شدند به تخریب مالیه ایران بهر شکلی که ممکن بود تا اینکه چرخهای اقتصادی ایران فلج شد ودولت ایران مجبور گردید برای براه انداختن اوضاع مالی واقتصادی خود ازاین دو دولت امپریالیست قرض نماید امپریالیست هم که موقع را برای بدست آوردن امتیازات اقتصادی مناسب دید باشرایط سنگین و کمرشکنی دولت ایران را مجبور بقرض نمودند چون در صورت نرسیدن پول اساس دولت متلاشی میشد لهذا دولت ایران ناگزیر بود هرچقدر شرایط سخت و کمرشکن باشد قبول نماید .

مثلا ازصدی ۲۸ تا صدی ۲٤ تنزیل بدولت ایران تحمیل میکردند

وقتی که در ۱۸۹۸ دولت روسیه قرضی بمبلغ $22\frac{1}{2}$ میلیون منات بایران داد شرط کرد که درآینده تا موقعی که دولت ایران این قرض راتماماً نپرداخته حق ندارد بدون اجازه روسیه از دولت دیگری قرض نماید وباین شرط دولت روسیه هفتاد و پنج ساله تنها طلبکار ایران میشد

شرط دیگر این بود که دولت ایران حق ندارد قبل از ده سال قرض خود را بپردازد موعد قرض هم ۷۵ ساله و با تنزیل ۵ در صد و نزول ۱۵ درصد بود .

ولی روسیه باین هم قناعت نکرد بلکه از دولت ایران تقاضا کرد که ایران با عایدات تمام گمرکات خود باستثنای گمرکات جنوب ضمانت آن قرض رابکند لهذا ازبرای سهولت امر قرار بر این شد که تمام عایدات گمرکات ایران مستقیماً ببانك استقراضی که یك شعبه بانك دولتی روسیه است در ایران پرداخته شوند وبانك بعد از برداشت اقساط قرض که یك سوم تمام عایدات گمرك بود مابقی را بایدبدولت ایران بپردازد

یا در تحت امر او نگاهدارد واضح است که بانک استقراضی از عایدات گمرکخانه تمام آن پولهائی را هم کسر میکرد که دولت روسیه بعنوان خسارت برای پست گم شده ویا بعنوان مخارج قزاقخانه وغیره تقاضامیکرد.
بانك روس باسرمایه ۳۰٫۰۰۰٫۰۰۰ میلیون منات بایران آمدو تنهاقصد او آن بود که با دادن اعتبارات بشرایط سهل نفوذ سیاسی خود را باز کند.

بانك روس ۱٦ میلیون منات از سرمایه خود را در تهران و ۱۰ میلیون دیگر از آنرا در ولایات ایران صرف میکرد که مستبدین ومرتجعین متنفذ و بعضی از ملاکهای بزرگ وملاها و آخوندهای بیکار قلاش ودر باریان بد اخلاق قاجاریه را برای مقاصد خود بدست گیرد فقط باشاره سفارت روس بانك حاضر بود هر بده کاری را که ظاهراً زیر فشار تازهٔ نمیرفت باندازه‌ای زحمت دهد تااینکه ازروی بیچارگی باوامر وخواهش های روس تن دردهد.

روس وانگلیس عاقبت هر نوع امتیازی را در ایران بدست آوردند، تلگراف، معادن، نفت، شیلات، دریای خزر درخت بری جنگلهای شمالی ایران، ترانموای کشتی رانی، شوسه سازی و بالاخره نگاهداری يك تیپ قزاق در تحت فرماندهی افسران روسی در تهران وتمام این امتیازات را دولت ایران از روی ناچاری واجبار داد.

وقتیکه ایران مشروطه شد عموماً امید میرفت که مجلس شورای ملی که قوه زیادی داشت ودارای نفوذ کاملی بود تمام سعی خود راصرف خواهد نمود که دولت ایران از این ببعد تن بتهدیدهای روس وانگلیس ندهد ودر واقع مجلس شورای ملی بیش از آن هم کرد ونشان داد که اقلاقادر است تا نگذارد زنجیرهای تازهٔ بدست وپای او بگذارند طبیعی است که مشروطه ایران خاری بود در چشم روسها وبهمین جهت روسها

تمام مساعی خود را بکار میبرند که مشروطه را برانداخته ونگذارند که ایران ترقی کند. ولی وقتیکه روسیه دید که ملت ایران متحداً از مشروطه جوان خود پشتیبانی میکند وبهیچ وجه مأیوس نمیشود وزیر بارتحریك خارجی نمیرود آن وقت روسیه زیر پای محمد علیشاه راکشیده واو راتحریک کرد که مجلس را بهم بزند بهم خوردن مجلس ملی ایران باکمک قزاقهائیکه در زیرامر فرماندهان روسی بودندو بهمدستی بانك استقراضی روس انجام یافت انحلال مجلس باعث انقلاب تازهٔ شد بعد از یکسال زدوخورد مابین مآیون وقشون استبداد که بکمك روسها اداره میشد بالاخره آزادیخواهان پیش بردند وشاه را خلع ویک حکومت ملی جدیدی تشکیل دادند .

مجلس دوم که یک مجلس کاملاً ملی بود در صدد اصلاحات بر آمد وشروع کرد تغییراتی در ادارات بدهدومالیه کشوررا اصلاح نماید . لیکن دولت روسیه که با هر نوع جنبش آزادیخواهی وترقی در ایران مخالف بود شروع کرد بتحریکات پی در پی وهرروز گربهٔ رقصانده وانقلاب تازهٔ بوسیله عناصر مرتجع که جیره خوار او بودند برپا میکرد وآنچه در قوه داشت میزد تااز ترقی وپیشرفت کشور ایران جلوگیری نموده و دولت را ضعیف نماید تا بتواند مقاصد امپریالیستی خود را در ایران اعمال نماید . افسران ونمایندههای سیاسی روسی دائماً مشغول فعالیت بودند که مقاومت وپافشاری ملت رادرمقابل مقاصد خودشان درهم بشکنند لیکن دولت ایران تمام اشکالاتی راکه درراه او گذاشته بودند حل کرد ودر این عرصه شطرنج بهترین بازی که کرد آن بود که بدولت آمریکا متوسل شد و از او تقاضا کرد یکنفر متخصص برای نظم دادن مالیات ایران بکشور ایران بفرستد از برای این کار مستر مرگان شوستر انتخاب شد وکاری که این مرد دریك

مملکت خارجی که اوضاع آنرا هم در آغاز کار نمی‌دانست انجام داد یکی از معجزات باهرهٔ پشتکار وفعالیت بود که تا آنوقت اصلا از هیچ کس دیده نشده بود.

وقتیکه در دسامبر ۱۹۱۰ مجلس شورای ملی ایران باکثریت آراء تصمیم گرفت جهت جلوگیری از فساد وخرابی مالیه ایران وترمیم آن از دولت آمریکا مستشار مالی بایران دعوت شود روسها از همان ابتداء شروع بمخالفت کردند نه تنها در ایران دست بتحریك زدند بلکه بوزارت خارجه آمریکا هم متوسل شده واظهار نمودند که اعزام مستشاران مالی بایران بکلی بر خلاف عقل !و مراسم مودت ! است.

دولت ایران بوسیلهٔ وزیر خارجه نامه‌ای بسفیر ایران در واشنگتن جهت جلب مستشاران آمریکائی بشرح زیر نوشت :

واشنگتن شماره نامه ۹۸۷٦

« سفارت ایران فوراً به پیشکار رسمی وزیر خارجه دولت امریکا اظهار نمائید که شما را باکسانیکه در امور مالیه آمریکا مهارت تامی دارند معرفی نموده ومذاکرات ابتدائیه را برای استخدام یکنفر خزانه دار کل که از مردمان کافی و کاردان بی‌آلایش آمریکا وامین وموثق باشد بجهت تجدید تشکیل وپیشرفت ونظم جمع وخرج مالیهٔ ایران بمدت سه سال بعمل بیاورید ونیز یکنفر مستوفی ومحاسب ماهر و یك ممیز برای نظارت وتعیین میزان لازمه مالیات ایالات ویکنفر رئیس برای اداره کردن وتنفیذ مالیاتهای مستقیمه بمعاونت یکنفر مفتش کاردان که دارای صفات ممیزه سابق الذکر باشد لازم ولی قبول مشارالیهم منوط بتصویب مجلس خواهد بود وزیر مختار امریکا اطلاع داده که وزیر خارجه برای مذاکرات مزبوره حاضر وراضیست پس در این کار به آراء ونصایح دیگران اعتناء

نکرده وازدخالت اشخاص غیرمسئول پرهیزواجتناب نمائید . این تلگراف را بوزیر مزبور ارائه نموده ودستور العملهای مشارالیه را عمل نموده و نتیجه اقدامات خودتان را مختصراً رمزاً اطلاع دهید »

وزیر امور خارجه ایران حسینقلی نواب

در نتیجه مذاکراتی که بین سفارت ایران در واشنگتن ووزارت خارجه آمریکا بعمل آمدبالاخره مورگان شوستر که از متخصصین امور مالی بوده وچند نفر دیگر بسفیر ایران معرفی شدندوسفیر ایران هم پس از اقدامات لازمه بموجب قرارداد رسمی شوستر را برای مدت سه سال بسمت خزانه‌دار کل باتفاق چهار نفردیگر از همکارانش جهت معاونت اواستخدام نمود شوستر قبل ازحرکت بطرف ایران از وزارت خارجه امریکا استفسار می‌نماید که نظر دولت آمریکا راجع باستخدام او در ایران چیست آیا او ازطرف دولت آمریکا هم سمت ونمایندگی در این ماموریت دارد یاآنکه فقط مستخدم دولت ایران میباشد. وزارت خارجه امریکا جواب می‌دهد که ایشان بهیچ قسم سمت وعنوان رسمیت نداشته وبعنوان نمایندگی ازطرف دولت آمریکا باین خدمت مأمورومعین نشده اینك عین نامه‌را که وزارت خارجه آمریکا درپاسخ استعلام شوستر داده است دراینجا نقل میکنم :

واشنگتن مستر دبلیو مورگان شوستر مورخ ۲٤ فوریه ۱۹۱۱

« مکتوب چهاردهم ماه جاری شماکه درباب تعیین‌واعزام پنج نفر مستشار آمریکائی برای‌ترتیب‌وتصفیه امورمالیه ایران واستفسار ازسمت و عنوان انتخاب‌خودبشغل‌خزانه‌داری کل‌سئوال‌نموده‌بودیدباداره رسیددر جواب شما اطلاع داده‌میشودکه در دسامبر گذشته شارژدافر ایران‌مقیم این شهر برحسب اظهار وامر دولت متبوعه خوداز‌این اداره درخصوص

معرفی اشخاص ماهر وزیرك آمریکائی که درامورمالیه اطلاع تام داشته باشند معاونت خواست‌واظهار نمود که‌دولت ایران تصویب نموده که پنج نفر مستشارآمریکائی را در امور مالیه دخالت داده وشریك گرداند بر حسب اظهار فوق این اداره صورت اسامی اشخاصی را که حاوی اسم شما نیز بود نزد مشارالیه فرستاده وایماهم نمود که شارژدافر ایران حق دارد در این امر مستقیماً بـا ایشان به‌بهترین وجهی گفتگو نماید و اداره را ازاطلاع‌ازمکتوب شما واز مراسلهٔ سفارت خانهٔ ایران مورخه هفدهم شهر جاری کمال‌خوشوقتی ومسرت‌حاصل گردید که شما رابشغل خزانه داری کل در تحت وزارت مالیه انتخاب نموده‌اند.»

معاون وزارت خارجه - هانتین تم ویلسن[1]

وقتی که شوستر شروع بکار کرد ابتدا لایحه‌ای تنظیم نمودبرای تمرکز عایدات‌دولت وجهت تصویب تقدیم مجلس شورای‌ملی نمود تاقبل ازاین‌تاریخ عایدات‌تنهامنحصر بوزارت‌دارائی نبودبلکه‌وزارت‌داد گستری پست تلگراف ، خارجه ،کشور،فرهنك ، اداره گذرنامه‌عایداتی داشتند که شخصاً وصول‌نموده وبدون اینکه بوزارت‌دارائی مراجعه نمایندآن عایدات راخرج‌میکردند ازطرفی‌هم اتباع بلژیکی که در استخدام‌دولت ایران بودند ولی در باطن‌جاسوسی دولت‌روس‌رامینمودندحاضر نبودند که از مستشار امریکائی اطاعت بکنند از اینرو بود که شوستر لایحه قانون ۱۳ ژوئن ۱۹۱۱ را بمجلس ارسال داشت و شرح مبسوطی هم در ابتدای لایحه داد که وکلاء پس از استحضار از مقصود وی این لایحه‌راباکثریت آراء تصویب نمودند.

پس از تصویب، لایحه اولین مخالفت ازطرف روسها شروع شد و

---

[1] Huntin Tom Wilson .

سفیر روس در تهران بدولت ایران ابلاغ نمود که مستخدمین بلژیکی گمرکات ایران نباید تحت نظارت خزانه دار کل واقع شوند سفارت بلژیك نیز یاداشت اعتراضی بوزارت خارجه فرستاد سفیر روس حتی تهدید کرد درصورت مخالفت با این نظریه روسها گمرگات شمالی را تصرف خواهند کرد . . . ازهمینجا معلوم میشود که بلریکیها کاملا طرف اعتماد و توجه روسیه بوده و بعنوان عمال آنها در ایران انجام وظیفه ! میکردند.

روسها صریحاً گفتند اگرمرنارد بلژیکی رئیس گمرگات برود مستخدمین روسی بجای او بدولت ایران تحمیل خواهند نمود اعتراضات دیگری هم در این زمینه از طرف دول آلمان وایتالیا و فرانسه بوزارت خارجه رسید .

یکی از نویسندگان فرانسوی در خصوص این بهانه گیری های دیپلماسی درسال ۱۹۱۱ چنین مینویسد :

« دیده میشود که تا چه اندازه دقتهای سیاست اروپائی کارحکومت ایران را مشکل میکنند : اگر بحکم احتیاط اقدامی نکنند نسبت عدم فعالیت باومیدهند و اگر بخواهد قدمی بجلو بر دارد چوب در دست و پایش میاندازند ، خلاصه گویا از او متوقعند همه کاری بکند بدون اینکه هیچ کارکرده باشد ! »

مستر شوستر در یادداشتهای خود چنین مینویسد:

وقتی که « میجر استوکس » وابسته نظامی انگلیس دوره خدمتش در ایران تمام شد من باو پیشنهاد کردم که اورا درخدمت دولت ایران استخدام نمایم اوهم قبول کرد علت این امرهم این بود که میجر نامبرده زبان فارسی را خوب میدانست و تمام ایران را هم گردش کرده بود و باخلاق ایرانیها هم خوب آشنا بود چون من خیال داشتم یك هنگ

ژاندارمری جهت مامورین وصول خزانه داری کل ترتیب دهم ونامبرده را جهت تشکیلات و تربیت افراد ژاندارمری که اطلاع کامل در این قسمت داشت استخدام نمایم . از اینرو بوزیر مختار انگلیس سرجان بارکلی نامهٔ نوشته و مقصود خود را از استخدام میجر استوکس شرح دادم نامبرده درجوابی که بمن نوشت اظهارداشت که میجرمزبور قبل‌از آنکه بخواهد در خدمت ژاندارمری ایران وارد شود باید از خدمت انگلیس استعفاء دهد پس از دوهفته‌استعفاء استوکس در لندن قبول شد ومن خیلی‌خوشحال شدم که دیگر کار تمام است ومانعی برای استخدام مشارالیه در بین‌نمیباشد دراین هنگام از طرف سفارت انگلیس نامهٔ‌بمن رسیدکه خیلی متعجب شدم ودرآن نامه‌سفارت انگلیس صراحتاً بدولت ایران اطلاع داده بود که « اصرار در استخدام میجر استوکس در صورتی قبول خواهد شدکه در نقاط شمالی ایران مامور نشود . » و باین‌اطلاع حیرت انگیز فقره دیگری‌هم‌ضمیمه شده بودکه« اگر دولت ایران بر خلاف این صورت اصرارکند دولت انگلیس حقوق و دعاوی دولت روس‌را در باب اقداماتیکه‌برای محافظت منافع(!) خود در شمال ایران مناسب دانسته قبول وتسلیم خواهد نمود .

شوستر میگوید غرض من از انتخاب میجر استوکس نه باین ملاحظه بود که مشار الیه تبعهٔ انگلیس است بلکه بر عکس نکتهٔ را که بکلی درنظرنداشتم همین مسئله بود فقط مقصود اصلی من این‌بود که درآن امرمعظمی که درنظرداشتم مشار الیه لایق وسزاوارترازسایر کسانی بودکه برای انجام‌آن خدمت حاضرشده بودند و نیز درتسریع وتکمیل نظم جدید امورمالیه ایران اهمیت تامی داشت این ژاندرمری خزانه‌که ما در صدد تشکیل آن بودیم نه فقط برای نمایش لباس بلکه

جزء لازم و مهم نظم امور مالیه بود زیرا که بدون داشتن افواج مشق آموخته ماهر کامل السلاح بجهت معاونت مأمورین مالیه و ابقاء نظم وانتظام شایسته‌سزاواری در ولایات و اقطار بعیده هیچگونه امیدوصول مالیاتی نبود . برای من بخوبی امکان داشت از آشنایان خودکه از صاحب منصبان باز نشسته شده و یا موظف افواج ممالك انازونی‌امریکا بودند جلب واستخدام نمایم وهر کاری‌که میخواستم میتوانستم بایشان رجوع نمایم ولی میجر استوکس میتوانست بخوبی‌ازعهده این‌امر بر آید و تجربیات و لیاقتهائی را دارا بود که اشخاص دیگر دارا نبوده و از عهده بر نمیامدند اگرچه بهر درجه هم هوشیار و زیرك بوده باشند باین مناسبت خیال استخدام مشار الیه را داشتم تا امروز هم مطلقاً نتوانستم کشف کنم که درشمال ایران چه فوائد غیرمعینی بودکه‌دولتین انگلیس وروس تشریح وتوضیحی ازمنافع‌خود در معاهده ۱۹۰۷ ننموده ودولت ایران هم ازآن اطلاعی نداشت حتی خود دولت انگلیس هم تا ۲۲ ژوئیه ۱۹۱۱ از آن منافع مطلع نبوده و الا چگونه میشد دولت انگلیس استعفای میجر استوکس را از ملازمت‌هنك‌هندیش قبول نماید تا مشار الیه بتواند معاهده و قرارداد خودرا امضاء ومن هم شغل‌ریاست ژاندارمری هنك‌خزانه را باو بسپارم .

اینك برای اینکه سیاست انگلیس و روسیه در این زمان بهتر واضح شود متن قرارداد ۱۹۰۷ را دراینجا نقل ومنظوردولتین‌انگلیس و روسیه را از انعقاد این معاهده‌بیان میکنیم .

متن قرارداد ۱۹۰۷ بین روس وانگلیس

اعلیحضرت پادشاه سلطنت متحده بریتانیای کبیر و ایرلند وکلیه

ممالك بریتانیا واقعه در ماوراء دریاها و امپراطور هندوستان ازطرفی .
واعلیحضرت امپراطور کل ممالك روسیه ازطرف دیگر نظر به میل صمیمی
که در حل مسائل مختلف راجع بمنافع خود در قاره آسیا دارند مصمم
بعقد قرار داد هائی شده اند که بوسیله آن از هر علتی که موجب سوء
تفاهم ما بین انگلیس و روس راجع بمسائل مذکوره باشد جلوگیری
نمایند و برای انجام این مقصود نمایندگان مختار خود را بطریق ذیل
معین کردند :

ازطرف اعلیحضرت پادشاه انگلیس و ایرلند **سر ارتور نیکلسن(۱)**
سفیر فوق العاده دردربار اعلیحضرت امپراطور کل ممالك روسیه .

ازطرف اعلیحضرت تزار آقای اسکندر ایز ولسکی۲ وزیر امور خارجه
نمایندگان فوق الذکر پس از رد و بدل اعتبارنامه های خود و
رسیدگی وتصدیق صحت آنها قرارهای ذیل را گذاشتند :

راجع بایران

از آنجائیکه دولتین بریتانیای کبیر و روسیه در برابر یکدیگر
متعهد شده اند که تمامیت واستقلال ایرانرا محترم(!) شمرده و صمیمانه
مایل بحفظ نظم در تمام قلمرو این مملکت ونمو صلحجویانه آن وهمچنین
طالب استقرار دائمی منافع تجارتی وصنعتی سایر ملل باشند ، ونظر باینکه
هر یك از دو دولت از لحاظ ترتیبات جغرافیائی و اقتصادی ذینفع در
استقرار صلح و امنیت در بعضی از ایالات متصله ویا همسایه سرحد روسیه
از طرفی ، و مجاور بسرحدات افغانستان و بلوچستان از طرف دیگر
میباشد و نظر باینکه میخواهند از هر گونه موجبات اختلاف و کشمکش
که ممکن است در منافع طرفین در ایالات مذکوره ایران بروز نماید

۱ - Sir Arthur Nicolson ۲- Alexandre Iswolsky

اجتناب کنند، بمقررات ذیل موافقت حاصل نمودند :

ماده اول : دولت بریتانیای کبیر تعهد میکند که در ماوراء خطی که از قصرشیرین باصفهان ویزد و خاف ممتد شده بیك نقطه در سرحد ایران در محل تقاطع دو خط سرحدی روس و افغان منتهی میشود، تقاضای هیچگونه امتیاز سیاسی و تجارتی از قبیل راه آهن، بانك، تلگراف، طرق، حمل و نقل، بیمه و غیره برای خود ویا تبعه دولت ثالثی ننماید و با درخواست این قبیل امتیازات ازطرف دولت روسیه در منطقه فوق الذکر مستقیماً یا غیر مستقیم مخالفتی ابراز ننماید. بدیهی است که امکنه فوق الذکر درجزء منطقه ایست که دولت بریتانیای کبیر خودداری ازتقاضای امتیازات فوق خواهد نمود.

ماده دوم ـ دولت روسیه بنوبه خود تعهد میکند که در منطقه واقعه در آنطرف خطی که از سرحد افغانستان ازگازیك و بیرجند و کرمان ممتد شده و به بندر عباس منتهی میشود تقاضای، هیچگونه امتیازسیاسی وتجارتی از قبیل امتیاز راه‌آهن، بانك، تلگراف، طریق شوسه، حمل ونقل، بیمه وغیره برای خودواتباع خود ویا تبعه دولت ثالثی ننماید ویا درخواست این قبیل امتیازات از طرف دولت انگلیس درمنطقه فوق الذکر مستقیماً مخالفتی ابرازننماید بدیهی است که‌امکنه فوق الذکر درجزء منطقه ایست که دولت روسیه خودداری از تقاضای امتیازات فوق خواهد نمود.

ماده سوم ـ دولت روسیه ازطرف خود متعهد می‌شود که پیش از موافقت نظر با دولت انگلیس هیچگونه مخالفتی با تفویض هر گونه امتیازات بیکی از تبعه بریتانیا درنواحی ایران واقعه بین دوخطمذکور درماده‌یك‌ودو ننماید، دولت انگلستان نیزنظیر تعهد فوق را در خصوص

تفویض هر گونه امتیازی درنواحی مذکوره ایران باتباع روسیه برعهده میگیرد ، کلیه امتیازاتیکه درموقع انعقاد این عهد نامه درمناطق مذکوره درماده یك وجود دارد بحال خود باقی خواهد ماند .

ماده چهارم - توضیح آنکه کلیه عواید گمرکی ایران باستثنای عواید گمرکی فارس وخلیج فارس که وثیقه برای تادیه منافع واستهلاك قروض حکومت شاه ایران ببانك استقراضی روس که تا تاریخ امضاء این معاهده بعمل آمده است میباشد برای اجرای منظور فوق اختصاص خواهد داشت . همچنین عواید گمرکی فارس و خلیج فارس بانضمام عواید صید ماهی آنقسمت بحرخزر که متعلق بایران است وعواید حاصله از پست و تلگراف کما فی السابق برای تأدیه واستهلاك قروض حکومت شاه ایران درمقابل بانك شاهنشاهی انگلیس که تا تاریخ امضاء این معاهده بعمل آمده است اختصاص خواهد داشت .

ماده پنجم - درمواردی که مرتباً تادیه منافع و یا قسط استهلاك قروضی که دولت ایران در مقابل بانك استقراضی و بانك شاهنشاهی تا تاریخ امضاء این معاهده برعهده دارد صورت نگیرد ، هر گاه برای دولت روسیه لازم شود که نظارتی در موضوع منابع عایداتی که وثیقه تادیه منافع قروض دولت ایران درمقابل بانك استقراضی است ودرجزء منطقه مذکوره در ماده دو باشد برقرار نماید . ویا دولت بریتانیای کبیر خواسته باشد که نظارتی در موضوع منابع عایداتی که وثیقه تأدیه منافع قروض ایران درمقابل بانك شاهنشاهی است ودرمنطقه مذکوره درماده یك این معاهده واقع باشد بنماید ، دولتین انگلیس وروس تعهد میکنند که قبلا بطوردوستانه تبادل نظری بعمل آورده و متفقاً وسایلی راکه برای انجام نظارت مذکوره لازم است اتخاذ نمایند ، و از هرگونه مداخله ای که

موافق با اصول مندرجه دراین معاهده نباشد اجتناب ورزند .

این قرارداد بوسیله سرادوارد گری وزیرخارجه انگلیس طرح



سر ادوارد گری عاقد قرارداد ۱۹۰۷

وبدولت روسیه پیشنهاد شد واولین کسیکه برعلیه این قرارداد اعتراض کردلرد کرزن معروف عاقد قرارداد ۱۹۱۹ بود شدیداً با قرارداد ۱۹۰۷

مبارزه نمود ودیگری پرفسور برون دوستدار ایران با این قرار داد مبارزه سختی نمود و در رسالهٔ که بنام بحران در ایران انتشار داد در صفحه ۱۵ چنین مینویسد.

« موافقت بیجای سرادوارد گری با روسیه و بی اعتنائی کامل نسبت باصولی که همه سیاسیون سابق انگلیس بآن متکی بودند که عبارت بود از لزوم نگاهداری «دولتهای(۱) فاصل» درمیان امپراطوری های انگلیس وروسیه حالیه از تقسیم ایران ما را بیک فاصله محدودی آورده است و نتیجه آن تنها نابود ساختن یک ملت قدیمی ولایقی چون ایران که ما درهنگام بیداری اورا بدست مظالم بیرحمترین ووحشیترین دولت دنیا یعنی روسیه سپرده ایم نیست ، بلکه ایجاد سرحدات وسیع و بی دفاعی میان روسیه و خود نموده ایم که ناچار مخارج نظامی خیلی زیاد خواهد داشت و از این پس روسیه میتواند فشار های مستقیمی که تاکنون برای اوغیر ممکن بود سرما وارد آورد »

یکی دیگر از سیاسیون انگلیس که این قرار داد را بر خلاف مصالح انگلیس میداند کلنل یات حکمران سابق بلوچستان انگلیس است راجع بانتقادی که بقرارداد ۱۹۰۷ درروزنامه های لندن میکند چنین می نویسد : « همه بخششی که در شرق وسطی بروس شده برای مزید اطمینان جهت حفظ هندوستان بوده ، اما این عمل درست مثل آنستکه کاروانی برای انصراف را هزنان کمك نقدی دهد که شرارت نکنند واز راه ترس بآنها مساعدت کند روسیه برای وارد کردن مال التجاره بهندوستان شش راه داشت که با دقت تمام آن راهها درحوزه نفوذ وی وارد شده بود

۱ - Buffer States

درصورتیکه از پنج راهی که انگلیس در اختیار داشت سر رشته آن از دست رفته ودوتا بیشتر باقی نمانده بود اگر منطقه نفوذ روس بطوری که درمقدمه قرارداد ذکر شده بهمان نقاط مجاورسرحد روس محدود میشد، چقدر عادلانه وصحیح بود، امابطوریکه حالا معین شده نزدیك ۲۷۳ هزارمیل مربع ازخاك ایران داخل دردایر نفوذروسیه و ۲۱۷ هزار میل مربع منطقه بیطرف و ۱۴۱ هزارمیل مربع هم نصیب انگلستان شده ونه فقط سهم روسیه دوبرابر انگلستان شده بلکه بخلاف قسمت انگلیس که بیشتر صحرای خشك و کویر است آبادتر و پرجمعیت تر و بااستعدادترین بخش ایران بروسیه تعلق یافته است.»

دریکی ازروزنامه های آلمان راجع به قرار داد ۱۹۰۷ (کلنل کازت) چنین نوشت :دولتین روس وانگلیس آزادند که هرقراری بخواهند بین خود بدهند.ولی حق ندارند برای سایر دول دریك کشور مستقل حدودو قراری قائل شوند...

روزنامه بورس گازت چاپ پاریس چنین نوشت : طرزانعقاد یك همچو قرار دادی بی سابقه است که دو دولت برای یك کشور مستقل قرار هائی بگذارند و هیچ جای تعجب نیست که دولت ایران در صدد اعتراض وشکایت بر آید...

خلاصه منظورعاقدین قرارداد ۱۹۰۷ این بود که ایران رابدو منطقه نفوذ قسمت شمالی تحت نفوذروسیه وقسمت جنوبی تحت نفوذ انگلیس تقسیم نمایندو بطوریکه ملاحظه شد ازطرف اغلب مردان سیاسی انگلیس یا جراید اروپا سخت بهقرار ۱۹۰۷ حمله و انتقادشد اگرچه سفیر انگلیس طی نامهٔ که بوزارت خارجه ایران نوشت اظهار نمود منظور ازعقد این قرارداداینست

داشته باشد که افسران بیگانه و خودی را درمملکت خود استخدام و مستقر کند ؟

آیا این حق را از این حدود خارج میتوان تصور نمود ؟

آیا باعث سلب اقتدار امپراطوریش در آن ملك نخواهد بود ؟

ثانیاً مفاد ساده آن عهد نامه این است که هیچیك از آن دو دولت امضاء کننده نباید امتیاز سیاسی یا تجارتی مثل امتیاز راه آهن و بانك و تلگراف و شوارع و حمل و نقل و بیمه وغیره برای خود یا بحمایت رعایای خود درمنطقهٔ نفوذ دولت دیگر بخواهد ولی این معامله، معامله امتیازی نبود ومیجر استوکس هم عنوان بانك نداشت و نه امتیاز راه آهن سیاسی یا تجارتی . . . »

بالاخره شوستر پس از آنکه دستور توقیف املاك شعاع السلطنه را درمقابل بدهی مالیاتی او میدهد در اینجا سفارت روس کار را بوقاحت میکشاند و ادعا میکند که شعاع السلطنه از اتباع روسیه بوده و باید فوراً ژاندارمها از باغ او بیرون روند و ضمنا نسبت باستخدام میجر استوکس مجدداً اعتراض میکند و این امر منتج به اولتیماتوم اول روس بایران میشود مبنی بر اینکه ژاندارمری خزانه فوراً از پارك شعاع السلطنه برداشته شود و باید معذرت رسمی ازسفارت روس برای هتك شرف و احترام افسران قونسولخانه روس بعمل آید ولی روسها بشکایات و پروتستهای دولت ایران راجع بمداخلات خودشان درمعاملات داخلی و امور مملکتی و شکستن اقتدار سلطنت ابداً اعتنائی ننموده و مراسله شکوائیه دولت ایران را رد کردند .

درست موقعی این اولتیماتوم را بدولت ایران دادند که ارتش روس داخل انزلی (بندر پهلوی) شده و در بادکوبه هم ارتش عظیمی

مشغول مانوروآماده فرمان حرکت بطرف ایران بود و بالاخره دولت روسیه روابط سیاسی خود را با ایران قطع کرد ودر تاریخ ۲۳ نوامبر ۱۹۱۱ ساعت ۱۲ صبح اتمام حجت ٤٨ ساعته بشرح زیر به دولت ایران داد :

« چنانچه روزجمعه ٢٤ نوامبر۱۹۱۱ افتخار اظهارحاصل نموده بودم منتظر حکم دولت متبوعه خود بودم که جهتی‌که دولت روس را مجبور باولتیماتوم دیگر نموده اظهار نمایم احکام مزبوره اکنون بمن رسیده و ازاین جهت از جانب دولت روس افتخار اظهار مطالب ذیل را بجنابعالی میکنم :

انفصال مسترشوستر ومسیولکفر از خدمات مرجوعه شان‌تکلیف سایرمأمورین‌امریکائی‌که مسترشوستر ایشان راانتخاب نموده معین‌شود

اطمینان و وعده صریح دولت ایران که بدون رضایت سفرای انگلیس وروس مامورین بیگانه برای خدمات خود انتخاب نکند .

اداء مصارفی که جبران خسارت دولت روس را دراین‌لشگر کشی بنماید تعیین مقدار و طریقه تادیه خسارت مزبوره بعد ازرسیدن جواب دولت ایران معین خواهد شد .

در خاتمه لازم است بگویم . دولت امپراطوری روس بیشتر از چهل و هشت ساعت انتظار اجرای‌خواهشهای (!) سابق الذکر خود را نخواهدکشید و دراینمدت قشون روس در رشت خواهد ماند و اگر جواب اطمینان بخشی نرسد بعد ازانقضای مدت مزبورقشون روس‌پیش قدمی خواهد نمود وبدیهی است که در اینصورت وجه خسارت روس زیاد ترخواهد بود .»

کابینه ایران پس از مشورت مختصری بالاخره اولتیماتوم روس

را قبول و برای تصویب بمجلس برد در این روز بمحض اینکه مردم فهمیدند دولت میخواهد امروز انفصال مستر شوستر وقبول اولتیماتوم روس را بتصویب مجلس برساند ازصبح خیلی زود صحن حیاط بهارستان مملو ازطبقات مختلف پایتخت شد و سالن مجلس هم پر از تماشاچیان که عبارت بودند از نمایندگان سیاسی مقیم تهران و روزنامه نگاران خارجی و داخلی اعیان‌واشراف‌واصناف وتجار و غیره مجلس یك حالت بهت وسکوتی بخود گرفته بود وهمه خیال میکردند چون دولت‌اجبارا اولتیماتوم را قبول کرده مجلس هم فورا اورا تصویب خواهد نمود ویك آثارحزن و اندوه بی پایان از چهره و ناصیه وکلاء وتماشاچیان هویدا بود تقریبا یکربع بظهر بود یعنی ۱۵ دقیقه مانده بود با تمام وقت اولتیماتوم که صمصام‌السلطنه نخست وزیر پشت تریبون قرار گرفت و پس ازنطق مختصری‌درخاتمه‌چنین اظهارکرد ازآقایان‌نمایندگان محترم تقاضا دارم‌با درنظر گرفتن مقتضیات فعلی،مجلس شورای‌ملی اختیارات تام بکابینه بدهد تا دولت اولتیماتوم روس را قبول نماید وقتی‌که این جمله تمام شدکلیه نمایندگان مجلس اعم ازدست چپ وراست ومعتدل مثل اشخاص سکته کرده بی حس وبی حرکت ماندند وبا وجوداینکه جمعیت تماشا چیان بقدری زیاد بود که همه ایستاده بودند و تمام جایگاه های مخصوص را پر کرده بودند لیکن نفس ازکسی بیرون نمی آمد و اگر حشره در هوا پرواز می‌کرد صدای پرش بالهای او شنیده میشد دیگر چند دقیقه بیشتر بتمام شدن وقت اولتیماتوم‌نمانده بود در این هنگام‌یکی‌ازنمایندگان شجاع‌وباشهامت که‌یك مرد روحانی عالیقدر بود پشت تریبون قرار گرفت وچنین گفت :

« شاید مشیت خداوند بر این امر قرارگرفته باشد که آزادی

واستقلال ما بزورازما سلب‌شود ولی‌سزاوارنیست که ما خودمان بامضاء خودآنراواز دست داده و تـرك کنیم » و دستهای مرتعش خودرا بـرای دادخواهی وتظلم بسمت مردم حرکتی داده ودربین کف زدن حضاردر جای خود نشست این نطق مثل اینکه وحی آسمانی باشد در وکلاء و نیزتماشاچیان تاثیرخودراکرد ونمایندگان یکی بعد از دیگری نطقهای مختصری بهمین مضمون ایرادکردند وبعداً شروع باخذ آراء شد و هر یك ازوکلاء پشت تریبون قرارگرفته و با دادن مهره کبود عدم موافقت خودرا با اولتیماتوم‌روس اعلام میکردند وقتی رئیس مجلس اظهار کرد که اولتیماتوم‌روس باتفاق آراء رد شددرحالی‌که‌اشك شادی‌ازچشمهای حاضرین جاری بود دربین کف زدن وهوراکشیدن، مردم‌میگفتندزنده بادایران ما تاآخرین قطره خون خود راجهت استقلال میهن خویش‌فدا خواهیم نمود وخرس متجاوزرا درلانه خود ازپادرخواهیم‌آورد.

این جلسه مجلس یکی از جلسات تاریخی بشمار میرود ووکلاء بزرگترین خدمت رابملت ایران نمودند وملت ایران تا ابد نام آنها را درسینه خود محفوظ خواهدداشت وهمیشه‌آنهارا بنیکی یادخواهدنمود کابینه سقوط کرد دولت روسیه بمحض شنیدن این خبرارتش خود را بطرف ایالات شمالی ایران سوق داد وشهری بعد از شهردیگر تصرف و غارت نمود.

وقتیکه روسیه شاه‌مخلوع راکمك‌کرد باینکه دوباره بایران بر گردد منظورش این بود که‌مجلس شورای ملی‌را منحل‌کرده وتشکیلات شوستر را که تازه داشت مالیه و اقتصاد وبازرگانی ایران را رو بترقی پیش میبرد بهم زند لیکن آزادیخواهان ایران مقاومت کرده قشون شاه مخلوع راکه بکمك روسها بطرف پایتخت حمله کردند درهم‌شکست و

آنها را تارومار نمود روسیه که دیدهم ازلحاظ نظامی وهم‌ازلحاظ‌سیاسی درایران‌مواجه‌باشکست‌شدواکنون‌دیگرمجبوراست‌دست ازحکم روائی ومداخله خود در ایران بکشد این بود که اتمام حجت دوم رافرستاد و بطوری‌که دیدیم در مجلس رد شد و ارتش خودرا تا قزوین نزدیکی تهران پیش آورد ومرگان شوستررامجبور باخراج ازایران نمودومجلس را بست و هرجاکه‌آثاری ازجنبش ملی و آزادیخواهی ملاحظه میکرد ریشه‌کن می نمود بعد از این تغییرات وضع کشت وکشتار در تبریز و رشت ومشهد وشهرستانهای‌دیگرایران شروع شد .

تنها درتبریز بیش ازصد نفرازوطن‌پرستان‌مشهوررا که‌درمیان‌آنها بزرگترین مجتهد ایالت آذربایجان ازقبیل ثقة الاسلام و پیشروان نامی ووکلای انجمن شهربودند بشکلی فوق‌العاده ظالمانهٔ زجروعذاب‌دادند بنحویکه درقرون وسطی هم پادشاهان مستبد خونخوارمخالفین خودرا باین سختی شکنجه وعذاب نمیکردند اغلب میهن پرستان ایرانی‌درزیر شکنجه روسها جان سپرده و بعداً بدن بیجان‌آنها راکه شاید در بعضی نیمه‌رمقی باقی بود بدار میاویختند وتیر باران میکردند .

درایالت آذربایجان روسها صمدخان‌مراغه‌ٔرا که بشقاوت مشهور بود حاکم کرده واو باکمك روسها سه سال درآن‌ایالات ببدترین‌شکلی وحشی‌گری و خونخواری حکومت‌کرد مثلا یکی از آزادیخواهان را بنام یوسف حکم‌آبادی باکمال خونسردی بدوشقه‌کرد و دستورداد هر شقه‌آن را بیکطرفی‌ازشهر نصب نمودند .

یکی از قربانیهای دیگر اوملائی بود بنام میرزا محمود سلماسی که بعد ازآنکه چشمهای اورادرآورد بفجیعترین‌شکلی‌اورا کشت که‌در

تاریخ نرون(۱) هم سابقه ندارد .

کسانیکه مایل باشندفجایع روسها رادرتبریزدرسال۱۹۱۱ بدانند برسالهٔ که پرو فسور ادوارد برون خاورشناس معروف انگلیسی کسیکه همیشه درکتابهای خود از حقوق حقه ایران دفاع نموده است و نام او درقلب هرمیهن پرست ایرانی همیشه فروزان است راهنمائی مینمایم و این رساله که محتوی عکسها و مدارك زیاد است خیلی قابل استفاده ومفید میباشد .

اقدامات شوستر در مدت اقامتش در ایران مختصراً به شرح زیرمی باشد .

وقتی که اومصدر کارشد درخزانه دولتی یك دینار نقد موجودنبود ومبلغ غیرمعینیهم برای تادیه چکها وحوالجات دولتی و بروات خزانه و غیره که وزرای سابق و لا حق صادرکرده بودند لازم بود . با وجود جنك داخلی که ازابتدای سال۱۹۱۱ درایران بود درصورتیکه فقط برای مصارف لوازم جنك یك‌میلیون‌و نیم تومان لازم بودوبا وجودیکه مالیات هم بواسطه اغتشاشات ازولایات بسیارکم وصول شد و اولیاء دولت مبلغ چهارصد و چهل هزار تومان‌که مساعده از بانك گرفته و تفریط نموده بودند داده شد ، ووجوه لازمه‌که برای گردانیدن دوایر دولتی اهمیت داشت فراهم شد و حقوق سفرای ایران تماماً پرداخته شد و جمیع مسئولیت های خارجی یعنی تأدیه اقساط قروض و منافع آن که برای رفع مسئولیت ایران لازم بود اداء شد و منفعتی که عاید دولت گشت این بود که پس از تأدیه قروض مبتذله‌یعنی قروضی‌که ازعناوین‌واسامی

۱ ـ نرون پادشاه خوانخواررم‌درسال ٤٤ بعداز مسیح میزیسته‌مسیحیان را نزد حیوانـات درنده میانداخت و تفریح می نمود و ازشکنجه کشیدن آنها لذت میبرد.

مختلفه باستقراض اخیر تبدیل شده بود ومساعده‌هائیکه باعتبار آن قرض گرفته شده بود بانضمام تأدیه اصل طلب بانك شاهنشاهی بعد از همه این مصارف تقریباً دومیلیون تومان از آن قرضه باقی بود وقتی که در ژانویه ۱۹۱۲ تمام امورخزانه ومحاسبات را تحویل مقامات ایرانی داد بیشتر ازشش صد هزارتومان جزء جمع نقدی دولت آمد بعلاوه اضافه‌عایدات گمرکی تا تاریخ ۱۳ ژانویه ۱۹۱۲. یکی دیگر ازاقدامات شوستر مبارزه او برعلیه قرارداد ۱۹۰۷ بود که شرح آن گذشت دیگر ازاقدامات او این بود که‌میخواست برخلاف نظریه روس وانگلیس یك خط آهنی بازرگانی بشرح زیر درایران بسازد.

خطی که ازجلفای شروع شده وازتبریز وزنجان وقزوین وهمدان وخرم آباد گذشته به محمره (خرمشهر) که در ساحل خلیج فارس است منتهی شود. این بزرگترین راهی بود ازشمال بجنوب که از نقاط پرحاصل و زرخیز مملکت عبور مینمود و باعث ازدیاد منافع اقتصادی میشد و بعداً میخواست رشته فرعی خط را شروع کند مثلا یکرشته ازقزوین بتهران وسایرجاهای دیگر ومیخواست این خط آهن‌را بوسیله شرکت ایرانی که سرمایه آن ها شخصی باشد دائر نماید اگر دول امپریالیست گذاشته بودند که شوستر لااقل شش سال در ایران میماند وکار میکرد آنوقت معلوم میشد که کشورما هم امروز دراینطرف آسیا از هرحیث با ژاپون قبل ازجنك رقابت میکرد وشاید درردیف کشورهای بزرك صنعتی امروزدرآمده بود.

فصل چهارم

قرارداد ۱۹۱۹ تحمیلی انگلیس بایران ومبارزه امریکا برعلیه آن

در سال ۱۹۱۹ وقتیکه وثوق الدوله بریاست وزرائی رسید در این هنگام لرد کرزن وزیرخارجه انگلیس موقع را مناسب دانسته و نقشهٔ طرح کرد که بتواند ایرانرا برای همیشه مستعمره ودرتحت نفوذ انگلستان درآورد از این روبسفیرانگلیس سر پرسی کاکس مقیم تهران دستورداد که با وثوق الدوله وارد مذاکره شده ومقدمات عقد قرار داد ۱۹۱۹ را فراهم آورد و بطوریکه مورخین‌وسیاسیون آن عصرمینویسند انگلیسها وثوق الدوله را تطمیع نموده و قرارداد ۱۹۱۹ را بامضاء او رساندند . پس‌از آنکه ملت ایران از این موضوع آگاهی حاصل نمود شروع بمبارزه سختی برعلیه قرارداد و عاقدین آن‌کرد دراین هنگام بودکه دولت آزادیخواه امریکا هم‌بکمك‌ایران‌شتافته وبرعلیه قرارداد بمبارزه بر خاست اینك متن قرار داد و شرح مبارزه ای‌که نمایندگان آزادیخواه مجلس شورای ملی ایران نمودند و همچنین اعلامیه دولت امریکا را برعلیه این قراردادازنظرخوانندگان میگذرانیم .

متن قرارداد۱۹۱۹

« نظر بروابط محکمه دوستی ومودت‌که از سابق بین دولتین ایران و انگلیس موجود بوده است،و نظر باعتقاد کامل باینکه مسلماً منافع مشترکه و اساسی هردودولت درآتیه تحکیم وتثبیت این روابط را برای طرفین الزام مینماید ونظر بلزوم تهیه وسایل ترقی و سعادت

ایران بحد اعلی (۱) بین دولت ایران ازیکطرف ووزیر مختار اعلیحضرت پادشاه انگلستان بنمایندگی از دولت خود از طرف دیگر مواد ذیل مقرر میشود .

۱ ـ دولت انگلستان با قطعیت هرچه تمامتر تعهداتی را که مکرر در سابق برای احترام مطلق استقلال و تمامیت ایران نموده است تکرار مینماید .

۲ ـ دولت انگلستان خدمات هرعده مستشار متخصص را که برای لزوم استخدام آنها در ادارات مختلفه بین دولتین توافق حاصل گردد بخرج دولت ایران تهیه خواهد کرد این مستشار ها باکنترات اجیر و بآنها اختیارات متناسبه داده خواهد شد کیفیت این اختیارات بسته بتوافق بین دولت ایران ومستشارها خواهد بود .

۳ ـ دولت انگلیس بخرج دولت ایران صاحب منصبان وذخایرو مهمات سیستم جدید را برای تشکیل قوه متحده الشکلی که دولت ایران ایجاد آنرا برای حفظ نظم درداخله وسرحدات درنظر دارد تهیه خواهد کرد عده ومقدار ضرورت صاحب منصبان و ذخایر ومهمات مزبور بتوسط کمیسیونی که ازمتخصصین انگلیسی و ایرانی تشکیل خواهد گردید و احتیاجات دولت را برای تشکیل قوه مزبور تشخیص خواهد داد معین خواهد شد .

٤ ـ برای تهیه وسائل نقدی لازمه بجهت اصلاحات مذکوره در ماده ۲ و۳ این قرار داد دولت انگلستان حاضر است که یك قرض کافی

---

۱ ـ خوانندگان گرامی باید متوجه باشند که نامه و قرار داد های سیاسی را که مربوط بدول امپریالیست است مطالعه میکنند باید از بین السطور «Between The Lines» منظور طرف را فهمید نه ازمتن آن

برای دولت ایران تهیه و یا ترتیب انجام آنرا بدهد تضمینات این قرض باتفاق نظر دولتین ازعایدات گمرگات با عایدات دیگری که در اختیار دولت ایران باشد تعیین میشود تا مدتی که مذاکرات استقراضی مذکور خاتمه نیافته دولت انگلستان بطور مساعده وجوهات لازمه که برای اصلاحات مذکوره لازم است خواهدرسانید.

۵ ـ دولت انگلستان با تصدیق کامل احتیاجات فوری دولت ایران بترقی وسایل حمل و نقل که موجب تأمین و توسعه تجارت وجلوگیری ازقحطی درممالك میباشد حاضراست که با دولت ایران موافقت نموده اقدامات مشترکه ایران و انگلیس را راجع بتأسیس خطوط آهن یا اقسام دیگر وسائل نقلیه تشویق نماید در این باب باید قبلا مراجعه به متخصصین شده وتوافق بین دولتین درطرحهائی که مهمتر وسهلتر ومفیدتر باشد حاصل شود.

۶ ـ دولتین توافق می نمایند درباب تعیین متخصصین طرفین برای تشکیل کمیته که تعرفه گمرکی را مراجعه و تجدید نظر نموده ویا منافع حقه مملکتی وتمهید وتوسعه وسائل ترقی آن تطبیق نمایند»

امضاء شد درتهران ۹ اوت ۱۹۱۹

مراسله ضمیمه قرارداد فوق

ازطرف سرپرسی کاکس وزیر مختار انگلیس

به آقای وثوق الدوله رئیس الوزراء ایران

جناب مستطاب اجل اشرف افخم.

امیدوارم که حضرت اشرف دردوره زمامداری باموفقیت خودتان درامور مملکت ایران یقین کرده اید که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان

همیشه سعی نموده است که آنچه در قوه دارد کابینه حضرت اشرف را برای اینکه ازیکطرف اعاده نظم و امنیت درداخله مملکت تکمیل واز طرف دیگرروابط صمیمانه بین دولتین ایران وانگلستان محفوظ باشد تقویت نماید .

برای ابراز جدید این احساسات که همواره مکنون خاطر کابینه لندن بوده است من حالا ماذون هستم که بحضرت اشرف اطلاع دهم که در موقع امضاء قرار دادی که مربوط بر رفرم هائیست که کابینه حضرت اشرف اجرای آنرا درنظر گرفته اند دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان حاضر خواهد بود با دولت علیه ایران برای اجرای تقاضا های ذیل موافقت نماید .

۱ ـ تجدید نظر درمعاهدات حاضره بین دولتین .

۲ ـ جبران خسارات مادی وارده بمملکت ایران بواسطه دول متخاصم دیگر .

۳ ـ اصلاحات خطوط سرحدی ایران در نقاطی که طرفین آنرا عادلانه تصور نمایند .

انتخاب ترتیب قطعی و زمان و وسایل مقتضیه تعقیب مقاصد فوق در اولین موقع امکان موضوع مذاکره ما بین دولتین خواهد گردید اینموقع را برای اینکه احترامات فائقهٔ خودرا بحضرت اشرف تقدیم نمایم مغتنم می شمارم .

پ . ز ، کاکس

درجلسه ۲۹ شهریور ۱۳۰۵ مجلس شورای ملی که برنامه دولت آقای مستوفی الممالك مطرح بود چون وثوق الدوله هم بعنوان وزیر

عدلیه در کابینه شرکت کرده بود آقای دکتر مصدق وکیل آزادیخواه تهران بعنوان مخالف دولت پشت تریبون قرار گرفتند ونطق زیر را بر علیه عاقد قرارداد ۱۹۱۹ ایراد نمودند.

« ... اما نسبت بآقای وثوق الدوله که درصدر قوه قضائیه واقع شده اند بی مناسبت نیست عرض کنم ..

شبی آقای مستوفی الممالك بمن فرمودندعقیده آقای وثوق الدوله اینست که قرارداد درصلاح مملکت بسته شده وحاضر ندکه درمجلس از این عقیده دفاع نمایند، عرض کردم عقیده ملت ایران که خودحضرتعالی هم یکی از افراد هستید غیرازاین بود ...

چون علماء حقوق جزاء معتقدندکه اگر کسی چند فعل خلاف نمود باید اورا برای فعلی تعقیب کرد که مجازاتش در قانون بیشتر باشد بنده بزرگترین خیانتی که ایشان مرتکب شده اند میپردازم که قرارداداست قرارداد یعنی تسلیط دولت مسیحی بردولت مسلمان وبزبان وطن پرستی اسارت ملت ایران ...

آقای وثوق الدوله برای اینکه تیرشان خطا نکند برخلاف اصل ۲٤ قانون اساسی که میگوید « بستن عهد نامه‌ها و مقاوله نامها و اعطای امتیازات انحصارتجارتی وصنعتی وفلاحتی وغیره اعم ازاینکه طرف داخله باشد یا خارجه باید بتصویب مجلس شورای ملی برسند » قبل ازتصویب مجلس قرارداد را اجراء نمودند واجراء هرقراردادی قبل از تصویب بر خلاف این اصل است زیرا تصویب مجلس یك امر تشریفاتی نیست که در موضوع مؤثر نباشد بلکه برای این است که مقاوله نامه های مضر را رد کند واعتبار ندهد پس هر گاه یك قراردادی قبل ازتصویب مجلس اجرا شد و مجلس آنرا رد کرد و خسارتی متوجه طرف قرارداد شد جبران

خسارت باکی است ؟ یا امضاء کنندگان قرارداد باید جبران کنند یا طرف قرارداد می‌تواند باعتبار امضاء وزراء خسارت را ازدولت بخواهد؛ باین لحاظ هیچ قراردادی بدون تصویب مجلس شورای ملی معتبر نیست و سندی هم که اعتبار ندارد نمیتوان آنرا اجرا کرد. توضیحاً عرض می کنم که فایده قرارداد آنقدر محرز شده بود که حتی در آن تصویب مجلس را هم قید ننمودند و باز برای اینکه تیرشان کارگر شود بغصب با حقوق ملت مبادرت کرده در انتخابات مداخله وعدهٔ ازوکلاء مجلس را از نظر تصویب قرارداد تعیین نمودند. چقدر فرق است بین سپهسالار و وثوق الدوله که از سپهسالاروقتی دولتین تقاضای برقراری کنترل نمودند با اینکه دارای معلومات وثوق الدوله نبود نوشته کنترل را بنوشتن عبارت « بواسطه فورس ماژورامضا میکنم » وطی ننمودن مراحل اداری طوری بی اثر کرد که ازاوصرف نظر کردند و برای تحصیل اسناد دست توسل بدامان وثوق الدوله دراز نمودند ولی آقای وثوق الدوله تمام هوش و معلومات خودرا صرف نمودند که یا چیزی بخارجه‌ها ندهند ویا اگرمی دهند طوری شود که مؤثرباشد ازروی این نظریه اقداماتی قبل از قرار داد وبعد ازقرارداد فرمودند که برخلاف قانون واخلاق ومصالح‌مملکت بود. آقای وثوق الدوله درتمام ادوارزمامداری خود ضربه مهمی باخلاق مملکت وارد نمودند. آیادستگیری ۱۷ نفرازمعترضین اعمال ایشان درمجلس روضه ودر خانه خدا یعنی مسجد شیخ عبدالحسین و خارج و حبس چندین ماهه آنها درمحبس قزوین که مقصود شان تهدید جامعه برای زمینه عقد قرار داد بود مخالف قانون نیست؟..

آیا پولهائی که برای دادن‌امتیازات وقرارداد بایشان رسیده‌موجب نیست که ایشان را بمجازات این مواد محکوم و از حق وکالت محروم

نماید؟ آیا وثوق الدوله مشمول ماده۷۲ قانون مجازات عمومی نیست که می گوید « هر گاه شخصی با دول خارجه یا مأمورین آنها داخل در اسباب چینی شود یا آنها را به خصومت یا جنگ با دولت وادار نماید یا وسایل آنرا برای آنها فراهم آورد محکوم بحبس دائم درقلاع خواهد گردید حکم مزبور مجرا خواهد بود و لواینکه اسباب چینی او مؤثر واقع نشود؟ »

آیا مذاکرات « لانسینگ » (۱) وزیرخارجه‌دول متحده‌امریکای شمالی درپاریس به تاریخ ۱۵ اوت۱۹۱۹ که اینطور گفته .

« امریکا بیهوده کوشش کرد که هیئت ایرانی در پاریس در انجمن صلح حضور بهم رساند و مطالب و مقاصد خود را اظهار نماید وحتی سعی نمایندگان ملیون ایرانی هم در پاریس برای مذاکره با لردکرزن بجائی نرسید در این اثناء سفیر انگلیس درتهران با یکدسته کوچکی ازسیاسیون یك عهد نامه مخفی بسته ایندسته کوچك سیاسیون فوراً پس ازعقد صلح اداره امور را بدست آورده بودند وهیئت ایرانی که در پاریس بود ازکارافتاد ومنحل شد خلاصه یك بازی خطرناك ومحرمانه‌در آورده شد . »

کاشف ازاسباب چینی نیست؟ بموجب این‌مذاکرات دسته کوچك سیاسیون قرار داد را قبلا مخفیانه بسته اند .

ولی چون زمینه ابراز حاضر نبود آنرا در ۹ اوت ۱۹۱۹ افشاء نموده اند ...

با اینکه آقای وثوق الدوله میدانستند که اگر آبادی مملکت بدست

---

۱ - Lansing

ملل دیگر برای اهل مملکت مفید بود هر ملتی برای رفع زحمت وجلب فایده که یکی از اصول مهمه اقتصادی است اجنبی را بخانه‌اش دعوت میکرد اگر رقیب خوب بود هیچ ملتی نمیخواست بعد از اسارت باجنگهای خونین وتلفات سنگین طوق رقیت را رها نماید و با اینکه دیده اند اگر کسی ده خرابی را خرید وآباد کرد نسبت بمالکین سابق خوش بین نیست و هیچوقت نمیخواهد که آنها بابی از ابواب شرایع را بخوانند و معنی غبن را بدانند بلکه میل دارد همیشه در جهل بمانند و ادعائی ننمایند ... »

چهار دلیل بر رد قرار داد

آقای دکتر مصدق بنطق خود چنین ادامه داد « یکی ازدوستان آقای وثوق چند روزقبل ببنده میگفت موقعیت مملکت در آنوقت ایشان را بعقد قرار داد مجبور کرد زیرا درآن ایام قشون انگلیس قفقاز و بین النهرین را متصرف بود وحتی درخود ایران هم قشون دولت مزبور اقامت داشت لذا هر کس غیراز ایشان بعقد قرار داد ناچار بود . بنده با ٤ دلیل اورا مجاب نمودم ، اولا تصرفات قشون انگلیس دربین النهرین وقفقاز یك تصرفات دائمی نبود وفقط از نظر پیش آمد جنك بین المللی بود کمااینکه قشون دولت مزبور قفقازرا تخلیه کرد و رفت . ثانیاً تصرفات یك دولتی درحدودمجاوروااقامت قشون اودرداخله مملکت دلیل نیست که ما را تسلیم نماید .

بواسطه ضعف وناتوانی عملا ممکن است تسلیم شد ولی نوشته تسلیم را نباید امضاکرد فرضاً هم که کشور دچار تهدید بود دائمی نبود ایران دراین عصرجدید خیلی دچارتهدید شده ولی استقامت باعث نجات او گردیده است حرف شما مثل اینست که جمعی در کمین قتل کسی

باشند و اوقبل از کشته شدن انتحار نماید . اگر کسی مقتول شد ورثه می توانند از قاتل دیه بخواهد ولی اگر کسی خود را کشت باید جهنم را طواف نماید . هر تصرفاتی که بی مدرك شد غاصبانه و جای حرف باقی است ولی هر تصرفاتی که از روی ملاك شد جای سخن نیست مگر اینکه بیکی ازجهات قانونی بی اعتباری ملاك ثابت گردد . تشخیص حسن سیادت و قبح اسارت چیزی نیست که معلومات عالیه بخواهد این مطالب **مثل الکل اعظم من الجزء** از بدیهیات اولیه است و با اندك فهمی هر کسی میداند که حکومت داشتن دریکده خراب بهتراز اسارت در یك مملکت آباد است بنا براین هر ایرانی که دیانت مند است و هر کسی که شرافت مند است تا بتواند باید روی دو اصل ازوطن خود دفاع کند وخودرا تسلیم هیچ قوهٔ ننماید که یکی از آن دو اصل اسلامیت است ودیگری وطن پرستی ثالثاً بنده نمیتوانم قبول کنم که آقای وثوق الدوله مجبور بود زیرا ماده اول قرارداد در خصوص استقلال دولت ایران حاکی است که ایشان با یك عبارات فریب دهنده خواسته اند طبقه عوام ملت را اغفال نمایند ولی خوشبختانه زود معلوم شد ملتی که قشون و مالیه اش دست دیگریست استقلال ندارد . رابعاً بنده نمی توانم مجبوریت ایشان را تصدیق کنم زیرا شخصی که پول گرفت راضی است واورا نمی توان مجبوریت دانست کما اینکه سپهسالار که پول نگرفته بود قید « فورس ماژور » را درنوشته کنترل نمود مجبوریت خودرا ثابت ونوشته رابی اعتبار کرد .

در جواب من مستمع گفت ادله شما صحیح است خصوصاً اینکه مسئله پول زبان ما را الکن می نماید ... »

آقای دکتر مصدق درخاتمه نطق خویش چنین گفت :

ای نمایندگان چشم ملت ایران سیاه شد بسکه از بعضی رجال خطا

کاری وخیانت دید وای برگزیدگان همان چشم ازانتظارسفیدشد ازبس محاکمه رجال وطن فروش را ندید در مملکتی که مسئولیت وزراء نبودی ودرکشوری که اهلش ایندرجه فراموش کارند ازخائنین خیانت به همه سرایت مینماید . . .

ایندفعه سوم است که آقای وثوق الدوله بواسطه عملیاتشان ازصحنه سیاست دورشده وباز پاك میشوند ....

اشخاصی مثل آقای مستوفی الممالك مکلفند که اصل مجازات و مکافات را عملا رعایت کنند تا اینکه دست خائنین از کارکوتاه شده و دیگران بخدماتیکه میکنند درآتیه امیدوارباشند . »

وقتیکه بعد ازجنك بین الملل اول انجمن صلح درپاریس تشکیل شد تمام دول که از جنك خسارت دیده بودنددرانجمن شرکت کردند لیکن کشورعزیزما ایران که بیش ازاغلب دول شرکت کننده درانجمن ازجنك صدمه وآسیب دیده بود برعکس نمایندگان آن فقط توانستند تا پشت دراطاق انجمن صلح بروند و آنها را نگذاشتند که وارد انجمن شوند دراین موقع بود ملت آزادیخواه امریکا بپشتیبانی ملت ایران قد بر افراشت وسعی وکوشش دیپلماسی نمود تا نمایندگان ایران رادرانجمن صلح داخل نماید لیکن دراین هنگام در تهران دستهای خارجی بکمك بعضی ازرجال خائن شروع به تحریکات کرده که دولت امریکا بایران کمك نخواهد نمود وعهدنامه ۱۹۱۹ را بایران اجباراً قبولاندند و اقدامات امریکا را هم در این زمینه خنثی کردند تا اینکه نمایندگان ایران نتوانند در انجمن صلح شرکت کرده و تقاضاهای حقه خودرا به گوش جهانیان برسانند و کشورخودرا ازچنگال سیاست شوم دودولت امپریالیستی همسایه خویش نجات دهند . »

اینك یك سند دیگری که حاکی است از کمك امریکا در موقعی که کشورعزیزما دوران سیه بختی وتیره روزی خودرا طی میکرد ازنظر خوانندگان ارجمند میگذرانیم .

اعلامیه وزارت خارجه امریکا

در موضوع قرار داد ۱۹۱۹

که درتاریخ ۹سپتامبر ۱۹۱۹ ازطرف سفارت امریکا درتهران بنام ملت ایران منتشرشده .

تهران سفارت آمریکا

دولت اتازونی بشما تعلیم میدهد نزد زمامداران ایران واشخاص علاقه مند این مسئله راتکذیب نمایندکه دولت اتازونی از مساعدت نسبت بایران امتناع ورزیده است . امریکا همواره علاقه خودرا برای سعادت ایران بطرق بسیار اظهار و ابراز داشته ، نمایندگانی که ازطرف دولت اتازونی درکمیسیون صلح پاریس عضویت داشته اند مکرر کوشش و مجاهدت کرده اند سخنان نمایندگان ایرانرا در کنفرانس صلح مورد استماع قرار دهند .

نمایندگان امریکا متعجب بودندچرا مجاهدات آنها بیش ازاین بتقویت ومساعدت تلقی نمیشودلیکن اکنون معاهده جدید معلوم میدارد که بچه علت امریکائیها قادر نبودند سخنان نمایندگان ایرانرا باصغاء برسانند ونیز معلوم میگردد که دولت ایران در تهران با مساعی نمایندگان خود در پاریس مساعدت و تقویت کافی ننمود . دولت اتازونی معاهده جدید ایران و انگلستان را با تعجب تلقی مینماید ، معاهده مزبور معلوم میدارد باوصف آنکه نمایندگان ایران در پاریس علناً ومؤکداً طالب مساعدت

وهمراهی امریکا بودند ایران ازاین ببعد مایل بکمك یاتقویت امریکا نمی باشد .

درهمین اوان بود که سرا تاسر ایران را قحطی تهدید میکرد و مردم دسته دسته از بی غذائی می‌مردند ملت امریکاشروع بکمك نمود وروزانه مبلغ متنابهی بوسیله میسیون مذهبی امریکا مقیم تهران بین ساکنین بی بضاعت پایتخت برایگان تقسیم مینمودند بدون اینکه انتظار کوچکترین پاداشی از طرف ملت ایران داشته باشند روح سخاوت و جوانمردی امریکائی برای ابد در قلوب فرد فرد ایرانیها چون مشعل فروزانی تابان و ملت ایران کمك های بی‌شائبه ملت امریکا راهیچگاه فراموش نمیکنند .

فصل پنجم

امریکا و نفت ایران

ازاواسط قرن نوزدهم ببعد اهمیت نفت در جهان مکشوف شدواز اولین چاه که در « پان سیلوانی » برای جمع آوری آب شورو گرفتن نمك حفر شده بود این مایع سیاه فواران زده و بمقدار زیادی مای بیرون جستن نمود .

بعد بتدریج نفت در صنایع رل مهمی را بازی کرد ومقام شامخی را دراحتیاجات صنعتی وزندگانی انسانی حائز گردید وبقسمی استعمال آن رواج یافته که هرملتی امروز بیشتر نفت دنیا را دردست داشته باشد چه ازحیث سیاسی وچه ازلحاظ اقتصادی مقتدرترین ملل جهان محسوب می شود .

درحال حاضر درتمام جهان کارخانجات صنعتی ، فلاحتی ، اتومبیلها تانکها ، زره پوشها ، طیاره ها و کشتی ها وکلیه وسائط نقلیه مواد اولیه سوخت آنها ازنفت میباشد ، واگرروزی دریکی از کشورهای صنعتی نفت نباشد بکلی وسایل زندگانی آنها فلج خواهد شد ودیری نخواهد پائید که آن ملت و کشور ازبین خواهد رفت . برای اینکه ارزش طلای سیاه را بهتر معلوم کنیم گفته های سیاستمداران کشورهای بزرك رابعنوان شاهد درزیر نقل مینمائیم :

کلمانسو نخست وزیرفرانسه دراواخرجنك بین الملل اول راجع بارزش نفت چنین گفت « یکقطره خون معادل یکقطره نفت است .

وهانری (۱) برنژه در سال ۱۹۱۹ گفت « هر که نفت دارد مالک امپراطوری مقتدری است » .

سر الیک الوزمنشی دتردینگ میگوید « ارتشها ، نیروی دریائی ثروت های بزرك وحتی مجموع نیروی ملت ها در مقابل فقدان نفت به پشیزی نمی ارزد یعنی در حقیقت بمنزله صفر است. خلاصه امروز نفت تا موقعیکه نیروی اتم ببازار نیامده ودرصنعت مورد استعمال عمومی قرار نگرفته رتبه اول را درجهان حائز است ومسئله نفت برای آتیه دنیااهمیت حیاتی دارد وازاین رواست که هر کشورمقتدری سعی میکند منابع نفتی بیشتری را در جهان دارا باشد .

ابتداء کشف نفت درامریکای شمالی شروع بپیشرفت نمودو بعداً داخل درصنعت شد وامریکائیها باهمیت آن پی بردند وشروع باستخراج نفت نمودند لیکن بزودی پسر عموهای آنها ساکن آن جزیره کوچکی که مشرف برقاره اروپا میباشد وسکان کشتی دنیا راهدایت میکنند باهمیت این موضوع پی برده واین رمزرا کشف کردند و گفتندممکن استروزی زغال سنگ این جزیره تمام شود پس باید بفکرماده دیگری بجای او بود بدینجهت بفکرچیزی افتادند که امریکا مصرف میکرد و آن نفت بود ازاین تاریخ ببعددستگاه اینتلیجنس سرویس انگلیس بطرزشگفت آوری بکار افتاد وماهرترین کارشناسان نفتی وزبر دسترین جاسوسان خودرا بلباسهای مختلف ازقبیل پزشک جهت مبارزه بر علیه میکروب مالاریا بافریقا و کشیش برای هدایت ورستگاری مردمان گمراه و گناهکار مسیحی بطرف ایران .

---

۱ ـ Henry Berenger ۲ ـ Sir Ellict alves

ومشاورین نظامی برای کمک بقبایل عربی وبخشیدن تاج سلطنت برؤسای آنها بطرف عربستان ودسته‌های کمکی جهت رهائی اهالی کشور های امریکای جنوبی ازز یرچنگال بیرحمانه پرتقالیها و اسپانیائیهای امپریالیست بطرف امریکای جنوبی و یکعده سیاح ودانشمند جهت بررسی درتمدن باستانی بکشورچین وعده از مردمان خیرخواه بطرف رومانی برای اینکه آنها را بکمک انگلستان امیدوارسازند که ازز یرظلم دولت عثمانی آنها را نجات خواهند داد

وعدهٔ هم معلم مفلوك وبیچاره (!) برای ترویج زبان انگلیسی و ایجاد روابط فرهنگی به مکزیک وامریکای مرکزی رهسپار کردند

ناگفته نماند که قبلا هم عده از تجار انگلیسی را برای پیشرفت تجارت وتأسیس شرکت هند شرقی بهندوستان فرستاده بودند

تمام این اشخاص را که دربالا نام بردیم از بهترین هنر پیشگان دانشکده اینتلیجنس سرویس بودند که در لباسهای مختلف رل خود را بنحواحسن انجام دادند وهیچگاه اشراف انگلیس خدمات آنها را فراموش نخواهند نمود ونام آنها توأم با بطری‌های ویسکی هرظهر وشب درمد نظر جنتلمن های انگلیسی منقوش است .

اولین کسیکه برای کاوش نفت بایران آمد ویلیام کتوت دارسی استرالیائی بود این شخص بقول آنتوان (۱) زیشگا اطریشی نویسنده کتاب « جنگ مخفی برای نفت »مثل سایرمورخین میدانست که قرنهای متمادی در آتشکده های ایران شعله های سفید رنگ آتش بارتفاع خیلی زیاد می‌سوخته و آتش پرستان ایرانی آن شعله‌ها را بعنوان مظهر (اهورمزدا)

---

۱ - Antoine Zischkea

می پرستیدند ، ستونهای آتش مدتها است خاموش شده اما دارسی با جدیتی تمام در جستجوی مکان آن شعله های هزار ساله بود ، دارسی یقین داشت که شعله های سفید رنگ آتشکده های ایران اشتعال گاز ونفت بوده و بایستی که هنوز در این نقاط نفت موجود باشد . وانگهی اراضی وسیع نفت خیز روسیه قاعدتاً و طبیعتاً باید از دریای خزر تجاوز کرده تا زمین های شمال ایران وسعت پیدا کند ، این خیالات وتصورات متوالی اورا دقیقه ای آرام نمیگذاشت و بالاخره شوردرون وادارش کرد که بهر ترتیبی باشد این معما را حل کند .

تا اینکه دارسی بطرف کشور گل و بلبل ایران رهسپار شد و پس از گذشتن از یك سلسله جاده‌های پرپیچ و خم که از یکطرف مشرف برود خانه های عظیم وازطرف دیگر کوهستانهای مرتفع سبز وخرم که بلبلان در آنجا نغمه سرائی میکردند احاطه کرده بود بشهر زیبای تهران رسید و با شاه ایران ناصرالدین شاه ملاقات نمود سرانجام پس از فعالیتهای زیاد توانست امتیاز معادن زیرزمینی ایران را در تاریخ ۱۹۰۱ طبق فرمان زیر درمقابل پرداخت مبلغ ۱۰۰٬۰۰۰ فرانك بشاه بدست آورد .

متن امتیازنامه که بدارسی داده شد

« با احترام روابط فوق العاده دوستانه ای که بین دولت بریتانیا ودولت علیه ایران برقراراست موافقت می شود که مهندس ویلیام کتوت دارسی وشرکاء . دوستان . اولاد . احفاد و وارثین قانونی او بمدت ٦٦ سال دراراضی دولت شاهنشاهی بهرگونه عملی اعم از کندن قنوات .حفر چاه هاسوراخ کردن زمین . خاك ریزی . خاك برداری بهر عمقی که مهندس دارسی مایل باشد مبادرت نموده وکلیه منابع زیر زمینی بدون استثناء

از هر نوعی که باشد متعلق بدارسی و یا اشخاص مذکوره در فوق خواهد بود . »

پس ازاینکه دارسی این سند بدبختی و اسارت ملت ایران را از دست شاه مستبد بی‌عرضه وبی اطلاع طماع در مقابل وجهی بآن قلیلی بدست آورد خواست شروع بعملیات کند که ناگهان ازهرطرف جاسوسان انگلیسی اورا درمنگه فشار گذاشتند تا سندرا ازاو بربایند ناچاردارسی شبانه فرارکرد وازدست عمال حیله گراینتلیجنس سروبس بدریاپناه برد بخیالش که درآنجا ازشرآنها مصون خواهد بود و بوسیله کشتی عازم امریکا شد درکشتی مسافرین زیادی بودند لیکن هیچکدام آنها طرف توجه او واقع نشدند باستثنای یك کشیش زاهد ومتقی ترك دنیاکردهٔ که بغیر ازعبادت وپیروی‌ازآئین مسیحیت وامیدواربه عقبی‌بودن کاردیگری نداشت این‌کشیش روحانی‌که یك الههٔ از نوریزدانی درناصیه او هویدا بود درکشتی بشارت میدادکه ای‌گناهکاران بیائید از کرده هـای خود پشیمان شوید وازگناهان خود استغفار وتوبه نمائید و بطرف کلیسیا رو آورده ونماز بجاآورید تا رستگارشوید زیرا ملکوت خدانزدیك‌است وکسانی‌که بخواهند دردنیای ابدی با روح القدس محشور شوند باید کفاره گناهان خودرا بابخشیدن مقداری ازاموال و اثاثیه خود بکلسیا بدهند تا دربهشت برین با حوریان مه پیکروخورشید طلعت هم آغوش شده و شراب لذت را از لبان میگون فرشتگان آسمانی تا ابد بیاشامند .

این نصایح مشفقانه ؛ وخیرخواهانه ؛کشیش دردل‌دارسی‌که از چندی پیش بواسطه فعالیت زیاد خستگی در روح اوایجاد شد بود و در

اثراین کسالت روحی پشت بدنیای حاضر کرده وبطرف دنیای ابدی تمایل پیدا نموده بود اثر کرد ودست بدامان کشیش زد وازاواسترحام واستدعا نمود تاآن سند پاره امتیازنفت را بوسیله او بعنوان هدیه بکلیسیا تقدیم کند ودرعوض آنهم گناهان اورا ببخشد تا ازوعده هائیکه کشیش میدهد درآن دنیا برخوردارشود کشیش با یك بی میلی که حاکی ازعدم اعتناء او نسبت با این امربود سندرا قبول کرد ودرعوض بهای آن گناهان دارسی را بخشید واورا دعاکرد و گفت امیدوارم که تودرآندنیا بجای یهوداکه بحضرت مسیح خیانت کرد جزء حواریون شوی دارسی با یك شوق زاید الوصفی دامن کشیش را رهاکرد رفت تا درجزء حواریون نام نویسی کند. کشیش تارك دنیای ماهم ازدارسی خداحافظی کرده بوسیله کشتی دیگری یکسره بطرف انگلستان عزیمت نمود تا نتیجه موفقیت آمیزاین مسافرتش رابرؤسای خود بشارت داده وامتیازنامه نفت ایران را تحویل اداره متبوعه خود یعنی انتیلیجنس سرویس دهد.

بدون شك خوانندگان گرامی حالاخیلی مشتاق هستند که ما ماسك را ازصورت این کشیش برداشته وچهره حقیقی اورانشان دهیم.

این کشیش همان «سیدنی (۱) ریلی» معروف جاسوس جوان وزیرك انگلیسی است که با این شاهکار تاریخی پایه و اساس آینده خود را محکم ساخت.

ریلی نژاداً کلیمی است وچون صورت حق بجانبی داشت وبعلاوه خیلی زیرك ودانابود بعدازواقعه ایکه درکشتی روی داد باسم مبدل «روزن (۲) بلوم» رئیس هیئت جاسوسی انگلیس در روسیه شد. کمی بعد با کمك

۱ - Sidney Reilly ۲ - Rosenblum

کاپتن هیل[1] کلیه کارهای جاسوسی روسیه را مادامیکه منفقین در آنجا دخالت داشتند اداره میکرد باین ترتیب جزء معتمدین و نزدیکان چرچیل درآمد و کم کم دراثر کفایت شخصی برای امپراطوری انگلیس شخص برجسته و کاردانی شد ولی در سال ۱۹۲۶ بوضع مرموزی یعنی تقریباً بهمان شکل عجیبی که درعهد دارسی ظاهر شده بود ناگهان ناپدید شد!

بعدها شرکت نفت انگلیس و ایران با سرمایه ۲ ملیون لیره تشکیل شد و ۵۶ در صد سهام شرکت نفت انگلیس در ایران در دست وزارت دریا داری انگلیس و اینتلیجنس سرویس یعنی عامل اصلی و پیدا کننده فرمان شاه قرار گرفت.

ازوقتیکه کمپانی نفت شروع ببهره برداری درایران کرد علاوه از اینکه در مقابل ملیونها استفاده که ازسرزمین های کشورعزیزما میبرد مبلغ بسیار ناچیزی درمقابل میپردازد غالب اوقات هم برخلاف مقررات امتیاز نامه خود رفتار کرده است و ازطرف دولت های وقت و نمایندگان آزادیخواه مجلس شورای ملی و نیز روزنامه ها نسبت بعمل شرکت اعتراض شده است لیکن «نرود میخ آهنین در سنگ» تا کنون جواب شرکت بوده است

در سال ۱۹۲۱ که کابینه قوام السلطنه روی کار آمد چون وضع اقتصادی کشور بواسطه وصول نشدن مالیات و از طرفی هم قرضه های سنگین که ازهمسایگان شمال و جنوبی شده بود، خیلی وخیم بود از اینرو دولت بفکر افتاد که هم ازحیث توازن سیاسی و هم از لحاظ تعادل اقتصادی امتیاز نفت شمال را بدولت امریکا که یکدولت غیر امپریالیستی و بشر دوست بود بدهد که هم اوضاع اقتصادی ایران رو به بهبود برود

---

۱ - Hill

وهم شاید شرکت نفت سر رحم بیاید و از لحاظ رقابت هم شده بتقاضای حقه ایران جواب مثبت دهد .

ازاینرو دولت لایحه ای تنظیم نمود ودرتاریخ شنبه۲۹عقرب۱۳۰۰ خورشیدی برای تقدیم بمجلس آورد ابتداء جلسه سری تشکیل شد و بعداً جلسه علنی بریاست مؤتمن الملك پیرنیا تشکیل و آقای احمدقوام نخست وزیر وقت پشت تریبون قرار گرفته چنین اظهار داشتند . البته خاطر آقایان نمایندگان محترم مستحضر است که چون غالباً اوضاع کشور رو به بهبودی وامنیت درنقاط مختلفه حکمفرما میباشد لازم بوددولت در کشف معادن برای تولید ثروت و تهیه کار برای اشخاص بی کار عطف توجهی نماید باین نظرامتیازاستخراج نفت شمالی که سابقا به خوشتاریا داده شده بود بواسطه قانونی‌نبودن آن نقض گردیده بود ازطرف دولت مذاکره شد که بکمپانی (استاندارد اویل) امریکائی واگذار شود و لایحه آن تهیه شده تقدیم مجلس میشود وچون بجهات فوق‌دولت در نظر دارد که اقدام نموده دراسرع اوقات ممکنه شروع شود تقاضامیشود که که‌مجلس رأی بفوریت در لایحه مزبور داده وآنرا تصویب نمایند .

بلا فاصله مجلس وارددستورشد وبفوریت لایحه رأی گرفته شدو تصویب گردید بعداً لایحه‌رابرای شوروبررسی بکمیسیون های (خارجه فوائد عامه تجارت) فرستادند وپس ازموافقت کمیسیون های مزبور در همانروز بمجلس علنی آمد و بمواد پنجگانه امتیاز نامه جدا جدا رأی گرفته شد وبشرح زیر تصویب گردید .

متن امتیازنامه .

ـ مجلس شورای ملی ایران واگذاری امتیازحق استخراج

نفت ایالات مفصله الاسامی شمال ایرانرا بکمپانی (استاندارد اویل) امریکائی تصویب می‌نمایدنقاط مزبورشامل ایالات آذربایجان. استرآباد مازندران . گیلان وخراسان خواهد بود .

۲ ـ مدت این امتیاز پنجاه سال خواهد بود .

۳ ـ حقوق دولت ایران زائد برصدی ده ازکلیه نفت ومواد نفتی مستخرجه از چاهها قبل از آنکه هر گونه خرجی باو تعلق بگیرد خواهد بود .

٤ ـ شرایط دیگرامتیاز ازقبیل تسعیرسهم دولت وپرداخت آن و طرزنظارت دولت درعواید کمپانی وشرایط ابطال کننده این امتیازوسایر شرایط دیگررا دولت پس ازمذاکره تهیه وبرای تصویب بمجلس شورای ملی تقدیم خواهد نمود .

۵ ـ کمپانی مزبورحق نخواهد داشت این امتیازرابدولت یاشرکت خارجی واگذارنماید و در صورت تخلف ازاین ماده امتیاز مزبور ملغی خواهد بود . تصویب امتیازنفت شمال بکمپانی امریکائی مانند بمب در آسمان سیاسی بین المللی صداکرد و بلافاصله انتریگ ومخالفت علنی از طرف دو همسایه شمالی و جنوبی ایران شروع شد اولین اعتراض و مخالفت ازطرف دولت اتحادجماهیرشوروی بشرح زیر بعمل آمد

روزدوم قوس ۱۳۰۰ خورشیدی دوفقره یادداشت اعتراض آمیز که یکی از آنها تقریبا لحن اولتیماتوم را نیز داشت از طرف سفارت دولت شوروی بوزارت خارجه ایران فرستاده شد که اولی راجع بواگذاری امتیازنفت شمال بکمپانی استاندارد اویل آمریکائی و مفادش بقرار ذیل بوده است.

« بموجب فصل سیزدهم معاهده اخیر ایران و روسیه مورخ ۲۱ فوریه ۱۹۲۱ دولت ایران نباید امتیاز شمال را که دولت جمهوری روسیه بایران واگذار میکند بدیگری بدهد وچون امتیاز نفت شمال را یکی از کابینه‌های ادوارفترت بخوشتاریا که تبعه گرجستان است طبق ورقه ای که صورت امتیازنامه داشته داده است بنا بر این معادن نفت شمال ایران چنانچه خود ملت ودولت ایران استخراج ننماید باید زیرخاك بماند .»

یادداشت دوم راجع بتسریع تصویب مجلس شورای ملی ایران درمعاهده دولتین ایران وشوروی بوده است . قبل ازاینکه جواب دولت ایرانرا ذکرنمائیم با توجه باین نکته وسوابق امر لازم است گفته شود اصولا چنین امتیازی (امتیاز خوشتاریا) از نخستین روزتحصیل بدون رسمیت بود وصورت قانونی نداشت زیرایکی ازکابینه‌های ادوارفترت در نتیجه فشاروتهدید وانواع ناملایمات وناچاری با اطلاع باینکه امتیاز بدون تصویب مجلس شورای ملی برخلاف اصل ۲٤ قانون اساسی است وازدرجه اعتبارساقط است اجباراً بخوشتاریا واگذار نمود .

پس ازکابینه های بعد عدم اعتبارآن مراسله وامتیاز را بسفارت روس وسایرسفارتخانه های مقیم تهران اعلام نمودندحتی یکبار دیگر که همان کابینه روی کارآمدخوشتاریای مزبورهرچه تقاضای تجدیدامتیازنامه لغوشده را نمود کابینه مزبورحاضر نشد والغای آنرا رسما بسفارت دولت روسیه تزاری وبخود خوشتاریا اطلاع داد . خوشتاریا پس از آنکه کاملا ازطرف دولت ایران مأیوس شد باروپا مسافرت کرد و ابتداء بـا یك کمپانی نفت هلندی داخل مذاکره فروش این امتیازنامه شد .
کمپانی مزبوربوزیرخارجه ایران مراجعه کرد . وزیر خارجه ایران نیز

عدم اعتبار امتیاز مزبور را بکمپانی هلندی اعلام نموده اورا ازخرید این امتیاز نامه بی مصرف منصرف کرد .

خوشتاریا ازاین مرحله هم مأیوس شد و بفرانسویها برای فروش مراجعه کرد آنها نیزبوزیرخارجه ایران مراجعه کرده همین جواب را شنیدند وصرفنظر ازخرید آن کردند .

تابالاخره خوشتاریا بانگلیسها متوسل شد . لرد کرزن مراسله ای بوزارت خارجه ایران نوشت همین جواب را شنیده ساکت ماندند . پس ازچندی یکمرتبه معلوم شدکه کمپانی نفت جنوب این امتیاز راکه اصلا مراحل امتیازی را طی نکرده و بکلی از درجه اعتبار ساقط بود خریده و بدولت ایران هم اطلاع دادند . دولت ایران پس از استماع این موضوع فوراً همان جواب را بآنها داده حتی آخرین یاد داشت سفارت انگلیس در موضوع امتیاز خوشتاریا که بکمپانی نفت جنوب واگذارشده بود دراوایل کابینه اول قوام السلطنه بدولت ایران رسیدو دولت هم با صریح ترین عبارتی عدم اعتبار آن رابسفارت انگلیس خاطر نشان نمود .

با این کیفیت دولت شوروی یادداشت مذکوررا داد ودولت ایران هم بوسیله یادداشت ذیل جواب اعتراض دولت شوروی را داد .

جواب یادداشت‌های دولت شوروی

روز ۷ قوس ۱۳۰۰ ازطرف وزارت امور خارجه مراسله ای به سفارت دولت اتحاد جماهیرشوروی فرستاده شد مشعر بر اینکه چون نوشته مزبور بهیچ وجه مدارج قانونی را طی نکرده و بتصویب مجلس

شورای ملی نرسیده است قانونا باطل وازدرجه اعتبارساقط و کان‌لم‌یکن بوده است و بهمین نظر بوده است که در موضوع اظهارات کمپانی نفت جنوب بعنوان اینکه معامله با خوشتاریا نموده دولت علیه مکرر باطل بودن نوشته را که دردست خوشتاریا بوده خاطر نشان ساخته و اعلام کرده است . درجواب اظهارمراسله دومی مبنی براظهار تکدر ازتاخیر تصدیق عهد نامه ایران وروس وزارت خارجه مراسله ای بسفارت‌دولت شوروی فرستاد حاکی ازاینکه دولت بهیچوجه مایل بتاخیرانجام‌مطلب نبوده است وبمحض اینکه مجلس شورای ملی ازترتیبات داخلی‌خود و تصویب پروگرام هیأت دولت فراغت حاصل نمود عهد نامه مذکور به مجلس تقدیم و از طرف مجلس بکمیسیون خارجه ارجاع گردید در کمیسیون اختلافاتی بین نسخه فارسی و روسی عهدنامه مشاهده گردید ونیزیك فقره اشکالی درمتن عهدنامه بنظرکمیسیون رسیده بود وچون کمیسیون خارجه بااساس‌عهدنامه موافقت‌داشت برای ابراز کمال‌موافقت و نظر بعلاقه‌مندی که بحسن روابط دولتین داشت میخواست را پرتی بدهد که کاملا موافق باشد این‌بود که‌درصدد بر آمد بوسیله مذاکرات خصوصی اختلاف ترجمه بین نسختین فارسی وروسی را اصلاح و رفع اشکال را نمایدآنوقت را پرت خودرا بمجلس تقدیم دارد وبهمین‌جهت ازطرف دولت باسفارت روس‌برای‌رفع چند فقره‌اختلاف راجع بعهدنامه مذاکرات شروع گردید نظر باینکه تاخیری که بملاحظات فوق پیش آمده بود حمل‌برعدم میل‌دولت‌بتسریع انجام مطلب شده بودکمیسیون حاضرگردید برای رفع این توهم راپرت خودرا هر چه زودتر بمجلس تقدیم دارد .

متعاقب یادداشت‌های سفارت دولت شوروی یعنی روز ۲۵ ربیع‌الاول ۱۳۴۰ قمری دومراسله شدید اللحن هم راجع باعطای امتیاز نفت شمال بکمپانی استاندارد اویل ازطرف سفارت انگلیس بوزارت‌خارجه ایران واصل گردید مبنی براینکه چون خوشتاریا امتیاز خودرا بکمپانی نفت جنوب که ازاتباع دولت انگلیس است فروخته بنا براین دولت ایران حق ندارد که آنرا بکمپانی امریکائی واگذار نماید.

عصرهمین روز رئیس الوزراء نمایندگان مجلس را برای تشکیل جلسه خصوصی وعلنی خبر کرده وتا پاسی ازشب دراطراف یادداشتهای اخیر دولتین روس و انگلیس مذاکره نموده بالاخره قرار براین شد که دولت جواب یادداشت های دولت انگلیس را نیزهرطوریکه صلاح می داند تهیه وارسال دارد.

تظاهرات عمومی برله امتیاز نفت شمال

پس ازآنکه امتیاز نفت شمال درمجلس تصویب ومفادآن بوسیله جرائد منتشر گردید اغلب ازایالات وولایات ایران بوسیله تلگراف این اقدام دولت ومجلس را تقدیس وابرازاحساسات نمودند وفرقه دمکرات ایران که ازاحزاب نیرومند ودرجه اول آنروز بشمارمیرفت.

اعلامیه ذیل را در تاریخ ۹ قوس ۱۳۰۰ شمسی در تهران منتشرساخت.

یك قدم عملی یاکنترات نفت شمال باکمپانی امریکائی

« دولت ایران وآقای قوام السلطنه رئیس الوزراء حاضر در سنه

۱۳٤۰ هجری یکقدم رو بسعادت این کشور برداشته و اتفاق آراء نمایندگان مجلس شورای ملی دوره چهارم آن قدم را عملی دانسته و منافع آن را نسبت باین آب و خاك سنجیده و رأی اعتماد دراین موضوع دادند

سفارت جمهوری شوروی روسیه و نایب سفیر دولت بریتانیا اظهار تکدر ازاین اقدام دولت نموده بالحان مختلفه یاد داشت بدولت ایران می فرستند.

ازشرح تاریخ گذشته این مسئله و بطلان دعوای پوسیده خوشتاریا و نا حق گوئی نمایندگان شمال وجنوب هم صرف نظر نموده وقضاوت این قضیه را بافکارعمومی باید واگذار کرد هیئت نمایندگان حزب دمکرات تهران باآنکه قبل ازانتخاب نقطه ثقل حقیقی خود موظف بمداخله در سیاست مملکتی قانونا نخواهد بود ولی ازبابت اهمیت موضوع مهمترین خدمتی که از هیئت محترم دولت وقت بنفع این مملکت بعمل آمده ناچار است که اولا اظهارعقیده نموده وعلنا بگوید که بهترین اقدامی که در دوره مشروطیت برای سعادت ایران شده همین است ودرثانی هیئت محترم دولت را تهنیت گفته وخاطر نشان مینماید که بپاداش یك چنین خدمت مهم جمعیت دموکرات تهران تاآخرین دقیقه امکان حاضر است قوای خود را صرف پیشرفت این مقصودعظیم کرده ورسما نسبت بیادداشت های همسایگان دراینموضوع اظهار تکدّر قوی بنماید.»

هیئت نمایندگان فرقه دموکرات ایران

بالاخره دولتین روسیه شوروی وانگلیس ناگزیر جوابهای دولت ایران را پذیرفته پس ازچندی ازتعقیب موضوع صرفنظر کردند

دراینهنگام کابینه قوام السلطنه سقوط کرد وکابینه مشیر الدوله

روی کار آمد وجدا موضوع نفت را تعقیب نمود تلگراف مؤکدی هم
دراین خصوص واتمام عمل بنماینده ایران در امریکا مخابره کرد ، در
ضمن یکی ازتلگرافات وارده ازآمریکا این مسئله تذکر داده شده که
کمپانی استاندارد اویل پیشنهاد شرکت دادن کمپانی انگلیسی رابدولت
مینماید . پیشنهاد مزبورفورا ازطرف مشیرالدوله رد شد وهمین اثنا هم
نماینده ایران درآمریکا آقای حسین علاء بدولت تلگراف کرد که یك
میلیون دولار قرضه که مقدماتش درکابینه قوام السلطنه تهیه شده بود
حاضر است .

مشیر الدوله بعلاء تلگراف کرد که ما این مبلغ را قبول میکنم
ولی چون ازطرف کمپانی استاندارد اویل شرکت دادن کمپانی انگلیسی
پیشنهاد شده وبا اینکه دولت ایران رسما آنرا رد کرده است ، از نظر
اینکه مبادا قبول این وجه تصدیق ضمنی برمشارکت مزبور باشد . مجددا
بطورقطع مذاکره نمائید که دولت این وجه را قبول میکنند ولی کمپانی
انگلیسی را باکمپانی امریکائی نمی پذیرد اگرقبول وجه مبنی برقبول
شرکت مزبورباشد دولت نمیتواند آن وجه را بگیرد .

نماینده ایران جواب داد که این وجه مطلقامربوط ودلیل برقبول
شرکت کمپانی انگلیسی نخواهد بود .

روی همین مذاکرات کابینه مشیر الدوله مبلغ یك میلیون دولار
را قبول کرد ودستورداد که بوسیله بانك شاهی بطهران برسانند .

متعاقب وصول وجه مزبوربتهران ازطرف دولت معادل همان مبلغ
حواله بوزارت خانه ها داده شد اما در همان موقعیکه این حواله ها
صادرشده بود ناگهان ازطرف سفارت انگلیس بمشیرالدوله اطلاع داده

شد که قبول این وجه رسابت ضمنی و تقبل شرکت کمپانی انگلیسی می باشد بمجرد وصول این خبر مشیرالدوله فورا این مسئله را رد کرد و ازطرف دیگر حواله را توقیف نمود ودیناری ازآنرا نگرفت و به علاءهم تلگراف کرد که چنین اظهاری ازطرف سفارت انگلیس شده است دولت ایران این وجه را قبول نمیکند و باآنکه صریحاً اظهارداشته اند که قبول این قرضه دلیل برشناختن مشارکت کمپانی انگلیسی نمی باشد پس چطور سفارت انگلیس چنین اظهاری را مینماید

درخلال این احوال گویا ازطرف سفارت انگلیس هم بلندن و هم امریکا مراجعه شد که دولت ایران اینوجه را خارج ازمشارکت کمپانی نفت جنوب واستاندارداویل قبول میکند پس ازدوروزهم جواب تلگراف دولت ایران و هم جواب سفارت انگلیس رسید که اینوجه مربوط به مشارکت کمپانی انگلیس نمی باشد لذا دولت ایران یك ملیون دلاررا دریافت نمود .

پیشنهادات کمپانی استاندارد اویل دائر بر مشارکت کمپانی نفت جنوب از طرف دولت و کابینه مشیر الدوله صریحاً رد شد زیرا گذاشته از نظریاتی که ممکن بود دولت نسبت بملیت صاحب امتیاز داشته باشد . وجود ماده پنجم امتیاز نامه انتقال امتیازرا بدیگری . هر کسی وهر کمپانی باشد با مشارکت دادن دیگری صریحا منع نموده و موجب فسخ امتیازمیدانست از این‌رو دولت ایران نمی‌توانست پیشنهاد کمپانی استاندارد اویل را قبول کند .

بنا براین دولت های وقت باآن همه جدیتی که بانجام این عمل داشتند بواسطه پیشنهادات کمپانی استاندارد اویل دائر بمشارکت کمپانی

نفت جنوب نمیتوانستند آنرا قبول کنند و از طرف دیگر چون در تصویب نامه مجلس شورای ملی مخصوصا قید شده بود که در موقع واگذاری نفت شمال دولت باید فقط باکمپانی استاندارد اویل داخل مذاکره بشود ازاین رو دست دولت درمذاکره با کمپانی های دیگر امریکائی کاملا بسته شده بود ونمیتوانست رسماً باکمپانی امریکائی دیگری ولوآنکه هرقدرهم شرایط و پیشنهادآن مفید ترو مساعد تر باشد داخل مذاکره شود ازاین لحاظ دولت در محظور عریبی گیر کرده بود و نمیتوانست راهی برای خروج ازاین وضعیت غیرعملی برای خود بیاندیشد و این محظور فقط همان مواد مصوبه مجلس بود که مخصوصا ذکرشده بوددولت باکمپانی استاندارد اویل داخل مذاکره شود بنا بر این مسئله امتیاز نفت شمال بکمپانی استاندارد اویل دچاروقفه گردید وتقریبا در حدود شش ماه بطول انجامید و ممکن بود مدتهای دیگری هم ادامه یابد و چون کشور درنتیجه فقر و عدم بنیهٔ مالی رو بانحطاط و متلاشی شدن میرفت و ایران دچاریك فشارسخت اقتصادی که ازخارجه برای ما تهیه شده بودگشته . تجارت کشور تقریباً در حال وقفه ، سرمایه ملی معدوم وفقدان تعادل صادرات و واردات روز بروز اوضاع عمومی را خطرناك کرده بود ومردم ایران را بزوال نیستی سوق میداد .

ازاینرودولت ایران ناچاربودکه هر چه زود تر در ضمن اصلاح اوضاع اقتصادی مسئله نفت شمال را هم که بحالت مونوپول وانحصار در آمده بودصورت عمل دهد .

یگانه راه نجات ایجاد رقابت بین این کمپانی با سایر کمپانی‌ها بود وبس وتنها دولت میتوانست باین وسیله ازمحظورومانع خلاص شود

ومتاعش را یا بکمپانی استاندارد اویل یا بدیگری بفروشد و واگذار نماید . این بود که پس از سقوط کابینه مشیرالدوله پیش نهادی بامضای ۴۲ نفر از نمایندگان راجع بتعدیل ماده اول اجازه نامه مجلس و برداشتن انحصار مذاکره با کمپانی استاندارد اویل تقدیم مجلس شد و بوسیله تصویب آن بدولت اجازه داده شد که با کمپانی استاندارد اویل یا کمپانی های معتبر و مستقل دیگر امریکائی درخصوص واگذاری این امتیاز داخل مذاکره شود وهرچه زودتر این عمل را تصفیه نماید .

متعاقب همین پیشنهاد بود که تحریکاتی از طرف مقامات ذینفع درامور نفت شروع شد ، برخی از جراید بنای هووجنجال را گذاشته و بکابینه حملات شدیدی نمودند . در صورتیکه اگر دولت چنین عملی نمیکرد و نفت شمال را بکمپانی استاندارد اویل بـا شرکت کمپانی انگلیسی واگذار مینمود از نظر اینکه نقاط نفت خیز در شمال ایران می باشد واز نظر سیاست همسایه شمالی و مواجه شدن با کمپانی انگلیسی برای ایران خطرات بیشماری را در بر داشت بهمین مناسبت دولت قوام السلطنه باکمپانی دیگر امریکائی که کمپانی سینکلر بود با شرایط ومنافع بهتر وبیشتری واردمذاکره شد وقرار دادآنرا تهیهٔ وبمجلس هم پیشنهاد نمود . (۱)

لیکن مجدداً ازطرف دو همسایه جنوبی وشمالی شروع بمخالفت وانتریک شدتا اینکه این امتیاز صورت عملی بخود نگرفت رادیوی مسکو درروز ۲۲ عقرب ۱۳۰۱ خورشیدی در گفتار خود راجع بنفت چنین بیان داشت : « ولادیوستك ـ درمحافل امریکائی راجع بمسئله امتیازات در

---

۱ ــ از تاریخ حسین مکی

شرق وبخصوص امتیازات نفت درایران صحبت زیادی میشود ، از قراری که اطلاع میدهند درامریکا این عقیده را دارند که گرفتن امتیازات نفت درشمال ایران که با قفقاز هم سرحد است بدون شرکت روسیه که مستقیما درخود نفت علاقمند نیست قضیه صورت نا پذیری است همان طوریکه این امتیازات بدون اعطای حق ترانزیت از طرف روسیه صورت پذیر نخواهد بود زیرا مسئله ترانزیت ممکن است سوء ظن وجنبه ماجراجوئی مداخله نظامی اجانب در تحت لوای امتیازات در همسایگی روسیه بر طرف ساخته وحقیقتا یك صورت واهمیت متین استخراجات منابع تحت الارضی باین کار بدهد عموما تصور میکنند که روسیه حق دارد نسبت باین قبیل امتیازات ظنین گردیده و آنها را مصنوعی وتهاجمی تصور کند واگر این امتیازات بدون اطلاع وموافقت او انجام گیرد بدیهی است که روسیه این قبیل مؤسسات خارجی را که تولید سوء ظن میکنند درآن حدود راه نخواهد داد . »

چون موضوع نفت شمال تا سال ۱۹۲٤ بطور کلی خاتمه نیافته بود و هنوز امید میرفت که شاید مجددا امتیاز نفت بکمپانی دیگری امریکائی داده شود . ازاینرو اربابان نفت که درایران ذیعلاقه بودند در صدد بر آمدند که کاملا دست امریکا را بوسیله یك مانور دیپلماسی وتوطئه سیاسی ازایران کوتاه کنند تا با خیال راحت آخرین رمق ملت ایران را مانند زالو بمکند باینجهت قضایا میجر امبری را در تهران بدست عمال خود بشرح زیر بپا کردند .

کمونیزم درفقر و نا رضایتی و استعمار درجهل و خرافات نشو و نما میکنند .

دریکی ازشبهای گرم تابستان یعنی مقارن پانزدهم تیر ۱۳۰۳ در

شهر تهران اشتهار پیدا کرد که یك سقاخانه کوچك مفلوك دورافتاده چهار راه حاج شیخ هادی معجزه میکند . در بین یکی از این شبها اشتهار دادند « جمشید نام باغبان درموقعیکه صد دینار بسقاخانه برای رفع بلا صدقه میداد اظهار کرده است ، حاضرم بنام رئیس بابیه خیلی بیش از اینها پول بدهم ، هنوز این کلام از دهانش خارج نشده بود که دو چشم جمشید کور شد » این خبر در اندك مدت تمام شهر را فرا گرفت وحتی در مطبوعات مهم کشور منعکس گردید سقاخانه وحومه آنرا چراغان کردند سه روز از این هیاهو گذشت مجددا شهرت یافت که همان سقاخانه چند نفر کر را گوش بخشیده ومثل طفل مادرزاد میشنوند . این انتشارات پی در پی در شهر تولید هیجان نمود و دسته دسته مردم متعصب را برای دیدن این مکان مقدس تشویق می کرد وهمه در اینکار از یکدیگر پیشی میگرفتند درضمن دستجاتی تشکیل و بر علیه بهائیها نمایشات مهیج میدادند . هر روز جمعیت جلوی سقاخانه زیادتر می شد و از اطراف طهران عجزه و کور وافلیج برای استشفا باین مکان مقدس حمله میاوردند باین جهات مراسم چراغانی واجتماعات مذهبی ساعت بساعت زیادتر میگردید . روز جمعه ۲۷ تیر در ساعت نه وربع صبح مستر امبری (۱) ویس کنسول اتازونی باتفاق مستر سیمور تبعه امریکا مستخدم سابق کمپانی نفت جنوب برای برداشتن عکس باتفاق یکنفر پیشخدمت بچهارراه شیخ هادی رفته واز درشکه پیاده شده تا از سقاخانه و کرامت وجمعیت و مریدان سقاخانه جمعاً یك عکس واضح وروشن بردارد (چون نامبرده علاوه از اینکه عضو سفارت بود ازطرف مجله جغرافیائی ملی ممالك متحده امریکا

---

۱ — Imbri

شمالی نیز ماموریت داشت که از نقاط جالب توجه و تاریخی و مذهبی ایران عکسهائی بر داشته و بآمریکا بفرستد) جمعیت چهار راه پس از اطلاع ازمقصود کنسول نگذاشتند عکس تاریخی برداشته شود . این دو امریکائی ازنقطه ای بنقطه دیگرچهارراه حرکت کرده مجدداً دستگاه عکاسی را بازمیکنند جمعیت مجدداهیاهو کرده که مانمی گذاریم عکس زن وبچه مسلمین بر داشته شود دراین حال آژان شماره ۱۰۲ مأمور انتظامی چهارراه رسید وجلوی جمعیت را مسدود کردو بآقایان امریکائی با سرودست واشاره فهماند که عکس برداشتن عجالتاً موجب اغتشاش و شاید باعث خطر باشد وصلاح شما دراینست که هرچه زودترازاینجا دور شوید ویس کنسول ورفیقش مسترسیموردوربین عکاسی را جمع میکنند ازصدای (تق) بسته شدن دوربین جمعیت بتصوراینکه امریکائیها عکس بر داشتند شورش کرده بطرف آنها حمله میکنند دراین موقع آژان مزبور باتفاق چند نفر نظامی و آژان دیگرجلوی ازدحام وتهاجم جمعیت را سد کرده وبازحمت فوق العاده کنسول ورفیقش را با همان درشکه که آمده بودند بطرف خیابان استخرحرکت میدهند جمعیت متعصب ودر عین حال غضبناك درشکه را ازپشت سرتعقیب کرده و فریاد میزدند آی درشگه را نگاهدار درشکه پس ازگذشتن ازچندخیابان با سرعت تمام داخل خیابان سپه نزدیك باغ ملی شد و جمعیت هم با سرعت تمام اورا دنبال میکرد فریاد می کرد (آی کشت جلوی درشکه را بگیرید) به محض اینکه درشکه سر خیابان جلیل آباد سابق و خیام فعلی رسید ناگهان دو نفرموتورسیکلت سوار ازداخل خیابان میرسند ودرضمن اینکه این دومأمور مأموریت مخفی خودرا ببهترین وجه انجام میدهند .

درشکه چی را مانع ازتندرفتن میشوند تا اینکه جمعیت ازعقب رسید ودربین آنها این جمله شنیده می‌شدکه « ایندو نفرخارجی زهر(!) درسقاخانه حاج شیخ هادی ریخته ودونفرزن راکشته اند »

مردم جاهل بی خبربطرف‌ویس کنسول وهمراهانش باحالت‌غضب حمله میکنند وضربات سختی بآنها وارد میآورند . جمعی از نظامیان باکمك يك نایب دوم ازقسمت سواریکی ازاین دوامریکائی را از دست مهاجمین وولگردها رهانیده و بطرف قهوه‌خانه رو بروی میدان مشق حمل ومخفی نمودند دراین موقع چندافسر پلیس با عدهٔ پلیس کمکی آمده وابتداء مسترسیمورو امبری را ببیمارستان‌نظمیه«شهربانی»بردند لیکن‌جمعیت‌عامی‌بیسوادبی‌اطلاع که آلت‌دست‌شده‌بودند‌بطرف‌بیمارستان حمله‌بردند دراین‌هنگام‌رئیس‌شهربانی رسید ودستور توقیف مرتکبین و مسببین‌شورش را داد مأمورین شهربانی‌چند نفراز ماجراجویان را فورا دستگیر کردند وجمعیت متفرق گردید .

دربیمارستان‌دکترویلهم ودکتر سفارت امریکا و چند نفر طبیب دیگرحاضرمیشوند وبا دکتر علیم‌الدوله طبیب شهربانی کمك میکنندو مشغول پانسمان ومداوا می‌شوند تاآنکه کنسول بهوش‌آمده وچند کلمه با خانم خود که از طرف شهربانی احضار شده بود تکلم میکند . ولی بالاخره درساعت ٥ عصرفوت مینماید .

پس ازقتل میجر امبری دولت فورا حکومت نظامی را در تهران اعلام‌کرد ودر جلسه علنی مجلس شورای ملی بیانات‌کافی دائر بتأسف ازوقوع این قضیه ازطرف رئیس مجلس و وزیر امورخارجه و بعضی از نمایندگان منجمله مدرس وسلیمان میرزا ایرادگردید وگفتند که «عموم ملت ایران ازوقوع حادثه مزبورفوق العاده متاسف است زیرا ایران چه

بحکم شرع انور و چه از روی سنن باستانی خود همیشه مهمان نوازی ومهربانی نسبت بخارجیان را شمارخود قرارداده‌وحتی درموقع انقلاب رعایت حقوق و آزادی آنها راکرده است .

درخارج از مجلس هم درعموم طبقات یك حس انزجار و تنفری نسبت بقتل کنسول امریکا محسوس بودکما اینکه هیئت تجار تأسف وتالم‌خودرا بسفارت اتازونی درتهران کتباً وبرئیس‌جمهورامریکاتلگرافا اظهار داشتند . از طرف مستخدمین دولت هم نمایندگانی برای اظهار تسلیت‌وهمدردی بسفارت رفته رسماً دکترگرفلد وزیر مختار امریکا را ملاقات کردند .

روز سه شنبه ۲۸ تیر وزارت خارجه مراسله ای دائر بتأسف از این قضیه بسفارت امریکا فرستاد و درضمن آن اطمینان دادکه اولیاء دولت کمال جدیت را درکشف وجبران آن بعمل‌خواهندآوردوروتوشت آنرا بتمام سفارت خانه های مقیم پایتخت ابلاغ نمود .

روزدوشنبه ۲۸تیر برحسب وقتی که ازطرف‌سفارت اتازونی‌تعیین شده بود هیئت دولت و نمایندگان مجلس وعده ای از رجال و اعضاء عالی رتبه دولت درکلیسای مدرسه امریکائی حضور بهمرسانیده جنازه کنسول را با احترامات و تجلیل نظامی بکلیسا آورده مراسم مذهبی بعمل‌آمد.علاوه‌بر آن‌دوتاج گل‌یکی ازطرف رئیس الوزراءویکی ازطرف وزیرخارجه در روی جنازه مقتول گذارده شد نسبت بکارکنان سفارت امریکا از طرف دولت اظهار تسلیت و بخانم عمه‌کنسول مقتول مقیم واشنگتن ازطرف وزیرخارجه تلگرافا اظهار همدردی گردید . و بدین ترتیب ملت ایران ثابت‌کردکه در این قضیه کوچکترین دخالتی نداشته

و بملت امریکا ازصمیم قلب علاقه دارد فقط عده ازاجامرواوباشی که از قبیل آنها حتی در متمدن ترین ممالك هم یافت میشوند بتحریك اجانب ورهبری عمال اربابان نفت مرتکب چنین جنایتی شده اند[1].

درروز۲۹تیرازطرف سفیرکبیرترکیه که سمت مقدم السفرائی‌را در ایران داشت یادداشت اعتراض آمیزی نسبت بقتل میجر امبری به وزارت خارجه ارسال داشت ودولت هم جواب قانع کنندهٔ در این باب تهیه وارسال داشت راجع بقتل میجری امبری وسبب آن در روزنامه‌های داخلی وخارجی‌اخباری درج شد که قابل توجه میباشدلیکن‌خبرگزاری رویترتمام اخباررا تحریف میکرد وبعداً منتشرمینمود بنحویکه بالاخره وزیرمختارایران مفتاح السلطنه درلندن جدا درمقام اعتراض برآمده و بمرکز چنین گزارش داد «منکه درست از حادثهٔ امبری جز آنچه تلگرافا بعنوان‌بخشنامه‌فرستاده‌شده اطلاعی ندارم ومتاسفانه‌خبرگزاری وانتشارات منظمی هم نداریم که درمقابل دفاع بر آید ولی آنچه حس میکنم خبرگزاری رویتر تعمداً موضوع را بوضع ناهنجاری جلوه میدهد وایرانیان را مثل مردمان وحشی قلمداد می کنند .»

اینك عین خبری راکه روزنامه شیکاگو تریبون) درسال۱۹۲٤ ازترکیه دریافت داشته ومنتشرکرده درزیرنقل میکنیم :

قبل از اینکه میجر امبری در تهران بقتل برسد . موقعیکه از اسلامبول بایران میرفت‌برئیس خود امیرال بریستول صریحا گفته‌بود که بلشویکها نام اورا از شش سال قبل در جزولیست کسانی‌که باید بدار

۱ـ کسانی که مایل‌باشند جریان مشروح‌قتل مجر امبری را بدانند یکتاب جنك مخفی برای نفت که بوسیله آن داوری ترجمه شده ونیز جلد سوم تاریخ مکی مراجعه نمائید (وماهم‌ازدو کتاب‌مزبوراقتباس کردیم).

آویخته شوند ثبت کرده . میجر امبری ازموقعیکه درپطرزبورك ویس کنسول بود با بلشویکها میانه خوشی نداشت واغلب با آنها مخالفت می کرد وهمینطوراین مخالفت ادامه داشت . امبری پنج مرتبه از روسیه اخراج ودرمرتبه ششم بطورغیررسمی داخل روسیه میشود وازنزدیك طرزاداره وکار بلشویك ها را مطالعه میکند ومؤسسات آنها راازنزدیك می بیند .

میجرمزبوزموقعی که درآنقره میزیست سفیر روسیه مقیم آنقره میخواست اورا بهر ترتیبی که باشد بقتل برساند ولی رئوف بیك قبلا از ترتیبات همان سوء قصد با خبر میشود وکمونیست ها را که برای قتل میجر بآنقره آمده بودند بخارج مرکز ترکیه میفرستند .

هارلود اسپنسر (۱)شاگردقدیمی آناپولیس۲ویکی‌ازمأمورین زبردست انتلیجنس‌سرویس که سالیان درازدرشرق‌نزدیك فعالیت‌داشته میگوید : « کنسول‌یار آمریکا درتهران میجر روبرت امبری بدست یکعده جیره خواران شرکت نفت باین جرم کشته شد که میخواست امتیازات نفت‌شمال‌رابرای‌شرکت امریکائی سینگلر بدست آورد . »

با توضیحاتی که دربالا داده شد قضاوت امررابرعهده‌خوانندگان میگذاریم وحالا قدری راجع بشرکت نفت جنوب صحبت میکنیم

نفت برای همه طلا است برای ما بلا است

دردوسال قبل که اینجانب باتفاق دانشجویان دانشکده حقوق‌بر حسب دعوت شرکت نفت برای دیدن مؤسسات نفت بآبادان رفته‌بودم اوضاع شرکت نفت را از نزدیك مشاهده کردم رفتار شرکت نفت با

۱-Harlod Spencer ۲-Annapolis

کارگران ایرانی کمتر ازرفتاری نیست که اربابان دردوره (۱) بردگی با غلامان میکردند . از یکطرف شرکت تمام باغات اطراف آبادان راکه مشجر ازدرخت نخل میباشند ازصاحبان آنها خریداری میکند وازطرف دیگر بلا فاصله شروع ببریدن درخت کرده و آنجا را تبدیل به بیابان لم یزرع مینماید .

وقتی من دلیل این موضوع را ازیکی ازپیرمردان آبادان پرسیدم اظهارداشت برای اینکه رعیت وقتی باغ هست زراعت میکند گندم خودرا درو کرده نان سالیانه اش تهیه میشود و بوسیله فروش خرما که میوه درخت نخل است امور زندگانی خودرا اداره می نماید ودیگر نمیرود مانند برده با روزی سی ریال درشرکت استخدام شود شرکت مخصوصاً اینکاررا میکنند که رعیت ناچارشد و بشرکت پناه برد وباآن مزد قلیل حاضرشود درشرکت کارکند درهمین آبادانی که شرکت روزی سی ریال الی چهل ریال باکثر کارگران خود مزد میدهد نان یکمن بیست ریال و گوشت کیلوئی شصت ریال میباشد سایر اجناس مایحتاج یك کارگر هم قیمت آنرا باید بهمین منوال سنجید حال باید دید یك کارگر بدبخت ایرانی که ازصبح تا غروب درآن آفتاب سوزان ۴۰ درجه حرارت کار میکند آیا با روزسی ریال می تواند جواب شکم خودوزن و فرزندانش را بدهد ؟ وقتیکه ما وارد کارخانه پیط سازی شدیم دیدم یك کوزه شکسته دروسط آفتاب گذاشته وداخل آنهم آب است و یك لیوان حلبی در کنار آن قرارداردهر کارگری که تشنه می‌شد باید بوسیله این کوزه شکسته که آب آن بسیارگرم بود رفع عطش نماید اینهم وضع بهداشت آنجابود شرکت نفت بیك کارگر حمال انگلیسی چون نژاداً انگلیسی است ده برابرحقوق یکنفرمهندس تحصیل کرده ایرانی که لااقل هیجده سال عمر

خودرا وقف تحصیل کرده و موفق باخذ دانشنامه در رشته مهندسی از دانشگاه شده است حقوق میدهد و اغلب کارهای حساس را بانگلیسها واگذارمیکنند و ازانتخاب ایرانیان بآن پستها جداً خود داری میکنند انگلیسهائی که در آبادان کارمیکنند ازلحاظ بهداشت . فرهنك . اقتصاد وضعیت زندگی آنهاکاملا تأمین است مثلا تمام انگلیسها دراطاقهائی که وسائل سرد کننده هوا هست زندگی میکنند اما خواننده عزیز اگر گذارت بآبادان افتاد دراحمدآباد وبهمن شیرونیز درآقا جاری گذرکن وببین درزیردخمه های سفالی ده ها خانواده کارگر مانند کرم بهم‌میلولند وزندگی میکنند درهمانجائی که این بدبختان که محروم ازوسائل اولیه زندگی هستند نشسته اند اززیرزمین نفت میجوشد وبیرون میآیدلیکن شب هاآنها فاقد چراغ میباشند بلکه با چراغ موشی‌رفع احتیاج میکنند شرکت نفت چندین سال استکه حقوق حقه ایران را پامال کرده و در سال گذشته هم که ازطرف وکلای آزادیخواه مجلس مانند آقایان عباس اسکندری مهندس رضوی رحیمیان وتقی‌زاده دکتر بقائی حائری زاده و مکی باینموضوع اعتراض شد وطبق مدارکی که بعضی ازوکلای نامبرده ارائه دادند معلوم شد شرکت سالیان است که برخلاف‌مقررات‌امتیاز نامه قلابی خود با ما معامله میکند این بود که دولتهای وقت بریاستآقایان حکیمی . هژیر. ساعد شروع باقداماتی کردند وازشرکت‌رسماً خواستند تا نمایندگان خودشان را تعیین وبتهران اعزام دارند تا حق دولت‌ایران را بدهند متاسفانه چون شرکت نفت سالها است که برخلاف تمام آئین بشریت با ما رفتار میکند و دسترنج ملت بدبخت و مفلوك ایران را به صورت نفت ازایران خارج کرده و بشکل پوند طلا در انگلستان جمع

میکنند حتی بقدر ارزش یکهزارم از نفتی را که از اینکشور میبرد بملت ایران نمیدهد وغالباً هم بوسیله عمال خود در کارهای سیاسی دولت‌های وقت که خواسته اند سهم ایران را ازشرکت مطالبه کنند دخالت کرده واقدامات مفید دولت را خنثی و آنرا مجبور بسقوط نموده اند بطوریکه تاریخ سیاسی ایران از چندین سال باینطرف شاهد این ادعا می باشد شرکت حاضر نیست بحرف حساب ما گوش دهد چون باید طلا بدهد وشرکت هم ارزش یك گرم طلا را مساوی یك کیلوخون بشر میداند من امیدوارم که اولیاء دولت ایران بنحو احسن جدیت نمایند تا حقوق حقه ملت ایرانرا ازشرکت نفت که تاکنون خورده و برده است بگیرند وحتی برای استیفاء حقوق ملت ایران اگرشرکت راضی نشد موضوع را بسازمان ملل متحد گزارش دهند و ازدولت آزادیخواه امریکا که امروز مقتدرترین کشور جهان است بخواهند تا در اینموضوع با ما کمك کنند ملت امریکا که همیشه حامی حق وعدالت است وتاکنون هم امتحانات عدیده دراین باب داده است نه تنها حاضر است از حقوق حقه ایران دفاع نماید بلکه از حقوق حقه هر دولت ضعیفی که در جهان مورد ظلم و بی عدالتی دولت دیگری قرار گیرد دفاع خواهد نمود اگرشما اینکاررا نکنیدو برای چند روز زمامداری دست شرکت را در عملیات خود آزاد بگذارید نسل آینده شما را نفرین خواهدکرد و تاریخ نام شما را بزشتی یاد خواهد نمود واولادان شما درآن موقع عارو ننك خواهندداشت ازاینکه خودرا بشما انتساب دهند .

درخاتمه این مبحث برای اینکه خوانندگان گرامی ملاحظه فرمایند آنچه که درباب شرکت نفت سخن رفت کاملا ازروی حقیقت وبی غرضی

بوده ومتکی باسناد مثبته میباشد عین اعلامیهٔ که درتاریخ شانزدهم تیرماه ۱۳۲۸ از طرف عموم کارمندان ایرانی شرکت نفت که بعنوان اعتراض بعملیات نا حق شرکت میباشد در روزنامه یومیه اطلاعات درج شده است ذیلا نقل می‌نمائیم .

روزنامه اطلاعات در تاریخ ۱۶ تیرماه ۱۳۲۸ درمقدمه اعلامیه چنین مینویسد « نامه زیر بصورت اعلامیه چاپ شده از طرف کارمندان ایرانی شرکت نفت بنمایندگان مجلس ومطبوعات وهیئت دولت رسیده است اگرچه این نامه چاپ شده دارای امضاءصریحی نیست ولی بامطالعه مختصری معلوم میشود که برای چه امضاء نکرده اند زیرا بدیهی است **کارمندانی که اکنون در سر خدمت هستند نمیتوانند با امضای صریح خود موارد ضعف وشکایات خویش را نسبت بشرکت نفت ابرازدارند.**

ما چون معتقدیم که باید موضوع کارمندان و کارگران ایرانی در ضمن مذاکرات دولت با نمایندگان شرکت حل گردد بدرج متن نامه کارمندان شرکت نفت مبادرت نمودیم و امید واریم مطالب آنها مورد توجه دولت واقع شود »

نامه سرگشاده از طرف کارمندان ایرانی

شرکت نفت ایران و انگلیس

جناب آقای نخست وزیر، جناب آقای وزیردارائی آقایان محترم نمایندگان مجلس شورای ملی . آقایان محترم مدیران جراید (با تمنای درج مشروحه زیر) :

قسمتی ازگزارش جناب آقای وزیردارائی در جلسه کاخ وزارت

خارجه راجع بجریان مذاکرات نفت درجراید منتشر گردیدو ازمندرجات آن آگاهی حاصل شد.

آنچه که راجع بحق السهم دولت ومالیات وغیره بود ارتباط کامل با منافع عموم اهالی این کشوردارد وعملی راکه دولت دراین باب کرده و میکند بموقع خود مورد قضاوت مردم ایران قرار خواهد گرفت فعلا مورد بحث مانیست.

ولی نکته‌ای که با زندگانی کنونی و آینده ما کارمندان ایرانی شرکت نفت ارتباط مستقیم داردودرمقدرات پنج‌هزارنفر ایرانیان تحصیل کرده وروشنفکر اهمیت بسزائی دارد همان ماده ۱٦ امتیازنامه است که درگذشته اجرا نشده واینك هم بقرار معلوم شرکت درصدد است که از اجرای واقعی آن درازای تعویضات دیگری که بظاهر فریبنده است خودداری نماید.

ماده ۱٦ امتیازنامه باصراحت کامل می‌گوید که تا ایرانیان واجد شرایط برای استخدام درشرکت هستند شرکت حق استخدام خارجیان راندارد وترتیبی هم مقررداشته‌است که بموجب آن شرکت موظف‌است هرسال مرتبا مستخدمین‌غیرایرانی راتقلیل‌داده وبجای آنهابطور تصاعدی درکوتاه ترین مدت ممکن از اتباع ایرانی بگمارند.

وزارت دارائی تصدیق دارد که شرکت نفت باحسن‌نیت این ماده را اجرا نکرده واولاعده زیادی کارمندان انگلیسی و هندی در خدمت خوددارد که بسهولت ایرانیان میتوانند جای آنهارا بگیرند.

ثانیاً بجای تقلیل کارمندان خارجی خوددر۱۵سال‌اخیرعده آنهارا هم دوبرابر کرده است واکنون چهل ودو درصد کلیه کارمندان شرکت

خارجی میباشند .

بهرعنوان وتحت هرلفافه و عذری که شرکت اظهار بدارد امروز مجوزی برای آن نیست که ماشین نویس . حسابدار . ضباط . متصدی انبار اثاثیه . مأمور تعمیرات جزئی منازل . متصدی تقسیم خوار بار . کارمند اداره کارگزینی وغیره را ازانگلستان وهندوستان بیاورد واز استخدام ایرانیان حتی برای این نوع مشاغل که بهیچوجه جنبه فنی ندارد خود داری نماید .

امروزقریب هزار نفرخارجی درشرکت نفت کارهائی را انجام می دهندکه بتصدیق عموم مردمان بی غرض ایرانیان میتوانند بسهولت جای آنها را بگیرند وغفلت دولتهای گذشته موجب شده است که این قسمت از ماده شانزده امتیاز نامه اجرا نگردد

درقسمت تقلیل سالیانه ومرتب کارمندان خارجی هم در دوازده سال پیش شرکت یك قرارداد موقتی با وزارت دارائی منعقدنمود که روی اصول تناسب وپورسانتاژ این تقلیل را عملی نماید اولا بتصدیق هر متخصص حقوق دان قرارداد مزبور باروح ومفاد امتیاز نامه مغایرت داشت و اصل تناسب بین کارمندان ایرانی و خارجی نمیتوانست اساس و مبنای تقلیل واقع شود زیرا شرکت همانطور که در گذشته هم عمل کرده است میتوانست برعده کارمندان جزء خود که ایرانی هستند بیفزاید وتناسب رابمیزانی که مقررشده بدون تقلیل عده خارجیان حفظ نماید . ثانیاً مقصود صریح ماده شانزده امتیاز نامه این بوده است که هر سال یك عده مشخصی را شرکت تربیت کند که جای خارجیان را بگیرند تا تمام کارمندان شرکت بتدریج ایرانی شوند ولی غفلت اولیای دولت وعدم توجه باین اصل مهم موجب شده است که امروز عده کارمندان خارجی شرکت دو برابر عده

پانزده سال پیش باشند!

از بیانات آقای وزیر دارائی چنین مستفاد شد که شرکت با تجدید نظر درمواد امتیازنامه مخالف است وحاضر بهیچگونه تغییری در اساس آن نیست پس طبق چه مجوزی شرکت پیشنهاد میکند که نص صریح امتیازنامه تغییر یافته ودرماده شانزده اصل تناسب که برخلاف امتیاز است درمورد تقلیل کارمندان خارجی اجرا گردد ؟ بقراریکه آقای وزیر دارائی اظهارداشته اند شرکت پیشنهاد کرده است که درطی ده سال آینده تناسب کارمندان خارجی شرکت که فعلا چهل ودودرصد است بسی وسه درصد تقلیل یابد .

همانطور که دربالا گفته شد قبول اصل تناسب درمورد تقلیل کارمندان خارجی برخلاف امتیازنامه میباشد واگراندك تردیدی درین باب هست چه ضرر دارد که دولت ازمشاورین حقوقی خوددرداخل وخارج ایران در این باره کسب نظر کند تا بزودی متوجه شود که قبول چنین اصلی موجب تضییع حقوق ما وبرخلاف حق وعدالت میباشد .

پس ازآنکه ثابت ومدلل گشت که اصل تناسب غلط میباشد بهتر است دولت کمیسیونی ازمطلعین وبی غرضین بخوزستان اعزام دارد که هرمقامی راکه خارجی اشغال کرده وایرانی میتواند فوراجای اورابگیرد بایرانیان واگذار کنند ودرآینده هم شرکت موظف باشد که هرسال یك عده معین ازکارمندان خارجی خودرا بطور تصاعدی جواب گفته وایرانیان را بجای آنها بگمارد .

ما میدانیم که شرکت همواره متعذر باین است که ایرانیان ازعهده کارهای مهم برنمیآیند وضمن این عنوان سعی میکنند که برتری نژادی خارجیانرا برخ ماکشیده وتوهینی بایرانیان بنمایند ولی جواب این ادعای

پوچ درخود امتیازنامه داده شده و آن عبارت‌ازاین‌است که بموجب‌طرح مخصوصی شرکت باید ایرانیانرا تربیت کرده و آنانرا مهیا و آماده برای اشغال مقامات مهم بنماید .

علت حقیقی امتناع شرکت ازاستخدام ایرانیان و تقلیل عده آنها دوچیز است :

یکی اینکه آموختن کاربایرانیان متضمن‌خرج است ودیگراینکه شرکت بلحاظ یك سیاست غلط میل ندارد که کارهای‌حساس آن‌دردست ایرانیان باشد .

اگر دولت درموردماده‌۱۶امتیازنامه غفلت گذشته را تکرار نماید وحق مشروع وقانونی ما پنج هزارنفرایرانیانرا بگذارد پایمال‌نمایند و مارا ازترفیع وارتقاءرتبه که‌طبیعتاً باتقلیل کارمندان‌خارجی‌تأمین‌میگردد محروم سازد مسئولیت بزرگی را بعهده خواهد گرفت که مسلماً برای کسانی که متصدی مذاکرات با شرکت هستند معروفیت وشهرت خوبی نخواهد داشت .

برای تذکراولیای دولت معروض میدارد که کارمندان خارجی شرکت های نفتی درکشورمصرازبیست در صد تجاوز نمیکنند ودرکشور ونزوئلا از بیست و پنج درصد بیشترنیست و بتدریج هم‌هرسال تقلیل مییابد .

ولی‌امروزشرکت‌نفت پس ازنیم قرن استفاده ازمنابع نفتی ایران معترف است که هنوزعده کافی‌متخصص‌ایرانی‌تربیت‌نکرده است که‌جای‌خارجیانرا طبق تعهداتی که بادولت دارد بگیرند .

این مشروحه‌جای‌آن‌نیست که‌تبعیضات بین کارمندان‌خارجی وایرانی شرکت را ذکر نمائیم و مدلل داریم که همین تبعیضات موجب دلسردی کارمندان ایرانی شرکت وعدم رغبت دیگران

باستخدام درین مؤسسه میباشد و چون وزارت دارائی بخوبی مسبوق است که امروز متجاوز از هزار نفر کارمند ایرانی شرکت خانه ندارند و درمزبله های آبادان و مسجد سلیمان و آقا جاری زندگی میکنند و از حیث حقوق و مرخصی و مزایا و حقوق باز نشستگی وغیره همیشه خارجیان بر ایرانیان ترجیح دارند تذکر بیشتری رالازم نمی داند ولی واجب است عموم هم میهنان ما بدانند که علاوه بر تبعیضات مذکور تضییقاتی هم شرکت برای مافراهم کرده است که مانع از بیان عقیده صریح ما میباشد و بهترین دلیل آن است که ما ازذکر امضای خود در ذیل این مشروحه معذوریم ولی اگر از هریك از کارمندان شرکت نفت درباره مطالب فوق سئوال شود بدون هیچ تردیدی آنرا ازدل وجان تصدیق و تائید می نماید .

درخاتمه بجناب آقای وزیر دارائی تذکر میدهیم که حق ما را حفظ کنید و تقاضا میکنیم غفلت اسلاف خود را تکرار نفرمائید .

عموم کارمندان ایرانی شرکت نفت ایران وانگلیس

فصل ششم

امریکا و کنفرانس تهران

روز ۱٤ اوت ۱۹٤۱ مطابق ۲۲ مرداد ۱۳۲۰ آقای کلمان اتلی ۱ معاون نخست وزیر انگلستان اعلامیه ای منتشر نمود و توضیح داد که رئیس جمهور کشورهای متحده امریکا و نخست وزیر انگلستان در اقیانوس اطلس یکدیگر را ملاقات کرده و راجع بموضوع ارسال مهمات بموجب قانون وام و اجاره بکشورهائیکه در مقابل مهاجمین درجنگند (بویژه کشور اتحاد جماهیر شوروی) مذاکره کردند در این مذاکرات جزئیات خط مشی دو کشور برای دفاع خود و همچنین رویه ای که باید نسبت بملل دیگر درموقع جنگ و بعد از آن اتخاذ نمایند تعیین کردند ملاقات روزولت و چرچیل درکشتی پرنس اف (۲) ولز متعلق بانگلستان ودر نبردناو اگوستر (۳) متعلق بکشور های متحد امریکا واقع شده صاحب منصبان عالیرتبه وافسران ارشد دو کشور نیز درمذاکرات شرکت داشتند ازجمله ازطرف انگلستان دریا سالار سر ددلی پوند(۴) لرد

---

۱ - Clement Atlee

۲ - Prince of Wales

۳ - Auguster ٤ - Sir Dudly Pound

اول دریا داری و رئیس ستاد نیروی دریائی ژنرال سرجون (۱) دیل رئیس ستاد امپراتوری لرد بیور بوروك (۲) وزیر مهمات از طرف کشورهای متحد امریکا دریا سالار (۳) کینگ فرمانده ناوگان اقیانوس اطلس ژنرال جرج مارشال رئیس ستاد نیروی امریکا . هاری هاپکینز ٤ رئیس وام واجاره بودند و اعلامیهٔ که بنام منشور اتلانتیك نامیده میشد ازطرف سران دودولت مزبور بشرح زیر منتشر گردید .

منشور اتلانتیك

رئیس جمهور دول متحد آمریکا و نخست وزیر انگلیس بایکدیگر ملاقات نموده و مناسب دیده اند که برخی از اصول مشترك سیاست ملی کشورهای خویش راکه امیدوارند در پرتو آنها آینده ای بهتر برای کلیه ملل جهان فراهم گردد منتشر و باطلاع عموم برسانند .

این اصول بقرار ذیل است .

۱ ـ دو کشور امریکا وانگلیس بهیچوجه قصد افزایش خاك یا بدست آوردن امتیاز دیگری ندارند .

۲ ـ هر دو کشور مخالف هرگونه تغییرات مرزی میباشند که با موافقت آزادانه ملل مربوطه انجام نشود .

۳ ـ این دو کشور آمریکا و انگلیس حق هرملت را در انتخاب نوع حکومتی که برای خود مناسب بینند محترم شمرده وامیدوارند

---

۱ - Sir John Dill ۲ - Lord Beaver Brook
۳ - Admiral King
٤ - Harry Hapkins .

مللی که اکنون بزور از حقوق وحاکمیت واستقلال محروم شده‌اند ازنو این حقوق را بدست آورند

٤ ـ این دو کشور با رعایت تعهداتی که اکنون بر گردن گرفته‌اند خواهند کوشید برای هر ملتی کوچك یا بزرك و غالب یا مغلوب بطور تساوی حق شرکت در بازرگانی بین المللی ودسترسی بکلیه منابع مواد اولیه که برای رقابت اقتصادی ایشان لازم است تأمین گردد .

٥ ـ این دو کشور مایلند تمام مساعی خود را بکار برند تا کلیه ملت ها بتوانند در زمینه امور اقتصادی با یکدیگر همکاری کامل بکنند و برای همه شرایط کار بهتر و ترقی اقتصادی کاملتر و امنیت اجتماعی بیشتر فراهم گردد

٦ ـ ایندو کشور امید وارند پس از انهدام کامل اصول بیدادگری نازی صلحی برقرار گردد که در پرتو آن کلیه ملت ها بتوانند در داخله مرزهای خویش بآرامش بسر برند ومطمئن باشند که کلیه مردم عموم کشورها خواهند توانست دور از بیم واحتیاج بزندگی خویش ادامه دهند

٧ ـ درچنین صلحی باید همه کس حق داشته باشند دراقیانوسها ودردریاهای آزاد بفراغت بال مسافرت کنند .

٨ ـ این دو کشور معتقدند که کلیه ملتهای دنیا بعلل معنوی ومادی باید دست ازاعمال زور بردارند تا وقتیکه یك ملت بتواند نیروهای زمینی ودریائی وهوائی خودرا بمنظور حمله بکشورهای خارج ازمرزهای خویش ادامه دهد هیچ صلحی در آینده پا برجا نخواهد ماند .

بنا براین دو کشور عقیده مندند که تا هنگام استقرار صلح پایدار وتامین آرامش اجتماعی کامل لازم است کلیه ملت‌هائی که ممکن است نیروی خودرا در راه تجاوز و مهاجمه بکار اندازند مطلقاً خلع سلاح

گردند و بهمین جهت دول آمریکا و انگلیس درعملی شدن هر گونه اصلی که ملت های صلح جورا از فشار تحمل نا پذیر تسلیحات خلاصی بخشد یا این بار را سبك کند از هیچگونه کمك و تشویق خود داری نخواهند کرد .

۱۴ - اوت ۱۹۴۱ فرانکلن روزولت - وینستون چرچیل

این موادی بود که ازطرف مرحوم روزولت پیشنهاد شد و مورد قبول وموافقت چرچیل نخست وزیروقت انگلیس واقع گردید وبعداً هم سایردول آنرا قبول کردند ودولت ایران هم رسماً موافقت خودرا بااصول هشت گانه آن اعلام نمود .

در تاریخ اول ژانویه ۱۹٤۲ مطابق ۱۱ دی ۱۳۲۰ در واشنگتن پیمان اتحادی بین بیست وشش کشور برعلیه محورامضا شد که این پیمان بعداً بنام « اعلامیه (۱) ملل متحد » معروفیت یافت درتاریخ ۳ سپتامبر ۱۹٤۳ نامهٔ از طرف سفارت امریکا و نیز سفارت خانه‌های انگلیس و شوروی بشرح زیر بوزارت خارجه ایران رسید .

شماره ٦۰۸   مورخ ۳ سپتامبر ۱۹٤۳

نامه سفارت امریکا بوزارت خارجه ایران

۱ - هرگاه ایران با یك یا بیشتر ازملل محور وارد مرحله جنك گردد با این اقدام می تواند باعلامیه ملل متحده ملحق گردد .

۲ - ایران صرفاً باالحاق باعلامیه تعهدات نظامی یا اقتصادی اضافی بعهده نخواهدگرفت لیکن امید میرود که ازآن‌پس جدی ترین اقدامات

---

۱ - Decleration by United nations

ممکنه را درداخل حدود ایران برای همکاری مادی بعمل آورد و نیز مبارزه وتلاشی که برای پیروزی برهیتلریسم میشود کمك نماید .

۳ ـ مزایائی که در الحاق نصیب ایران میگردد واضح همان مزایائی خواهد بود که ازشرکت رسمی وکامل با سی ودو دولت متحده دراین جنك ناشی خواهد شد

٤ ـ همینکه ایران باعلامیه ملحق گردد درشرکت کنفرانس های مناسب مربوط صلح همان حقوقی را خواهد داشت که سایر ملل متحده دارا میباشند

دولت ایران هم عطف بنامه بالا درتاریخ ۹ سپتامبر۱۹٤٤ مطابق ۱۷ شهریور۱۳۲۲ الحاق خودرا بآن اعلام ووزیرمختارایران درامریکا نیزدرتاریخ ١٤ سپتامبر۱۹٤۲ ـ ۲۲ شهریور ۱۳۲۲ نسخه اصلی آنرا بشرح زیرازطرف دولت شاهنشاهی امضا نمود .

تلگراف سفارت شاهنشاهی ایران

ازواشنگتن بوزارت خارجه ایران

۱۸ر۶ر۲۲ مطابق ۱۰ سپتامبر ۱۹٤۳

جمعه ۱۸ شهریور پنج بعد ازظهر تصمیم دولت راجع بالحاق به اعلامیه ملل متحده راکتباً بدولت آمریکا اطلاع داد وضمن نامهٔ اظهار داشت که چون ملت‌ودولت صمیمانه باصول منشوراتلانتیك معتقد هستند تاکنون با تمام وسائل که دردست آنها بوده برای پیشرفت‌جنك بمتفقین کمك کرده اند درهمان روز پاسخ دولت‌امریکا ببنده تسلیم گردید وزیر خارجه در نامه خود اظهار نمود که این اقدام دولت ایران قدم تازه ای برای مشارکت وهمکاری با ملل آزادیخواه میباشد ودخول ایران را

درردیف ملل متحده تهنیت گفته متن دو نامه را بروزنامجات دادند

وزیر مختار ایران درامریکا : شایسته

پس ازاینکه وزیر مختار ایران درامریکا نسخه اصلی اعلامیه را امضا نمود تلگراف زیررا بوزارت خارجه ایران مخابره نمود .

۲۲ر۶ر۲۲ مطابق ۱۴ سپتامبر ۱۹۴۳

وزارت خارجه ایران

۲۲شهریورساعت $\frac{1}{2}$ ۱۲ درعمارت وزارت امورخارجه باحضور آقای وزیرامورخارجه و مدیر مربوطه و تشریفات معموله یعنی اعلامیه ملل متحده را بنام‌ایرانیان‌امضا نمودم‌دراین‌موقع آقای وزیرامورخارجه ضمن نطق مختصری دخول ایران را در ردیف ملل متحده تهنیت گفته بنده درپاسخ اظهارداشتم همانطورکه جنابعالی در نامه خودتان اظهار داشته اید این اقدام دولت شاهنشاهی دلیل دیگری برتصمیم ایران در همکاری ومشارکت برای موفقیت برعلیه مهاجم‌میباشد .

شایسته

پس ازآنکه دولت ایران الحاق خودرا باعلامیه ملل متفق‌اعلام داشت تلگراف زیر ازطرف **اعلیحضرت‌همایون‌شاهنشاه** بعنوان‌رئیس جمهور فقید‌امریکا مخابره شد

۱۸ شهریور۱۳۲۲ ـ ۱۰ سپتامبر ۱۹۴۳

جناب آقای فرانکلن روزولت رئیس جمهورکشور های متحده امریکا

واشنگتن

کمال مسرت را دارم‌که بآنجناب‌تهنیت‌گفته واطمینان‌دهم که با الحاق باعلامیه ملل متحده‌کشور من قصد دارد باشتراك

مساعی موثر و صمیمانه خودکه تا بحال جهت رسیدن بهدف
مشترك متفقین وشکست نهائی آلمان مبذول داشته ادامه داده و
بر آن بیفزاید .

محمد رضا پهلوی

جواب تلگراف رئیس جمهور آمریکا به اعلیحضرت همایونی ۲۵
شهریور ۱۳۲۲ (سپتامبر ۱۹۴۳)

اعلیحضرت همایون محمد رضا پهلوی شاهنشاه ایران
از تلگرافی که آن اعلیحضرت شاهنشاه مخابره فرموده اند صمیمانه
تشکر میکنم . اطمینانی که در تلگراف ابراز شده است دائر بر
اینکه با الحاق باعلامیه ملل متحده کشور شاهنشاهی بقوت هم
کاری خود در راه نیل بمقصود مشترك خواهد افزود موجب
مسرت فوق العاده مردم ملل متحده که بمنظور شکست قطعی
هیتلریسم کلیه منافع خود را بمیان گذارده اند گردید

فرانکلن د . روزولت

بعداً دولت ایران بین خود و آلمان حالت جنك را اعلام کرد و
تلگراف زیر را بوزارت خارجه های متفقین مخابره نمود .

این تلگراف ازطرف وزیر امور خارجه ایران آقای ساعد بوزیر
امور خارجه آمریکا مخابره شد و نیز رونوشت آنهم بوزارت امور خارجه
انگلستان ، شوروی ، چین ارسال شد .

۱۷ر۶ر۲۲ (۹ سپتامبر ۱۹۴۳)

جناب آقای کردل هول وزیر امور خارجه آمریکا

دراین موقع که دولت شاهنشاهی نظر باقدامات وعملیات خصمانه ای

که ازطرف عمال آلمان بمنظور تولید فتنه واغتشاش در مملکت صورت گرفته وازلحاظ تأمین امنیت و صیانت تمامیت و استقلال کشور که در نتیجه همین جریانات مورد مخاطره واقع شده خود را حقاً مجبور دید وجود حالت مخاصمه را بین ایران وآلمان اعلام‌دارد خوشوقتم باطلاع جنابعالی برسانم که دولت متبوعه دوستدار با اجازه مجلس شورای ملی الحاق خودرا باعلامیه متحده مورخ اول ژانویه ۱۹۴۲ اعلام داشته است .



آقای محمد ساعد

ملت ایران خوشوقت است که بدینوسیله میتواند در راه نیل به منظورات و مقاصدی که درمنشور آتلانتیك مصرح است و اساس آن آزادی ملل وتأمین‌صلح دائم دردنیا میباشد با معاضدت وهمکاری وتشریك مساعی‌کامل با متفقین‌خود برای حفظ مدنیت جهان وسعادت نوع بشر که‌کمال مطلوب قاطبه ایرانیان است قدمهای مؤثری بردارد .
بدین مناسبت بجناب‌آقای شایسته وزیر مختارایران اجازه داده شدکه اعلامیه ملل متحده مورخ‌اول ژانویه۱۹۴۲را ازطرف دولت شاهنشاهی امضاء نماید .

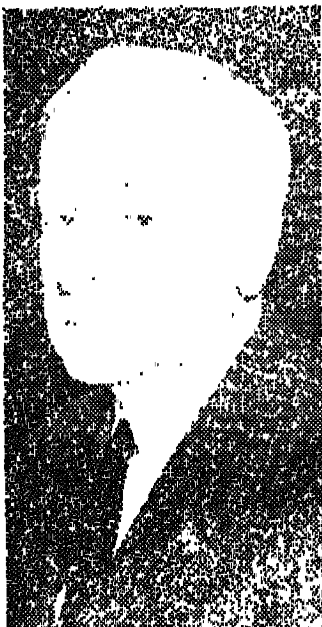
وزیر امور خارجه ایران

محمد ساعد

تلگراف آقای کردل هول وزیر امور خارجه امریکا در پاسخ تلگراف آقای ساعدوزیر امور خارجه ایران

۲۱ر۶ر۲۲ (مطابق ۱۳ سپتامبر ۱۹۴۳

جناب آقای ساعد وزیر امور خارجه تهران



کردل هول

تلگراف جنابعالی مورخ دهم سپتامبر ۱۹۴۳ را جع باعلان حالت جنك بین ایران و آلمان و الحاق باعلامیه ملل متحده واصل گردید جنابعالی اظهار میفرمائید که ملت و دولت ایران مسرورند که میتوانند با این ترتیب کمك نمایند که مرام و منظور منشور اتلانتیك که مبنی بر آزادی مردم وحفظ یك صلح با دوام است حاصل شود تا اینکه مدنیت عالم ازدستبرد مصون مانده وسعادت بشر تأمین گردد . من به شما اطمینان میدهم که دولت کشور های متحد امریکا خیلی مسرور میباشد ازاینکه ایران رسما با ملل متحده که برای آزادی و حفظ یك صلح دائمی عادلانه جنك میکنند همراه گردیده اسب با مسرت باستحضار جنابعالی میرساند که ترتیباتی داده شده است که وزیر مختار شما بمناسبت الحاق ایران باعلامیه ملل متحده فردا اعلامیه را امضا نماید .

کردل هول

روز های تاریخی تهران

درموقعیکه دنیاگرفتارجنك خانمانسوز بود وتمام مللجهان سرگرم باخبارجبهه های جنك بودند پایتخت کشورایران روزهای تاریخی را میگذراند وسه زمامدار بزرك دراینجا جمع شده بودند که سرنوشت آلمان هیتلری را معین کرده و شالوده یك صلح دائمی را بریزند.

ابتدا آقای مارشال استالین باتفاق همراهان خود بتهران وارد شد وسپس آقایان روزولت رئیس جمهوری کشورهای متحدامریکاوچرچیل نخست وزیر انگلستان باتفاق همراهان پس از برگذار شدن کنفرانس قاهره با هواپیما رهسپار تهران و در حدود سه بعد از ظهر پنجم آذر ۱۳۲۲ ـ ۲۶ نوامبر۱۹٤۳ بفرودگاه وارد شدند.

کنفرانس سه دولت درتهران چهارروزدوام داشت وپایتخت ایران ازداشتن چنین مهمانان عظیم الشأن مخصوصا آقای روزولت غرق شادی ومسرت بود.

در مدت جریان کنفرانس بین اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و آقای روزولت رئیس جمهوری امریکا ملاقاتهائی بعمل آمد مخصوصادر روزهشتم آذر۱۳۲۲ مذاکراتی با حضور آقای سهیلی نخست وزیر و آقای وزیر دربارشاهنشاهی و آقای ساعد وزیرامورخارجه و آقای وزیر مختار آمریکا درتهران بعمل آوردند که کاملا درمحیط بسیار دوستانه انجام یافت

درتاریخ ۹ آذر۱۳۲۲ آقای ساعد وزیر خارجه ضمن تذکاریهٔ که برای وزرای خارجه سه دولت شوروی. انگلستان وآمریکاارسال داشت پس ازشرح مبسوطی اظهارداشت دولت وملت ایران انتظاردارند دراینموقع که پیشوایان معظم سه دولت بزرك درایران اقامت دارندبرای

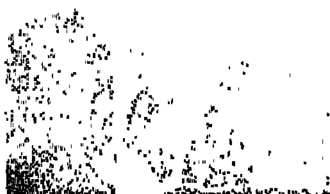
تائید مراتب بالا اعلامیه ای صادر وبدینوسیله حسن نیتی راکه کرارا کتبا وشفاها نسبت بایران ابراز داشته اند باردیگر تصریح نمایند.

این تقاضا بدواً ازطرف دولت آمریکا با حسن نظر تلقی شده و زمامداران دو دولت دیگرهم به پیروی‌از تمایلات روزوات ومنویات ملت ایران با تقاضای ایران موافقت نمودند که منجر بصدور اعلامیه ذیل گردید

اعلامیه سه دولت . آمریکا . شوروی . انگلیس

راجع بایران در تهران





آقای علی سهیلی

رئیس جمهوری کشورهای متحد امریکا . نخست وزیر اتحاد جماهیر شوروی و نخست وزیر ممالک متحدهٔ انگلستان پس از مشورت بین خود با نخست وزیر ایران مایلند موافقت سه دولت راجع بمناسبت خود با ایران اعلام دارند

دولتهای کشورهای متحد امریکا و اتحاد جماهیر شوروی و ممالک متحده انگلستان کمک هائی را که ایران در تعقیب جنگ بر علیه دشمن مشترک و مخصوصاً در قسمت تسهیل وسایل حمل و نقل و مهمات از ممالک ماوراء بحار باتحاد جماهیر شوروی بعمل آورده تصدیق دارند.

سه دولت نامبرده تصدیق دارند که با در نظر گرفتن احتیاجات

سنگین که عملیات جنگی جهانی بر آنها تحمیل میکنند و کمی وسائل حمل و نقل در دنیا و همچنین کمی مواد خام و سایر حوائج کشوری کمکهای اقتصادی خود را تاحد امکان بدولت ایران ادامه بدهند.

راجع بدوره بعد از جنگ دول کشورهای متحد امریکا و اتحاد جماهیر شوروی و ممالک متحده انگلستان با دولت ایران موافقت دارند که انجمن ها یا مجامع بین المللی که برای حل مسائل بین المللی تشکیل یا ایجاد میشوند هر نوع مسائل اقتصادی را که کشور ایران در پایان مخاصمات با آن مواجه گردد تواماً بامسائل اقتصادی سایر ملل متحده مورد توجه کامل قرار دهند.

دولت های کشورهای متحد آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی و ممالک متحدهٔ انگلستان با دولت ایران متفقاً خواستار حفظ استقلال و حاکمیت و تمامیت ارضی ایران میباشند و در برقراری صلح بین المللی و امنیت و سعادت بعد از جنگ طبق اصول منشور اتلانتیک که مورد قبول هر چهار دولت است به مشارکت ایران و همه ملل صلح دوست دیگر استظهار دارند.

فرانکلن . د . روزولت　　　ژ . و . استالین

وینستون چرچیل

صدور این اعلامیه یکی از شاهکار های سیاسی مرحوم روز ولت است که در آن حفظ استقلال و حاکمیت و تمامیت ارضی ایران را بدول انگلستان و روسیه شوروی خاطر نشان کرده و مشترکاً ضمانت اجرای آنرا نمودند ملت ایران هیچگاه این خدمت گرانبهای آمریکا را فراموش نکرده و همیشه ملت آمریکا را ضامن آزادی و حامی استقلال خود میداند.

ورود روزولت در تهران و صدور اعلامیه از طرف سه پیشوای بزرگ راجع بایران در کلیه طبقات ایرانیان اثر فوق العاده نیکی بخشید و مندرجات اعلامیه که موجب خرسندی و رضایت قلبی عموم ایرانیان شده بود در هر مجلس و محفل مورد مذاکره واقع گشته و تمام روزنامه های کشور در پایتخت و استانها و شهرستانها تصمیمات متخذه رهبران نامی ملل

Facsimile of the original text of the Teheran Declaration (Alterations made in Mr. Churchill's handwriting)

To be released to the Press, 8:00 p.m. Moscow Time, December 6, 1943.

Dec 1,

~~November 30~~, 1943

~~SUGGESTED DRAFT~~ DECLARATION of the Three Powers regarding Iran

The President of the United States, the Premier of the U.S.S.R., and the Prime Minister of the United Kingdom, having consulted with each other and with the Prime Minister of Iran, desire to declare the mutual agreement of their three Governments regarding their relations with Iran.

The Governments of the United States, the U.S.S.R., and the United Kingdom recognize the assistance which Iran has given in the prosecution of the war against the common enemy, particularly by facilitating the transportation of supplies from overseas to the Soviet Union.

The Three Governments realize that the war has caused special economic difficulties for Iran, and they are agreed that they will continue to make available to the Government of Iran such economic assistance as may be possible, having regard to the heavy demands made upon them by their world-wide military operations and to the world-wide shortage of transport, raw materials, and supplies for civilian consumption.

عکس قسمت اول اعلامیه تهران

With respect to the post-war period, the Governments of the United States, the U.S.S.R., and the United Kingdom are in accord with the Government of Iran that any economic problems confronting Iran at the close of hostilities should receive full consideration, along with those of other members of the United Nations, by [any] conferences or international agencies held or created to deal with international economic matters.

The Governments of the United States, the U.S.S.R., and the United Kingdom are at one with the Government of Iran in their desire for the maintenance of the independence, sovereignty and territorial integrity of Iran. They count upon the participation of Iran, together with all other peace-loving nations, in the establishment of international peace, security and prosperity after the war, in accordance with the principles of the Atlantic Charter, to which all four Governments have subscribed.

Winston S. Churchill
И. Сталин
Franklin D. Roosevelt

عکس قسمت آخر اعلامیه تهران که بامضاء چرچیل واستالین
و روزولت رسیده است

جهان را که باشور و موافقت اولیای دولت شاهنشاهی اتخاذ شده بود مورد بحث و مداقه قرار داده و مقالاتی مبنی بر تقدیر و رضا مندی ملت ایران انتشار دادند

موقع حرکت از تهران آقای روزولت رئیس جمهور کشورهای متحده آمریکا در طی نامهٔ به اعلیحضرت همایون شاهنشاهی چنین نگاشته اند

« نمیتوانم تشریح کنم تا چه اندازه این همه ابراز دوستی حقیقی از طرف اعلیحضرت مایه مسرت قلبی من شده است.

عزیمتم از ایران آمیخته بتأسف خواهد بود که نتوانستم بیش از این با اعلیحضرت آشنائی پیدا کنم و کشور و ملت شما را از نزدیکتر ببینم سالهاست که مردم امریکا از نیات و احساسات دوستی ملت ایران آگاه میباشند مهمان نوازی اعلیحضرت همایون بنام ایرانیان این احساسات را برای سالهای متمادی در خاطر ملت امریکا زنده و جاویدنگاه خواهد داشت. ایرانیان در قلوب آمریکائیها همیشه محبوبیت داشته و امروز که درجنگ کنونی مقام برادری احراز نموده ایم این محبوبیت تشیید و تحکیم گردیده است. ما از سهمی که ایران در این کارزار مشترک دارد مستحضر میباشیم و امیدواریم که پس از برقراری صلح روح همکاری کنونی بدون عائق و مانع در عملیات ایام صلح نیز بین دو ملت ادامه داشته باشد موقع غنیمت شمرده تشکرات خودرا از ابراز مودت و مهمان نوازیهائی که از طرف اعلیحضرت نصیب من شده است اظهار و بزرگترین سعادت را برای اعلیحضرت و اهالی این سرزمین باستانی مسئلت دارم خیلی امیدوارم که مسافرتی بواشنگتن فرموده و ازاین محبت مارا مسرور فرمائید.

پس از آنکه زمامداران سه دولت بزرگ پایتخت ایران را ترك کردند و لزوم استتار اقامت ایشان در تهران رفع گردید آقای سهیلی

نخست وزیر محض ابراز مسرت دولت ایران از مقدم مهمانان معظم چهار روز بعد ازحرکت ایشان یك شب‌نشینی بسیار مجللی در کاخ وزارت امور خارجه دادند که هیئت دولت ونمایندگان سیاسی خارجه درتهران و نمایندگان مجلس و سران لشگر ورجال در آن شرکت داشتند وآقای نخست وزیر نطق مبسوطی خطاب بجناب آقای دریفوس وزیر مختار کشورهای متحد امریکا و سفراء انگلیس و شوروی ایراد نمودند که مورد تحسین حضار قرار گرفت و از طرف آقای دریفوس نطق زیر پاسخ داده شد.

«جناب آقای نخست‌وزیر خانمها و آقایان محترم بی‌نهایت خوشوقتم که درمجلس جشنی که امشب بمناسبت اعلامیه دول سه گانه راجع بایران تشکیل یافته است شرکت دارم یکماه قبل درچنین موقع درمراکش و عازم مسافرت بامریکا بودم. ولی بدلائلی که امروز روشن گردیده است فرا خوانده شدم. مایه مسرت وخوشوقتی من است که در موقع امضاء چنین اعلامیه مهمی درایران حضور داشتم این دفعه اول است که کشورمن بادو متفق



آقای دریفوس

بزرگ خویش در ابراز دوستی نسبت بملت ایران دریك اعلامیه برجسته

شرکت داشته‌است . تقریباً دوهفته‌قبل باردیگر ایران مرکز ثقل‌سیاست دنیا قرارگرفت و وقایع تاریخی با سرعت خیره کننده‌ای جریان یافت دراین چهارراه تاریخ خاور و باختر باهم‌تلاقی‌نمودند تاآنکه اساس‌صلح وآزادی‌جهان‌را طرح ریزی‌نمایند . باید تصدیق کنیم که ایران‌جاویدان در این‌جنگ مقدس که برعلیه‌جنگ و برای تأمین صلح‌است سهم‌بزرگی داشته است کشور زیبای شماباگذشته پرافتخاری که‌داشته‌وخدماتی که به فرهنگ جهان وفضیلت بشرنموده مجدداً مقامی راکه شایسته‌آنست بدست‌آورده‌است درسر زمین مهمان‌نواز و دلربای شمابود که‌پیشوایان بزرگ ما خوشبختانه موفق‌شدند افکار و نیات خودرا متحد ساختند و مقاصد عالی خودراکه افتخارحفظ ودفاع آنرا دارند تاپیروزی نهائی‌پیش برند . احساسات صمیمی وتمنیات قلبی‌خودرا برای جنابعالی و سلامتی **اعلیحضرت همایون شاهنشاهی** اظهارمیدارد.

جشن‌نام‌گذاری سه‌خیابان باسم روزولت استالین وچرچیل

بمناسبت اقامت چند روزه سران سه دولت در تهران و محض یادبود و قدردانی ازاین افتخار که درپایتخت‌ایران سه‌مرد بزرگ‌جهان‌سرنوشت جنگ را تعیین کردندانجمن شهرتهران براین‌شدکه سه‌خیابان پایتخت را باسم این سه‌مرد بزرگ نامگذاری‌کند و درجلسه ۲۱ اردیبهشت‌ماه ۱۳۲۳ ازطرف رئیس انجمن‌شهر موضوع پیشنهاد و ازطرف انجمن شهر تصویب و بشهرداری تهران ابلاغ گردیدکه مقدمات مراسم نامگذاری‌را تهیه‌نماید . شهرداری تهران پس از انجام مقدمات وتهیه وسایل اجرای مراسم روز اول‌تیرماه۱۳۲۳جشن‌باشکوهی‌درعمارت‌شهرداری‌ترتیب‌داد که‌آقای‌نخست‌وزیروآقای وزیران‌وعده‌ازنمایندگان مجلس ونمایندگان سیاسی خارجه وعده‌ای ازرجال نیز حضورداشته وازطرف آقای شهردار

پذیرائی گرمی از مدعوین بعمل آمد .

آقای گلشائیان - شهردار تهران بمناسبت موقع نطقی ایراد نمودند که متن آن درزیر درج میشود .

« پایتخت ما دریك موقع مرکز تنظیم بزرگترین نقشه‌های جاوید جهان گردید که نتیجهٔ آن اضمحلال ابدی روح فاشیست میباشد . تهران افتخار آن را دارد سه تن از بزرگترین رادمردان جهان که دنیای مدنیت مرهون اقدام آنان میباشد و امید وسعادت بشر بسته بهمت وجسارت وجرأت آنان است در آن بایکدیگر ملاقات نمودند و از اندیشه‌ها و نقشه های مشترك آنان در آن روزهای ملاقات درتهران است که امروزدنیا بحیرت آمده و باگشایش



آقای گلشائیان

جبهه دوم مقدمات عملی شدن حسن ختام جنگ که کمال مطلوب عالم بشریت است آشکار وهویدا گردیده است .

بافتخار آن روزهای تاریخی انجمن شهر تهران تصمیم گرفت سه خیابان بزرگ پایتخت که مجاورسفارتخانه های دولتهای جمهوری امریکا و دولت شوروی ودولت انگلستان باشد بنام این سه تن پیشوای حریت وآزادی نامیده شود .

این تصمیم با حسن قبول ایرانیان تلقی و مقدمات آن فراهم و

پلاکهای آن تهیه و امروز اینجانب افتخار دارم بنام شهر تهران باطلاع نمایندگان سیاسی دولتهای متفق خودمان برسانم که از این تاریخ مقدمات این افتتاح رسمی فراهم‌شده خیابان‌های هفدهم‌دی وقاآنی ورفائیل بنام خیابان **پرزیدنت روزولت** و **مارشال استالین** و **چرچیل** نامیده خواهد شد دراین وقت آقای شهردار با اشاره بپلاکهائی که برای این خیابانها تهیه‌شده توجه حضار راکه آقای کاردار سفارت کبرای کشورهای متحد امریکا و سفراء کبار انگلیس و شوروی در میان آنها دیده میشدند بسوی این سه پلاك جلب کرده و سپس بنطق خود ادامه داده و گفتند:

« البته شهرما ازاین افتخار که نصیب آن گردیده و در محیط آن شالوده طرح آزادی‌دنیا ریخته‌شده‌است تجلیلات بیشتر و بهتری‌در موقع خود باید بجا می‌آورد ولی چنانکه آقایان اطلاع دارند چون وضعیت جنگ‌اقتضاء داشت که کنفرانس تهران و آن مجالس مشورتی‌مخفی‌بماند درآن موقع آنطور که آرزوی ما وانجمن شهر بوده وهست تشریفاتی که مناسب این موقعیت بود انجام نشد لیکن تصور میرود بانصب پلاکها نام این پیشوایان بزرگ برای همیشه درقلب ما ایرانیان و مخصوصاً اهل تهران نقش بسته وبارث نیز باخلاف‌ما برسد. چه‌آنکه فرزندان ما از روزی‌که بدبستان میروند تاموقعی‌که ازجهان رخت‌بر بندند هر روزچندبار‌چشمشان که باسامی‌این بزرگان برمیخورد بنظر میآورند که در اثر همت و فداکاری این رادمردان و مجاهدین آزادی بوده‌که بامشارکت یکدیگر وازخودگذشتگی ملت‌های نجیب‌خود وهمدستی با ملل متحده دنیائی را ازقید اسارت و بربریت‌رهائی

اصلاحات مالیه استخدام شوند درتعقیب این نظریه دولت علیه بادولت
اتازونی داخل مذاکره شده استخدام یك عده متخصص لایق را برای



آقای دکتر میلیسپو

ادارات وزارت مالیه وغیره تقاضا نموده پس از یك سلسله مذاکرات که در

واشنگتن بعمل آمد دولت اتازونی تقاضای دولت علیه را با حسن قبول تلقی نموده و اینک بموجب تلگراف واصله از واشنگتن دولت مزبور یکنفر از مستخدمین لایق خودرا موسوم به دکتر میلسپو برای ریاست کل مالیه ایران معرفی مینماید . تحقیقاتی که راجع به مشارالیه بعمل آمده کاملا رضایت‌بخش و مشارالیه یکی از متخصصین بسیارلایق و در امور مالیه و اقتصادی علماً وعملاً دارای‌مهارت ولیاقت تامه‌است وحاضر است استخدام دولت ایران را قبول نموده پس از عقد کنترات با متخصصین دیگر که براهنمائی و مشورت او‌استخدام خواهندشد سریعاً روانه ایران‌شوند . »

در این هنگام‌طبق اصول‌پارلمانی یکی‌از وکلاء بنام مخالف‌صحبت کرد و بعداً مرحوم نصرت‌الدوله فیروزکه مخبر کمیسیون بودجه بود دلائل مخالفت نماینده مزبور را بشرح‌زیر : ردکرد و در پشت تریبون قرار گرفته پس‌ازشرح مقدمهٔ چنین گفت : آقایان‌ما محتاج‌به‌تعلیم‌ومعلم، هستیم . اقرار بجهل و سعی‌درطلب‌علم‌ننگ وعاری‌نیست اجازه‌بدهیدما قائل نباشیم باینکه . نگار مکتب نرفته‌ما بغمزه مسئله‌آموز صد مدرس شد! خیر اینطور نیست !

ما بوسیله استخدام متخصصین عالم در ادارات مملکت خودمان تأسیس یك نوع مدارس بزرگ عملی کرده‌ایم تاجوانان تحصیل کرده ما بتوانند استفاده‌های بزرگی بکنند و از ممارست در این مدارس در مدت کمی اشخاص کامل و بصیر پیدا کنیم .

زیرا تعلم و تحصیل یا اصولی است یاعملی و تعلیم عملی سهولتش بیشتر و احتیاج به وقتش کمتر است من **منتظرم عموم آقایان نمایندگان با شادمانی این استخدام را تلقی کرده و روز ورود رئیس کل**

مالیه را روز اول دوره جدیدی در این مملکت بدانند (عموم وکلاء صحیح است) من منتظرم بایفای وظایف نمایندگی و قسمی که‌در اینجا خورده‌ایم باخودعهدکنیم که بامستخدمین آمریکائی موافقت‌وتمام نفوذ و قدرت خودرا درراه جلوگیری از دسایس مخالفین آنها بکار بریم (عموم وکلاء صحیح است احسنت) .

پس ازاین نطق‌وچند نطق‌موافق‌دیگر مجلس باکثریت آراء استخدام دکتر میلیسپو وهمکاران‌وی‌راتصویب نمودبعداًدکتر میلیسپو واردتهران شد و در تاریخ ۲۸ عقرب۱۳۰۱مطابق ۲۰ نوامبر ۱۹۱۸ دروزارت مالیه حضور پیدا کرده ویک ماه‌بعد همکارانش وارد وشروع بکار نمودند .

قبل ازاینکه‌دکترمیلیسپو وارد ایران‌شود حقوق مستخدمین‌چهار ماه الی پنج ماه عقب میافتد و بعدری اوضاع مالی دولت خراب بود که پس ازمدتهاکه قرار میشد حقوق مستخدمین را خزانه‌داری کل بدهد بجای پول اغلب حواله‌آجر وغیره داده میشد لیکن‌میلیسپو که‌آمد پس از بررسی کامل اوضاع مالیه شروع بیک‌رشته اصلاحات اساسی نمود و قانون استخدام‌کشوری را تنظیم‌نمود وحقوق مستخدمین را ازروی‌رتبه معین‌کرد وآخر هرماه مستخدمین دولت حقوق خود را بپول دریافت میداشتند . و اشخاص متنفذ که تاآن تاریخ مالیات‌نمیپرداختند‌میلیسپو آنها را مجبورکرد مانند سایر اشخاص مالیات بپردازند وخزانه‌دولت منظم و بصورت‌آبرومندی‌درآمد ودولت ایران‌را ازاستقراض بیگانگان بی‌نیاز کرد .

وقتی‌که امپریالیستها ملاحظه‌کردند وضعیت مالی کشور رو بهبود

می‌رود و بابودن دکتر میلسپو درراس وزارت دارائی دیگر نمیتوانند مقاصد شوم خود را مانند زمان مرنارد و نوز بلژیکی در ایران عملی کنند از اینرو بوسیله عمال خودشان شروع به انتریگ بر علیه دکتر میلیسپو نمودند.

درهمین موقع بود که مسائل اقتصادی ازقبیل مسئلهٔ امتیاز نفت شمال و کشیدن خط آهن مطرح بود و مادامی که دکترمیلیسپو درراس کاربود محال بود بگذارد بجای خط آهن تجارتی که ایران لازم داشت خط آهن «سیاسی» کشیده شود یااینکه نفت شمال را هم اربابان نفت جنوب در تحت عنوان شرکت نفت جنوب وآمریکائی ازدست ملت ایران بربایند بحمدالله قسمت اخیر عمل نشد موضوع دیگراین بود که میلسپو میگفت وزارت جنگ هم جزء سازمان دولت است وباید بودجه آنهم مثل سایر وزارتخانه‌های دیگر تحت نظارت وزارت مالیه باشد لیکن اولیای آن وزارتخانه باین امر راضی نبودند.

تااینکه یک‌رشته مخالفت‌هائی چه درمجلس وچه درهیئت دولت برعلیهٔ دکتر میلیسپو شروع شد و باند مخالفین هم بسیارقوی بودندلیکن دراینهنگام درمقابل مخالفین وکلای آزادیخواهی هم بودندکه ازمیلیسپو دفاع کردند و بملت آمریکا فهماندند که این مخالفتهائی که بر علیه میسیون آمریکائی شروع شده روح ملت ایران ازآن بی‌خبراست و ملت ایران از خدمات دکترمیلسپو کمال رضایت را داشته و بپاس خدمات دکتر از ملت آمریکا حق‌شناسی مینماید روزی که لایحه تفویض اختیارات دکتر میلیسپو را بمکاسکی دولت بمجلس برد . آقای دکتر مصدق وکیل

آزادی خواه ایران پشت تریبون قرار گرفته وچنین بیان داشتند : هیچ خوبی خالی ازعیب نیست امور مالیه‌مادر تحت‌ریاست دکتر میلیسپو از پنجسال باینطرف رضایت بخش بوده است زیرا حقوق ادارات قبل ازآمدن دکتر میلیسپو همه میدانیم بچه‌شکل درعهده تعویق میافتاد ولی حالا مرتبا در آخر هر برج تأدیه می‌شود قبل از آمدن دکتر میلیسپو ممکن بود بعضی‌ازاشخاص باوسائلیکه داشتند در تأدیه‌مالیات مسامحه نمایندولی بعد ازآمدن ایشان در این مسائل جای نگرانی نبود یك انتظاماتی در باب وصول مالیات و پرداخت



آقای دکتر مصدق

مخارج در مملکت فراهم شده و در حقیقت این انتظامات که عبارت‌از پرداخت مالیات و تادیه حقوق ادارات بود یك‌احساسات اداری برای میسیون مالی فراهم کرده بود مردم‌رفته‌رفته‌عادت کرده‌بودند که‌مالیات بپردازند واصول مسامحه کاری که قبل ازآمدن ایشان معمول بود میرفت تکرار نشود معذالك اختیارات دکتر میلیسپودو قسمت بود اختیارات مالی واختیارات‌سیاسی . من‌همیشه بااختیارات سیاسی‌مشارالیه مخالف بودم وروی این زمینه بانظریات شاهزاده (منظور نصرت‌الدوله فیروزاست) وزیرمالیه موافقت کردم اماحالامعلوم میشودکه این‌موافقت من خوش‌باوری بوده زیرا اگر اختیارات همان است که بود چه تفاوتی

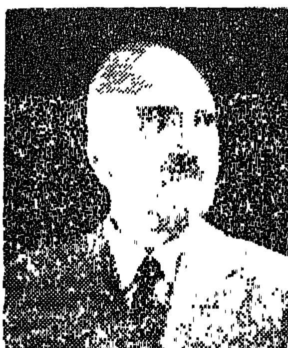
حاصل میشود و اگر اختیارات آن نیست چرا لایحه را روی همان اختیارات می‌آورند ؟

پس معلوم میشود شما با دکتر میلیسپو غرض داشتید ! که اینهمه دعوا ومرافعه سر اختیارات میکردید آن ماده چنین است ماده ۸ فلان وماده ۹ طور دیگر باید بشود ! اینها تمام صحبت بود حقیقتاً ماخیلی خوش باور بودیم که فرمایشات حضرت والا را قبول میکردیم (خنده نمایندگان) حالا من میخواهم خوش باور نباشم . در بعضی جلسات در این مورد که مذاکره میشد گفته میشد که علی رغم نصرت الدوله بامیلیسپو باید موافقت کرد من میگفتم که نصرت الدوله خدای نکرده بد . باید دید چه میگوید ؟ و روی این اصل باید دید که نصرت الدوله بعد ازاین مدت یك کار خوب کرده است . ماهم گفتیم خیلی خوب **اما حالا می‌بینیم ایشان ما را اغفال کرده‌اند** و میخواهند باهمان حسن ظن این ماده را بگذرانند . یابابد گفت ازآن عقیده‌ای که داشته‌اند عدول کرده‌اند که این اختیارات زیاد است و اگر حقیقتاً شمامیگوئید خودتان صلاحیت ندارید ازوزارت مالیه استعفاء بدهید من اشخاصی رامی‌شناسم که در وزارت مالیه هستند وخیلی خوب استعداد ولیاقت اداره کردن امور را دارند وهمچنین اشخاصی را می‌شناسم که درمنزل‌هایشان نشسته‌اند ومنتظرند کاری بآنها رجوع شود تابالیاقت خودشان آن‌را انجام دهند . شما آنوقت می گوئید چون من بخودم عقیده ندارم استعفاء میدهم ومیروم وتشریف میبرید آنوقت آقای رئیس الوزراء هم کابینه‌را ترمیم میکنند و دیگری‌را که درخودش صلاحیت اداره کار را می‌بینند می آورند واگر بخودتان عقیده دارید که تجدید همان اختیارات که باآن مخالف بوده‌اید برای یك چنین آدمی که اگر دکتر میلیسپورابا (مکاسکی) مقایسه کنند من دکتر را باهمه لجاجتش

ترجیح میدهم موضوع ندارد و برخلاف عقیده‌ایست که اظهار داشته‌اید بنابراین عقیده دارم که این‌ماده چیز بی‌ربطی‌است».

چون وقت گذشته‌بود جلسه ختم و جلسه مجلس بروز ۳ شنبه ۳ مرداد ۱۳۰۶ محول‌شد دراین‌جلسه **آقای تقی‌زاده** نماینده‌آزادیخواه آذربایجان پیشنهاد کردند « **کمیسیونی از مجلس انتخاب شود و با نمایندگان دولت معناً درزمینه پیشنهادات اخیر دکتر میلیسپو باا و داخل مذاکره شده و سعی کنند راه حلی برای مداومت خدمت‌او پیدا کنند** ».

آقای تقی‌زاده ضمن توضیحات خود راجع باین پیشنهاد چنین بیان داشتند : **این مطلب راکه "میخواهم عرض کنم مطلب لازمی استکه خطاب بمملکت است خطاب بتاریخ‌است نه‌اشخاص بنده‌چند روزقبل عرض کردم که بایددر این چندروزه سرنوشت مملکت از حیث اینکه وضعیت مالی ٥ سال باقی بماند یا نماند معلوم شود .**



آقای تقی‌زاده

دراین سه ماه اخیراین سؤال و جواب هایابقول‌معروف این **این بازیها همه درپشت پرده بود و مجلس راهیچ مداخلهٔدراین کار ندادند !** مگراینکه‌ماازجریان کار بعضی‌ازاوقات‌درجرایدمیخواندیم ومطلع میشدیم‌وهیچ‌نوع‌مشورتی نه‌بامجلس ونه باکمیسیونهای آن‌بعمل نیامده . و البته خیرخواهان مجلس هم صلاح دراین دیدند که سکوت

نمانند تا دست دولت باز باشد و بتواند عملیات خود را بکند و بالاخره سر این دوریسمان را برای صلاح مملکت بهم بسته شده و مالیه مملکت مختل نشود و خیلی متأثرم که مراتب بطور دلخواه خیر خواهان صورت نگرفت « صحیح است » . .

پیشنهاد من این نیست که گذشته گذشته است بلکه اینست که دولت در تحت نظر مجلس است و خوبست یك کمیسیون از مجلس دراین کار مداخله داشته باشد و تااساس قضیه برهمه معلوم شود.

دکتر مسلماً باین مملکت خدمت کرده است و این مملکت از او قدردانی داشته او برای ثبات اوضاع مالی و بهبودی اوضاع عمومی زحمت کشیده من امیدوارم که ملت بزرك آمریکا تصور نکند که ماحق ناشناس بودیم . شوستر و میلیسپو را مجلس ایران استخدام کرد ولی هیچکدام آنها را مجلس ایران جواب نکرد اینها مأمورین صحیحی بودند اینها در آمریکا حکم (لافایت) و یارانش را داشتند و حکم آزادیخواهان انگلیس را درهمراهی باگاریبالدی داشتند اینها برای مملکت ما خدمت و فداکاری کردند اگر بخواهید من بآسانی از پشت این کرسی خطابه پائین میآیم ولی باید در مقابل تاریخ و مملکت بگویم که اینها در تحت عوامل مختلفی از مملکت رفته اند و دراولین فرصتی که ملت ایران پیدا کند از این دولتی که (منظور دولت آمریکااست) همیشه کمك مؤثر بما کرده است قدردانی خواهد کرد و اولین دولتی بوده است که برای قرارداد پروتست کرد .

درهر صورت عقیده من اینست که حالا هم دیر نشده واگر اندکی حسن نیت در کار باشد ممکن است اینکار که بنفع مملکت است انجام

نگیرد . . من عرایض خود را بنام نمایندگی ملت و مملکت و تاریخ عرض کردم .

بالاخره باوجود کوشش مساعی بیحد وکلای صالح و آزادیخواه مجلس شورای ملی مخالفین پیش برده و دکترمیلیسپو مجبورشد ایران را ترک گوید .

سفر دوم دکتر میلیسپو بایران

بعد از وقایع شهریور ۱۳۲۰ که متفقین وارد ایران شدند ورژیم حکومت ایران بواسطه مقتضیات وقت از دیکتاتوری بطرف دمکراسی سوق داده شد چون وضعیت مالیه ایران بسیار خراب و مغشوش بود باینجهت در اوایل سال ۱۳۲۱ دولت وقت (کابینهقوامالسلطنه) درصدد بر آمد برای ترمیم خرابیهای مالیه کشورو بهبوداوضاع اقتصادی ومالی ایران بجلب مستشاران ومتخصصین از کشورهای متحدآمریکا اقدام نماید پس از اینکه مقدمات این امر فراهم شد دولت درجلسه یکشنبه ۱۷ -آبان ۱۳۲۱ لایحه استخدام دکتر میلیسپو راکه بعنوان ریاست کل دارائی ازکشورهای متحدآمریکا استخدام کرده بود بشرح زیر بمجلس برده ابتداء نخست وزیر پشت تریبون قرارگرفته چنیناظهار داشتازابتدای تشکیل این دولت در نظرگرفته بودیم برای امورمالی و کارهائی که مربوط بمالیه است مستشاران خارجی استخدام نمائیم برای اینکاردکتر میلیسپورا درنظرگرفتیم کهقبلا در ایرانمتصدی اینکاربوده وازهرجهت مطالعات بیشتری در امور مالی کشور ما کرده است و در باره شرایط استخدامیایشانچون میدانممجلس اعتمادکامل بایشان دارد (نمایندگان

صحیح است) این بود که بنده تلگراف کردم که حرکت کنند و نخواستم معطل بشویم اینک لایحه استخدامی ایشان‌را تقدیم میکنم و تقاضا دارم آقایان نمایندگان در این‌دوروزه روی این‌لایحه مطالعه بکنند تا زودتر برای تصویب حاضرشود (نمایندگان بسیارخوب)

لایحهٔ استخدام دکتر میلیسپو
برای ریاست کل دارائی کشور

مجلس شورای‌ملی

چون دولت اینطور تشخیص داده که برای تکمیل حسن جریان امور دارائی کشور احتیاج بمتخصص عالیمقام خارجی میباشد و آقای دکتر میلیسپو تابع دولت متحدآمریکای شمالی که‌چندسال دراین کشور ریاست کل دارائی را دارا وصادقانه و صمیمانه بانجام وظایف‌خودپرداخته‌ودارای تجربیات‌واطلاعاتی‌ازامور‌این‌کشور گردیده‌بردیگران مرجح بنظرآمد بوسیله سفارت دولت شاهنشاهی درواشنگتن بامشارالیه تبادل نظرنموده و اینك لایحه استخدام وحدود اختیارات اورا تقدیم و تقاضای تصویب‌آنرا دارد.

نخست‌وزیر — وزیر دارائی

قانون استخدام وحدود اختیارات
رئیس کل دارائی

ماده اول- مجلس شورای ملی بدولت اختیار میدهد که آقای دکتر ارتور . س میلیسپو تابع دولت متحد امریکارا بسمت‌ریاست‌کل

دارائی برای مدت پنجسال با اختیارات و وظایفی که دراین قانون ذکر شده استخدام نماید.

ماده‌دوم ابتدای استخدام از روز حرکت آقای دکتر میلیسپو از واشنگتن محسوب میشود و پس ازانقضاء سه‌سال دولت ایران باآقای دکتر میلیسپو مختار خواهندبود که دوسال باقی مدت استخدام را ادامه و یافسخ نمایند ولی هریك ازطرفین باید قصد خودرا دایر بپایان‌خدمت چهارماه قبل اعلام‌نموده باشد.

ماده‌سوم - حقوق رئیس کل دارائی از قرار سالی هیجده هزار دولار آمریکائی میباشدکه با اقساط متساوی و ماهیانه بدلار آمریکائی پرداخته میشود بعلاوه خانه مسکونی متناسب‌باشغل مشارالیه باسوخت و روشنائی بعهده دولت خواهدبود.

ماده‌چهارم-هزینه‌مسافرت بایران ومراجعت آقای دکترمیلیسپو و خانواده بلافصل ایشان ازطرف دولت ایران تادیه میشود و همچنین هزینه مسافرت مشارالیه در ایران برای انجام خدمت بعهدهٔ دولت خواهد بود.

ماده‌پنجم - آقای دکترمیلیسپو درمقابل هر سال خدمت‌حق یك ماه مرخصی باحقوق خواهد داشت و ممکن‌است این‌مرخصی برای‌مدت سه‌سال ذخیره شود و درداخل یا خارج‌ایران صرف گردد هرگاه‌تاپایان دوره خدمت‌از آن‌استفاده‌نشود حقی‌برای حقوق‌مرخصی اضافه‌برمواجب معمولی نخواهد داشت

ماده‌ششم - درصورتی‌که قبل از پایان مدت استخدام آقای دکتر میلیسپوفوت‌نماید یادرنتیجه خدمت‌بدولت ایران‌ناتوان و ازکارفروماند دولت ایران معادل حقوق دوسال بمشارالیه یا وراثش تادیه خواهدنمود

و همچنین هزینه مراجعت خود یاخانواده‌اش بعهدهٔ دولت ایران خواهد بود هرگاه علل‌فوق دردوسال آخر خدمت پیش آمد نماید مشار الیه یا وراثش فقط بدریافت حقوق‌بقیه مدت خدمت ذیحق خواهندبود

ماده‌هفتم ـ در صورتی‌که قرارداد استخدام آقای دکترمیلیسپو بجهاتی غیراز آنچه درماده ششم ذکرشده پایان یابد دولت ایران بطور منصفانه با اورفتار خواهد کرد .

ماده هشتم ـ رئیس کل‌دارائی تحت‌نظارت عمومی وزیر دارائی تصدی مستقیم نسبت بکلیه اداره امور دارائی خواهد داشت . مشارالیه باتصویب‌وزیر دارائی‌اختیارتام‌برای تهیه‌بودجه خواهد داشت ودرصورتی که احتیاجی بتجدیدسازمان‌باشد باتصویب وزیردارائی دروزارت‌دارائی و سایر دوائر دولتی‌که بستگی مستقیم باوصول محاسبات وصرف‌وجوه عمومی دارند تجدید سازمان خواهد نمود و حق دارد پس‌از استشاره باوزیر دارائی و طبق قانون استخدام‌کشوری هر کارمند وزارت دارائی یاهر کارمندی راکه‌باداره‌مالیه وابسته‌باشد وکارمندان دوایر دیگری‌را که باوصول محاسبات‌وصرف وجوه‌عمومی بستگی مستقیم‌دارند‌بخدمت منصوب‌کند ترفیع رتبه و تنزل‌رتبه دهد منتقل یاازخدمت معاف کند و نیز مکلف است با تشریك مساعی وزیر دارائی رفتار هر کارمندی را که‌مورد شکایت وزیردارائی‌باشد بررسی نموده‌و اقدام لازم‌نماید .

دولت ایران قبل از آنکه راجع بکلیه مسائل مالی اقدام‌یاتصمیم بگیرد بارئیس کل دارائی مشورت‌خواهدکرد رئیس کل‌دارائی‌حق‌حضور در جلسات هیئت وزیران وکمیسیون‌های‌مجلس شورای‌ملی‌رادرمواردی که امورمالی مطرح است خواهدداشت .

ماده نهم ـ پرداخت یاانتقال وجوه‌عمومی انتقال اموال دولتی

تقلیل یاالغاء مالیاتها وعوارض با امضاء وزیر دارائی و موافقت رئیس کل دارائی خواهد بود .

هیچ نوع تعهدمالی بوسیله یابنام دولت ایران بدون تصویب کتبی وزیر دارائی ورئیس کل مالیه‌صورت نخواهد گرفت .

ماده‌دهم - رئیس کل دارائی یاکسی که ازطرف او تعیین میشود درهر موردی که برای اجراء وظیفه لازم شمرده شود بطور غیر محدود بکلیه برگها و پرونده‌ها و قوانین و احکام و بتمام دفاتر وپرونده‌های حساب داری که مربوط بمالیه یا شعبات آن باشد دسترسی خواهد داشت .

ماده‌یازدهم استخدام کارشناسان بیگانه و معاونین آنها برای خدمت در وزارت دارائی یا ادارات وابسته به امور مالی فقط با تقاضا و پیشنهاد رئیس کل دارائی بوده وتمام آنها درمقابل وی مسؤل خواهند بود رئیس کل دارائی باید برای ایجاد منابع درآمد تازه وتکمیل حسن جریان ادارات ونظارت محاسبات و انتقال وجوه عمومی و صرفه جوئی درهزینه‌های عمومی و توسعه اقتصادیات و رفاه کشور پیشنهادها ولوایح قانونی بدولت ایران تقدیم نماید .

ماده‌دوازدهم - رئیس کل دارائی موظف است گزارش ماهیانه و سالیانه تهیه‌وبوزیر دارائی تقدیم کندوضمن آن آمار و اطلاعات مبسوطی از درآمدوهزینه ونقود وبانکداری‌وارز وغیره بدهد تمام‌مکاتبات رسمی ودفاترحسابداری باید بفارسی نوشته شود .

ماده‌سیزدهم - در مواردی که موضوع تقدم پیش می‌آید رئیس کل دارائی بعدازوزیردارائی مقام اول را دارا خواهدبود .

ماده‌چهاردهم - رئیس کل دارائی حق ندارد درمسائل سیاسی

یا مذهبی مداخله کند و نباید باموسسات بازرگانی خصوصی بستگی داشته باشد و بطور کلی بجز درمواردی که در این قانون تصریح شده رئیس کل دارائی موظف است طبق قوانین ایران که فعلا مجری است یا بعداوضع میشود رفتار کند .

ماده پانزدهم - هرگاه در تفسیر واجرای این اختیارات ووظایف اختلافاتی ایجاد شود رئیس کل دارائی مکلف است برای حل وفصل این این قبیل اختلافات با دولت و وزیر دارائی تشریك مساعی نماید و در صورت بقاء اختلاف طرفین نباید قبل از اطلاع وتصمیم مجلس شورای ملی اقدام نماید .

ماده شانزدهم - دولت مجاز است برئیس کل دارائی اختیار دهد علاوه بریکنفر ماشین نویس آمریکائی و یکنفر منشی آمریکائی شش نفر کارشناس برای رشته های مختلف امور دارائی از اتباع دول متحده آمریکا انتخاب وهمراه خود بایران بیاورد . اسامی ومیزان حقوق هر یك از آنها بموجب قانون جداگانه معین خواهد شد .

این لایحه بکمسیونهای خارجه . دارائی - بودجه - قوانین رفت و پس از بررسی تصویب شد و درتاریخ پنج شنبه بیست یکم آبان ۱۳۲۱ گزارش آن بمجلس آمد و مورد مباحثه وشور قرار گرفت و طبق سنن پارلمانی ایران ابتدا یکنفر بعنوان مخالف «آقای تهرانچی» صحبت کرد و درجواب ایشان آقای علی دشتی نماینده آزادیخواه بعنوان موافق چنین بیان داشتند: « بنده بانظر آقای تهرانچی بکلی مخالفم ومعتقدم که مملکت ما مستشار میخواهد آنهم برای ادارات مهم کشور اولین راه اصلاح هر مملکتی اینست که نقاط ضعف آن را مردم بشناسند و رفع کنند مانباید

خودمان را گول بزنیم بگوئیم لایق هستیم، کاردان هستیم، متخصص هستیم و اعتراف هم نکنیم که فلان عیب و نقص را دارا میباشیم. این طرز فکر خوب نیست. امروز ما محتاج مستشاران آمریکائی هستیم بدو لحاظ یکی از لحاظ فنی و دیگری ازحیث اخلاقی و پسیکولوژی در قسمت فنی ما تجربه داریم و بهترین نمونه، پست و تلگراف و گمرکات ماست که روی شالوده صحیحی ریخته‌شده و اگر ما بخواهیم مدعی شویم که از زمان مرحوم کیومرث چنین و چنان داشته و محتاج نیستیم فکر پسندیده ای نیست موضوع اداره کردن خودیك موضوع مهمی است که متأسفانه ما در مملکت



آقای علی دشتی

برای اداره کردن وسازمان دادن نقص بسیار داریم اینجا مجلس شورای ملی است بایدصاف وروشن معایب خودمان‌را بگوئیم و درمقام اصلاح آن باشیم الان به‌بینید وضع نان وخواربار چه‌صورت پیدا کرده برای چیست؟ برای اینست که اداره کردن بلد نیستیم (تهرانچی مستشار خواربار که داریم) بله‌داریم اما اگراین مستشاررا زودتر میآوردیم اینطور نمیشد، حالا مستشار آمریکائی برای ما نمیتواند از آسمان گندم نازل کند تشکیلات کار را میدهد جیره بندی مینماید جدیت میکند والبته نهایت اعتماد و امیدواری همه را که خیلی مؤثر میباشد جلب خواهد کرد.

اماموضوع اخلاقی و پسیکولوژی را که عرض کردم کاملا صحیح است ملاحظه بفرمائید مثلا اگر یك رئیس اداره هرقدر باتقوی ودرست باشد و امام جعفرصادق باشد اما اگر اقدامی کرد که برخورد با اعضای او داشت همه برعلیه او برمیانگیزند و حال آنکه نسبت بیك مستشار خارجی اینطور نیستیم همین اداره شهربانی اگر تحت نظر مستشارخارجی مانده بود تصورمیکنید ممکن بود بصورت یك اداره جاسوسی یك اداره‌ای که آنقدر زجر وزحمت بمردم بدهد درمیآمد ؛ علت وجود استبداد و ایجاد حکومت دیکتاتوری همین شهربانی بود که درمحبس را بروی مردم باز گذاشته و دراثر راپورتهای غلط واشتباهکاریها مرتکب آنهمه جنایات شد وحال آنکه اگر نظمیه‌ای بود که فقط حکم محکمه را میشناخت وروی اصول اداری و تشکیلات صحیح استوار بود و مستشار خارجی بالای سر آن بود محققاً اینطور نمیشد .

پس باید ازروی انصاف قضاوت کرد وجلب مستشاران آمریکائی را حسن استقبال نمود (امیر تیمور - اما از ملل بیطرف) خیر از ملل باطرف الان راجع بهمین موضوع عرض خواهم کرد راجع بمالیاتها و اصول اقتصادی ببینید اگر روی تناسب بالا رفته بود و افزایش بودجه متناسب با استعداد مردم بود اینطور میشد ؟ الان ببینید همین قدرت رضاشاه که رفته است چه دزد بازاری راه افتاده وشما میدانید چه هرج و مرج اداری ووضعیت نامناسبی پیدا شده وهمه ناشی از نبودن تشکیلات و اداره صحیح است پس از لحاظ فنی و از لحاظ علمی وروحی واخلاقی ما نیازمند مستشاران خارجی هستیم وازهمه کارها برای ما واجب‌تر ولازمتر است اما راجع باظهارات آقای تهرانچی که میگوید در جنگ بین‌المللی مستشار استخدام نکنیم و اگرهم احتیاج

داریم ازهمه کشورهابیاوریم این یك اشتباه است همین حالا خوب است و بهتر است ازملت آمریکا باشد برای چه برویم درهر اداره مستشار ازیك ملت بگذاریم که مختلف العقیده باشند و بعد دچار هرج ومرج و اختلاف نظر شویم این عقیده بنده است و حتی درمورد تعلیم وتربیت معتقد بودم که بجای اینکه بهمه دنیا محصل میفرستید بیك کشور یا انگلستان یا آمریکا بفرستید تاهمه یك سنخ تربیت بشوند نه اینطور که الان میبینیم.

این که میگوئید ملت بی‌طرف یا باطرف بنده از هر جهت ترجیح میدهم که از یك ملت باطرف قوی مثل آمریکا که کشور عدالت‌خواهی است استخدام نمائیم ملت ایران از اول انقلابهای مشروطیت متوجه ملل اتازونی بود ومتمایل بکشور آمریکا بوده است زیرا میداند و مطمئن است که آمریکائیها سیاست استعماری ندارند و نمی‌خواهند از نفوذ سیاسی خود سوء استفاده نمایند مردمان شریف ودرستی هستند و از تمام ملل اروپائی از حیث قوه عدالت وحس نوع پرستی و ترقیات جلو هستند. چرا و روی چه فلسفه وعقیده‌ای ما برویم ازملت‌های کوچك مستشار بیاوریم که دراینموقع مهم تحت نفوذ سیاست‌های قوی خارجی قرار بگیرند این یك اشتباه بزرگی و ما از یك ملت قوی و درست و عدالتخواه مثل آمریکا بهتر میتوانیم استفاده نمائیم آمریکا دامنش آلوده بجنك نبود ومایل بجنك نبود منتهی اوضاع عمومی دنیا و جلوگیری از سیطره دیکتاتوری واستبداد جهان اوراوارد جنك کرده است وخوشبختانه در اینموقع که توافق نظر و اتفاق باهمسایگان ما دارند بهترین فرصتی است که ما میتوانیم ازوجود آنها بیشتر بنفع کشور استفاده نمائیم وهرقدر احتیاج داریم باستخدام آنها اقدام کنیم و اینکار بهیچوجه مخالف منافع

و حیثیات وشئون مانیست و کمال لزوم راهم دارد(نمایندگان صحیح است صحیح است) آقای دشتی مجدداً بنطق خود ادامه داده و در خاتمه چنین گفتند : « بنده عقیده دارم تعارف نباید کرد و حقایق را باید گفت اینمطلب مسلم است که : **عظمت و بزرگی یك ملت مربوط باخلاق و تقوی آن ملت می باشد ملل وقتی ترقی می کنند که دارای تقوی و فضیلت باشند .**

ما نباید انکار کنیم که اکنون یك ملت عقب افتاده ایم چندین سال حکومت های استبدادی در اخلاق ما مؤثر واقع شد و اگر عقب افتاده نبودیم هیچوقت اجازه نمیدادیم چندین سال حکومت دیکتاتوری به همه چیز ما مسلط باشد .

ما باید اعتراف کنیم که درحال انحطاط میباشیم .

این خود مؤثر ترقی است که اقرار بنواقص خود بکنیم و بعد سعی نمائیم تامعایب ما برطرف شده و آن مقامی راکه شایسته آنیم احراز کنیم . (نمایندگان صحیح است) » .

ـ پس ازخاتمه نطق آقای دشتی رئیس مجلس اظهار نمودند باورقه بمجموع مواد رأی گرفته میشود و رأی گرفته از ۹۳ نفر عده حاضر به اکثریت ۷۲ رأی لایحه استخدام دکتر میلیسپو تصویب شد .

دکتر میلیسپو درتاریخ ۱۰ بهمن ۲۱ بتهران وارد شد و از روز دوازدهم بهمن ۲۱ در وزارت دارائی حضور بهمرسانیده و مشغول کار گردید .

دولت پس ازچندی برای اینکه از ترقی سرسام آور قیمتها و نیز از نایاب شدن اجناس که اغلب ملاکین و بازرگانان بی انصاف احتکار

میکردند جلوگیری کنند تصمیم گرفت اختیارات کافی بدکتر میلیسپو بدهد ولایحه آنرا بشرح زیر تقدیم مجلس شورای ملی کرد .

متن لایحهٔ اختیارات .

ریاست محترم مجلس شورای ملی

گرانی روز افزون هزینه زندگی ایجاب میکند که عاجلاً برای اداره نمودن بهای اجناس اعم از خواربار وغیره طرز تقسیم آنها بین مصرف کنندگان اقدام بعمل آید لذا طرح قانونی زیر با قید یك فوریت پیشنهاد و تصویب آن تمنا میشود .

ماده۱ـ برئیس کل دارائی فعلی اختیار دادهمیشود امر تحصیل اجناس غیر خواربارى و کلیه مواد خام و مصنوعات ، وارد وصادر کردن اجناس مذکور و طرز حمل ونقل و انبارنمودن وتوزیع آن و همچنین مال‌الاجاره مستغلات و دستمزد کلیه کارها وخدمات را تحت اداره خود قرار دهد .

ماده۲ـ رئیس کل دارائی‌مجاز است‌برای اجرای وظایف‌مذکور درماده اول از کلیه اختیاراتیکه بموجب قوانین مصوبه ۲۴خرداد۱۳۲۱ و ۳۰مهر۱۳۲۱ وقانون منع احتکار مصوبه‌اسفند۱۳۲۰ وقانون‌واگذاری انحصار تجارت خارجی مورخه ٦ اسفند ۱۳۰۹ وقانون انحصارتجارت مصوبه ۱۹ تیر ۱۳۱۱ بدولت داده شده است استفاده نماید .

ماده۳ـ در اجرای اختیارات فوق‌الذکر رئیس دارائی میتواند کالاهای موجود را فهرست نماید پروانه تولید و فروش‌صادر کنداجناس رادرمقابل پرداخت بهای‌عادلانه ضبط‌نماید کوپن منتشر کند مغازه‌فروش

دولتی باز کند یا هر اقدام دیگر که لازم و مفید باشد برای ثبت بهای اجناس و توزیع عادلانه آن بعمل آورد و در حدود این اختیارات رئیس کل دارائی میتواندمقرراتی را وضع کند ، مقررات وضع‌شده‌حکم قانون را خواهد داشت .

ماده۴ـ برای اجرای این‌قانون اداره‌بنام اداره قیمتهادر وزارت دارائی تأسیس خواهدشد .

ماده۵ـ برای پرداخت هزینه‌های اداره قیمت‌ها در سال ۱۳۲۱ اعتباری به مبلغ پنج میلیون ریال بوزارت دارائی داده میشود و برای سرمایه خرید کالاها نیز بوزارت دارائی اجازه داده میشود در صورت لزوم تا ده‌میلیون ریال ازبانک‌ملی وام دریافت داشته وبطریق تنخواه گردان استفاده نماید .

ماده۶ـ برئیس کل دارائی اختیار داده میشود که ۹نفرازاتباع آمریکا را بسمت معاون خود دروزارت دارائی و بخصوص برای اداره قیمتها انتخاب نماید و شرایط انتخاب آنها را بوسیله وزیر دارائی برای تصویب به‌مجلس‌شورای‌ملی پیشنهادنماید .

ـماده۷ـ این‌قانون تاششماه بعد از خاتمه جنگ بقوه خود باقی خواهدبود .

وقتی که این‌لایحه بمجلس برده‌شد فوراً محتکرین وکسانی که تمول خودرا ازراه مکیدن خون همنوع خود بدست آورده بودند و از راه احتکار اجناس ملیونها استفاده نامشروع کرده بودندکه متأسفانه‌در بین‌وکلاءمجلس‌دورۀسیزدهم هم‌عدۀازاینهابودندکه‌بدستوپاافتاده،آنها از بیرون مجلس و آن‌عدۀ وکلا در داخل شروع بتحریك وآنتریگ و مخالفت برعلیه این‌لایحه نمودند تابالاخره لایحه‌را بنحوی جرح وتعدیل

نمودند که بکلی آن خاصیت و قدرت اولیه خود را ازدست داد و دکتر میلیسپو نتوانست اراین لایحه فکری راکه درنظر داشت عملی نماید یعنی مبارزه برعلیه محتکرین از هرطبقهٔ که باشند ودر نتیجه ازدیاد اجناس خواروباری و پائین آمدن قیمت‌ها بالاخره متولیان مجلس تبصره‌هاومواد زیر را بلایحه‌افزوده وقدرت اولیه‌لایحه را خنثی نمودند.

سه تبصره زیر مربوط بماده اول‌لایحه می‌باشد :

تبصره ۱ـ ترتیب‌وتنظیم‌مال‌الاجاره‌مستغلات با مقرراتی که ازطرف وزارت دادگستری ورئیس کل‌دارائی تنظیم خواهدشدبعمل‌خواهدآمد.

تبصره ۲ـ نسبت باجناس صادراتی نوع‌اجناس که بایدتحت‌اختیار درآید قبلاآگهی شود (برای اینکه کسانی که این‌نوع اجناس‌را دارند مطلع شوند و قبلا در محلهای دور ازچشم مأمورین دولت پنهان کرده واحتکارنمایند).

تبصره ۳ـ در موردآن‌قسمت ازمواد خواربار که بتشخیص‌وزارت خوار وبار و رئیس کل دارائی لازم شود مشمول این قانون واقع گردد بموجب پیشنهاد وزارت خوار و بار و رئیس کل دارائی با تصویب هیئت وزیران تحت اختیار رئیس کل دارائی گذارده خواهدشد.

ماده‌هفتم ـ شورائی مرکب از هفت نفر دونفر ازهیئت وزیران و سه نفر دیگر بانتخاب رئیس دولت برای مشورت در اجرای‌این‌قانون انتخاب خواهند شد. رئیس کل دارائی میتواند اگر اشخاص دیگری را هم لازم بداند برای حضور دراین شورا دعوت‌نماید.

ماده‌هشتم ـ آئین‌نامه ومقرراتی که برای اجرای این قانون لازم شمرده شودرئیس کل‌دارائی‌تنظیم‌وبموقع‌اجرا خواهدگذاشت.

مادهٔ نهم ـ این قانون تا نسخ آن از طرف مجلس شورای ملی بقوت خود باقی است(برای‌اینکه هرموقع و کالای‌طماع و محتکر بمنافع

مستقیم آنها لطمه وارد آمد آنرا لغو کنند)

منظور دولت از لایحه اولی که بمجلس داده بود این بود که اختیاراتی را بدکتر میلیسپو که یکنفر آمریکائی است بدهد تا او هم فوراً بتواند در آن موقع که وضع غیرعادی بود تصمیم مقتضی اتخاذ نماید تا نظر دولت و توده ملت تأمین شود لیکن بطوری که ملاحظه فرمودید محتکرین و کارگردانان مجلس که ازمالکین و تاجرزادگان طبقه اول محسوب میشدند آن قسمت هائی را که در این لایحه بامنافع آنها تماس داشت بنفع خود تعدیل کردند مثلا در تبصره اول گفتند راجع بمستغلات با نظر وزارت دادگستری تا بتوانند نظریه خودرا تحمیل وزیر دادگستری نمایند یا مثلا در قسمت تبصره سه گفتند باید تصمیمات باپیشنهاد وزارت خواربار و تصویب هیئت وزیران برای اینکه ملاکین هم بتوانند نظریه خود را تحمیل مقامات حاکمه ایرانی نمایند خلاصه باین هم اکتفا نکرده و در خارج مجلس بقدری راجع باین لایحه تبلیغات سوء کردند تا توانستند اذهان مردم بی‌خبر را مشوب نموده و از آب گل آلود ماهی بگیرند و دولت مجبور شد در مقابل این صف بندی که از طرف اینعده اشخاص بی‌وجدان و خدا نشناس که مانند زالو بر پیکر نحیف هم‌میهنان خود چسبیده و شب و روز از خون آنها تغذیه میکردند باقبول تقاضاهای آنها بعنوان مواد و تبصره‌های الحاقی بلایحه اختیارات اعلامیه زیررا منتشر کرد

مورخ ۳۱ر۱ر۲۲

اعلامیه دولت

برای روشن نمودن افکار عمومی نسبت بلایحه اختیارات رئیس کل دارائی دولت لازم دانست حقایقی را باطلاع عامه برساند

راجع بلایحه که دولت در تقاضای اختیارات برای رئیس کل مالیه

تقدیم مجلس شورای ملی نموده‌است البته خاطر عموم متوجه است که ترقی روزافزون قیمت‌ها و گرانی‌دام التزاید که در کلیه امتعه ضروری روی داده بطوری کمر شکن وغیر قابل تحمل است که اگر دولت چنان که در برنامه خود بعرض مجلس شورای ملی رسانید اقدام سریع وعاجلی برای علاج آن ننماید تحقیقاً عاقبت امر منجر به ورشکستگی اقتصادی مملکت خواهد شد و اینوضعیت که در نتیجه استفاده وسفته بازی وعدم تنظیم امر اجناس موجودهوکار صادرات و واردات روی داده و بردوش عموم طبقات خاصه مستخدمین دولت و کارگران و کشاورزان بارسنگین نهاده که صبر و درنگ در اصلاح آن ایجاد پریشانی بیشتری برای آنها خواهد گردید .

با مطالعهٔ که در اطراف این قضیه که خود از مسائل دقیق فنی و و اقتصادی است بعمل آمد دولت چاره کار را منحصر در آن دید که **باسفته بازی و احتکار و قاچاق وهرگونه تجارت سیاه که نفع آن عـاید عدهٔ معدودی ولی ضرر آن متوجه تمـام مملکت است مبارزه نماید .**

اقدامات جاری که در غالب مواقع باید محرمانه و سریع باشد بعمل آورد چون **انجام این نیت جزء با اعطاء اختیارات بشخص واحد که محل اعتماد باشد میسر نبود درنتیجه لایحه قانونی برای اعطاء اختیارات در این باب برئیس کل دارائی بمجلس تقدیم گردیدو پس از تبادل نظر باکمیسیونهای پارلمانی باآنکه هم بیطرفی و بیغرضی وهم سابقه بصیرت وکارآگاهی رئیس کل دارائی مورد** تصدیق بود معذالك برای مشاوره در نقشه‌های عملی مشارالیه وجود یك هیئت مشاوره خاص در لایحه مذکور پیش بینی گردید که اجرای

نقشه های مذکور کاملا بررسی و مطالعه شده و با دقت کامل انجام بشود

اکنون متأسفانه مشاهده میشود که معدودی منفعت پرست با اینکه مصالح عالیه کشور وحتی منافع حیاتی خودشان در مخاطره است بطمع نفع عاجل و سود موقت انتشاراتی داده و باستدلالات خلاف منطق وجعل اکاذیب افکار صالح را مشوب و تحریك بفتنه و فساد مینمایند .

دولت یقین دارد که عدم اختیارات فوراً مانع از طرح نقشه های ثابت و اساسی است و بدون نقشه منظم زندگانی اقتصادی کشور دستخوش حوادث و ملعبه عوامل مختلفه گردیده سر انجام باضمحلال بنیه مالی و اقتصادی کشور منتهی خواهدشد .

بنابراین بدون هیچ نگرانی و اندیشه بااتکاء بعقل سلیم و نظر دوربین طبقه منور و روشن فکر اجازه نمیدهد که مصالح عامه فدای منافع مخصوص یك جمع معدود گردد . . . . انتظاردارد که عامه مردم اندك تزلزلی بخاطر راه ندهند .

نخست وزیر ـ علی سهیلی

ـ یکی دیگر از لوایح مفیدی که دکتر میلیسپو بوسیله وزیر دارائی بمجلس تقدیم کرد ومجدداً علم مخالفت ازطرف طبقه محتکرین وسفته بازان برعلیه او بلند شد لایحه مالیات بردرآمد زمان جنگ بود که اگر گذاشته بودند این لایحه بمورد اجراء وعمل گذاشته شود نصف بدبختی ازاینکشور تاکنون رخت بر بسته بود .

لایحهٔ مالیات بردرآمد درتاریخ پنجم خرداد ۱۳۲۲ بمجلس تقدیم گردید و قسمت مهم آن در مادهٔ ۱۳ بود که از روی جدول بندی جهت گرفتن مالیات تصاعدی تنظیم شده بود . ۳۰۰،۰۰۰ ریال ۳ در صد و

تا آخر که میرسید از ۵۰۰۰۰۱ ریال ببالا ۸۰ درصد نسبت بمازاد ۵۰۰۰۰۰ ریال که بعداً درموقع تصویب این لایحه ضمن تغییرات بسیاری که بنفع طبقه سرمایه‌دار و مالکین در آن داده‌شد این قسمت آخرهم باین شکل درآمد از ۱۰۰۰۰۰۱ ریال ببالا صدی هشتاد مالیات گرفته شود و اینقسمت‌هم هیچوقت عملی نشد.

این لایحه چندین ماه در کمیسیونهای مجلس دفن شد و متنفذین که موجد بازار سیاه بودند مانع تصویب آن میشدند بطوریکه همه‌روزه روزنامه‌ها دراینباب بمجلس حمله میکردند که چرا چنین لایحهٔ مفیدی را هرچه زودتر بتصویب نمیرسانند و منجمله روزنامه یومیه اطلاعات در سرمقاله مورخ بیستم تیرماه ۱۳۲۲ در تحت عنوان قانون مالیات بردرآمد چنین نوشت: از ما میپرسند این قانون چه‌شد؟ نظر مجلس راجع باین لایحه چیست آیا عاقبت تصویب خواهد شد یاهمچنان بدفع‌الوقت میگذرد و در کمیسیونهای مجلس دفن میگردد . . . »

در جلسه ۱۲ خرداد ۱۳۲۲ یکی ازوکلاء تلگرافی که ازطرف ۱۵۰ نفر از مالکین با وجدان! و بازرگانان با انصاف! اهواز شده بود مبنی برمخالفت بالایحه مالیات بردرآمد درمجلس قرائت کرده بالاخره در اثر این مخالفت ها که چه از خارج و چه از داخل مجلس میشد و سر رشته آنهم در داخل مجلس بود طرح لایحه مدت پنج ماه عقب افتاد تا اینکه درآبان‌ماه لایحه باجرح و تعدیل بنفع طبقه‌سرمایه‌دار و مالکین درمجلس طرح گردید موقع طرح لایحه که از طرف بعضی از وکلاء معلوم‌الحال مخالفت میشد آقای شاهرودی نماینده آزادیخواه در جواب مخالفین نطق زیررا ایراد کردند.

« از وقتی که لایحه تجدید درمالیات بردرآمد بمجلس داده‌شده

گفتگوهای زیاد در اطراف این لایحه بمیان آمده مخصوصاً از طرف کسانیکه ظاهراً این لایحه بضرر آنان است یعنی طبقه ثروتمندان بزرگ تلگرافات و شکایات بمجلس و غیره شده و بطور کلی اظهارات بدون دلیل و اغراق آمیزی درمضرات این لایحه نمودند که هرگاه از روی دقت و بیطرفی مطالعه شود معلوم خواهد گردید که اعتراضات آنها وارد نیست . . .

اگر ازروی حق و انصاف باوضاع و تشکیلات دولتی و اجتماعی ایران نظر اندازیم معلوم میشود که بیشتر تشکیلات عظیم دستگاه دولتی برای تأمین و آسایش طبقه ممتازه و متمکن کشور بکار میرود زیرا طبقه کارگر و رنجبر و بی‌بضاعت از تشکیلات سیاسی و اداری دولت بقدر آنان بهره نبرده و نمیبرد دراینصورت همانطور که از تشکیلات دولتی طبقات عالیه استفاده میکنند بهمان نسبت هم لازم است درهزینه دستگاه دولتی بیشتر و بنسبت استفاده خود مالیات بدهند .

از آنجائیکه این لایحه مالیاتی مالیات مستقیم است وطوری تنظیم شده که سنگینی آن بیشتر بردوش ثروتمندان بزرگ است اصولا بایستی با اجرای آن موافقت نمود » .

بالاخره پس از گفتگوی زیاد راجع باین لایحه وصف بندی وکلای موافق و مخالف در مقابل یکدیگر و نیز پس از اینکه مستشاران بواسطه تصویب نشدن لوایح آنها و همچنین لایحه مالیات بردرآمد که پایه واساس کارآنهارادرایران تشکیل میداد درتاریخ ۲۶ مهر ماه ۱۳۲۲ استعفاء خود را تقدیم دکتر میلیسپو کردند و دکتر هم تمارض کرده بعنوان کسالت چند روزی بوزارت دارائی حاضر نشد بالاخره درجلسه خصوصی که درهمان تاریخ در مجلس شورای ملی تشکیل گردید قرار شد درظرف دو هفته لوایح تقدیمی

وزارت دارائی بتصویب برسد دکتر میلیسپو وسایر مستشاران از استعفاء خود صرفنظر کرده و مجدداً بکار خویش عودت نمودند و در تاریخ ۱۹ آبان ۱۳۲۲ لایحه مالیات بر درآمد باکثریت آراء وکلای صالح و و میهن‌پرست بتصویب مجلس شورای ملی رسید لیکن هیچوقت تا این تاریخ که ما مشغول نوشتن این سطور میباشیم از متمولین و سرمایه‌داران بزرگ صدی هشتاد مالیات گرفته نشد و در عمل نگذاشتند که این لایحه در مرحله اجرادرآید ازاینرو نتیجه‌ای برای کشور ازاین لایحه عاید نگردید.

در ضمن اینکه بعضی از همکاران دکتر میلیسپو خوب انتخاب نشده‌بودند لیکن اغلب آنها ازمردمان باتجربه و تحصیل کرده بودند از قبیل **رکس‌پیکسلی** که تجربه ممتدی در امور مالیات بردرآمد داشت معاون دکتر میلیسپو ، **شاکمن** که مدت چندین سال در نیوجرسی در کشور آمریکا ریاست سازمان قیمتها را عهده‌دار بود بسمت معاونت اداره تعیین قیمت‌ها منصوب شد ، **اشتیفن نایمن** که دارای تحصیلات عالی در رشته اقتصادی وتجربه ممتدی درامورمالی داشت بسمت مدیر کل بازرسی وزارت دارائی ، **شامبارگر** که چندین سال در قسمت حساب داری کار کرده و متخصص حساب بود بسمت رئیس حساب داریها و **لیکنت** که در کشور آمریکا وفیلیپین درامور بانکداری تجربه کافی داشت بسمت کارشناس مالی که بعداً خزانه‌دار شد.

اکنون علل عدم موفقیت دکتر میلیسپو ومیسیون آمریکائی را در ایران بطور خلاصه بشرح زیر بیان میکنیم :

۱ ـ مخالفت شدید روسها بابودن مستشار در ایران و همه روزه چه بوسیله رادیو و سایر دستگاه تبلیغاتی خود از خارج و چه بوسیله

عمال خود در داخل بمیسیون آمریکائی حمله میکردند ودرقسمت شمال ایران مخصوصاً آذربایجان - رشت و مازندران مانع اقدامات آنها شده حتی بقدری عرصه راباآنها تنگ گرفتند که مستشار آمریکائی مجبور شد تبریز را ترك گوید و بتهران بیاید و هنوز هم از رادیو مسکو تبلیغات زهر آگین آنهاکه سراسر دروغ محض و افتراء میباشد برعلیه مستشاران آمریکائی در ایران ادامه داردآیا در اوایل انقلاب که روسها از وجود مستشاران آمریکائی درکشور پهناور شوروی در کارخانجات و قسمت سدسازی وسایر قسمت‌های دیگر استفاده میکردندآن آمریکائیهاکه در قلب کشور آنهاکار میکردند جهت کشورروسیه خطری ؛ ایجاد کردندکه امروزه اغلب اوقات رادیوی مسکو بواسطه وجود این چند مستشاری که فقط درایران جنبهٔ مشورتی داشته و میخواهیم ماهم اوضاع آرتش و ژاندارمری و بهداری خودرا مانند ممالك بزرگ چون شوروی و آمریکاو انگلستان منظم و مرتب کنیم مرتباً بما حمله میکنندوتوهین وناسزا بمقدسات ملی ما وارد میآورند واقعاً اگر خیال میکنند که باینوسیله میتوانند مقاصد خودرا انجام دهند من باید باکمال احترام عرض کنم که : « اینره که تومیروی به ترکستان است » .

۲ - مخالفت شدید وآنتریك محتکرین متنفذ و سرمایه‌دارها و مالکین بزرگ برعلیه تصمیمات دکتر میلیسپو که بضررآنها وبنفع توده مردم و رشته آن در مجلس شورای ملی بود .

۳ - بعضی از همکاران دکتر میلیسپو از اشخاص مطلع و خوبی انتخاب نشده بودند .

٤ - وجود عدهٔ از مأمورین نادرست در وزارت دارائی که اغلب این اشخاص در ادارات وصولی و اقتصادی بوده و باارباب رجوع طرف

بودند اینها بودند که در اثر سوء استفاده و رشوه گرفتن،قوانین وآئین نامه‌های دارائی را زیرپا گذاشته ومانع اجراءآنها شدند و در عوض بر ثروت و تمول خودافزودندوهنوزهم بیشتر اینهادروزارت دارائی کارهای حساس را دردست دارند این اشخاص دوطبقه میباشند یك طبقه‌آنهائی که دراثرخبرویت‌وپشت‌هم‌اندازی و غیره تاکنون خود را از شر تعقیب مصون داشته‌اند وکسی نیست که باوزارت دارائی سرکار داشته باشد و این‌اشخاص را نشناسد عدهٔ دیگر باید مراجعه باداره‌ٔقضائی‌بازرسی‌کل دارائی و مطالعه دفتر اشخاصی که از ۱۳۲۲ تاکنون تحت پیگرد قرار گرفته‌اند اسامی آنها معلوم میشود . این توضیح مختصر را دادم تا خوانندگان خیال نکنند که من بدون دلیل چیزی نوشته‌ام اما ناگفته نماند که در وزارت دارائی اشخاص صحیح‌العمل و درستکاری هستند که تاکنون کوچکترین لکهٔ سیاهی به جامه‌آنها نچسبیده است از قبیل آقای‌**عبدالحسین بهنیا** معاون‌وزارت دارائی که اینك بشرح حال ایشان میپردازیم‌آقای بهنیاپس‌ازاتمام تحصیلات‌خود در مدرسه دارالفنون‌تهران برای تکمیل تحصیلات عالی عازم اروپاشد و بعد ازآنکه در رشته علوم مالی واقتصادی تحصیلات خودرا درپاریس بپایان رسانید بایران‌مراجعت نمود و ازبدو ورود بخدمت دروزارت‌دارائی مشغول شدآقای بهنیا پس پس ازطی ریاست ومدیریت‌کل بعضی از ادارات وزارت دارائی‌بواسطه پشتکار ولیاقت ذاتی‌خود امروز پست معاونت پارلمانی وزارت دارائی را احرازکرده‌است و دومرتبه‌هم بعنوان‌نماینده وزارت‌دارائی‌بکشورهای ترکیه و هندوستان مسافرت‌کرده‌اند . ایشان در تمام دوره تصدی خود در ادارات مختلف وزارت دارائی با کمال درستی و لیاقت وظایف محوله را انجام و بواسطه قوه ابتکار و تشخیص و سرعت در تصمیم

دربین کارمندان وزارت دارائی و محافل پارلمانی شهرت بسزائی دارد.

عقیده ایشان راجع بسازمان جدید وزارت خانه‌ها و دستگاههای دولتی اینست که ابتداء باید کارمندان ناصالح را در هر طبقه و مقامیکه باشند از کار برکنار کرد بعد کارهای تولیدی ایجاد نمود تا کارمندان زائد بآن کارها گمارده شوند سپس حقوق بقیه کارمندان را بقدری اضافه کرد که قادر شوند وضع زندگانی خود و عائله‌شان را را تعدیل کرده و باخیال راحت در کمال درستی و صحت عمل انجام وظیفه نمایند و بدین ترتیب فکر سوء استفاده از مخیله آنها دور شود.



آقای عبدالحسین بهنیا

راجع باینکه کار ها را باید بجوانان سپرد یا پیران وی معتقد است که با فکر پیران آزموده و با دست جوانان تحصیل کرده باید کارهای دولت انجام شود از همین لحاظ است که در بین طبقه پیر وجوان محبوبیت خاصی دارند

در سیاست خارجی عقیده دارند که باید با تمام کشورها روابط دوستانه داشته باشیم و بخصوص کشور ما باید از کمك‌های مادی ومعنوی کشورهای متحدآمریکای شمالی که درحال حاضر باغلب کشورهای جهان کمك میکنند بوجه احسن استفاده نماید .

ودیگر ازاشخاص صحیح‌العمل ولایق آقایان محسن قریب ودکتر پیرنیا ومنیرالدین احمدی‌مدیران کل وزارت دارائی میباشند ونیز عدهٔ دیگر یکه بواسطه ضیق صفحات کتاب از نام آنها خودداری‌مینمائیم.

امروز در بین طبقه وزراء ورجال کشور از اشخاص صحیح‌العمل و درستکار که اسم میبرند ازقبیل آقایان نجم‌الملك‌وصالح‌و نریمان‌و غیره تماماً ازاعضاء وزارت‌دارائی بوده‌اند . من‌امیدوارم که **در تحت‌توجهات اعلیحضرت همایون شاهنشاهی دست اشخاص نادرست از تمام وزارت‌خانه‌هاوادارات دولتی کوتاه و بجای آنهااشخاص‌درستکار وامین مصدر کار شوند و اوامر شاهانه در این باب بنحواحسن اجراگردد.**

مستشاران ژاندارمری

در تاریخ ۲۷ اردیبهشت ۱۳۲۲ دولت جهت استخدام مستشار ژاندارمری از کشور آمریکا لایحه زیر را تقدیم مجلس شورای ملی کرد :

چون اهمیت ژاندارمری و تأثیری که انتظام آن در اداره کلیه امور انتظامی و اجرائی کشور دارد بهمجلس شورای‌ملی پوشیده‌نیست وضرورت داشت که امور امنیه مملکت ازاین‌پس بصورتی اداره شود که مستلزم‌آسایش عامه و تأمین انتظامات عمومی باشد و این مقصود جزء با استخدام افسران مطلع و متخصص که در این رشته دارای تجربه و بصیرت کامل باشند ولیافت وامانت آنها را دولت متبوع آنها تأمین نماید حاصل نمیشد از اینرو دولت با دولت آمریکای شمالی داخل مذاکره گردیده وقرار داد که یکنفر افسر عالیمقام برای ریاست تشکیلات ژاندارمری که درعین حال بسمت مستشاری، مسؤل وزارت‌کشور باشد باختیار دولت ایران بگذارد اینك اجازه استخدام افسر مذکور و وهفت تن‌همکاران او را بشرح ماده واحده تقدیم مجلس شورای ملی نموده و تصویب آن را تقاضا دارد. این لایحه بعداً باکثریت آراء تصویب شد.

دولت آمریکا هم یکی ازمجرب‌ترین افسران خودرابنام‌سرهنگ **شوارتس کاپف** بعنوان‌مستشارژاندارمری‌معرفی کردشوارتس کاپف(۱) بسال۱۸۹۵ درشهر نیوآرك واقع درنیوجرسی بدنیا آمده، پس از پایان تحصیلات ابتدائی و متوسطه خود در آموزشگاه‌های مختلفه آمریکا وارداکادمی نظامی آمریکا در «وست پؤنیت» شده و با درجه ستوان دومی سواره‌نظام فارغ‌التحصیل ودرسال ۱۹۱۷ بادرجه‌سروانی توپخانه عازم فرانسه شد ودرطی جنگ‌بزرگ گذشته درچهارنبرد شرکت‌نمود و بترتیب رئیس دژبانی فرمانده پادگان‌مرزی بالاخره بدرجه‌فرماندهی هنگ پیاده ارتقاء یافت.

---

۱ – Schwartz kapef

بعلاوه سرهنگ نامبرده بریاست شهربانی «نیوجرسی» رسید و تشکیلات شهربانی آنجا را تکمیل نموده وهمچنین دروضع قوانین جنائی شرکت داشته و درانجمن بین‌المللی شهربانیها در آمریکا کنفرانس هائی داده است .

سرهنگ شوارتس کاپف مؤسس آموزشگاههای شهربانی آمریکا شمرده میشود .

بطوریکه ملاحظه شد سرهنگ نامبرده از اشخاص متخصص و باتجربه درقسمت ژاندارمری بود وهشت افسر وهفت گروهبان آمریکائی باتفاق وی درژاندارمری خدمت میکردند .

در سال گذشته سرهنگ جیمز پیرس(۱) جانشین شوارتس کاپف شد و بریاست هیئت مستشاری ژاندارمری در ایران منصوب گردید نامبرده هم از افسران مطلع وآزموده آمریکا میباشد .

اقدامات مستشاران آمریکائی در قسمت ژاندارمری بسیار مفید واقع گشت ویك رفورم جدید درژاندارمری ایران ایجاد شد که تا کنون سابقه نداشت مثلا درتمام ایستگاه ژاندارمری درخارج ازتهران و بین شهرها ایستگاه بی‌سیم گذاشته شد ویك دستگاه فرستنده قوی درمرکز ایجاد شد که طبق برنامه منظمی حاوی موزیك و سخنرانیهای علمی - ورزشی - واخبار ژاندارمری بوده وهمه روزه درسه وقت صبح وعصر وشب پخش میکنند و ازهر حیث قابل استفاده شنوندگان میباشد و نیز وضعیت زندگی ژاندارم ازلحاظ بهداشت و خوراك وپوشاك هم بکلی تغییر کرده وبهبودی حاصل نمود. لیکن اخیراً بنا بامر اعلیحضرت همایون شاهنشاهی ژاندارمری دوقسمت شد يك قسمت که بکارهای قضائی خارج ازشهرها

---

۱ - James R • pierce

رسیدگی میکنند مانند سابق بکار خود ادامه میدهند وقسمت دیگر که جهة نیروی تأمینیه کشور بود بارتش منتقل شدومستشاران کمافی السابق در پست خود باقی بوده ومشغول انجام وظیفه میباشند .

مستشاران وزارت جنگ

در جلسه پنج‌شنبه اول مرداد ۱۳۲۱ مجلس شورای ملی آقای وزیر جنگ پشت تریبون قرار گرفته و چنین اظهار داشتند: « چنانکه آقایان نمایندگان محترم مستحضر هستند دولت فعلی از آغاز کار اینطور درنظر گرفت که برای امور فنی برخی از وزارتخانه‌ها عده‌ای متخصص ازخارجه استخدام شوند ازجمله وزارت جنگ بود که درامور اقتصادی و سررشته داری وحمل و نقل آن معایب و نواقص مشاهده می‌شد واتفاقاً این سه‌دسته کار همیشه برای ارتش اهمیت حیاتی داشت وبایستی هرچه زودتر اصلاح وروبراه گردد .

نظر بروابط دوستانه و مودت امیزی که‌از دیرزمانی بین دولتین آمریکا و ایران موجود بودبرای استخدام‌متخصصین به آن دولت‌مراجعه شد و دولت آمریکا در اثر همین روابط‌دیرین ژنرال گریلی‌وسرهنگ گیلسپی را باین سمت اعزام و معرفی نمود ژنرال گریلی ار افسران عالیرتبه و برجسته آمریکا وعلاوه برفرماندهی واحدهای بزرگی که‌در آنجا داشته بواسطه مأموریت‌های مهمی که‌در کشورهای‌مختلف‌عهده‌دار بوده ازحیث تجربه وعمل مقام ارجمندی دارد و اطلاعات و تجربیات مبسوط ایشان در امور اقتصادی و حمل ونقل ارتش کاملا مورد استفاده است.سرهنگ گیلسپی نیز که‌ازدانشگاه تگزاس‌دارای درجه دکتراست

در اقتصادیات و در امور هواپیما و کارخانجات ارتش تخصص شایانی داود .

عجالتاً این دو افسر برای رشته‌هائی که در بالا عرض شد بوزارت جنگ معرفی شده‌اند و چون استخدام آنها در آتش ایران منوط بقانون مخصوصی است که باید بتصویب کنگره آمریکا برسد ازاینرو فعلا در در وزارت جنگ در همان رشته‌های مربوطه مشغول مطالعاتی هستند تا پس از گذشتن قانون نامبرده لایحه استخدام ایشان تهیه و بمجلس شورای‌ملی تقدیم گردد .

میسیون نظامی آمریکائی در سال ۱۹۴۳ تحت ریاست جنرال ریدلی تشکیل گردیدووظایف آن دربدوامر محدود باموراداری بودلیکن در سال ۱۹۴۷ وظایف میسیون به موجب موافقت نامه که بین دولت آمریکا و ایران بامضاء رسیدشامل کلیه ادارات وزارت‌جنگ باستثناء نقشه وعملیاتی که جنبه تاکتیکی واستراتژیکی‌داشت گردید .

افراد هیئت مرکب از۱۸تن افسر و۷تن افراد میباشند . در سال ۱۹۴۶ جنرال « رابرت‌گرو » ریاست هیئت را بعهده داشت میسیون آمریکائی در وزارت جنگ طبق تقاضای‌دولت‌ایران بعنوان مستشار در آرتش‌ایران‌استخدام‌شدندو پروژه‌های‌اصلاحی‌بسیارطرح‌نموده و بوزارت جنگ تقدیم داشتندکه بوسیله ستادارتش نقشه‌های اصلاحی آنها عملی شد و تغییرات کلی درارتش ایران‌بعمل‌آمد مثلا وضعیت سربازان‌نسبت به‌پیش ازلحاظ پوشاك و خوراك و بهداشت خیلی‌بهترشده و نیز حقوق‌و مزایای بیشتری جهت افسران در نظرگرفته شد وارتش ایران مجهز به آخرین اسلحه‌های جدیدگردید .

خلاصه ارتش شجاع و غیور ایران در تحت فرماندهی

بزرگ ارتشداران اعلیحضرت همایون شاهنشاهی همیشه آماده برای دفاع ازمرزهای کشور میباشد .

آخرین مستشاران آمریکائی که فعلا درخدمت دولت ایران هستند بریاست جنرال « ورنون ایوانز ۱ »میباشند که ازلحاظ شغل و کاردرارتش ایران فقط جنبه مشورتی دارند

مستشار شهربانی

در جلسه سه‌شنبه دهم‌شهریور ماه ۱۳۲۲ لایحه زیرازطرف دولت بمجلس شورای‌ملی تقدیم شد .

چنانکه خاطر آقایان نمایندگان مستحضر است دولت در صدد است‌مشاورین فنی‌ازاتباع‌دولت آمریکابرای‌بعضی‌ازادارات‌ووزارتخانه‌ها استخدام‌نماید وچون‌آقای تیمرمان ۲ که‌مدت‌۱۵ سال‌در کارهای‌شهربانی بوده و بعنوان مشاور برای اصلاحات شهربانی‌های مهم ازقبیل شیکاگو کارکرده و تجربیاتی هم در کارهای مربوط به‌پلیس دارد حاضر برای انجام خدمت در ایران گشته است طرح قرارداد استخدامی او را در ٤ ماده تهیه‌نموده‌به پیشگاه مجلس شورای ملی تقدیم وتقاضای تصویب آنرا مینماید . در جلسه ۱۸ مرداد ۱۳۲۲ مجلس شورایملی باکثریت آراء استخدام تیمرمان را تصویب کرد .

تیمرمان مستشار شهربانی که در سال ۱۸۹۵ در شهر نیویورک بدنیا آمده تحصیلات‌عالیه‌خود رادردانشگاه « وایزلن » بپایان رسانیده بعداًدراداره‌شهربانی‌های سه‌شهربزرگ آمریکا مانند نیویورک شیکاگو پیتسبورگ ماموریت‌های مهم داشته ودرشهر هویستن واقع در تگزاس

۱ – Major General Vernon Evans

I. S. Timmerman

عهده دار وظایف شهربانی بوده و در این دوشهر نگاهبانی و نظارت فرودگاههای هوائی را عهده‌دار بوده و بالاخره در راس اداره امور خیریه و بهداری عمومی کشور در شهر « کانك‌تی کات » قرار گرفته . آقای تیمرمن واضع سیستم مخصوصی برای جمع آوری و تهیه آمار تبهکاریها و جنایات بود .

تیمرمن وقتی در شهربانی مشغول کار شد نقشه های اصلاحی جهت شهربانی تهیه کرد که بتصویب هیئت دولت برسد و تا پس از آن اجرا شود لیکن متأسفانه در این هنگام به سکته قلبی در گذشت و دنباله عملیات او در شهربانی متوقف شد تا اینکه



تیمسار سرتیپ صفاری

تیمسار سرتیپ صفاری که از خانواده‌های نجیب ایران است و شخص

صحیح العمل و درستکاری میباشد بریاست شهربانی انتخاب و شروع بیك رشته اصلاحات اساسی نمود و اخیراً بوسیلهٔ وزارت کشور به هیئت دولت پیشنهاد کرد که جهت سازمان جدید شهربانی از کشور سوئد مستشار استخدام شود و لایحه آنرا دولت بمجلس برد و تصویب شد . تیمسار صفاری بواسطه حسن اخلاق وصحت عمل در بین اهالی پایتخت محبوبیت خاصی را حائز میباشند .

فصل هشتم

کمک‌های اجتماعی و بهداشتی

آمریکا بایران

همانطوریکه آمریکا درقسمت فرهنگ غربی برای اولین مرتبه بکشور ماکمك کرد همانطور هم در قسمت بهداشت و بهداری معاونتهای مؤثری نمود و اولین بیمارستان آمریکائی را در تهران خیابان ژاله احداث نمود، در این بیمارستان اطباء درجه اول آمریکائی شبانه روز مشغول معالجه بیماران بودند بیمارانیکه باین بیمارستان مراجعه میکردند در صورتی که اشخاص متمکن و متمولی بودند در مقابل معالجه خود پول میپرداختند لیکن در صورتیکه مردمان فقیر و بیچیزی بودند مجاناً معالجه میشدند در موقعیکه تهران کمتر از پزشگهای فرنگ‌رفته داشت تنها بیمارستانی که مردم باخیال راحت جهت عمل جراحی مراجعه میکردند همین بیمارستان آمریکائی بود ازاطبای معروف این بیمارستان یکی دکتر «مکداول» بود که بین محافل ایرانی معروفیت بسزائی داشت .

دکتر مکداول ازجرّاحان معروف آمریکائی بود که در تمام مدتی که درتهران بود بیش از هزاران نفر را عمل جراحی کرده است باستثنای یکی دو نفر بقیه پس ازعمل جراحی سلامتی خود را مجدداً یافته و تاآخر عمر ممنون و شکرگذار دکتر مکداول بودند که آنها را ازخطر مرگ حتمی نجات داده است . دکتر مکداول نسبت بفقرا بقدری مهربان و رئوف بود که دربین توده مردم محبوبیت خاصی احراز کرده بود و کمتر

خانواده در ایران وجود دارد که رهین خدمات پزشگی و نوع پرورانه دکتر مکداول نباشد مردم ایران همگی خاطرات فراموش نشدنی ازاو دارند

دکتر مکداول درسال ۱۸۹۲ درشهر موصل بدنیا آمد وهنگامی که دوساله بود باپدرو مادرخود که درآن زمان درتبریز ورضائیه ازطرف میسیون آمریکائی مأموریت داشتند بآمریکا رفت وهشت سال درآمریکا اقامت نمود و مجدداً باتفاق والدین خود بایران مراجعت کرد ودرمدرسه آمریکائی مشغول تحصیل بود و در ۱۹۱۰ مجدداً بآمریکا مراجعت نمود وبتکمیل تحصیلات خود پرداخت ودر ۱۹۱۸ ازدانشگاه پزشکی «وسترن زیزرو» آمریکا باخذدرجه دکترا نائل آمد و درسال ۱۹۱۹ باخانم خود بایران بازگشت و از آن تاریخ خدمات بی نظیر اجتماعی و پزشگی خود را در تهران در بیمارستان آمریکائی آغاز و برای مدت بیست ویکسال ادامه داده همواره دردمندان و مستمندین را بهترین یار وغمخوار بود .

در سال ۱۹٤۰ با خاطره‌های شیرین و دعای هزاران بیمار که بدست اوازچنگال مرگ رهائی یافته بودند باایران وایرانیان خداحافظی نمود و برای آخرین مرتبه بامریکا رفت .

درزمان جنگ بمناسبت احتیاج وافر آمریکا به پزشك شبانه روز درشهر ووستر درراه پزشگی خدمت نمود تا بالاخره درپانزدهم اوریل ۱۹٤۷ که پنجاه وپنج سال ازسن وی میگذشت **بدرود زندگانی** گفت ومردم ایران را برای همیشه ماتمزده و داغدار نمود لیکن نام نیک **دکتر مکداول** درتاریخ پزشگی ایران برای خدماتی که بعالم انسانیت نمود همیشه جاویدان و فروزان است .

بنگاه دریفوس

در زمستان سال ۱۳۲۲ که در تهران دسته دسته مردم بواسطه مرض تیفوس که سوقات جنگ بود میمردند خانم دریفوس سفیر کبیر آمریکا درتهران همه روزه بطرف جنوب شهر میرفت و در دخمه‌های انتهای خیابان خانی آباد ودروازه‌غار آنجاکه هزاران نفر بیچاره‌و بدبخت و بینوا درزاغه‌های کوره‌پزخانه‌ها برای خود لانه اختیار کرده‌بودند و مانند حشرات بهم میلولیدند و هرروزه که این بیچاره‌ها ازخواب برمیخاستند تعداد خود را نسبت بروز قبل کمتر میبافتند چون عدهٔ ازآنهادراثر فقرو گرسنگی‌ومرض جان سپرده‌بودند، سرکشی‌میکرد و این بینوایان را درضمن نوازش و مهربانی کمك مادی و معنوی مینمود وبچه‌های آنهاراشیرخشك وغذا میداد ولباس بآنها میپوشاند



خانم دریفوس

و دسته دسته آنها را بحمام میفرستاد تا پاکیزه شوند و بتوانند سلامتی خود را حفظ نمایند این خانم مهربان در تمام مدتی که در ایران بود کارش یتیم‌نوازی و رسیدگی باحوال فقرا و مستمندان بود وهمیشه

بزنان متمول ایرانی مفهوم این شعر سعدی را بزبان انگلیسی میگفت :

پدر مرده را سایه بر سر فکن
غبارش بیفشان و خارش بکن
چو بینی یتیمی سر افکنده پیش
مده بوسه بر روی فرزند خویش
برحمت بکن آبش از دیده پاك
بشفقت بیفشانش از چهره خاك

و بالاخره موفق شد درمانگاهی درجنوب شهر ایجاد نماید که شبانه‌روز مستمندان و فقرا میتوانستند بآنجا مراجعه کنند و مجاناً تحت معالجه قرار گیرند . پس از ایشان خانم جرج الن سفیر کبیر سابق آمریکا در ایران نظارت این بنگاه را درتحت اختیار گرفتند و بامساعدت دبیرخانه شورای زنان در پیشرفت امور بنگاه کوشیدند و محل آنرا ازنزدیك باغ فردوس به‌خیابان‌خانی آباد بردند ووزارت بهداری‌هم کمك‌های‌مؤثری‌باین بنگاه‌نموده بالاخره بنابه‌پیشنهاد خانم‌جرج‌الن یك‌گاردن‌پارتی‌باشکوهی درباغ سفارت آمریکا بنفع بنگاه دریفوس دادند که مبلغ ۶۳۰،۰۰۰ ریال جمع شد ویك‌قطعه زمین درخیابان شهباز از طرف شهرداری‌مجاناً به‌بنگاه داده شد و در آنجا ساختمان زیبائی‌بنام درمانگاه دریفوس‌جهت نگاهداری یتیم‌ها و معالجه مرضای بی‌بضاعت ساختند که درچندی پیش ساختمان آنجا باتمام رسید ومورداستفاده‌عموم قرار گرفت وفعلا خانم جان‌وایلی سفیر کبیر آمریکا درایران نظارت این بنگاه خیریه را عهده‌دار میباشند .

امور یتیم‌خانه تحت نظر هیئت مدیره طبق اساسنامه انجمن‌اداره

میشود و آقای علی اصغر حکمت رئیس هیئت مدیره انجمن میباشند و

خدمات گرانبها و بی شائبهٔ ایشان در

امور خیریه حقیقتاً قابل تقدیر

است این سیاستمدار دانشمند با

داشتن کارهای زیادی که مقتضی

شغل ایشان می باشد معذالك

بیشتر اوقات خود را صرف

رسیدگی باحوال مستمندان و

بینوایان مینماید

آقای علی اصغر حکمت

کانون بهداشت کودکان

خانم گریس ویشرپین مؤسس کانون بهداشت کودکان در ایران میباشد نامبرده در سال ۱۹۲۲ بایران آمد چون در آن هنگام مشاهده کرد که تقریباً ۸۵ درصد از نوزادان در ایران تلف میشوند باینجهت بفکر افتاد تا کلوبی جهت مادران ایرانی تهیه کند تا در این کلوب اصول بچه داری را به دختران وزنان ایرانی تعلیم دهد نامبرده علاوه از در آنوقت در اینکه مدرسه دخترانهٔ آمریکائی تدریس بچه داری میکرد در خارج هم بوسیله همین کلوب توانست خدمتی بجامعه زنان ایران بنماید تا اینکه در سال ۱۹۳٤ کانون تربیت مادر و بهداشت کودکان را تأسیس نمود و عدهٔ زیادی از

خانمهای ایرانی قبول عضویت کانون را نموده و کمک‌های مادی و معنوی بسیار نمودند .

نامبرده در سال ۱۹۳۵ کانون بهداشت را افتتاح کرد که محل آن در باغ فعلی میسیون آمریکائی بود و ابتدا یك دکتر و ماما داشت لیکن بتدریج تعداد آنها به شش نفر دکتر رسید بالاخره در دسامبر ۱۹٤۵ در اثر عطیه اعلیحضرت همایون شاهنشاه محبوب ایران محلی در جنوب شهر جهت کانون بهداشت دائر شد و مرتباً مادران مستمند مراجعه میکردند شیر خشك و بلغور های مخصوص اطفال بآنها داده میشد و نیز در شهر رشت یك خانم آمریکائی کانونی دائر کرد و شخصاً بمنازل اشخاص میرفت و پرستاری اطفال را نظارت مینمود .

در سال ۱۳۲۱ که مرض تیفوئید و تیفوس در تهران شیوع داشت صلیب سرخ آمریکا فوراً بکمك ایران شتافت و مقداری دارو وغیره بوزارت بهداری ایران هدیه نمود وزارت بهداری نامه زیر را بعنوان تشکر از این عمل نوع پرورانه آمریکا بعنوان نمایندگی صلیب سرخ آمریکا فرستاد .

شماره نامه $\frac{۲۷۱۸۶/۳۹۰۷}{۲۱/۶/۱۹}$

اخیراً بنگاه صلیب سرخ ممالك متحده آمریکا بنمایندگی آقای کلنل نیوورث معادل سی و دو صندوق بوزن سه تن محتوی لوازم پانسمانی- ملافه و لباس بیمار و اطفال و قریب دویست هزار آمپول برای مصرف تهیه واکسن در بنگاه پاستور بوزارت بهداری هدیه نموده و نیز وعده مساعدتهای دیگری هم داده‌اند که بتدریج انجام شود .

درقبال این کمك خیر نوع پرورانه که ازطرف بنگاه نامبرده شده

وزارت بهداری امتنان وتشکرخودرا بدینوسیله ابراز میدارد .

وزیر بهداری

یکی دیگر ازاشخاص خیری که همیشه نام او با شکر گزاری در قلب‌ماایرانیان چون‌شمع فروزان‌است نایب‌سرهنگ آنیوو پرت جراح معروف میباشد که درشهر نیویورك بدنیاآمده و دکتر درپزشکی است وی علاوه برعضویت در انجمن پزشکی نیویورك عضو انجمن پزشکی کشورهای متحدآمریکا وجزو هیئت پزشکان ارتش‌آن‌کشور شمرده میشود .

درسال ۱۹۳۰ تا ۱۹۳۲ استاد دانشکده‌پزشکی بلویو هوسپیتال مدیکال‌کالج بوده درفروردین ۱۳۲۱ بایران‌آمد و درنتیجه مطالعات بسیاری که درآزمایشگاه‌داشت داوطلب‌شد که با بنگاه پاستوردرساختن سرم ضدتیفوس همکاری‌نماید . این‌دانشمندآمریکائی باکمال‌حسن‌نیت آخرین تجربیات و مطالعات خود را در اینخصوص در دسترس کارمندان بنگاه پاستور گذاشت وعدتی‌وقت صرف‌نمود تادرنتیجه موفق بتد ارك سرم ضدتیفوس گردید و ازاین‌راه خدمات‌شایانی ببهداشت کشور مانموده است .

(۱) بنگاه خاور نزدیك

بنگاه خاور نزدیك مؤسسهٔ خیریه‌ایست که‌هنگام جنگ بین‌الملل اول درکشورهای‌متحدآمریکا بنام نجات خاور نزدیك تشکیل گردیده و تثبیت‌شد . درحقیقت سالهانیز فقط عهده‌دار دستگیری درممالك‌خاور

۱—Near East Foundation

نزدیك مخصوصاً یونان بود و مدت کوتاهی شعبهٔ از آن در تبریز مفتوح بود تا اینکه در سال ۱۹۳۰ اسم این مؤسسه به بنگاه خاور نزدیك تبدیل یافت و کارهای بنگاه هم تغییر ماهیت داده و بیشتر جنبه تعلیم و تربیت بخود گرفت.

امروز روش بنگاه بطور کلی بر این پایه است که اصلاحات اجتماعی را از راه تعلیم و تربیت در دهات وقصبات ممالك خاور نزدیك بحد امکان توسعه دهد. این اصلاحات جنبه اقتصادی دارد و از لزوم اصلاح اقتصادی زارعین و ساکنین دهات و قراء یکی اصلاح کشاورزی است که یگانه منبع عایدات این طبقه از مردم را تشکیل میدهد و دیگر اصلاحات وضع بهداشت و سلامتی عمومی است وهمچنین یاددادن فن خانه‌داری به زنان ده نشین است که پختن خوراك و دوختن لباس و پرورش اطفال را بطریق علمی بیاموزند.

این اصلاحات را بدین شکل صورت عمل میپوشانند که کارگران مخصوصی را تربیت کرده و آنها را بدهات وقصبات میفرستند تا بکشاورزان عملا بیاموزند که چگونه میتوانند در موقعیتی که هستند اوضاع خود را ترقی داده بهبودی بخشند یکی از قوانین بنگاه اصرار در خاطر نشان کردن این نکته است که فقط بکمك کسانی میشتابد که میخواهند به بهبود زندگانی خود کمك کنند یعنی راه اصلاح را تنها به تشنگان اصلاحات نشان میدهد زیر سالها تجربه به بنگاه نشان داد که اصلاحات را وقتی مانند تحفه دردسترس مردم بگذارند آنقدرها پابرجا و بادوام نخواهد بود دوقانون بنگاه خاور نزدیك از اینقرار است که :

۱ ـ در هیچ کشوری شروع بکار نمیکنند مگر آن که آن دولت تقاضای شروع کار را از بنگاه بنماید.

۴ - بنگاه اصرار دارد که دولت مربوطه در کلیه برنامه اصلاحی سهیم بوده و همکاری نماید . در بیست و ششم فوریه ۱۹۴۴ دولت شاهنشاهی ایران طبق تصویب نـامه شماره ۴۰۹۲ هیئت وزیران از بنگاه خاور نزدیك دعوت نمود که برنامه اصلاحی دهات و قصبات را در ایران شروع نماید ولی بواسطه وضعیتی که جنگ بین‌المللی دوم ایجاد کرده بود بنگاه نتوانست تاسال ۱۹٤٥ اقدام مقتضی در این باب بعمل آورد و در آن وقت نیز بواسطه تعویض کابینه‌های ایران وانتقال‌های پی‌درپی مأمورین عالی رتبه شش‌ماه دیگر وقت گذشت تاآنکه برنامه‌پیش‌نهادی بنگاه‌بتصویب هیئت دولت رسید و نتیجه‌قطعی بدست آمد .

وجوه بنگاه‌خاورنزدیك‌ازپرداخت‌های‌افتخاری‌اشخاص مخصوص در ممالك متحدآمریکا بدست میآید و بهمین دلیل برنامه آن دارای وسعت فوق‌العاده نیست . مقصود نهائی بنگاه در ایران آنست که بروسعت تربیتِ کارمندان فنی برای رفتن بدهات و قصبات عقب افتاده و راهنمائی ساکنین این نقاط‌بسوی یك‌زندگانی‌پروسعت‌تر وقانع کننده‌تری بیافزاید هنگامیکه راهنمایان ایرانی باندازه کافی تربیت شدندو دولت آنها را برای هدایت کشاورزان‌بسوی ترقی وتمدن باطراف گسیل‌داشت کار بنگاه در این کشور بسرحد کمال خواهدرسید .

اولین وظیفه بنگاه خاورنزدیك در ایران عبارت از اینست که بوسیلهٔ تعلیم و تربیت برعیت بیاموزد چگونه راه‌های صحیح‌تری در کشاورزی اتخاذ کنند و عملا نشان خواهد داد که چطور میتواند با تهیه علوفه خوب حیوانات سالم‌تر و بیشتری داشته باشد و بالاخره چگونه میشود باوضعیتی که‌دارد غذای فامیل خودرا از هرحیث کامل ومغذی

تهیه کرده وبا نان آب زده و پیاز سد جوع نکنند .

پس از آنکه قرارداد بادولت ایران انجام گرفت قرارشد بنگاه خاور نزدیك باهمکاری وزارت خانه‌های کشاورزی فرهنك و بهداری مشغول کار شود قدم‌دیگر این بود که یك‌ناحیه معمولی ایران را انتخاب وبتوسعه اصلاحات اساسی شروع کرد بنگاه پنج ده را که در ورامین وقف هنرستان دختران است وعبارتند از پلشت ،مامازن ، قوهه ، قلعه گنو و رادمویه انتخاب کرد دلیل برای انتخاب این دهات یکی مسافت آن باشهر تهران بفاصله یك ساعت راه بااتومبیل است باوجود این نزدیکی کاملا شبیه دهات عمومی ایرانندخاك آنها معمولی و آب مثل غالب‌دهات ایران بسیار نایاب . ساکنین دارای لباسهای مندرس و خانه‌های‌مخروبه دستخوش ناخوشیهای مختلف و آنچه‌درهردهی مجسم میکند .اقداماتی که بنگاه در دهات مزبور تاکنون انجام داده‌است بشرح زیرمیباشد :

۱ ـ احصائیه۸۵ خانوار بطور کامل‌تهیه شده‌است . این‌احصائیه‌ها خیلی شبیه بآماریست که‌متخصصین اجتماعی در ممالك متحدآمریکاتهیه میکنند و قسمی‌ترتیب داده شده‌است که تمام معلومات لازمه از لحاظ اقتصادي وسایر جهات ازهرفامیل بحدامکان بدست‌میآید .

برای کامل کردن ورقه هرفامیل دوساعت وقت یك کارمند گرفته میشود . در دو دهی که احصائیه برداشته شده نتایج قابل دقتی بدست آمده است درده مامازن ۲۵ خانوار زندگی میکنند که چهل وسه بچه کمتر از ۱۵ سال دارند وچهل ویك بچه آنها مرده است . درقلعه‌نو ۳۳ فامیل هستند ٤۸ بچه‌دارند و ۳۷ بچه آنها مرده‌است . بااین‌شکل‌مرگ دربین بچه‌ها به ٤٦ درصدمیرسد وقطعاً مقدار دیگری نیز قبل‌ازرسیدن به۱۵ سال تلف خواهندشد .

تلفات دربین حیوانات نیز بسیار زیاداست واحصائیه نشان‌میدهد که در یکی از دهات ۵۰ در صد حیوانات آنها هرسال دراثر ناخوشی طفیلیها و بدی‌غذا تلف میشوند .

۲ ـ بکمك دونفر ازکارمندان دریا داری آمریکا که متخصص مبارزه بامالاریا بودند و از قاهره بایران آمدند بنگاه توانست تفحص کامل راجع بچگونگی مالاریا دراین‌دهات بکند . یك آزمایشگاه بیابانی بپا شد و خون ٤۲۵ نفر موردآزمایش قرارگرفت از این‌عده ۸۲ درصد مبتلا بمالاریا بودند . دونوع پشه مالاریا بدست آمدکه در این دهات و اطراف آن تخم‌ریزی میکردنداین‌دونوع پشه‌هاآزمایش‌شدندو۱۵درصد آنها حامل میکرب مالاریا بودند .

بکمك این‌دونفر متخصص آمریکائی یك‌برنامه‌مفصل برای کنترل پشه مالاریا بانقشه مفصلی ازنقاط تخم‌گذاری پشه‌ها و تعیین محل هائی که باید نفت ریزی شود و کلیه لوازم و مخارج لازمه تهیه و شروع بمبارزه شد

۳ ـ برای‌ترقی‌دادن‌محصول جوو گندم‌دراین دهات بنگاه بهترین بذرهای موجوده درایران‌را به‌آنجا حمل کرد وبابذر موجوده‌رعایائیکه مایل بهمکاری بودندعوض‌نمود بدین‌معنی گندم و جوئی که میخواستند بکارند بنگاه ازآنهاگرفته و در عوض هم وزن‌آن گندم وجو بهتر و و خالص‌تری برای کاشتن‌به‌آنها میدهد وازاین‌راه نتیجه مطلوبی‌تاکنون بدست‌آمده است .

٤ ـ یك‌باغ ٤هکتاری اجاره شده است ودو خانه‌کاملا راحت و تمیزی برای‌کارمندان فنی درآن بناگردیده .

۵ ـ درسه عدد ازدهات یك مدرسه بااطاقهای تمیز تهیه شده‌است
که هم برای مدرسه وهم برای رعایاباشد .

٦ ـ کلاسهای اکابر که فقط خواندن و نوشتن را یاد میدهد و
دوره‌آن بسیار کوتاه است دراین دهات دائر شده وفقط ماههای زمستان
که رعایا بیکار هستند ادامه خواهد داشت .

٧ ـ برای قرضه‌های کشاورزی که دولت میخواهد برعایا بدهد
بنگاه پیشنهاد کرد که چه مقدار باید به‌رعیت که هیچ چیز ازخود ندارد
پرداخت شود و منظور اصلی بنگاه آنست که اورا دارای لوازم زندگی
رعیتی کرده وبتدریج درسه‌سال قرضه‌اورا پس گرفت ودرانتهای این سه‌سال
او صاحب گاوکار ، گاوشیری گله کوچکی مرغ ولوازم زندگی بشود
در حال حاضر در اغلب دهات ورامین دستورات بنگاه مورد اجرا
درآمده و ازاینراه پیشرفت قابل توجهی درکشاورزی این نقاط حاصل
شده است .

برنامهٔ کشاورزی بنگاه خاور نزدیك

درایران

١ ـ دادن دستورات علمی به جوانان کشاورز و کلیه برزگران .

٢ ـ ملاقات باکشاورزان و صاحبان بنه در دهات و حل اشکالات
کشاورزی آنها

٣ ـ زراعت بوسیله ماشین آلات جدید کشاورزی و مقایسه آن
باکشاورزی بطرز قدیم .

٤ ـ آزمایش برای تهیه کردن علوفه وچراگاههای مصنوعی بهتری

که مناسب باوضع کشاورزی فعلی ومقدار آب موجوده درحوالی ورامین باشد بخصوص کشت علوفه‌هائی که بتوان از زیادی آب در پائیز و بهار استفاده کرده هنگام کمی آب درو نمود .

۵ ـ آزمایش برای رویاندن تعداد بیشتری از انواع سبزیجات و میوه‌ها و جداکردن آنهائی که باآب وهواسازش داشته و بازحمت کمی برنوع و مقدار خوراك زارع میافزاید یاد دادن کشت آنچه زارع را از خرید محصولات کشاورزی از خارج برای تهیه غذای روزانه بی‌نیاز نماید .

٦ ـ آزمایش و اصلاح باغ چهارهکتاری مامازن بقرارذیل . ترقی دادن فن بهره برداری از درختان میوه موجود مطابق آخرین اسلوب علمی . آزمایش برای تهیه وررویاندن انواع مختلف میوه‌ها بمنظور عملی کردن قسمت (۵) مرتب کردن باغ برای سکنای کارمندان بنگاه خاور نزدیك در پلشت و حومه آن ، حفرچاه عمیق درباغ برای آب خوراکی ساکنین ده مامازن و درصورت‌لازم آبیاری باغ ، نگاهداری صدعددمرغ ازلحاظ نژادوآموزش فنی مرغداری برعایا .

۷ ـ واردکردن ادوات جدید کشاورزی پلشت‌این ادوات‌عبارت خواهند بود ازتراکتورهای متوسط از حیث اندازه . شخم . دیسك . و کامباین و ماشین درو و مقدار زیادی ادوات دستی مثل ماشین پشم چین گوسفند .

۸ ـ حفرچاه در قلعه نو بمنظور آبیاری ده و تهیه آب خوراکی برای ۱۲۰ نفرساکنین ده .

۹ ـ همکاری باوزارت کشاوری برای اصلاح بذرها و وارد کردن بذرهای آزمایش شده برای‌دانشکده کشاورزی کرج از کشورهای متحد

آمریکا بادستورات فنی آن برای پرورش وازدیاد .

۱۰ ـ ایجاد دفتر مشاوره فنی کشاورزی بلا عوض با مالکین دهات و حل مسائل کشاورزی آنها و سرکشی بدهات درصورت لزوم و تقاضای مالکین .

۱۱ ـ همکاری باوزارت کشاورزی درطرح پروژه‌های اصلاحی و عمرانی دهات و ترقی دادن فن کشاورزی درایران .

بهداری

۱ ـ مبارزه بامالاریا در پنج ده موردآزمایش طبق برنامه تهیه‌شده برای ازبین بردن کلیه انواع مالاریا دردهات مذکور .

۲ ـ بهتر کردن وضع آبهای آشامیدنی دهات درآب انبارهای فعلی بوسیله تور کشیدن مدخل آنها و تنظیم صافی شنی درراه آب و بررسی و تمیز کردن جویهائیکه آب را به آب انبار عمومی میبرند .

۳ ـ استخدام یك پرستار که درفصل تابستان بمنازل رعایاسر کشی کرده دستورات لازمه را برای جلوگیری از امراض عفونی و بهتر کردن اوضاع زندگانی ایشان بدهد درصورت لزوم این پرستار بطوردائم استخدام خواهدشد

فرهنگ

تهیه مدارس یك اطاقی درسه‌ده ارمبویه و قلعه نو، که هریك ظرفیت ۲۰ تا ۳۰ شاگرد داشته باشد . یك دبیر برای دروس فارسی درهریك از دهات استخدام خواهد شد وجوانان کشاورز هفته دومرتبه برای تعلیمات کشاورزی کلاس خواهند داشت (کلیه مخارج این کلاسها بعهدهٔ بنگاه خاور نزدیك میباشدولی وزارت فرهنگ معلم و برنامه‌دروس فارسی را ترتیب خواهد داد .

نماینده بنگاه‌خاور نزدیك در تهران آقای نوئی ۱ میباشد که با جدیت و پشتکار بسیاری تمام مواد برنامه بالا را دردهات آزمایشی ورامین مورد عمل قرارداده و امروزه نتیجه بسیار نیکوئی بخشیده است و نماینده قسمت بهداری آقای دکتر هایز در وزارت بهداری میباشد که مشغول طرح و پروژه‌هائی جهت مبارزه با امراض تراخم مالاریا و غیره میباشد ملت ایران از خدمات بی‌شائبه متصدیان بنگاه‌خاور نزدیك کمال تشکر و امتنان را دارد و امیدوارست که فعالیت آنها بیش از پیش در ایران توسعه پیدا کند.

آقای دکتر بنتا ایوری مشاور فنی وزارت بهداری - دکتر ایوری مستشار وزارت بهداری از سال ۱۳۲۲ طبق تقاضای دولت ایران و تصویب مجلس شورای ملی در وزارت بهداری انجام وظیفه مینماید اولین پیشنهاد وی در بدو استخدام بوزارت بهداری عبارت بود از اینکه ابتداء باید با امراض واگیری مبارزه سخت نمود و نیز باتلاقهائی که تولید پیشه مالاریائی مینماید آنهارا خشکانید و با گرد د.د.ت بر علیه میکرب مالاریا مبارزه کرد در این



آقای دکتر ایوری

۱- Noe

قسمت اخیر وزارت بهداری باکمك طیاره جنرال ریدلی از میسیون نظامی آمریکائی که در دسترس ارتش ایران قرار داده بود و با معاونت و لویك عضو سازمان کنترل مالاریا در خرم آباد و اصفهان و شیراز موفقیتهائی حاصل نمود.

در این نواحی حوضهای راکد آب مرتباً نفت پاشی شدو باطلاقها را یاخشك وزه کشی کرده و یا نفت پاشی نمودند دکتر ایوری نقشه خود را راجع به بهداشت ایران در سال ۱۳۲٤ بشرح زیر بوزارت بهداری تقدیم نمود.

۱ - **تجدیدسازمان وزارت بهداری**: اداره کل فنی وزارت بهداری باید شامل دوائری باشد که هریك مسؤل کنترل یکی از بیماریهای خطرناك باشند یکی از ادارات آن مسئول نظارت و مشورت باشهرداریها درباره تهیه آب خالص و امور بهداشت خواهد بود و باداره دیگری مسؤلیت بهداشت و کودکان محول میگردد برای آنکه در استانها و شهرستانها نتیجه بهتری گرفته شود در هراستان برئیس بهداری استان اختیار کامل داده شود که امور حوزه مأموریت خود را جزدرموارد مهم و اتخاذ خط مشی بدون مراجعه بمرکز انجام دهد بوسیله این سازمان منظورجلوگیری از بیماریها بهتر عملی خواهد شد پیشنهاد بالا بشکل لایحهٔ از طرف دولت بتقدیم مجلس شورای ملی شد و آنرا تصویب نمود

۲ - **کنترل کامل تیفوس اگزانتماتیك و اپیدمی تب راجعه** - با استفاده ازگرد د. د. ت وواکسن ضد تیفوس میتوان برای همیشه ازخطر تیفوس درایران جلوگیری نمود.

وبا استعمال د. د. ت و منفرد نمودن بیماران باید اپیدمی تب راجعه نیز بزودی تحت کنترل درآید.

۳ - مبارزه با مالاریا - در مناطقی که مبارزه شروع شده است باید ادامه یابد و در مناطق جدید نیز بمجرد اینکه کارمند و بودجه لازم فراهم شود آغاز گردد هرچه بیشتر د . د ت برای مصرف پاشیدن تحصیل شود نتایج بهتری بامخارج کمتری بدست خواهدداد .

٤ - تلقیح برضد آبله و دیفتری و تب‌حصبه - با دستجات مایه کوب تحت نظر رئیس بهداری هر استان ومجهز باواکسنهای تازه که تا موقع مصرف دریخچال میکانیکی نگهداری شده باشد هر کس بایستی درمقابل آبله‌وحصبه‌محافظت‌بشود وهر کودك‌وخردسالی ازدیفتری‌بایستی مصون گردد و برای انجام اینکار باید فعلا تعداد کافی دستگاه یخچال مکانیکی خریداری‌شود تادرهر استانی جهة نگهداری‌واکسنهای‌موجود یکی دو دستگاه مورد استفاده قرار گیرد . و نیز ظرفهای مخصوصی جهت حمل سریع داروهای فاسد شدنی و تعداد زیادی موتور سیکلت یا ساید کار برای حمل دستجات مایه کوب بدهستان های دور دست خریداری شود .

٥ - بهداشت کودکان ومادران - در هر شهر و استان باید کلنیکهای مادران وهمچنین کودکان تاسیس شود و همینکه کارکنانی برای اداره آنها آموزش لازم فراگیرند بایستی دائر گردد .

٦ - جلوگیری و درمان بیماری های چشم- تراخم و چشم درد نوزادان بایستی هدف یك رشته عملیات مهمی باشد که از آموزش پزشکان و پزشگیاران در طرق جلوگیری و درمان بیماری‌های چشم شروع میشود .

تعلیمات لازم بایستی بقابله‌ها و مردم بکلی داده شود و تا آنکه لزوماً نیترات دارژان یا ضد عفونی دیگری در چشمهای نوزاد مصرف

نمایند تا از کوری عارض از عفونت سوزاك جلوگیری بعمل آید.
درمانگاه های بیشتری با لوازم و اسباب کافی برای درمان متمادی تراحم و تعلیم مردم بمنظور احتراز از ابتلاء دائر گردد.

۷-**وسایل تهیه آب مشروب و بهداشت** - باتمام گروه - بیماری های روده‌ای خصوصاً حصبه و دیسانتری که بیشتر مربوط به آب مشروب فاسد یا بعلت مگس و فقدان بهداشت است بایستی بدین ترتیب مبارزه نمود که هر شهرداری را قانع و قادر نمود که آب مشروبی خالص بشهر ها بیاورد و وسائل فاضل آبها را تأمین نماید درصورت لزوم قرضه‌هائی جهة ساختمان موتورها بایستی از طرف دولت بعمل آید یا اینکه شرکتهای خصوصی را تشویق به توسعه و بسط آنها نمود.

نداشتن آب مشروب و پاکیزه نه تنها باعث بیماریهای حصبه و اسهال خونی وغیره میگردد بلکه لطمه نیز به شهرت کشور ایران خواهد بود بود و بنابراین باید فوراً اقدامات جدی در اینموضوع بعمل آورد و یا باید شهرداریها وجه کافی ولو بطور قرضی بدست آورند و یا آنکه باید بطور مناقصه به یکی از شرکت‌های خصوصی باشرایط معینی ازحیث مقدار و پاکی آب واگذار نمود و مخصوصاً قیدنمود که هرموقع شهرداری بخواهد میتواند مؤسسات آب را خریداری نماید بشرطی که يك سال قبل تصمیم خود را باطلاع شرکت رسانیده باشد هردو طریقه درآمریکا با موفقیت تجربه شده است و اغلب شهرداریها قبل‌ازانقضای کنترات باسهام ملی مؤسسات آب را خریداری نموده‌اند.

۸ - **کنترل بیماریهای آمیزشی** - گرچه مقدمه‌مبارزه با بیماریهای آمیزشی در تهران شروع شده و يك بیمارستان اختصاص باینکار داده شده است لیکن يك بیمارستان بسیار کم است و باید بیمارستان‌ها و درمانگاههای

دیگری بدین منظور نیز در نظر گرفته شود با استفاده از پنی‌سیلین با بیماری‌های سوزاك و سفیلیس بهتر میتوان مبارزه نمود و نتایج بیشتری میتوان حاصل کرد توسعه این‌عملیات در تمام کشور امکان پذیر بوده و نهایت لزوم را نیز دارد.

۹ - تهیه کارمندان فنی - ایران احتیاج مبرمی به پزشکان بهیاران پرستاران قابله‌ها - بازرسان بهداشت و رؤسای آزمایشگاه و کارمندان فنی اضافی دارد و در تربیت آنان باید تعجیل نمود چه اصلاحات زیادی را بدون وجود آنها نمیتوان انجام داد. مشهد دارای یك آموزشگاه بهیاری است و نظایر آن باید در شیراز و تبریز و سایر نقاط تأسیس شود کارمندان فنی لابراتوار را ممکن است در بنگاهها پاستور و آزمایشگاه فنی وزارت بهداری تربیت نمود و برای تهیه پرستاران و ماماهای اضافی تشریك مساعی وزارت فرهنگ لازم است در سالهای آینده وسائلی در دست خواهد بود که باسل و سایر بیماریها که فعلا توجه زیادی به آنها نمیشود بتوان شدیداً مبارزه نمود.

اغلب مواد پیشنهادی دکتر ایوری تاکنون از طرف سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی که در تحت ریاست عالیه اعلیحضرت همایونی میباشد. در تهران و مخصوصاً در شهرستانهای ایران بصورت عمل درآمده و در جاهائی که تاکنون از پزشك و دارو اثری نبود سازمان شاهنشاهی ایجاد بیمارستان و پزشك با دارو نموده است بهمین علت است ملت ایران شاه محبوب خود را که بیشتر اوقات شریف خویش را صرف رسیدگی بامور مستمندان و بیماران مینماید از صمیم قلب دوست دارند و شب و روز از درگاه خداوند متعال سلامتی وجود شاهانه را مسئلت مینمایند.

شرکت موریسن نودسن(۱) ـ بتاریخ دوم اوت ۱۹۴۷ دولت ایران از شرکت بین‌المللی موریسن‌نودسن درخواست کرد که منابع و تسهیلات موجوده درایران را مورد مطالعه قرار داده و توصیه‌هائی که منتهی باتخاذ تصمیم عملی و منظمی در اصلاحات و توسعه این کشور بشود بنماید .

مخصوصاً میل دولت ایران این‌بود که در برنامه اقداماتی دردرجه اول اهمیت و تقدم قرار داده شود که باسرع وقت و بهترین طرز اداره نتایج مهمی از حیث‌تهیه مواد غذائی و محصولات صنعتی چه‌برای مصرف داخلی کشور وچه برای صادرات بدست دهد در هفدهم دسامبر ۱۹۴۸ قراردادی منعقد شد که بموجب‌آن مقررشد مهندسین‌شرکت بین‌المللی موریسن‌نودسن بررسیها و مطالعاتی راکه لازم است بنمایند رئوس‌مواد قرارداد مزبور بشرح ذیل است .

« دولت مایل است نقشه عمومی برای توسعه و عمران تهیه کند باین منظورکه طرق فعلی تولید را بهتر ساخته و سطح زندگی افراد را بالا برد و برای ساختمان کارهای عام‌المنفعه و توسعه صنایع بطوری که بهترین فایده را بکشور و ساکنان‌آن برسانند برنامه‌ای تهیه‌نماید .

شرکت . . . عده‌ای‌از . . مهندسین را برای‌اوضاع زراعتی‌تولید صنایع ووضع کارگران و سایررشته‌ها اعزام دارد و نسبت باصلاحات و اقدامات عمرانی‌که برای این‌منظور لازم است مطالعات بعمل‌آورده و نتیجه را باتوصیه‌های خود تقدیم دارد .

موافقت شده‌است‌که مسائل موجود باید ازنظراقتصاد عملی‌مورد

۱ـ Morrison - Knudsen international Conpany - July 1949

مطالعه قرار گیرد و توصیه‌های عملی نسبت باقداماتی که باید فوراً بعمل آید داده شود اینطور درنظر گرفته شده است که بررسیها و گزارشی که داده میشود متکی ببررسیهای محلی و اطلاعات جمع آوری شده موجود باشد » .

بالاخره شرکت مهندسین وکارشناسان‌خودرا بایران اعزام‌داشت وپس‌از بررسی در موضوعات بالا گزارش مبسوطی جهت دولت تهیه و تقدیم کردند . و نسخه‌ای از آن تحت عنوان زیر درکتابخانه(۱) بانك ملی موجود میباشد .

از کمپانی‌ماوراء بحار۲ هم جهت‌بررسی‌دربرنامه هفت ساله‌از آمریکا دعوت شد که کارشناسان خودرا بایران اعزام دارد کمپانی قبول کرد و متخصصین خودرا بایران فرستاد و آنها هم گزارش مشروحی در چندین‌جلد دراین‌زمینه تهیه واخیراً بدولت تقدیم داشتند .

۱- Report on Program for the development of Iran

۲- Overseas Consulants

فصل نهم

روابط فرهنگی ایران و آمریکا

در سال ۱۸۳٤ میلادی برابر ۱۲۱۳ شمسی مستر جستن پرکینز(۱) آمریکائی باتفاق دکتر گرنت۲ از آمریکا بایران آمد و بطرف تبریز رهسپار شد پس از مدتی توقف در آنجا به‌ارومیه رفت و در سال ۱۲۱۵ شمسی با اجازه شاه ایران نخستین آموزشگاه آمریکائی را از طرف کلیسای کانگره گاشنل درایران تأسیس نمود و درحقیقت این اولین دبستانی بود که بطرز مغرب‌زمین درایران ایجادشد .

از این آموزشگاه همه ساله عدهٔ دانشجو بافرا گرفتن معلومات بزبان انگلیسی و فارسی فارغ‌التحصیل شده اغلب جهت تکمیل تحصیلات خود بتهران آمده ودر کالج آمریکائی بتحصیلات خود ادامه میدادند ودر سال ۱۳۱۲ شمسی طبق تصمیم دولت این آموزشگاه برچیده شد .

برای تأسیس این آموزشگاه فرمانی از طرف محمدشاه قاجار بنام مستر پرکینز صادر شده که عین آن در ضبط کمیته مرکزی کلیسیای پرزبی‌ترین در آمریکا وسوادی از آن ، گواهی شده بخط ومهر شیخ‌الاسلام ارومیه دربایگانی میسیون مذهبی آمریکائی مقیم ارومیه ، تاموقع برچیده

۱- Justin Perkins .

۲- Ashel Grant .

شدن مدارس آمریکائی در ایران موجود بوده که رونوشتی ازآنرا در اینجا نقل مینمائیم :

فرمان محمد شاه برای ایجاد اولین مدرسه آمریکائی در ایران محل خاتم مبارك اعلیحضرت شهریاری .

السلطان ابن السلطان محمدشاه غازی .

آنکه عالیجاه ذکاوت و فطانت همراه ، فراست وکیاست انتباه شهادت و فخامت اکتناه ، زبدة العلماء المسیحیین وعمدة الفضلاء العیسویین مستر پرکینز بتوجهات بیکران خاطر خطیر اقدس شاهنشاهی مفتخر ومتباهی بوده بداند که ازقراریکه عم اکرم افخم ملك قاسم میرزا بعرض اقدس همایون شهریاری رسانیده آن عالیجاه بشوق و میل خود در بلدهٔ ارومیه مدرسه ترتیب داده با سعی دقت تمام مشغول تربیت و تعلیم جوانان و نشر علوم میباشد .

این معنی باعث ظهور التفات و مراحم شاهنشاه در باره آنعالیجاه گشته محض وفور مرحمت اورا بصدور این همایون منشور عنایت دستورقرین عز افتخار فرمودیم میباید آنعالیجاه در تربیت و تکمیل جوانان زیاده ازپیشتر ، اهتمام و اجتهاد بعمل آورده علم تاریخ وجغرافیا و هندسه وحساب بآنها آموخته ازظهور این خدمت خود مشمول عواطف وعوارف شاهانه سازد و در عهده شناسد .

تحریراًفی ۲۷ شهر ربیع الاول سنه ۱۲۵۵

درست در هفتاد و شش سال پیش بود که اولین کاروان فرهنگی از آمریکا بطرف ایران رهسپار شدند ومدارس و آموزشگاه‌های آمریکائی را در ایران تأسیس نموده شروع بتعلیم و تربیت نوابگان کشور ما بطرز مغرب زمین نمودند علاوه

از اینکه درشهرستانهای آذربایجان و سایر نقاط ایران تأسیس مدارس کردند که شرح آن در فصول قبل گذشت در تهران هم تأسیس کالج آمریکائی را نمودند ورئیس اینمدرسه دکتر جردن بود کمتر کسی هست که بافرهنگ ودانش سروکارداشته باشد و دکتر جردن را نشناسد دکتر جردن درمدت چهل سال توقف خود درایران باپشتکار فوق العاده



دکترجردن

وبا ایمانی سرشار بجامعه ایرانی خدمت کرد هزاران افراد تحصیل کرده و تربیت شده از زیر دست خود بیرون داد که امروز اغلب آنها پستهای حساسی را از قبیل وزارت وکالت وسفارت دارا میباشند و موفقیت خود

را درزندگی مرهون دکتر جردن و سایر استادان آمریکائی از قبیل دکتر بویس و دکتر گرنی میدانند.

دکتر جردن تنهامغز شاگردان خودرا بفکر کردن و کسب دانش عادت نمیداد بلکه درجزئیات اخلاق و اطوار و کردار شاگردان خود دقت میکرد و سخت مراقب بود که جسم شاگرد مانند قوای روحی او نمو کند. حس امانت و درستکاری را در شاگردان تقویت میکرد و با آوردن مثال و خواندن حکایات شاگردان را براه راست راهنمائی می نمود.

در کالج آمریکائی تهران حس وطنخواهی با خواندن اشعار وسرود تقویت میشد حس کار دوستی رشد میکرد امتیاز طبقاتی از میان میرفت. نوربرادری و برابری از تمام فضا و محیط میبارید. درس وقت شناسی و بهداشت شخصی و اجتماعی در تمام اصول مدرسه دست اندر کار بود. جردن مردنیك پندار، نیك رفتار، نیك گفتار بود. جردن بجای آنکه از گفته‌های شعرای اروپائی ضرب‌المثل آورد همیشه از سخنان شعرای ایران مدد می خواست و غالباً این گفته حکیمانه ورد زبانش بود:

بنده همان به که ز تقصیر خویش

عذر بدرگاه خدا آورد

فارغ‌التحصیل‌های کالج آمریکائی بنام قدردانی ازاین استادبزرگوار مجسمه‌ای از وی ساخته و در کالج آمریکائی که امروز بنام دبیرستان البرز نامیده میشود نصب نمودند. و در تاریخ ۱۴ دیماه ۱۳۲۶ ضمن جشن باشکوهی که جهت افتتاح تشکیل شده‌بود سخنرانیهای مبسوطی توسط آقایان علی اصغر حکمت و الهیار صالح و سایر فارغ‌التحصیلان

راجع بخدمات فرهنگی دکتر جردن ایراد شد و ضمن کف زدن حضار پرده ازروی مجسمه برداشتند .

دکتر بویس - یکی دیگر از پی گزاران این کاخ دانش ومعرفت دکتر بویس است که خدمات فراموش نشدنی نسبت به فارغ التحصیلان کالج امریکائی نموده است دکتر بویس دارای درجه دکترا درعلوم تربیتی ازدانشگاه شیکاگو بوده و تألیفات سودمندی در رشته تعلیم وتربیت بزبان انگلیسی دارد .



دکتر بویس وخانمشان

مشارالیه خدمات شایانی به توسعه روابط فرهنگی بین دو کشور ایران و آمریکا نموده سرانجام موهای خود را در راه تعلیم وتربیت جوانان نیرومندی برای کشور ماسفید نمود. خانم دکتر بویس نیز بنوبه خود حق بسیاری بگردن زنان عالمه وفاضله اینکشور دارد نامبرده در مدرسه دخترانه آمریکائی همان وظیفهٔ راکه همسرش درمدرسه پسرانه انجام میداد او درآنجا عمل مینمود و دختران را درتحت عقاید مترقی و باایمان بحق تربیت مینمود وقتی که آقای دکتر بویس درتیرماه ۱۳۲۷ میخواست ایران را ترك کند و بمیهن عزیزش رهسپار شود انجمن روابط فرهنگی ایران وآمریکابدین مناسبت مجلس تودیعی در محل تابستانی

انجمن بپانمود که در آن مجلس اغلب از فارغ التحصیلان مدرسه آمریکائی حضور داشتند و بنام قدردانی اززحمات فرهنگی دکتر بویس درایران سخنرانیهای مفیدی ایراد نمودند و در آخر **آقای اسدی** فارغ التحصیل کالج آمریکائی و نیز دانشگاه کلمبیا در ضمن نطق مشروحی چنین گفت :

در هفتادوپنج سال قبل عده‌ای از مردمان با ایمان و خدمتگزار بشریت که مرامشان نشر دانش واخلاق حسنه بود قدم بخاك میهن عزیز ماگزارده و مدارس ومؤسساتی ایجاد نمودند که کالج آمریکائی تهران یکی ازآنها بود این مؤسسه در طول مدت سه ربع قرن خدمت بجامعه ایران افرادی را پرورانده که امروز بیشترآنها در کارهای مؤثر کشور وارد بوده و خدماتی بمیهن خود نموده‌اند

دراینجاازذکر اینمطلب ناگزیرم که **ایران همواره مهددانش و ایرانیان در دانش گستری و ترویج علم و هنر خدمات ذیقیمتی بجامعه بشریت نموده و افکار عقاید اخلاقی را در جهان ترویج مینموده اند و در ادوار باستانی و دوره های اسلامی ایرانیان دررواج علم و هنر و ملکات فاضله همیشه پیشروسایرین بوده‌اند** . . .

جامعه ایرانی نسبت بخدمات گرانبهای میسیون آمریکائی همواره حق شناس بوده .

در خاتمه بایستی متذکر بشویم که خدمات اشخاصی مانند دکتر بویس هیچوقت درایران فراموش نخواهدشد زیرا این کشور هنوزدچار مرض مزمن ماده‌پرستی نگشته‌و قدرمعنویات رابخوبی میداند . در اینجا خطاب بآقای دکتربویس کرده چنین گفتند : عین افکار وایده آلهای شما

در عرفان ایران بطور کامل وجود دارد و تضادی دربین نیست . شما و رهروان مسلك عرفانی ایران دریك طریق‌قدم میزنید ، منتها بااختلاف اسامی ولغات مسلك شما خدمت بخلق است و ایرانیان واقعی‌هم عبادتی بجز خدمت بخلق نمیشناسند .

امیدواریم درهر کجاکه باشید توفیق رفیق و سعادت قرین شما بوده باشد باوجود بعد مسافت همیشه درروح و فکرما خواهید بود و آن قیافه ملکوتی ومتبسم‌شما همواره درنظربوده وموجب تقویت‌روحی و اخلاقی شاگردان سابق شما خواهد گردید .

بپاس خدمات فرهنگی دکتر بویس و خانمشان وزارت فرهنگ یك قطعه نشان فرهنگ از درجه اول بنامبردگان اعطاء نمود ودرچند سال قبل هم دکتر بویس بدریافت یك‌قطعه نشان درجه اول علمی نیز نائل گردیده بود .

یکی دیگر ازفرهنگیان‌آمریکائی که بگردن ایرانیان‌حق‌بزرگی دارد مستر باسکرویل میباشد بطوری که مرحوم «کسروی» در تاریخ مشروطیت خود گفته‌است : پیش از جنبش مشروطه‌وهمچنین درسالهای نخست‌آن جنبش مدرسه آمریکائیان در تبریز **مموریال اسکول** (۱) درنزدآزادیخواهان ارجی میداشت . زیرا یگانه‌جایگاهی‌میبود که زبان انگلیسی و دانشهای‌اروپائی درس داده‌میشد و بسیاری از جوانان بیدار مغز با آنجا آمد و رفت می داشتند در این هنگام نیز یك داستانی بهمبستگی میانه‌آن مدرسه باجنبش مشروطه پدیدآورد ، وآن پیوستن مستر باسکرویل‌یکی از دبیران‌آنجا بمجاهدان و کشته‌شدن او درراه مشروطه ایران بود .

۱- Memorial School

باسکرویل جوان بیست و پنج ساله‌ای بود که اندکی پیش از جنگهای تبریز برای آموزگاری از آمریکا باین شهر رسید وچنانکه هم کشور او مستر شت نوشته‌است جوان‌غیرتمند تازه دانشگاه‌پرنستون را بپایان رسانیده دانشنامه B.A. گرفته بود و نخستین کارش شغل دبیری‌در مدرسه آمریکائی تبریز بود

جوان‌پاکدل چون به‌تبریز رسیدوسراسرشهر راپر ازجوش‌وجنبش یافت خونش بجوش‌آمد و بآزادی ایران دلبستگی پیدا کرد . بگفته مستر شت باشریف‌زاده که یکی از مجاهدین تبریز بود آشنا شده و دوستی گرمی بین آنها برقرار گردید لیکن شریف زاده در این هنگام کشته شد و دل جوان‌آمریکائی را سخت تکان داد و روح او را متأثر نمود ، و چون با کسانی از آزادیخواهان که زبان انگلیسی میفهمیدند آشنائی میداشت باایشان گفتگو کرده که یاوری بآزادیخواهان کند ؛ و چون در آمریکا دورهٔ خدمت نظام را بپایان رسانیده بود و در آن باره آگاهی داشت جوانان را دور خود جمع کرده و تعلیمات نظامی می آموخت .

بزودی عده‌ای ازجوانان‌بازرگانان و متمولین تقاضای‌او رااجابت کرده و اطراف او جمع‌شدند . باسکرویل برای اینکه کنسول آمریکا و مدرسه از اینکار او اطلاع حاصل نکنند حیاط ارک‌را برای اینکارخود برگزید و همه‌روزه صبح‌هاجوانان‌درآنجاجمع‌میشدندوزیر فرمان وی بمشق‌نظام وورزش میپرداختند باسکرویل پس‌ازچندی که کارش‌پیشرفت کرد دسته خودرا «هنگ نجات» نام‌نهاد از یکایک‌آنان‌پیمان گرفت که درهر جنگی پیشرو باشند و چون بدشمن نزدیک شوند در بند سنگر نبوده فدائی وار بایشان تازند.بکشند و کشته شوند تا اینکه مشروطیت

ایران را بدست آورند.

سرانجام باسکرویل در جنگی که در تبریز مستبدین بر علیه مشروطه خواهان آغاز کرده بودند شرکت کرد و باتفاق هنگ نجات خود پیشاپیش قشون آزادیخواهان در میدان نبرد پیش رفت و همینطور که بیباکانه به پیشروی خود ادامه میداد آماج تیر مستبدین قهار که در بین آنها افسران و سربازان روسیه نزاری بودند قرار گرفت و در آن هنگام که بواسطه اصابت تیر بزمین میافتاد باشجاعت بی‌نظیری چند دقیقه در مقابل مرگ حتمی استقامت کرد و خود را نگاه داشت و با صدای رسا فرمان «دراز کش» به افراد زیردست خود داد و بدینوسیله در آن هنگامیکه باسکرویل چشم ازاین دنیا می‌بست عده‌ای از ایرانیان آزادیخواه را از آماج تیر و مرگ نجات داد و بدین مناسبت یك صفحه زرین بر تاریخ پر افتخار شهدای آزادی ایران افزوده شد.

انجمن روابط فرهنگی ایران و آمریکا

انجمن روابط فرهنگی ایران و آمریکا پلی است که باید بالمآل شرق و غرب عالم را معناً بهم متصل و کانونی است که ملت ایران را در محیط صمیمیت و وداد و حسن تفاهم بیشتری باملت آمریکا نزدیك مینماید. یگانه تکیه گاه‌ش اعضاء انجمن وچرخهایش منحصراً با وجوهی که از حق عضویت انجمن عایدمیشود میگردد.

هدفش معرفی کردن تمدن وصنایع وتاریخ و آرمانهای اینندوملت

بیکدیگر و ایجاد روابط نزدیك بین ایرانیان و آمریکائیان مقیم ایران و آمریکائیان دیگری است که بکشور ما مسافرت میکنند. نه تنها برای تربیت یافتگان آمریکا و مدارس آمریکائی بلکه برای همه جوانان ترقی خواه و اصلاح طلب و روشنفکر ایران نیز وسیله ایست که در اینجا گرد هم جمع شوند و آمال و اعمال خود را بنفع کشور ایران وفق دهند.

در پایان کنفرانسی که در سال ۱۳۰۴ شمسی پروفسور پوپ دانشمند نامدار آمریکائی در خصوص آثار باستانی و هنرهای زیبای ایران در منزل شادروان جعفرقلی اسعد (سردار اسعد) دادند جناب آقای علاء سفیر کبیر کنونی ایران در واشنگتن ورئیس فعلی انجمن نطق بلیغی ایراد وضرورت ایجاد و توسعه مناسبات و فراهم ساختن اسباب شناسائی ایرانیان را باخاورشناسان آمریکائی که در رشته ادبیات وتاریخ و صنایع مستظرفه وآثار قدیمه وفرهنگ ایران علاقه و اطلاع دارند تأکید نمودند ضمناً بوجود انجمن که در آمریکا موسوم به انجمن ایران درزمان وزارت مختاری خود در واشنگتن (۱۹۲۴ - ۱۹۲۱) تأسیس نموده بودند اشاره و تشکیل نظیر آنرا در ایران برای انجام همان منظور مهم بسیار نافع و ضروری دانستند . به پیشنهاد مرحوم محمد علی فروغی کمیسیونی مرکب از مرحوم حسن اسفندیاری و آقای علاء و مرحوم محمدعلی فرزین و مرحوم ارباب کیخسرو شاهرخ برای تهیه زمینه و مطالعه در طرح تأسیس چنین انجمنی تشکیل گردید آقایان مذکور چندین بار ملاقات و مذاکرات مفصلی بعمل آورده و اساس نامه را تهیه و دعوت یك عده سی نفری از پیشوایان قوم و آمریکائیان را که معتقد

به‌تقویت این‌فکر و همکاری نزدیکتری بودند برای تأسیس این هیئت و تصویب اساسنامه و شروع بکار لازم دانستند. این‌اشخاص هیئت مؤسسان انجمن را تشکیل دادند و اسامی آنها بشرح زیر است:



اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر در هنگام ریاست وزرائی که از اعضاء مؤسس انجمن روابط‌ایران و آمریکا بودند

۱ ـ اعلیحضرت فقید رضا شاه کبیر (در زمان ریاست وزرائی)

۲ ـ مرحوم‌حسن مستوفی (مستوفی‌ـ الممالك).

۳ ـ مرحوم‌حسن پیرنیا(مشیرالدوله).

۴ ـ محمدعلی فروغی (ذکاءالملك)

۵ ـ مرحوم حسین‌پیرنیا (مؤتمن‌الملك)

۶ ـ مرحوم حسن اسفندیاری (حاجی‌محتشم‌السلطنه)

۷ ـ جناب‌آقای مهدیقلی هدایت (حاجی مخبرالسلطنه)

۸ ـ « « صادق صادق (مستشار الدوله)

۹ ـ « « سیدحسن تقی‌زاده

۱۰ ـ جناب آقای حسین علاء .

۱۱ ـ مرحوم عبدالحسین تیمورتاش .

۱۲ ـ جناب آقای دکتر محمد مصدق (مصدق السلطنه)

۱۳ ـ « « حسین سمیعی (ادیب السلطنه)

۱٤ ـ « « علیرضا قراگوزلو (بهاءالملك)

۱۵ ـ « « حسن مشار (مشارالملك)

۱٦ ـ مرحوم جعفرقلی اسعد (سردار اسعد)

۱۷ ـ مرحوم رضاقلی هدایت (نیر الملك)

۱۸ ـ مرحوم محمد علی فرزین

۱۹ مرحوم ارباب کیخسرو شاهرخ

۲۰ ـ جناب آقای علی محمد اویسی

۲۱) « حسنعلی فرمند (ضیاءالملك)

۲۲ . « « نصراله صبا (مختارالملك)

۲۳ ـ « « والس مری (که در آن زمان کاردار سفارت آمریکا بود و بعد سفیر کبیر آمریکا در ایران شد).

۲٤ ـ دکتر میلیسپو .

۲۵ داود مفتاح .

۲٦ ـ مستر گور

۲۷ ـ میرزا یانس

۲۸ ـ دکتر بویس

۲۹ ـ مستر فولر کنسول پیشین آمریکا .

۳۰ ـ مستر مکاسکی .

نخستین جلسه هیئت مؤسسان در تاریخ چهارم خرداد ۱۳۰٤ در

منزل مرحوم سردار اسعد بریاست مرحوم حسن اسفندیاری منعقد گردید.
مقاصد ذیل ضمن طرح اساسنامه انجمن مورد مذاکره و تصویب قرار گرفت :

۱ ـ بسط روابط و الفت میان دوملت ایران و آمریکا و سعی در اینکه ایندو ملت بیشتر یکدیگر را بشناسند و بهم نزدیک شوند

۲ ـ معرفی حیات اجتماعی وعلمی و ادبی و فرهنگی و صنعتی و تجاری و اقتصادی و تربیتی آمریکا بایران بوسیله سخنرانی ها و و نشریات و کتب .

۳ ـ کوشش در توسعه روابط ادبی وصنعتی و تجاری و اقتصادی بین اهالی دو کشور و تشویق تجار ایران بارسال مصنوعات و محصولات مرغوب و مناسب ایران بآمریکا و معرفی صنایع و محصولات این دو کشور بیکدیگر .

٤ ـ جلب توجه سرمایه‌داران و صاحبان ذوق آمریکا بمسافرت در ایران و سعی در اینکه تسهیلات لازم فراهم‌شود وراهنمائی‌هائی نافع بآنان بشود .

۵ ـ ایجاد و حفظ روابط با مؤسسه نظیر این‌جمعیت درآمریکا .

٦ ـ راهنمائی دانشجویان ایرانی که بخواهند برای تحصیلات بآمریکا بروند .

بموجب ماده سوم اساسنامه این‌جمعیت درامور سیاسی بهیچوجه مداخله ندارد طبق ماده چهارم اعضاء این‌جمعیت نامحدود است وهر کس از ایرانیان و آمریکائیان که مایل بعضویت باشد بمعرفی دو تن ازاعضاء درصورت تصویب هیئت مدیره پذیرفته خواهدشد . و اصلاحاتی‌چند در پارهٔ مواد اساسنامه تا کنون بعمل‌آمده و بایدبمتن‌آن که جداگانه‌چاپ

شده است رجوع نمود

نخستین هیئت مدیره انجمن در جلسهٔ عمومی مؤسسان بتاریخ دوشنبه چهارم خرداد ۱۳۰۶ بشرح زیر انتخاب شد .

مرحوم محمدعلی فروغی	رئیس
آقای حسین علاء	نایب رئیس
مرحوم مستوفی الممالك	عضو مشاور
مرحوم مشیر الدوله	« «
مرحوم حاجی محتشم السلطنه	« «
آقای سیدحسن تقی زاده	« «
دکتر میلیسپو	« «
مرحوم ارباب کیخسرو شاهرخ	خزانه‌دار
مرحوم محمدعلی فرزین و آقای دکتر بویس	منشی

انجمن جلسات خودرا بفواصل معین در خانه‌های سردار اسعد و اسفندیاری وفروغی تاچهارم تیرماه ۱۳۰۶ تشکیل میداد ازآن پس بنا بمقتضیات زمان قریب شانزده سال فترتی پیش آمد و انجمن دچار تعطیل گردید و باتغییر رژیم در بهمن‌ماه ۱۳۲۱ انجمن ازنو جان گرفت اکثر اعضاء مؤسس دربهمن و اسفندآن‌سال در منزل مرحوم اسفندیاری گرد آمدند و سیزده تن عضو مؤسس جدید بشرح زیر بجای کسانی که برحمت ایزدی پیوسته ویادرخارج کشور مأموریت داشتند انتخاب شدند (۱) .

جناب آقای مرتضی قلی بیات

« « علی‌اصغر حکمت

---

۱ - از آقای علی پاشاصالح استاد دانشگاه

جناب آقای دکتر عیسی صدیق
« « اللهیار صالح
« « دکتر علی اکبر سیاسی
« « ابوالقاسم نجم
« « عبدالحسین هژیر
« « ابوالحسن ابتهاج

مستر سنیر
آقای حسینعلی قراگوزلو
مستر ماینور
آقای دنلدویلبر

در جلسه ۱۸ اسفند ۱۳۲۱ اصلاحاتی چند در اساسنامه بتصویب رسید منجمله « اقدام باعزام دانشمندان صالح ایرانی برای شناساندن ایران و معرفت باوضاع آمریکا . » سپس هیئت مدیره جدید انتخاب شد .

نخستین مجمع عمومی پس از احیاء انجمن عصر سه‌شنبه نهم فروردین ۱۳۲۲ در تالار باشگاه بانک ملی ایران بریاست مرحوم حسن اسفندیاری برپا گردید . مرحوم اسفندیاری نطق افتتاحیه مؤثری در تاریخچه اجمالی روابط ایران و آمریکا ایراد و از خدمات آمریکائیان به آموزش و پرورش و بهداشت و اداره بعضی امور کشور اظهار قدردانی نمودند .

در پاسخ نطق ایشان مستر دریفوس که در آنزمان وزیر مختار آمریکا درایران بود بیانات جالب توجهی نمود و چون دید عده زیادی از رجال عالیمقام ایران ازجمله رئیس مجلس شورای ملی نسبت بچنین سازمانی عملا ابراز علاقه نموده بودند تکان بزرگی خورد و بالحن قابل

ستایشی چنین اظهار داشت :

« چون سرانجام فرشته‌صلح بر این جهان پریشان بار دیگر پر و بال گشاید اعتماد بین‌المللی باید اعاده یابد و روابط دوستانه‌ای که لازمه بهبودی حتمی الوقوع این فاجعه جهانی و بلیه عمومی است بایستی بر پایهٔ استوار قرار گیرد . اشکال بزرگ در آن خواهد بود که این احساسات فعلیت یابد و وارد مرحله عمل شود. نیت خیر چیز بسیار خوبی است لیکن تا زمانی که فعلیت ندارد بهتر است سخنی هم از آن گفته نشود . . . .

با اینکه دو کشور ما سالیان دراز از نعمت بزرگ مناسبات دوستانه با حسن وجوه برخوردار بوده‌اند مایه بسی تأسف است که اطلاعات این دو کشور درباره همدیگر این اندازه کم است. در سالهای آینده سد بزرگ مسافت که همیشه ما را ازهم جدا ساخته است یقین دارم از میان برداشته خواهد شد وظیفه ماست همین که این مانع برخاست از فرصتهائی که بدین طریق دست میدهد استفاده کامل بنمائیم وچون آخرین مبنای هرگونه حسن تفاهمی بین ملل جهان شناسائی ومعرفت ملل بحال یکدیگر است ما نیز این دو کشور را باید بهمدیگر بشناسانیم .

بنابراین اطمینان دارم که ملت شریف ایران و فرهنگ بزرگ شما برهانی لایزال بررد این مقال بوده و خواهد بود که گفته‌اند شرق شرق است و غرب وغرب و ایندو هرگز . بهم نخواهند رسید » .

در آذرماه ۱۳۲۲ شهر تهران آغوش گرم و میهمان نواز خود را برای پذیرائی سه پیشوای بزرگ گیتی که برای طرح ریزی اساس صلح

جهان باین مکان امن روی آور شده بودند بازنمود . تبریك نامه‌ای در تاریخ هشتم آذر ۱۳۲۲ ازطرف انجمن بزبان انگلیسی برئیس جمهور فقید آمریکا پرزیدنت روزولت نوشته شد .

ضمناً هیئت مدیره مناسب دانست کتاب نفیسی از طرف انجمن بیادگار ایام اقامت رئیس جمهور در تهران بایشان تقدیم شود . مرحوم اسفندیاری یك جلد کتاب زیبای خطی گلستان را بخط نخستین وزیر مختار ایران در واشنگتن (مرحوم حاج حسینقلی خان صدرالسلطنه) باجلد مذهب از ازکتابخانه خود اهدا نمودند وبسیار مورد توجه وامتنان واقع گردید . و پرزیدنت روزولت درپاسخ نامه‌زیر راجهت رئیس انجمن روابط ایران و وآمریکا ارسال داشت

« از کاخ سفید واشنگتن ، جناب آقای حسن اسفنداری رئیس انجمن روابط ایران و آمریکا . نامه مشفقانه جنابعالی بتاریخ سی‌ام نوامبر ۱۹۴۳ دائر به خیرمقدم و احساساتی که از طرف انجمن اظهار و کامیابی مادر آغوش گرم و میهمان‌نواز ایران‌خواستار شده بودیدواصل گردید . از توجه ملاطفت آمیز شما سپاسگزارم و بجنابعالی اطمینان میدهم که آن محیط و داد و حسن نیت به‌پیشرفت مساعی ما کمهای مهمی نمود . کتاب زیبای گلستان سعدی را که توسط آقای دریفوس وزیر مختار اینجانب اهداء فرموده بودید دریافت نمودم . این کتاب نمونه دیگری است از مظاهر سخاوکرمی که همیشه از خصائص ممتاز و درخشان ملت‌ایران بوده ودرقلب دوستدار تأثیری عمیق بخشیده است . این کتاب مثل اعلای آثار سر آینده بزرك و هنرهای زیبائی است که‌سرزمین‌ایران راازدیرزمان‌شهره‌جهان‌نموده‌است .

بمن گفته‌اند عنوان کتاب در فارسی بمعنای باغ گل است بنابراین در خاطراتی که از توقف بی‌اندازه کوتاه خود درمیان هم‌میهنان شما دارم هدیه شما جای گرم و نزدیکی را حائز است . خواهشمندم تشکرات صمیمانه‌ام را از الطاف کریمهٔ خود و همچنین ادعیه خالصانه گرم‌مرا برای ادامه توفیق انجمن که ریاست آنرا باچنین حسن کفایت عهده‌دارمیباشید قبول فرمائید . بااحساسات صادقانه .

فرانکلن دلانو روزولت

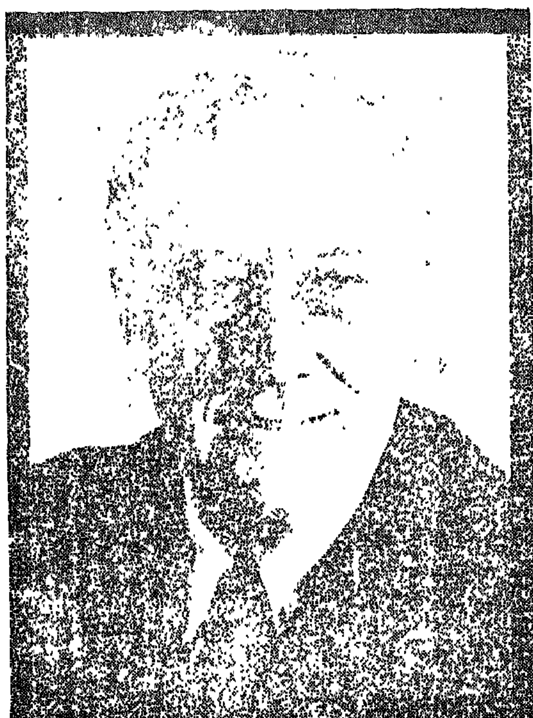
بیاد روزولت

در تاریخ ۲۹ فروردین ۱۳۲٤ در باشگاه ایران و آمریکا مجلس تذکری بمناسبت فوت پرزیدنت روزولت برقرار شد و خطابه ذیل از طرف آقای **علی اصغر حکمت** ایراد گردید .

آقایان محترم: اجتماع امروزما برای تجلیل مرد بزرگی است که نه تنها در تاریخ مملکت خود او ونه‌تنها درتاریخ مملکت ما مقامی بلند و مرتبتی رفیع دارد بلکه خدمات بی‌پایان او بعالم بشریت در تاریخ جهان برای او شأن و مقامی بس عالی و ارجمند ایجاد نموده است . ظهوربزرگان‌عالم درهرعصروقرنی‌مانندبرقی‌است که‌ازظلمت‌خانه‌غیب‌در افق شهود تابش میکند و چند سال عمر ایشان را که برابر سیر ازلیت لمحه چند پیش بحساب نمی‌آید ، منشاءآثار جاویدان ونتایج فنا ناپذیر قرار میدهد و سر عظیم ترقی بشریت مدیون همان لمحات است که ابدالاباد درصحیفه عالم هستی باقی و پایدار خواهدبود .

پرزیدنت فرانکلن دلانو روزولت یکی از همان برقهاست که در عصر و زمان مادرافق وجوداز نهانخانه عالم غیب‌تابش

کرد و پرتو آثار او اعصار قرون بیشمار را روشن ساخت مردی
که وظیفهٔ خطیر ریاست ملتی مثل ملت ممالک متحد آمریکا را بسالیان
دراز بدرستی ایفاء نمود ، مردی که درراه جنگ و جهاد باظلم



شادروان روزولت

و استبداد و دفاع ازعدالت و آزادی تا دقیقه آخر عمر خویش
مانند سربازی رشید و شجاع پایدار بود ، اینک از جهان رخت
بربسته و سراسر اقوام و ملل متمدن جهان حتی دشمنان او بعظمت مقام
و جلالت قدر وی سر باحترام فرود آورده‌اند ما ایرانیان که بشهادت

تاریخ خود همیشه باصل تجلیل پهلوانان معتقد بوده و از بزرگان و نامداران ستایش کرده‌ایم اینك نیز خودرا موظف میدانیم که نام‌این‌مرد بزرگ را بعظمت و احترام یادکرده و مقام شامخ اورا بجلالت ورفعت بستائیم ، و بروح بزرگ او درود بفرستیم . خاصه که ازحاصل‌مساعی و رنجهای بسیار او ملل کوچك جهان بالاخص مملکت ایران بهره کامل برده ، و سعادت و سلام حال واتی خودرا مرهون مبادی عالیه و اصول شریفه‌ای‌میدانیم که آنمرد بزرگ‌درعالم‌وضع کرده و برای اثبات واجراء آن باجان و مال ونیروی هزاران هزارافراد ملت آمریکامجاهده کرد .
تاریخ زندگانی اینمرد بزرگ سراسر پرازنمونه‌های فعالیت ومواظبت‌و سعی وعمل است او اولین رئیس‌جمهوری است که سه‌دوره متوالی‌وظیفه ریاست جمهور ملت آمریکا را انجام‌داد ودردورهٔ‌چهارم‌نیز پس‌ازانتخاب بازچندماهی آن شغل خطیر را اشغال کرد و درسن شصت وسه سالگی بدرود زندگانی گفت .

مرحوم روزولت همیشه از خداوند متعال‌استغاثه مینمود که‌جهان را ازشر اهریمن‌جنگ نجات داده و صلح را بجهانیان عطاکند وآنهارا بشاهراه‌سعادت ونیکبختی‌هدایت‌فرمایدمانیز بتعظیم‌روح‌بزرگ آن نیك مرد بیك قسمت از مناجات او باخداوند متعال که در تاریخ ۱۴ژوئن ۱۹۴۲ نموده سخنان خودرا ختم‌میکنیم :

درآنجاگفته‌است « ایخدای آزادی ! مادلها و جان های خود را امروز وقف حریت نوع بشر مینمائیم‌بما پیروزی‌عنایت کن تا برستمکاران و جباران‌که افرادآزاده وملل‌آزادرا بقید بندگی درآورده‌اند غلبه نمائیم .

بما ایمان عنایت‌کن تا قدرآنهائی که برای آزادی نبرد

میکنند بشناسیم و آنها را مانند برادران خود بدانیم ، بما روح اخوت و برادری عنایت کن تا با امید و اتحاد بکوشیم نه تنها در این ایام تلخناك جنگ بلکه برای روزی که خواهد آمد و تمام فرزندان آدم بایکدیگر متحد خواهند شد . !! .

سازمان انجمن روابط ایران و آمریکا

سازمان انجمن ـ انجمن برخلاف سایر انجمنهای فرهنگی که در ایران ازچند سال پیش ایجاد گردید ودرلباس مقدس فرهنگی مقاصد سیاسی خودرا انجام میدهند و بهمین علت هم بودجه آنها ازطرف دولتهای آنها فرستاده میشود و اداره چنین انجمنهائی مستقیم تحت نظر اتباع خودشان اداره میشود ، هیچگونه کمك مادی از دولت آمریکا دریافت نمیدارد و اداره انجمن هم تحت نظر هیئت مدیره که متشکل از دانشمندان و رجال نامی ایران ویکی دو نفر آمریکائی هستند میباشدو بودجه آنهم فقط ازحق عضویت اعضای انجمن روابط ایران و آمریکاتأمین میگردد .

انجمن به کمیسیونهای زیر تقسیم میشود :

۱ ـ کمیسیون نشریات : اعضاء این کمیسیون از نویسندگان و مترجمین نامی ایران میباشند ، کلیه مطبوعاتی که بنام انجمن منتشر میشود در تحت نظر این کمیسیون میباشد که ازآنجمله مجله بسیار مفید علمی و ادبی و فرهنگی که بدوزبان فارسی انگلیسی همه ماهه بنام مجله ایران وآمریکا ازطرف انجمن منتشر میشود که مطالب آن خیلی سودمند و برای طبقه تحصیل کرده بسیار مفید میباشد این مجله نشریه مستقلی

است که وابسته بهیچ مقامی نیست . هزینه آن فقط از محل اعلانات و مشترکین و حق عضویت اعضاء انجمن روابط ایران و آمریکا تأمین میشود .

۲ ـ کمیسیون روابط فرهنگی ـ اعضاء این کمیسیون از اشخاصی تشکیل شده که کاملا باوضاع فرهنگی آمریکا آشنا میباشند و اغلب آنها دانشگاههای آمریکا را بپایان رسانیده‌اندو کسانی که بخواهند جهت مطالعه و تحصیل بآمریکا مسافرت نمایند این کمیسیون راهنمائی‌های لازم را بداوطلبان خواهدنمود .

۳ ـ کمیسیون روابطاقتصادی و بازرگانی ـ اعضاء این کمیسیون اغلب از متخصصین علوم اقتصادی و بازرگانان تحصیل کرده معروف میباشند و این کمیسیون همه گونه اطلاعات راجع بامور اقتصادی و بازرگانی بین دو کشور ایران وآمریکا را در دسترس علاقمندان می گذارد .

۴ ـ کمیسیون اجتماعات تفریحی‌وورزشی .اعضاءاین کمیسیون که از علاقمندان بورزش وموسیقی وتآتر میباشندوسائل‌ورزشی ازقبیل پینگ پونگ و زمین تنیس و فوتبال تهیه کرده و همچنین در هر ماه دو مرتبه مجالس کنسرت های باشکوهی و گاهی نمایش جهت اعضاء ترتیب میدهند .

۵ ـ کمیسیون امورمالی ـ وظیفه این کمیسیون رسیدگی بوضعیت امور مالی انجمن که عبارت از درآمد وهزینه باشد .

۶ ـ کمیسیون عضویت ـ اعضاء این کمیسیون از اشخاص مطلع و صاحب‌نظر تشکیل شده ووظیفه آنها رسیدگی به‌تقاضاهای اشخاص جهت عضویت انجمن میباشد که پس از بررسی دقیق در اطراف شخصی که

میخواهد قبول عضویت انجمن را نماید نظر خود را به هیئت مدیره میدهند تاتصمیم مقتضی اتخاذ نمایند

۷ـ کمیسیون کتابخانه وقرائتخانه ـ این کمیسیون کتابخانه انجمن را رسیدگی نموده و همه روزه آقایان اعضاء میتوانند بکتابخانه انجمن مراجعه و از کتابدار کتابهائی را که بخواهند مطالعه کنند بگیرند ممکن هم هست که کتاب را بمنزل برده بعداز ۱۵ روز مجدداً بکتابخانه عودت دهند .

۸ـ کمیسیون تنظیم برنامه جلسات ـ وظیفه کمیسیون آنست که همه هفته جلسات سخنرانی تشکیل میدهد و اغلب از خاور شناسان آمریکائی و همچنین دانشمندان ایرانی دعوت میکند که جهت اعضاء سخنرانی نمایند و در آخر سخنرانی چند حلقه فیلمهای جالب توجه بمعرض نمایش میگذارند سخنرانی اگر بزبان انگلیسی ایراد شود بلافاصله ترجمه آن بفارسی گفته میشود از همین لحاظ است که در سخنرانیهای انجمن غالباً در حدود هزار نفر ازدانشمندان و فضلاء حضور پیدامیکنند و این خود دلیل بارزی ازعلاقه مردم روشنفکر ایرانی بانجمن روابط فرهنگی ایران و آمریکامیباشد هریك از کمیسیونها رئیس ومنشی ازمیان خود انتخاب میکنند

حق عضویت انجمن ـ هر عضو جدیدی در بدو ورود باید مبلغ ۱۰۰ ریال بعنوان ورودیه و بعداً هم سالیانه ۳۶۰ ریال بابت حق کارمندی بپردازد .

وقتی که آقای جرج آلن بعنوان سفیر کبیر آمریکادر ایران بتهران وارد شد انجمن جهت آشنائی ایشان بااعضاء درروز ۱۴ اردیبهشت ۱۳۲۶ دعوتی از تمام اعضاء انجمن وعده‌ای از وزراء و رجال بعمل آورد و در همان

مجلس بنا به پیشنهاد اعضاء و طبق اساسنامه آقای جرج الن بسمت ریاست افتخاری انجمن منصوب شد .

هیئت مدیره انجمن طبق اساسنامه به اکثریت آراء اعضاء انجمن انتخاب میشوند. درمجمع عمومی سال ۱۳۲۸ آقای علا سفیر کبیر ایران در آمریکا مجدداً بسمت ریاست هیئت مدیره انتخاب شدند و نیز آقای علی پاشا صالح استاد دانشگاه که از اعضاء مؤسس انجمن میباشند باتفاق آقای دکتر صدیق بسمت نایب رئیس انجمن و آقای ابو الحسن ابتهاج مدیر کل بانک ملی ایران بسمت خزانه دار انجمن مجدداً انتخاب شدند. در تمام مدتی که آقای جرج الن در تهران بودند همکاری نزدیکی باانجمن داشتند وموقعی



آقای علی پاشا صالح

که میخواستند کشور ما را ترك کنند در مجلس تودیعی که در انجمن بپابود آقای جرج الن نطق مشروحی ایراد نمودند که اینك خلاصه آن را دراینجا نقل میکنم :

« باکمال تأسف باید بگویم این آخرین باری است که من میتوانم در حضور اعضای این انجمن با سمت رئیس افتخاری که باید بهمین زودی بجانشین من تفویض شود صحبت کنم . . . ما در دورۀ پر سعادتی که در ایران اقامت داشته‌ایم و مهمان شما بوده‌ایم از مهمان نوازیهای صمیمانه‌ای که شما در حق ما

مبذول داشته‌اید از ته‌قلب تشکر می‌کنیم . ما یادگارهای خوش این مدت تقریباً دوساله‌ای راکه سعادت داشته‌ایم بامردم‌ایران زندگی کنیم همیشه در خاطر خود محفوظ خواهیم داشت زیرا این کشور قدیمی‌ترین کشورهای پادشاهی جهان محسوب‌میشود و بیش ازچهار هزارسال مردمش به‌فرهنگ وتمدن بشر خدمات برجسته‌ای کرده‌اند و عشق و شور بهنر و هنرمندی آنهاکه از اجداد خود بارث‌برده‌اند هم اکنون قسمتی از فرهنگ‌وتمدن مترقی جهانرا تشکیل میدهد . ملت ایران شاید بهتر ازهرملت دیگری ثابت کرده است که قدرت و توانائی قلم شاعر بیش از شمشیر سرباز است . . . .

برای ایجاد پل پیروزی بسمت نازیهای متجاوز که دشمن مشترك ما بودند مردم ایران قسمت اعظم پنج سال متمادی بار طاقت فرسای جنگ را برروی شانه خود نگاه‌داشتند .

ایرانی که‌گذشته درخشانی داشته است میتواند بآزادی و استقلال آینده خود نیز امیدوار باشد و برای من مسلم است که آینده‌ایران مستعد کسب افتخاراتی بزرگتر وعالی‌تر ازافتخارات گذشته‌اش میباشد . ازمطالعه‌آثار بزرك شعرای شما نه‌تنها این آینده درخشان‌مسلم می‌گردد بلکه آثار آنهاسبب می‌شود که‌شما برای کسب افتخارات بیشتری‌آماده شوید .

در قسمت امور اقتصادی ماآمریکائیها ملت جوانی هستیم که بقدرت خود مباهات می‌کنیم و از پیشرفتهای مادی خود سر بلند هستیم

ولی درعین حال نزد ملل قدیمی‌تر مانند ایران که درقلمرو هنرهای زیبا و فلسفه وعلوم باستانی می‌توانند نکات بسیاری بما بیاموزند تواضع و فروتنی می‌نمائیم . . . .

ما در اجرای برنامه اطلاعات خارجی خود کوشش کافی بعمل خواهیم آورد که آزادی مطبوعات در ایران و در تمام کشورهائی که آزادی مطبوعات خود را هنوز حفظ کرده‌اند تقویت کنیم . . . .

من کاملا اطمینان دارم که ملت ایران باهوش سرشار و قدرت تصمیمی که دارد و همیشه استقلال فکر داشته است بهیچوجه احتمال نمیرود که درآینده تحت نفوذ افکار و عقاید ویا اعمال دیکتاتوری و توتالیتر کشور دیگری واقع شود .

رهبران و پیشوایان شما هر نوع اشخاص باشند مسلم است که ملت ایران تصمیمات خودرا شخصاً اتخاذ می کند و من میدانم که ملت آمریکا باین آزادی فکر که یکی از مشخصات ملت ایران است بچشم تحسین و تمجید می‌نگرد زیرا این آزادی فکر ازجمله خصوصیات ملت آمریکا نیز بشمار می‌رود .

من اطمینان دارم پایه‌های محکم واستوار اصل آزادی که دو ملت مارا جع بآن همفکر هستند و نیز روابط فرهنگی واقتصادی و سیاسی بین ایران وآمریکا توسعه و تقویت یافته و منافع مشترك و روز افزون ماکه دارای یك هدف معین ومشخص است هرچه زودتر بنتیجه برسد .

این هدف مشترك ما عبارت است ازایجاد دنیای مستقر و

ثابتی که در آن صلح و آرامش برقرار بوده ومردم بتوانند در سایه مساعی و کوشش فراوان خود و همکاری بایکدیگر مقدرات خودرا در دست گرفته و دریك محیط برادری وحسن تفاهم و راستی و درستی زندگی کنند .

وقتی سفیر کبیر جدید آمریکا آقای جان وایلی بایران آمدند درروز ۲۸ اردیبهشت ۱۳۲۷ مجلس آشنائی بافتخار ایشان در انجمن روابط ایران وآمریکا برپا شد و در اینجلسه عدهٔ زیادی از اعضاء انجمن وخانمهایشان شرکت نمودند و باآقای سفیر کبیر و خانمشان آشناشدند و درضمن هیئت‌مدیره آقای‌جان وایلی را طبق اساسنامه بریاست افتخاری انجمن معرفی نمودند .



آقای‌جان‌وایلی

• آقای‌جان‌وایلی یکی ازدیپلماتهای‌ورزیده وعالی‌مقام‌آمریکاست . نامبرده از طرفداران‌جدی‌و پرشور اصول حکومت دمکراسی‌میباشند . و نسبت بایران علاقهٔ‌فراوانی‌دارند و درهر فرصتی که پیش‌آمده ایران دوستی خویش را بدون تظاهر و ریب و ریا به نیکوترین وجهی ابراز داشته‌اند .

ازبدو تأسیس انجمن‌تاکنون عدهٔ زیادی ازآمریکائیهای‌خاورشناس و مخصوصاً ایران دوست بایران آمده و در انجمن سخنرانی های مفیدی ایراد نمودند اینک برای نمونه چند نفری از آنها را اینجا

اسم میبریم

آقای پرفسور ارثور پوپ یکی ازمستشرقین معروف آمریکائی و کارشناس شهیر هنرهای زیبای ایران و رئیس مؤسسه ایران شناسی در نیویورك میباشند که موزه مهمی از آثار تاریخی و صنایع قدیم ایران در نیویورك دائر کرده و در ترویج ایران و زبان و تاریخ و ادبیات ایران مساعی بسیار بخرج داده است.

آقای پروفسور پوپ درسال ۱۳۰٤ برای اولین بار بایران آمدند وضمن سخنرانی جالبی که در اردیبهشت همان‌سال درباب صنایع ایران و آمریکادرحضور اعلیحضرت فقیدرضاشاه کبیر نمودند تقاضای تأسیس انجمن روابط ایران و آمریکارا کردندواعلیحضرت‌فقیدهم با تقاضای ایشان موافقت فرمودند.

پروفسور پوپ‌درنمایشگاههائی که از آثار وصنایع ایران درسالهای ۱۹۲٦ در فیلادلفی و ۱۹۳۰ درلندن و ۱۹۳۵ در لنین‌گراد و۱۹٤۲ در نیویورك تشکیل شد نمونه‌هائی از صنعت و هنر ایران را به جهانیان ارائه نمودند.

پروفسور پوپ شش جلدکتاب بسیار قطور بنام « بررسی‌هنرهای زیبای ایران » برشته تحریر درآورده وکشور ما را از لحاظ صنعت و هنر و تاریخ پرافتخارش بجهانیان شناسانده است.

پرفسور پوپ مجدداً دردی‌ماه ۱۳۲٦ شمسی بایران آمد و مدتی میهمان وزارت فرهنگ بودند و در سخنرانی که در طالار دانشکدهٔ حقوق ایرادنمودند بیش ازهزارنفر ازدانشمندان وفضلاء طرازاول کشور درآن مجلس حضورداشتند.

پوفسور پوپ درمیان کف‌زدن ممتد حضار پشت‌تریبون قرار گرفته

و متذکر شد که وی یکی از اعضاء افتخاری دانشگاه تهران میباشد و بینهایت خرسند هست از اینکه فعلا در دانشگاه تهران سخنرانی مینماید

و نطق مبسوطی دربارهٔ «وحدت جهان و تنوع فرهنگ» ایراد نمودند که فوق‌العاده مورد توجه حضار واقع گشت پس از اتمام سخنرانی وی آقای **مستشارالدوله صادق** رئیس انجمن آثار ملی ایران ضمن اظهار خرسندی از سخنرانی آقای پروفسور پوپ بنام انجمن آثار ملی ایران از نظر خدماتیکه ایشان به‌شناساندن فرهنگ و آثار باستانی ایران بجهانیان نموده‌اند تشکر کردند و برگ عضویت انجمن آثار ملی ایران را درمیان ابراز مسرت حضار بایشان تقدیم نمودند

بعداً هیئت مدیره انجمن روابط ایران و آمریکا بافتخار ایشان مجلس ضیافت چای دادند که در آن مجلس اکثر اعضاء انجمن حضور داشتند. **آقای دکتر صدیق** وزیر اسبق فرهنگ ضمن نطق بسیار مؤثری که ایراد نمودند از خدمات آقای پروفسور پوپ در شناساندن صنایع و فرهنگ ایران تشکر نموده و درخاتمه یکعدد شمعدان قدیمیکه متعلق به نهصد سال پیش بود از طرف انجمن تقدیم پروفسور پوپ نمودند. و ایشان در پاسخ آقای دکتر صدیق چنین گفت:

«چرا از من تشکر میکنید؟ از هنرمندان و ادبای بزرگی که



آقای پرفسور پوپ

درگذشته داشته‌اید تشکر نمائید . بایستی از قوه خلاقه آن نوابغ که هدایای فنا ناپذیری بدنیای ادب و هنر بخشوده‌اند سپاسگزاری کنید ، هنر و ادب ایرانی در خارج بصورت عروس خفته زیبائی بود که من با بوسه او را بیدار کرده‌ام . ایران نباید هرگز از دیدن توپ و تفنگ و تجهیزات ارتشی دیگران خویش را حقیر و کوچك تصور کند زیرا آنها نمونه عظمت نیست . موجب افتخار و عظمت داشتن یك چنین فرهنگ و صنایعی است که اکنون بصورت مسجد جامع و مسجد شیخ لطف‌الله و پرس پلیس بچشم دنیا نگاه میکنند » .

پرفسور پوپ در خرداد ماه سال جاری (۱۳۲۸) باتفاق یك هیئتی از علمای خاورشناس آمریکائی جهت دیدن آثار باستانی ایران بکشور ما آمد و وقتیکه از طیاره فرود میآمد قبل از هرچیز گفت « من خیلی خوشحالم که بمیهن دوم خود مراجعت میکنم . . . » در تمام مدتی که این هیئت در ایران اقامت داشته مهمان دولت ایران بودند و از بناهای زیبا باستانی اصفهان و آثار باستانی شیراز و پرس پلیس دیدن نمودند .

یکی دیگر از خاورشناسان آمریکائی که اطلاعات زیادی در بارهٔ کشور ایران دارد و کتابهای متعددی جهت شناساندن ایران بهم‌میهنان خویش برشته تحریر درآورده است **هارولدلمب** میباشد وی یکی از نویسندگان معروف آمریکائی در مجله « ستردی ایونینگ پست » می باشد که سلسله مقالات او در این مجله مورد توجه همه خوانندگان است .

هارولدلمب در سال ۱۹۳۲ در ایران بوده و پس از مطالعه زیاد در امور اجتماعی و فرهنگی بآمریکا برگشت و مقالات زیادی راجع

بایران نوشته است و نتیجه مطالعات خودرا درایران بانجمن جغرافیائی خاور گزارش داد .

هارولدلمب صاحب تألیفات زیادی از قبیل «چنگیزخان» و «تیمور لنگ» و «عمرخیام» آخرین کتاب او که در سال ۱۹٤۱ بچاپ رسید بنام «هجوم وحشیان» مخصوصاً فوق‌العاده جالب توجه و دارای مطالب مفیدی است

یکی دیگر از دانشمندان آمریکا که عمر خودرا وقف شناساندن ایران بجهانیان نموده است پرفسور جرج کامرون میباشد .

اینشخص درسال گذشته موفق شد کتیبه های داریوش بزرگ پادشاه ایران راکه در ۲٤۰۰ سال قبل بر روی تخته سنگهای کوه مرتفعی منقوش بوده بخواند جرج کامرون برای خواندن کتیبه‌ها که سه هفته بطول انجامید هرروز با خطر مرگ مواجه بود .



آقای پروفسور جرج کامرون

کتیبه‌های مزبور بعلت اینکه در مکان مرتفعی قرار داشت کسی تاکنون موفق بخواندن و آگاهی از آن نشده بود لیکن جرج کامرون در اینکاوش موفقیت شایان نصیبش شد .

جرج کامرون در دانشگاه میشیگان مقام استادی دارد و در آموزشگاه شرق شناسی آمریکا نیز تدریس مینماید

کتیبه‌های مذکور به‌سه‌زبان از زبانهای باستانی معروف آسیای

باختری نوشته شده است کامرون برای خواندن این کتیبه‌ها هر روز حیات خود را در معرض خطر مرگ قرار میداد. و در یك اطاق لاستیکی از ارتفاع ۵۸ متر از قله کوه و ۳۰ متر از پایه کوه آویزان بود . گاهی در این اقدام خطرناك فرزند پانزده ساله‌اش بنام تماس نیز باوی بالا میرفته و او را کمك میکرد تا موفق شد براسرار این کتیبه‌ها پی ببرد و بدین ترتیب یك صفحهٔ بر تاریخ پرافتخار ایران باستان بیافزاید .

اداره روابط فرهنگی و مطبوعاتی آمریکا

این اداره در تحت نظر آقای دکتر گرنی میباشد گمان نمی‌کنم احتیاجی باشد از اینکه ما بخواهیم در اینجا آقای دکتر گرنی را معرفی کنیم چون اغلب رجال ایران که تحصیلات خود را در کالج آمریکائی تهران تمام کرده‌اند بخوبی از خصال پسندیده و اخلاق حمیده آقای دکتر گرنی که در تعلیم و تربیت آنها نقش مؤثری داشته آگاه میباشند .



آقای دکتر گرنی

نامبرده وقتی که در کالج آمریکائی استاد بود . شاگردان خود را جهت خدمت بکشور ایران مرد کار تربیت میکرد و صحبتش دائماً بدانشجویان این بود که پس از اتمام تحصیل باید اول دین خودرا بمیهن خود اداء نمائید و همیشه در کارهای خود درهر مقام و مرتبه‌ای که هستید خدا را مدنظر داشته باشید تاخداوند شمارا هدایت نماید

دکتر گرنی زبان فارسی را بخوبی میداند و بواسطه علاقه فرهنگی که بکشور ما دارد محل مأموریت خودرا در ایران انتخاب نموده است. چهره متبسم و بشاش دکتر گرنی هیچگاه ازمدنظر شاگردانیکه درزیر دست او تربیت شده‌اند محو نخواهدشد .

وظایف اداره روابط فرهنگی عبارت از اینست که اطلاعات فرهنگی راجع بکشور های متحد آمریکا را در دسترس علاقمندان می گذارد

درمرکزاداره یك کتابخانه نسبةً بزرگی اخیراً افتتاح شده که دارای هزاران کتاب و مجلات وروزنامه‌ها بزبان انگلیسی دررشته‌های مختلف هست وعلاقمندان میتوانند همه روزه بکتابخانه مراجعه و کتب مورد احتیاج خود را بطور امانت گرفته و ببرند منزل مورد استفاده قراردهند این کتابخانه روزبروز تعدادکتب آن بیشتر میشود و با استقبال شایانی که ازطرف علاقمندان بکتاب و مجلات آمریکائی مشاهده میشود امید میرود درآتیه نزدیکی درردیف بزرگترین کتابخانه‌های تهران قرار گیرد

علاوه از کتاب یك قسمت فیلم‌های تربیتی و کشاورزی و فنی برای استفاده عموم درباشگاهها وسایر مجامع فرهنگی وورزشی بمعرض نمایش گذاشته میشود که خیلی قابل استفاده میباشد .

یك قسمت دیگر این اداره بنام اداره اطلاعات و مطبوعاتی سفارت

آمریکا نامیده میشود وریاست آن باآقای بار تن میباشد این اداره همه روزه اخبار جهان را مخصوصاً اخبار مربوط بآمریکا را درساعت۷صبح بدو زبان انگلیسی و فارسی در دسترس علاقمندان و روزنامه نگاران می گذارد.

موافقت نامه فولبرایت

یکی از اقدامات اساسی آقای جان وایلی سفیر کبیر آمریکا در تهران انعقاد موافقت نامه مربوط به قانون فولبرایت است که در تاریخ پنج شنبه دهم شهریورماه ۱۳۲۸ مطابق با اول سپتامبر ۱۹۴۹ در وزارت خارجه بامضاء ایشان و آقای علی اصغر حکمت وزیر خارجه ایران رسید.

برای اینکه خوانندگان گرامی از هدف و منظور این موافقت نامه اطلاع حاصل کنند شرحی که دراین باره در بولتین سفارت آمریکا منتشر شده با متن موافقت نامه ذیلا نقل میکنیم.

اهالی آمریکا بعد ازجنگ احساس کردند که قسمت اعظم مردم جهان از جنگ و خونریزی خسته و بیزار شده و خواهان صلح دائمی هستند و نیز باین نکته پی بردند که هیچ عاملی یا مرجعی بهتر و بیشتر از دانشجویان وعلماء نمیتوانند درتأمین این منظور مؤثر باشد.

دانشجویان میتوانند ارکان صلح جهان را برپایه‌های فهم ودانش خود استوار سازند و تبادل دانشجو بین کشورهای جهان مطمئن‌ترین وسیله‌ای است که باآن میتوان ملل مختلف را بیکدیگر نزدیک ساخت و بین آنها تفاهم ایجاد کرد زیرا دانشجویان اکثراً پیشوا وهادی قوم خود

هستند البته رادیو و فیلم که از جملهٔ وسائط ارتباطی مهم بین‌المللی است همه برای آشنا ساختن ملل از حال یکدیگر مؤثر میباشند ولی تأثیر آنها محدود بزمان و مکان است درصورتی که دانشجویانی که در دانشگاههای ملل دیگر تحصیل میکنند و با مردم آن سامان آمیزش دارند و اخلاق و اطوار عمومی را مشاهده و مطالعه میکنند سالها معرف روحیه افراد آن کشور خواهند بود .

سازمان ملل متفق در اجرای منظور و هدف خود توفیق نخواهد یافت مگر وقتی که ملل عضو آن زبان یکدیگر را بفهمند . کلیهٔ سازمانها و دستگاههای اداری راکد خواهد بود مگر وقتی که ارکان آن بر پایه‌های مقاصد و عقایدی که مورد قبول عامه است بنا شده باشد بهترین قوانین ممکن است مضر و لامحاله بیفایده باشد مگر وقتی که مبتنی بر اصول اخلاقی و عفو و اغماض و بشر دوستی باشد . با ایمان باین عقاید استکه دولت آمریکا برای تقویت روابط فرهنگی بین ملت خود و سایر ملل صلح‌دوست جهان پیشقدم شده است .

منظور کلی آمریکا در اجرای این برنامه ارتباط بین‌المللی است زیرا اینگونه برنامه‌های فرهنگی درصورتی بثمر حقیقی میرسد که با علاقه و تمایل خود مردم ترویج و حمایت شود . بعلاوه باین ترتیب میتوان بدانشجویان با ذوق و حرارت که در خانواده‌های فقیر و کشور های کوچك فراوانند فرصت داد که بمقام و منزلت علمی که شایستهٔ آن هستند حائز گردند

کتابخانه ها ـ دانشگاهها و مؤسسات فرهنگی بیشتر کشورهای متمدن درنتیجهٔ جنگ جهانسوز اخیر ویران گردیده و این بزرگترین لطمه‌ای است که درقرن اخیر بتمدن بشر وارد شده است و آمریکا تنها کشوریست که دستگاه

فرهنگی‌اش از مصائب جنگ مصون بوده پس وظیفهٔ خود میداندکه بشر را درقافلهٔ فرهنگ و تمدن نیز رهبری کند .

درنتیجه جنگ جهانی اخیر دولت آمریکا مقادیر زیادی کالا و مهمات در کشورهای مختلف جهان داشت که برای استفاده از آنها لازم بود تصمیمی اتخاذ گردد

باینجهت سناتور جیمز ویلیام فولبرایت که یکی از دانشمندان آمریکائی است تحت تأثیر الهامات معنوی و تمایلات ملت آمریکا واقع شده و درسال ۱۹۴۴ لایحه‌ای تنظیم و پیشنهاد کرد دایر براینکه وجوهی که درنتیجهٔ فروش مازاد اموال آمریکا از قبیل اتومبیل جیپ ولباس و مواد شیمیائی و ماشین و غیره بدست می‌آید در راه امور فرهنگی و تعلیم و تربیتی مصرف شود .

بنابراین برنامهٔ هزاران نفر از دانشجویان آمریکائی میتوانند در کشورهای دیگر بتحقیق و تتبع بپردازند و در مقابل ده‌ها هزار تن از دانشجویان کشورهای دیگر جهان فرصت خواهند یافت که دردانشگاههای آمریکائی بتحصیل بپردازند .

علل اصلی تصویب این قانون را میتوان باین ترتیب خلاصه کرد :

۱ ـ عدم اطلاع مردم جهان از حال یکدیگر ایجاب میکرد که کوشش و مجاهدتی در راه ایجاد تفاهم بیشتری بین عموم ملل مبذول گردد تا نژادها ومسالك و مذاهب مختلف از حال هم بهتر و بیشتر آگاه شده بنیات ومقاصد یکدیگر زودتر پی برند و درنتیجه کلیهٔ ملل با حسن ظنی که ازاینراه حاصل میشود درراه حصول رفاه و آسایش وتأمین سعادت عمومی پیش بروند .

۲ ـ چون دولت آمریکادرجنگ اخیر مقادیر زیادی اسلحه ومهمات

ووسائط نقلیه و ارتباطات وغیره بقسمت اعظم کشورهای جهان گسیل داشته بود و پس از پایان جنگ کشورهای مزبور مایل بخریداری آن اموال بودند و دولار در دست نداشتند دولت آمریکا مصمم شد قسمتی از اموال مزبور را بپول رایج در هریك از کشور ها بفروش برساند و پس از تصویب قانون فولبرایت آن وجوه در راه تعمیم فرهنگ وبسط روابط فرهنگی مصرف کند .

بنابراین پولهائی که آمریکا از اینطریق درایران بدست آورده همه بریال است و تبدیل ریال بدولار میسر نیست و نمیتوان آنرا برای تأمین هزینهٔ تحصیل دانشجویان ایرانی که میخواهند در داخل خاك ایالات متحده تحصیل کنند مصرف کرد زیرا تبدیل آن بدولار سبب میشود که بخزانهٔ دولت بر گردد و البته دیگر مشمول برنامهٔ فولبرایت نخواهد گردید .

ریالهای مزبور باین ترتیب بمصرف میرسد :

۱ ـ تأمین هزینهٔ تحصیل وتحقیق وتدریس وسایر اقدامات فرهنگی اتباع آمریکا در مدارس ومؤسسات عالی فرهنگی ایران .

۲ ـ تأمین هزینه تحصیل و تحقیق و تدریس و سایر اقدامات فرهنگی اتباع ایران درمدارس و مؤسسات عالی آمریکائی درکشورهائی که مصرف ریال در آن جاها مانع نباشد از قبیل کشورهای مجاور ایران .

۳ ـ تأمین هزینه رفتن وبازگشتن اتباع ایران بآمریکا (فقط از نامرز آمریکا) برای تحصیل و تحقیق و تدریس درمؤسسات عالی فرهنگی آن کشور و ازاین قبیل :

متن موافقت نامه

موافقت نامه بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت کشورهای متحدهٔ آمریکا راجع باستفاده از وجوهی که دولت آمریکا از فروش مازاد اموال خود در ایران بدست آورده است

نظر باینکه دولت شاهنشاهی ایران و دولت کشورهای متحده آمریکا مایلند بوسیلهٔ بسط مبادلهٔ علوم وقریحهٔ حرفهٔ از طریق روابط فرهنگی روح حسن تفاهم متقابل را بین مردم ایران و آمریکا توسعه دهند وبا توجه به بند ۳۲(ب) از قانون مازاد اموال آمریکا مورخ ۱۹۴۴ و مواد اصلاحی آن که در هفتاد و نهمین دورهٔ کنگرهٔ آمریکا زیرشماره (۵۸۴) قانون عمومی تصویب شده و بوزیر امور خارجهٔ آمریکا اختیار میدهد که برای استفاده ازپولهای رایج یا اعتبارات پولهای رایجی که از فروش مازاد اموال آمریکا در کشورهای خارجی حاصل شده و موافقت نامه برای مصرف آن وجوه در قسمت امور فرهنگی با هریك از کشورهای مزبور منعقد کند و نظر باینکه وجوهی راکه درمقابل بهای اموال مازاد جنگ بپول رایج دولت شاهنشاهی ایران تحصیل شده است بمصرف مبادلهٔ علوم وقریحهٔ حرفهٔ ازطریق روابط فرهنگی میرسد بنابراین بترتیب زیر موافقت نمودند:

مادهٔ اول - کمیسیونی بنام کمیسیون آمریکائی جهت مبادلهٔ

فرهنگی بین ایران و آمریکا (که از این ببعد فقط بنام کمیسیون نامیده می‌شود) تأسیس میگردد و کمیسیون مزبور را دولت شاهنشاهی و دولت کشورهای متحدهٔ آمریکا برسمیت شناخته و بمنظور تسهیل اجرای برنامه فرهنگی از وجوه یا اعتباراتیکه طبق بند ۳۲ (ب) از قانون مازاد اموال آمریکا مورخ ۱۹۴۴ و مواد اصلاحی آن تأمین میشود بموجب این موافقت‌نامه استفاده خواهدنمود

کمیسیون نامبرده نسبت بمواد مذکور در زیر تابع مقررات قوانین داخلی و محلی کشور های متحدهٔ آمریکا که مربوط باستفاده و مصرف وجوهی که بمنظور مصرحه در این موافقت نامه‌است نمیباشدو این وجوه و اعتبارات در ایران از رفتاری که نسبت باموال دول بیگانه میشود برخوردار خواهندبود.

وجوهی را که دولت آمریکا طبق این موافقت نامه و شرایط و محدودیتهای تصریح شده درزیر اختصاص داده است ازطرف کمیسیون مزبور یا بوسیلهٔ دیگری که بعداً مورد موافقت دولت شاهنشاهی ایران و دولت کشورهای متحدهٔ آمریکا واقع گردد برای مصارف زیر تخصیص داده میشود

۱ ـ تأمین هزینه تحصیل و تحقیق و تعلیم و سایر اقدامات تعلیم و تربیتی اتباع ایران در مدارس و مؤسسات عالی فرهنگی آمریکا واقع در مناطق خارج از ایالات متحدهٔ آمریکا و اراضی هاوائی و آلاسکا و وجزایر الئوسین و پورتوریکو و جزایر ورجین و یا اتباع دولت کشورهای متحدهٔ آمریکا درمدارس ومؤسسات عالی فرهنگی ایران.

این تأمین هزینه شامل مخارج مسافرت ـ تحصیل ـ توقف و سایر مخارج متفرقه که مربوط بتحصیل است میباشد

و یا

۲ ـ تهیهٔ وسیله حمل و نقل برای اتباع ایران که مایلند درمدارس ومؤسسات عالی فرهنگی آمریکا واقع درایالات کشورهای متحدهٔ آمریکا ـ هاوائی ـ آلاسکا ـ جزایرالئوسین ـ پورتوریکو وجزایر ورجین تحصیل نمایند بشرط آنکه حضور آنها در آن مدارس و مؤسسات تعلیم و تربیتی مانع حضور اتباع آمریکا نباشد .

مادهٔ دوم ـ بمنظور پیشرفت مقاصد فوق‌الذکر کمیسیون میتواند با رعایت مقررات این موافقت نامه کلیه اقدامات لازمه را برای عملی کردن برنامه‌ای که در موافقت‌نامه پیش بینی شده است مجری دارد . از جمله :

۱ ـ بخزانه‌دار کمیسیون یا شخص دیگری که کمیسیون تعیین نماید اجازه داده میشود در بانك ملی ایران حساب بازکرده و از آن استفاده نماید انتصاب خزانه‌دار یا شخص دیگری که تعیین میشود باموافقت وزیر امور خارجه آمریکا خواهدبود .

۲ ـ کمیسیون اجازهٔ پرداخت و اهداء وجوه برای منظوری که در این موافقت‌نامه مصرح است صادر خواهد نمود .

۳ ـ تنظیم تصویب و اجرای برنامه ها طبق منظور مندرجه در قسمت ۳۲ (ب) قانون اصلاح‌شده مازاد اموال آمریکامورخ ۱۹۴۴ .

۴ ـ توصیه دانشجویان استادان واهل تحقیق و تتبع که درایران مقیم هستند و همچنین مؤسسات ایرانی که طبق قانون اصلاح شده مازاد اموال آمریکا مورخ ۱۹۴۴ صلاحیت شرکت در برنامه را دارند بهیئت مدیره کمك هزینه تحصیلی خارجی که در قانون نام‌برده پیش بینی شده است .

۵ ـ توصیه و پیشنهاد شرایط انتخاب اشخاصی که از اجرای این برنامه استفاده خواهند نمود بهیئت مدیره فوق‌الذکر در صورتی که این شرایط برای رسیدن بمقاصدو منظور کمیسیون مفید وضروری تشخیص داده شود .

۶ ـ فراهم ساختن وسیلهٔ رسیدگی بمحاسبات کمیسیون درفواصل معینه طبق دستور بازرسانی که از طرف وزیر امور خارجهٔ آمریکا انتخاب میشوند

۷ ـ استخدام یکنفر مدیرعامل و اعضاء اداری ودفتری و تعیین و پرداخت حقوق و دستمزد آنان .

مادهٔسوم ـ کلیه مصارف تعهدات و مسؤلیت های مالی که کمیسیون می‌تواند بنماید در حدود بودجه‌ایست که از طرف وزیر امور خارجه کشور های متحدهٔ آمریکا طبق مقرراتی که میتواند وضع نماید تصویب گردیده .

مادهٔ چهارم ـ کمیسیون مرکب خواهدبود ازشش نفرعضو که سه نفر آنها ازاتباع ایران وسه نفردیگر ازاتباع کشورهای متحدهٔ آمریکا ومدت مأموریت آنها یکسال میباشد و درانقضای مدت قابل انتخاب خواه
ریاست افتخاری هیئت بعهدهٔ سفیر کبیر آمریکایاجانشین او درایران ـ
بود واو میتواند بصلاحدیدخود اعضای آمریکائی را عزل و نصب کند در
تساوی آراء برای تحصیل اکثریت رای او قاطع خواهدبود . اعضای ا
را وزارت فرهنگ ایران تعیین و معرفی خواهد کرد که
مخارجی راکه اعضاء برای حضور در جلسات متحمل م
نماید درموقع بلاتصدی شدن محل هریك ازاعضاء کمیسی
استعفا یا سبب دیگر جانشین آن بهمان طریقی که عضو ا

است تعیین می گردد .

ماده‌پنجم ـ کمیسیون برای حسن جریان کار مقرراتی وضع و کمیسیونهای فرعی که ضرورت دارد تشکیل خواهدداد .

مادهٔششم ـ هر سال گزارش جدائی بدستور و راهنمائی وزیر امور خارجهٔ کشور های متحدهٔ آمریکا راجع به عملیات و اقدامات کمیسیون بوزارت امورخارجهٔ ایران وبوزیر امور خارجه آمریکافرستاده خواهد شد .

مادهٔهفتم ـ محل ادارهٔ مرکزی کمیسیون در تهران خواهد بود ولی جلسات کمیسیون یا کمیته های آن ممکن است در محل های دیگری که کمیسیون تعیین خواهد کرد منعقد گردد و عملیات هر یك از اعضاء و کارمندان کمیسیون درهر نقطه‌ای که کمیسیون تصویب کنداجرا خواهد گردید .

ماده‌هشتم ـ دولت آمریکا در ظرف سی روز از تاریخ امضای موافقت‌نامه حسابی بمبلغ ده میلیون ریال پول رایج ایران دربانك ملی ایران بحساب کمیسیون می‌سپارد و این‌وجوه دراختیار کمیسیون بمنظور مصرحهٔ در این موافقت نامه خواهد بود و وزیر امور خارجه آمریکا برای‌مخارجی که کمیسیون اجازه میدهد وجوهی‌راکه بریال ببانك‌سپرده شده ویابعداً سپرده خواهد شد بنابحدودی که در ماده(۳) قیدگردیده بمصرف برساند .

مادهٔ نهم ـمقصوداز«وزیر امور خارجه کشورهای متحدهٔآمریکا» که در این موافقت نامه ذکر شده است وزیر امور خارجه کشور های متحدهٔآمریکا یایك صاحب‌منصب یاکارمند دولت آمریکا استکه ازجانب وی بدین‌سمت تعیین میشود .

مادهٔ دهم - اینموافقت‌نامه را باتبادل یادداشت های سیاسی بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت کشور های متحدهٔ آمریکا می‌توان اصلاح کرد

ماده یازدهم - دولت‌شاهنشاهی‌ایران ودولت کشورهای متحدهٔ آمریکا کمال سعی و کوشش را در تسهیل اجرای اینموافقت نامه و حل مسائلی که‌ممکنست ضمن‌عمل آن تولیدشود معمول خواهندداشت.

مادهٔ دوازدهم - این موافقت نامه پس از امضاء بموقع اجراء گذارده میشود.

امضاءکنندگان‌زیر بموجب اختیاری‌که ازطرف دولت متبوع‌خود دارند اینموافقت‌نامه راکه در دونسخهٔ بفارسی‌وانگلیسی تنظیم‌شده‌است درتاریخ پنجشنبه دهم شهریور یکهزار وسیصد و بیست‌وهشت (۱۳۲۸) شمسی درتهران امضاء مینمایند:

از طرف دولت شاهنشاهی ایران - علی‌اصغر حکمت‌وزیر امور خارجه
از طرف دولت کشورهای متحدهٔ آمریکا - جان وایلی سفیر کبیر

فصل دهم

غائله آذربایجان و خدمات آمریکا بایران

(چون آقای جرج الن سفیر سابق آمریکا در ایران بواسطه خدمات
(گرانبهای خود که در راه تحکیم روابط ایران و آمریکا
(بعمل آورده مورد علاقه و توجه عموم مردم میهن پرست ایران
(میباشد از اینرو ما مقدمةً بترجمه و شرح حال ایشان در
(اینجا میپردازیم و بعداً خدمات ایشان را در پست سفارت
(آمریکا ضمن تشریح مساعدتهای دولت آمریکا درموقع تخلیه
(نیروی خارجی ازایران بیان میکنم) .

جرج الن - در ۳ نوامبر ۱۹۰۳ در دورهام واقع در ایالت کارولینای شمالی پا بعرصه وجود گذاشت و پس ازطی تحصیلات مقدماتی در سال ۱۹۲٤ ازدانشگاه « دیوك » فارغ التحصیل گردید .

سپس در بانک و اداره بیمه مشغول کارشد تابتواند مخارج تحصیلات عالی خودرا دریکی از دانشگاه معروف آمریکا تأمین نماید برای نیل باین منظور از ۱۹۲٤ تا ۱۹۲۸ بشغل دبیری در یکی از کالج ها و بعداً بعنوان خبر نگار روزنامه « دورهام هرالد » مشغول کارگردید و مدتی هم عضو هیئت تحریریه روزنامهٔ « اشویل تایمز » چاپ کارولینای شمالی بود .



آقای جرج الن

بالاخره در سال ۱۹۲۹ موفق به تکمیل تحصیلات عالی خود در دانشگاه « هاروورد » که از معروفترین دانشگاههای آمریکا میباشد گردید. الن در ۲۶ سالگی وارد خدمت وزارت خارجه شد و از آن تاریخ تاکنون بقدری درانجام مأموریتهای محوله ابراز لیاقت وشایستگی نموده که از کنسول یاری بمقام سفارت ارتقاء یافته است .

نخستین مأموریت وی درجزیره «جامایکا» بود پس از آن بشانگهای رفت سپس در یونان واتن وقاهره مأموریت پیدا کرد و در ۱۹۳۸ بآمریکا بازگشت نمود .

پس از بازگشت بآمریکا درسال ۱۹۴۳ بسمت معاون اداره خاور میانه دروزارت خارجه آمریکامنصوب شدودرهمان سال بمعیت کردل هول[۱] وزیرخارجه وقت در کنفرانس مسکو شرکت جست و همچنین در کنفرانس دوم قاهره حضورپیداکرد .

جرج الن با «جیمز بیرنز[۲]» وزیر خارجه اسبق آمریکا در جلسات شورای امنیت همکاری بسیار نزدیك داشت :

در ژانویه ۱۹۲٤ که الن در مسائل سیاسی اشتهار و معروفیت درخشانی کسب کرده بود بسمت ریاست اداره خاورمیانه منصوب شد . و سپس بکفالت اداره خاورنزدیك و امور افریقا تعیین گردید در این سمت الن یکی از کسانی بود که خط مشی سیاسی آمریکا را در خاور میانه و خاورنزدیك که بقول ترومن رئیس جمهوری ازلحاظ اقتصادی و سوق الجیشی دارای کمال اهمیت است تعیین میکرد .

۱- Cordell Hull

۲ – Games Byrnes

الن ازهمان‌موقع ورود خود به‌وزارت خارجه آمریکا کارشناس مسائل مربوط بخاور نزدیك شناخته‌شد وبیش از هشت‌سال در اینقسمت خدمت کرده و تجربه‌های گرانبها اندوخته وبکلیه مسائلی که آمریکا در مناسبات خود باملل خاورمیانه و نزدیك باآن مواجه بود بصیرت کامل پیدا کرده است .

الن درسال ۱۹٤٥ نمایندهٔ آمریکا درکنفرانس بین‌المللی که برای ایجاد سازمان‌ملل‌متفق درسانفرانسیسکو تشکیل شده بود شرکت کرد و در همانسال سمت مشاور سیاسی آمریکا را در کنفرانس برلین عهده‌دار شد

الن براثر تجربه‌های گرانبها و اطلاعات کامل خودکه شرح آن گذشت دراوایل سال ۱۹٤٦ بسمت سفیرکبیر آمریکا در ایران‌منصوب شد دراینموقع «پست سفارت آمریکا در ایران بواسطه اوضاع بحرانی‌و مغشوش ایران «پست» بسیار حساس و مهمی محسوب میشد و در موقع انتصاب وی باین سمت « روزنامه اخبار خارجی‌آمریکا » چنین‌نوشت : انتصاب جرج‌الن بسمت سفیرکبیر آمریکا در تهران باینجهت است که نامبرده اطلاعات دقیق کامل دربارهٔ‌مسائل مربوطه بمحل مأموریت‌خود دارد ، و درآن‌هنگام که ریاست اداره خاورمیانه وزارت امور خارجه را عهده‌دار بود تمام‌وقت وکوشش خود را برای مطالعه ورسیدگی باین مسائل صرف میکرد .

الن در مدت‌مأموریت‌خود درایران ازطرز‌مبارزه تبلیغاتی‌شوروی برعلیه‌آمریکا اطلاعات‌کامل بدست آورد .

پس از دوسال خدمت در ایران بنا به پیشنهاد جرج مارشال‌وزیر خارجه سابق ، الن از طرف ترومن رئیس جمهوری آمریکا بمعاونت

وزارت خارجه آمریکا منصوب شد

جرج الن باوجودجوانی یکی از آزموده‌ترین دیپلماتها و لایقترین و شایسته‌ترین رجال سیاسی آمریکاست وی در وزارت خارجه آمریکا بواسطه ابتکارات خود و استعداد سرشاری که برای یافتن راه‌حل جهت غامض‌ترین و پیچیده‌ترین مسائل‌سیاسی دارد و همچنین از لحاظ اینکه می تواند میان اشخاص مختلف العقیده هم آهنگی و همکاری ایجاد نماید شهرت بسزا دارد. برای همین‌صفات‌وسجایای‌عالی‌است که‌امروز یکی از حساسترین و مهمترین مقامات که وظایف دشوار و خطیری بعهده‌دارد بکف کفایت وی سپرده شده است.

الن درپشت کار و پر کاری وهوش و قریحه جهت تشخیص مسائل جاری بطور واقع از رجال بی‌نظیر است و برای‌اینکه بااستعدادسرشار خود همواره حقیقت و واقع قضایا را تشخیص میدهد میتواند از اوقات خود بهترین استفاده را نماید.

امروز اداره برنامهٔ اطلاعات خارجی وزارت خارجه آمریکا و «صدای آمریکا» و برنامه های فرهنگی و تعلیم و تربیتی بعهدهٔ او - سپرده شده و وی با مهارت بی‌نظیری وظایف خویش‌را انجام‌میدهد

بقول وزارت خارجه آمریکا نخستین‌وظیفه‌جرج‌الن دراحراز‌مقام کنونی این‌است که برنامه اطلاعات بین‌المللی مارشال راکه شامل‌صدای آمریکا نیز میباشد بنحو بسیار مؤثر اجرا نماید وباحملات روزافزون بعضی‌از کشورهاکه میکوشندسیاست آمریکا را درمسائل بین‌المللی‌سوء تأویل‌کرده و منحرف جلوه‌دهند مبارزه کند.

در تهران دستور داد که اطلاعات لازم را دربارهٔ اوضاع آذربایجان بدست آورده بوزارت خارجه آمریکا تلگراف کند از اینرو سفارت آمریکا آقایان جرنیگن دبیر دوم سفارت و نیز سروان گارگارین معاون وابسته نظامی سفارت را مأموریت میدهد که برای بدست آوردن اطلاعات کافی بآذربایجان حرکت کنند. باین ترتیب دولت آمریکا تحقیقات خودرا در این زمینه تکمیل نموده یادداشت زیر را در تاریخ ۲۴ نوامبر ۱۹۴۵ بدولت شوروی تسلیم کرد

متن یادداشت دولت آمریکا در تاریخ ۲۴ نوامبر ۱۹۴۹ بدولت شوروی راجع بایران

« دولت ایران بدولت کشورهای متحد آمریکا اطلاع داده است درنواحی شمالی ایران که نیروی شوروی قرار گرفته قیام‌های مسلحانه‌ای بوقوع پیوسته‌است و دولت ایران دستور داده است ، قسمتی از نیروهای مسلح وی بمنظور تجدید استقرار امنیت داخلی وقدرت دولت وارد آن نواحی شود و فرماندهان نظامی اجازه نداده‌اند قوای مزبور بحرکت خود ادامه دهد و در نتیجه دولت ایران قادر نبوده است مسؤلیتی را که برای نگهداری صلح و آرامش در خاك ایران بر عهده دارد انجام دهد .

بایستی بخاطر آورد که دراول ماه دسامبر ۱۹۴۳ مارشال استالین ، و چرچیل نخست‌وزیر و پرزیدنت روزولت اعلامیه ای در تهران امضاء نموده و در آن اظهار داشتند که دولتهای آنها با دولت ایران در تمایل حفظ استقلال وحاکمیت وتمامیت ارضی ایران اتفاق نظردارند .

ایندولت کاملا اطمینان دارد که دولتهای شوروی و بریتانیای کبیر باندازه دولت کشورهای متحدهٔ آمریکا شور وعلاقه‌دارند که باکمال دقت

طبق مواثیق مندرج دراین اعلامیه رفتار نمایند .

بعقیدهٔ دولت آمریکا انجام اینقول وتعهد مستلزم اینستکه دولت ایران بتواند برای حفظ اقتدارخود و برای استقرار امنیت داخلی ، باکمال آزادی بدون مداخله مقامات نظامی یا کشوری شوروی و انگلستان و آمریکا نیروهای مسلح خود را بطوری که لازم میداند در ایران بحرکت آورد .

دولت آمریکا چنین استنباط میکند که هریك ازفرماندهان شوروی در اینخصوص بدون دستورعمل نموده‌اند، چنین تصور میشود دولت شوروی تعلیماتی بروفق اعلامیه مذکور برای آنها صادر نماید .

بهرصورت وضعیتی که فعلا ایجاد شده ، دولت آمریکا را متقاعد ساخته که منافع مشترك همه در اینستکه نیروهای شوروی و انگلیسی وآمریکائی بیدرنگ ایران را تخلیه نمایند . تاوقتیکه یکی ازاین نیروها درخاك یك دولت دوست باقی باشد، حوادث وسوء تفاهمات ممکن است واقع شود .

دولت کشورهای متحد آمریکا تاکنون نیروهای خودرا در ایران در طی سال جاری از حد اکثر ۲۸ هزار تن به کمتر از شش هزار نفر تقلیل داده و فعلا در ایران نیروی جنگی آمریکائی موجود نیست .

آنهائیکه در ایران مانده‌اند بکارهای تصفیه و فروش لوازم جنگی و بعضی نقل و انتقالات مهمی مربوط بانحلال تجهیزات ارتش اشتغال دارند با اینکه تخلیه فوری این نیروها موجب مزاحمت قابل ملاحظه‌ای برای ایندولت خواهد بود . معهذا تعلیماتی بمقامات نظامی آمریکائی مقیم ایران صادر میگردد که اقدامات فوری بعمل آورند که کلیه نیروهای آمریکائی تااول ژانویه ۱۹۴۶ کاملا ایران را تخلیه نمایند .

دولت آمریکا پیشنهاد مینماید که دولتین انگلیس و شوروی دستورهای مشابهی برای فرماندهان خود صادر و ترتیب فوری برای تخلیه کامل ایران از کلیه نیروهای خارجی تا اول ژانویه ۱۹۴۶ داده شود.

اقدامات فوری برای تخلیه ایران هرگونه تردیدی را راجع بمقاصد سه دولت درباره انجام تعهدات خود برطرف خواهد نمود، با دادن این پیشنهاد دولت آمریکا آگاه استکه هیچگونه علتی که نیروهای مزبور را مجبور کند که تاتاریخ مذکور در ایران بماند نمیبیند.

دولت آمریکا معتقد است که اقدامات فوری برای تخلیه ایران از قوای اشغالی تاتاریخ اول ژانویه نه تنها سوء تفاهمات احتمالی را مرتفع خواهد ساخت بلکه این حق شناسی بپاس خدمات و کمکهای قابل ملاحظه‌ای خواهد بود که ایران باحسن شهرت و مقامی که بسمت یکی از اعضاء ملل متفق دارا میباشد، در راه جنگ مشترک بعمل آورده است.

ملتهائی مانند ایران در کنفرانس ملل متفق سان‌فرانسیسکو تشویق شدند که نسبت بمقاصد دوستانه و حسن نیت اعضای دائمی شورای امنیت اعتماد کامل داشته باشند:

دولت کشورهای متحد آمریکا اطمینان دارد که اتحاد جماهیر شوروی و بریتانیای کبیر نیز کمتر از کشورهای متحد آمریکا ذیعلاقه نیستند که در رفتارشان با مللی مانند ایران رویه‌ای پیش گیرند و ثابت نمایند که اعتماد این ملل در باره اعضاء دائمی شورای امنیت بیجا نبوده است».

دولت شوروی پس از دریافت یادداشت بالا یادداشت زیر را که خلاصه

آنرا نقل میکنیم بعنوان پاسخ بدولت آمریکا فرستاد .

« اظهارات مندرجه دریادداشت آن دولت مربوط بقیام مسلحانه در شمال ایران طبق اطلاعات دولت اتحاد جماهیر شوروی با حقیقت وفق نمیدهد .

واقعه شمال ایران نه تنها قیام مسلحانه برعلیه دولت شاهنشاهی ایران نیست ، بلکه طبق مندرجات بیانیه صادره از مجلس ملی شمال ایران بمنظور عملی نمودن آرمانها و تأمین حقوق دمکراسی اهالی آذربایجان ایران است که در حدود سرحدات ایران طالب استقلال داخلی بوده و دارای زبان مخصوص نیز میباشد .

مجلس ملی آذربایجان بموجب بیانیه‌ای که صادر کرده احساسات خود را نسبت به‌شاه و مجلس و دولت ایران ابراز داشته ووجود خود را ناشی ازقانون اساسی ایران دانسته‌است . ولی عناصر مرتجع بااعطای حقوق ملی باهالی شمال ایران مخالفت میورزند . اما فرماندهی نیروی شوروی درایران از نقل وانتقال قوای نظامی وژاندارمری وشهربانی ساکن نقاط شمالی ایران ممانعت نمی‌نماید .

طبق اطلاعات دولت شوروی یك هنگ سوار ، دو تیپ پیاده و دو هنگ ژاندارمری که اکنون در شمال ایران موجود است قادر بتأمین نظم آن نواحی میباشد

دولت شوروی از آن‌جهة با اعزام قوای جدید از طرف حکومت مرکزی ایران مخالفت ورزیده که این امر باعث ازدیاد خونریزی خواهد شد چه درآنصورت دولت شوروی نیز برای حفظ نظم وآرامش ناگزیر از ازدیاد نیروی خود خواهد شد وچون باین امر میل ندارد لذا باورود قوای جدید ایران بآن‌حدود موافق نیست .

جرج الن علاوه بر تصدی اداره اطلاعات و مبادلهٔ فرهنگی وامور اجتماعی آمریکا امور مربوطه به یونسکو رانیز بعهده دارد.

از مختصات دیگر جرج الن بیان گرم و شیوا و منطق محکم و استوار اوست و ازاین جهت نامبرده درآمریکا یکی از ناطقین زبردست معروف محسوب میشود و دائم از وی دعوت بعمل میآید که در مجامع و مؤسسات مختلف در بارهٔ مسائل سیاسی سخنرانی کند.

جرج الن اخیراً بواسطه بسته شدن اداره اطلاعات سفارت کبرای آمریکا در شانگهای از طرف مقامات کمونیستی چین چنین گفت:

« بسته‌شدن اداره اطلاعات سفارت کبرای آمریکا درشانگهای دلیل دیگری است که دیکتاتوری کمونیست مانند سایر حکومتهای مستبد جهان در وهله اول سعی دارد از انتشار اخبار جلوگیری نماید.

دیکتاتوری واستبداد همواره توام باسلب آزادی جراید و سانسور اخبار میباشد.

حکومت‌های دیکتاتوری و توتالیتر تا اتباع خود را از اوضاع و احوال دنیا بی‌خبر و بی‌اطلاع نگاه ندارند هرگز قادر نخواهند بود دوام بیاورند زیرا کمونیست‌ها میدانند بزرگترین دشمن آنها اجتماع مطلع و آگاه میباشد ».

کشور ایران ازلحاظ استراتژیك موقعیت بسیار مهمی را درجهان امروز حائز است زیرا روسیه شوروی برای اینکه بخلیج فارس دست پیدا کند و بهندوستان برسد همیشه راه ایران را مناسبترین راه دانسته و مدنظرش میباشدازطرف دیگر چون سرزمین ایران از مهمترین منابع

نفت خیز جهان میباشد دول بزرگ همیشه چشم باینسرزمین دوخته‌اند وبویژه همسایگان بزرك ایران بوسائل مختلف درامور ایران ازسالهای پیش شروع به انتریگ وتوطئه نموده تا بتوانند نفوذ اقتصادی خود رادرضمن نفوذ سیاسی درایران برقرار نمایند.

در اوت ۱۹۴۱ که ارتش‌های انگلیسی وشوروی ازطرف جنوب و شمال بداخله ایران هجوم آورده و ایران را اشغال کردند روسها مدعی شدند که اینعمل آنها برای حفظ سر زمینهای نفت باکو و اخراج عمال محور از ایران بوده و انگلیس هم حفظ راه هندوستان و نیز محافظت منابع و دستگاه‌های نفت جنوب راکه بمنزله قلب انگلستان محسوب میشود بهانه نمودند.

ارتش شوروی پس از بمباران شهرهای بلا دفاع ایران در قسمت شمال، از مرز آذربایجان تاکرج که در ۳۶ کیلومتری تهران است اشغال نموده و درتمام مدتی که ایران دراشغال شوروی بود در تمام امور این شهرستانها دخالت مینمودند ودولت مرکزی کوچکترین قدرتی درشهرهای شمالی از لحاظ سیاسی نداشت انگلیسها هم شهرهای جنوب را پس از اینکه نیروی دریائی ایران را ازبین بردند اشغال کرده ولی مانع اقدامات مأمورین دولت نمیشدند.

پس ازچندی ارتش آمریکا هم مأمور رساندن مهمات از راه ایران بشوروی شد. وقتی که انگلیس و شوروی بیطرفی ایران را نقض وکشور مارا اشغال کردند بادولت وقت که بریاست مرحوم فروغی «ذکاءالملك» بود وارد مذاکره شده ویك قرارداد سه‌جانبه بستند در این قرارداد مقرر شده بود که قوای اشغالی انگلیس و شوروی ایران را درظرف شش ماه پس ازخاتمهٔ جنگ تخلیه نمایند.

پس از اینکه آلمان درمه ۱۹۴۵ از پادر آمد دولت ایران بوسیله یادداشتی درتاریخ ۲۹ اردیبهشت ۱۳۲۴ مطابق ۱۸ مه ۱۹۴۵ سه نامه بدولتهای شوروی و انگلیس و آمریکا مبنی بر تبریك و اظهار خوشوقتی از تسلیم بلاشرط آلمان و همچنین تقاضای تخلیه ایران از قشون متفقین طبق قرارداد منعقده فرستاد. ازطرف متفقین باین تقاضای دولت ایران جوابی داده نشد ولی بعداً در کنفرانس پوتسدام موضوع تقاضای ایران مبنی بر تخلیه ارتش متفقین از ایران مورد مذاکره قرار گرفت و تصمیم کنفرانس را سفارت انگلیس وشوروی درتهران رسماً بوزارت خارجه اعلام داشتند که در کنفرانس پوتسدام چنین مقرر شد که نیروی انگلیس و شوروی فوراً تهران را تخلیه نماید اما راجع بتخلیه کامل ایران درانجمن وزیران که در سپتامبر ۱۹۴۵ درلندن تشکیل میشود تصمیم مقتضی اتخاذ خواهد شد سر انجام در این انجمن تصمیم گرفته شد که در تاریخی که در قرارداد ذکر شده است نیروی متفقین پس ازشکست ژاپن ایران را تخلیه نمایند.

در خلال این اوقات که دولت ایران با دول انگلیس شوروی مشغول مذاکره راجع بتخلیه ایران بود درقسمت شمال ایران دراستان آذربایجان فعالیتهای سیاسی زیرپرده صورت می گرفت که ناگهان پرده از روی این عملیات برداشته شد و قیام آذربایجان بکمك روسها بشرح زیر انجام شد.

در اواخر شهریور فرقه دمکرات تشکیل و مرام نامه خود را که قسمت مهم آن مبنی برخود مختاری آذربایجان ورواج دادن زبان ترکی بجای زبان فارسی بود منتشر نمود حزب توده ایران هم در آذربایجان منحل و اعضاء آن بحزب دمکرات آذربایجان ملحق شدند کابینه آقای

صدر استعفاء داد و دولت جدید بریاست آقای حکیم‌الملك تشکیل گردید و در اواخر آبان ماه انقلاب در آذربایجان شروع شد و دولت در صدد بر آمد برای جلوگیری از این قیام مسلحانه نیروهای کمکی بآذربایجان بفرستد و قصد خود را هم بسفارت کبرای شوروی در تهران اعلام نمود

لیکن نیروی اعزامی ازمرکز درشریف‌آباد قزوین ازطرف ارتش شوروی متوقف شد و دهانه توپهای ارتش شوروی بطرف نیروهای اعزامی برگشت .

دولت ایران بسفارت شوروی مراجعه کرد لیکن آنها جواب میدهند که باید در اینباب از مسکو کسب دستور کنند . پس از چندی دولت شوروی جواب سفسطه آمیزی میدهد مبنی براینکه. چون عده کافی نیروی نظامی وژاندارمری و شهربانی دولت ایران در آذربایجان هست که برای حفظ انتظام و امنیت آن حدود کافی است لذا چنانچه عده دیگری اعزام شود احتمال بروز خونریزی و اغتشاش میرود و این امر موجب میشود که دولت شوروی هم برای حفظ امنیت ؛ عدهٔ تازه‌ای بآن حدود وارد کند و چون دولت شوروی باین امر راضی نیست باینجهت از اعزام نیروی تازه جلوگیری مینماید .

از اینرو وقتی دولت ایران خودرادرمقابل اینجواب سراسر مغلطه آمیز دولت شوروی دید مجبورشد به آقای حسین علاء سفیر کبیر خود را در واشنگتن دستور دهد که مستر برنز وزیر خارجه آمریکا راملاقات نموده و جریان وقایع آذربایجان و مذاکرات فیمابین دولت ایران و شوروی را باطلاع ایشان برساند .

آقای برنز پس از اطلاع ازاظهارات آقای علاء فوراً بسفیر آمریکا

آن بشرح زیر است :

یادداشت آمریکا بدولت اتحاد جماهیر شوروی در باره خودداری آنکشور از تخلیه ایران

طبق اطلاعی که دولت آمریکا بدست آورده است دولت اتحاد جماهیر شوروی مصمم شده نیروی خودرا بعد ازتاریخ دوم مارس ۱۹۴۶ در ایران همچنان نگاهدارد و این تصمیم بدون رضایت دولت ایران اتخاذ شده و ارتش شوروی با وجود اعتراض حکومت ایران کماکان دراراضی ایران باقی‌مانده‌اند بدینوسیله یادآورمیشود درجواب یادداشت مورخ ۲۴ نوامبر ۱۹۴۵ آمریکا بدولت اتحاد جماهیرشوروی مبنی برپیشنهاد تخلیه کلیه قوای خارجی از ایران دولت اتحاد جماهیر شوروی دریادداشت ۲۹ نوامبر متذکر گردیده که مدت اقامت قوای شوروی در ایران بموجب قرارداد سه‌جانبه ایران وانگلیس و شوروی مورخ ۲۹ ژانویه ۱۹۴۲ تعیین گردیده .

دولت آمریکا ازاین‌اظهارات چنین استنباط میکند که دولت‌اتحاد جماهیر شوروی قصد دارد قوای اشغالی‌خودرا منتها تادوم‌مارس ۱۹۴۶ یعنی ٦ ماه پس ازتسلیم ژاپن و امضای پیمان متارکه جنگ که در دوم سپتامبر ۱۹۴۵ صورت گرفت ازایران‌بیرون برد.این‌استنباط دولت آمریکا متکی به فصل ۵ قرارداد سه‌جانبه که در بالا دولت شوروی‌بآن استناد نموده است میباشد .

« فصل پنجم پس‌ازآنکه مخاصمه بین دول متحده با دولت آلمان و شرکای آن بموجب یك یاچندقرارداد متار که جنك متوقف‌شد ، دول‌متحده درمدتی که زیاده ازشش ماه نباشد نیروهای خود را از خاك ایران بیرون خواهند برد .» و اگرپیمان صلح مابین‌آنها بسته شد ولواینکه قبل‌از شش ماه بعدازمتارکه باشد بلافاصله نیروهای خودرا بیرون خواهندبرد» .

دولت آمریکا مطلع شد در جلسه شورای امنیت که در لندن تشکیل گردیده قرار شد دولت ایران با اتحاد جماهیر شوری بوسیله مذاکرات دوجانبه اختلاف خودرا حل کنند تصمیم دولت شوروی مبنی بر ابقای سربازان آن دولت در ایران پس ازانقضای مدتی که در پیمان سه جانبه ذکر شده وضعی را ایجاد کرده که دولت آمریکا چون یکی از اعضاء ملل متفق است و یکی ازامضاءکنندگان اعلامیه اول دسامبر ۴۹ راجع بایران میباشد نمیتواند دراینباب بی‌علاقه باشد.

بوسیله این اعلامیه بجهانیان اعلام شد که دولتهای ممالك متحد آمریکا اتحاد جماهیر شوروی وانگلستان متفقاً تمامیت‌ارضی‌واستقلال ایران‌را تضمین کردند. بعقیده دولت آمریکا نگاهداری نیرو در ایران از طرف هریك از دول امضا کننده اعلامیه مزبور که بدون رضایت و موافقت دولت‌ایران باشد کاملا برخلاف‌تصمیمی استکه درمدلول‌اعلامیه قید شده بعلاوه در جلسات مختلف شورای امنیت در لندن اینموضوع مورد بحث و قبول واقع شد که نگاهداری نیروی‌یکی از دول اعضاء سازمان ملل متفق در خاك یکی دیگر ازاعضاء سازمان بدون موافقت و رضایت آن دولت مخالف اصول منشور سازمان ملل متفق میباشد و نباید تخلیه قوای اشغالی مشروط و معلق بامور وسائل دیگر باشد.

دولت آمریکاباروح‌صمیمانه‌وارتباط‌دوستانه‌ای‌که‌بین‌دولت‌آمریکا و شوروی برای‌برانداختن دشمن‌مشترك موجود بود و ازآنجاکه‌آمریکا یکی از اعضاء ملل متفق است امیدواری‌کامل دارد که حکومت اتحاد جماهیر شوروی وظیفه خود را انجام‌خواهد داد و کلیهٔ نیروی خود را فوراً ازاراضی ایران بیرون‌خواهد برد تامزید براطمینانهای بین‌المللی که برای پیشرفت حصول صلح ودوستی‌بین‌تمام ملل جهان لازمست گردد.

دولت آمریکا تقاضا دارد که دولت اتحاد جماهیر شوروی تصمیمات فوری در اینمورد اتخاذ کند که با مفاد این یاد داشت وفق داشته باشد.

بالاخره دوم مارس گذشت و دولت شوروی خاك ایران را تخلیه نکرد و فشار خود را بعناوین مختلف بدولت ایران بیشتر میکرد بطوری که آقای علاء سفیر کبیر ایران در این هنگام مستر برنز وزیر امور خارجه آمریکا را ملاقات و بمشارالیه چنین گفت: « دولت شوروی از حدود جنگ اعصاب تجاوز کرده و نیروهای کمکی بایران فرستاده میخواهد بوسیلهٔ این نیروها فشار نظامی مستقیم خود را بر علیه ایران وارد آورد و بهمین مناسبت تقاضا کرد شورای امنیت فوراً باین قضیه رسیدگی کند.

دولت ایران ناچار در تاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۲٤ (۲۰مارس۱۹٤٦) یادداشت زیر را بشورای امنیت ملل متفق که در۲۵ مارس در نیویورك منعقد میشد ارسال داشت

یادداشت ایران بشورای امنیت

« برحسب تبصره اول ماده ۲۵ منشور ملل متفق دولت ایران توجه شورای امنیت را باختلاف نظری که میان ایران و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی موجوداست و مداومت آن محتمل است پایداری صلح وامنیت بین‌المللی را مختل سازد معطوف میدارد.

این اختلاف‌نظر پس از تصمیمی که شورای امنیت در سی ژانویه ۱۹٤٦ اتخاذکرد سبب بروز اشکالات تازه‌ای درباب اختلاف نظر قبلی میان ایران‌وروسیه راجع بماندن سربازان‌شوروی در اراضی ایران‌بعداز

دوم مارس ۱۹۴۶ که مخالف بانص صریح ماده پنجم پیمان سه گانه ۲۹ ژانویه ۱۹۴۶ میباشد پیش آمده است .

علاوه بر این اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی روسیه دخالت در امور داخلی ایران را توسط بنگاهها و نمایندگان رسمی و نیروهای مسلح خود همچنان مداومت میدهد این عملیات برخلاف پیمان سابق الذکر است . و همچنین بر خلاف اعلامیه صادره در تهران و منشور ملل متفق میباشد . پیدا کردن راه حل فوری و عادلانه‌ای توسط شورای امنیت برای رفع این اختلاف نظر برای حفظ روابط حسنه با اتحاد جماهیر شوروی که ایران باسم یك کشور مستقل و خود مختار مایل است حفظ شود و نیز برای ایفای اصول و مقرراتی که اعضای ملل متفق متعهد به محترم شمردن آنها شده‌اند اهمیت شایانی خواهد داشت .

بلادرنگ سفارت آمریکا هم در تهران گزارشات مبسوطی ازطرز عملیات مأمورین شوروی درخاك ایران بوزارت خارجه آمریکا داد و ضمناً توصیه نمود که دولت آمریکا دستوردهد بنمایندگان خوددرشورای امنیت ازحقوق حقه ایران دفاع و پشتیبانی نمایند .

پس ازتسلیم شکایت بالا بشورای امنیت گرومیکو رئیس هیئت نمایندگی شوروی درشورای امنیت درخواست نمود چون مذاکرات بین ایران وشوروی ادامه‌داردوقرار است مذاکرات از طریق مستقیم حل شود. ازاینرو تاریخ تشکیل جلسات شورا پانزده‌روز بتأخیر بیفتد .

لیکن مستر برنز وزیرامورخارجه آمریکا که کاملا بمانوردیپلماسی شوروی آشنا بود با این درخواست مخالفت نمود وقتی هم که گزارش آن را به مستر ترومن رئیس جمهوری آمریکا تقدیم کرد ترومن در یك

اما راجع باعلامیه سه دولت بزرگ. دولت شوروی بدون هیچ تردید و تزلزلی پابند باصول اعلامیه مذکور میباشد.

ضمناً این اعلامیه تعداد نیروی شوروی و مدت اقامت آنرا در ایران معین ننموده ، بلکه اینموضوع در سند دیگری یعنی در پیمان سه گانه « ایران و انگلیس وشوروی » معین شده است و دولت شوروی مقید برعایت آنست اما حق ورود نیروی شوروی به ایران طبق پیمان مورخ ٢٦ فوریه ١٩٢١ درنظر گرفته شده است.

بعلاوه موضوع خروج نیروهای شوروی و انگلیس ، دو ماه قبل درشورای وزیران خارجه در لندن مطرح و بوسیلهٔ تبادل نامه ها بین دولتین نسبت بآن تصمیم گرفته شده است ودولت شوروی بنا بآن مراتب دلیلی برای تجدید نظر در موضوع تخلیه نیروهای خود از ایران نمی بیند »

در خلال اینمدت دولت آمریکا پیشنهاد تخلیه ایران را قبل ازماه مارس ١٩٤٥ نمود ولی هیچیك از دولتین انگلیس و شوروی موافقت ننمودند و فقط آمریکا بطوری که قبلا بدولت ایران قول داده بود درست در سرّ موعد یعنی اول ژانویه ١٩٤٦ بکلی تمام ارتش خودرا از ایران خارج نمود.

درکنفرانس وزیران خارجه که در تاریخ دسامبر ١٩٤٥ درمسکو تشکیل شد.

آقای حکیمی نخست وزیر ایران ضمن ارسال یادداشتی به سه دولت تقاضا کرد که ایران را از قوای اشغالی خود بیدرنگ تخلیه کنند و موافقت نمایند که ایشان بعنوان نمایندهٔ ایران در کنفرانس مسکو شرکت کند.

لیکن روسها قبول نکردند که نماینده دولت ایران‌هم در کنفرانس مسکو شرکت کند چون در کنفرانس مسکو نسبت بتقاضای ایران تصمیمی اتخاذ نگردید و روسها هم در شمال ایران علناً بوسیلهٔ عمال خود در امور داخلی ایران مداخله میکردند واز حکومت مرکزی در قسمت شمال سلب اقتدار نموده بودند دولت ایران ناچار شد بسازمان ملل متحد از رفتار روسها شکایت نماید .

بالاخره آقای تقی زاده سفیر کبیر ایران درلندن و رئیس هیئت نمایندگی ایران در مجمع‌عمومی سازمان ملل متحدباایراد نطق‌مبسوطی دخالت مأمورین دولت شوروی را در ایران در مجمع مطرح ساخت و تقاضا نمود مجمع عمومی هرچه زودتر تصمیم مقتضی نسبت به تقاضای دولت ایران که یکی از اعضاء سازمان‌ملل‌متحد است اتخاذ نماید و در خاتمه چنین گفت اگر این مسئله بزودی‌حل نشود ، بایدآشکاراًعرض کنم که این خود یك آزمایش روشنی از ایفای وظایف مجمع میباشد و میزان اعتماد و اطمینان کامل ملل کوچك را نسبت بقضاوت ملل‌بزرگ در بارهٔ خودمیرساند » .

در تمام این احوال سفارت آمریکا درتهران مراقب اوضاع بود و آقای والس‌مری سفیر کبیر آمریکاکه تمام مدت‌عمر خود را در راه نزدیکی ایران وآمریکا صرف نموده و محبوبیت فراوانی بین دوستان ایرانی خود دارد درتهران شب و روزکار میکرد و گزارش جریان اوضاع‌ایران را دائماً جهت استحضار وزارت خارجه آمریکا می‌فرستاد و باندازهٔ در این راه زحمت کشید که سر انجام سخت مریض شد و مجبور گردید جهت معالجه بمیهن عزیز خودش آمریکا مراجعت کند .

چون درمجمع سازمان ملل متحد تصمیم گرفته شد که موضوع

اختلاف را دولتین ایران و شوروی بین خود حل نمایند و از طرفی هم دولت شوروی نابودن آقای حکیمی در رأس دولت مخالف بود و شب و روز بوسیله دستگاههای تبلیغاتی خود، خواه درداخله ایران وخواه درخارج باینموضوع اشاره میکرد ناچار آقای حکیمی از کار کنار رفت و آقای احمد قوام طبق تمایل سیاست شوروی ها روی کار آمد و رادیو مسکو هم در برنامهٔ فارسی خود شروع بتعریف از آقای قوام نمود.



اقای والس مری

پس از چندی آقای **جرج الن** معاون سابق آقای **والس مری** جانشین ایشان شد و از این تاریخ است که فعالیت خستگی ناپذیر آقای جرج الن برای تخلیه ایران ازنیروی شوروی آغاز میشود

پس از اینکه مجلس نسبت بزمامداری آقای قوام السلطنه اظهار تمایل کرد بنا بامر **اعلیحضرت همایونی** بنخست وزیری انتخاب گردید وبلافاصله بمسکو عزیمت نمود و بازمامداران شوروی ژنرالیسم استالین و مولوتف شروع بمذاکره نمود تا قضایای ایران راحل نماید لیکن در همان حینی که زمامداران شوروی گیلاسهای خود را بسلامتی ایران و هیئت نمایندگی ایران مینوشیدند در ایران درقسمتهای گیلان بوسیلهٔ عمال خود شروع بجنگ اعصاب نموده و انقلاب بر پا می‌ساختند و همچنین بوسیله روزنامه ایزوستیا درتاریخ دوم مارس ۱۹٤٦ خبرمیدادند

که نیروی شوروی فقط سمنان شاهرود ومشهد و اطراف خراسان را تخلیه مینماید و قسمتهای دیگر شمالی ایران را تا روشن شدن وضعیت فعلا تخلیه نمی نمایند دولت آمریکا منتظر انجام کار بود تا ببیند نتیجهٔ ملاقات نخست وزیر ایران بازمامداران مسکو بکجا می انجامد و روزنامه های آمریکا همه روزه سر مقاله های خود را اختصاص بقضیهٔ ایران داده و متفقاً مینوشتند که باید دولت آمریکا و سازمان ملل متحد بایران کمك کنند تا دولت شوروی نیروی خودرا از ایران خارج نماید .

حتی روزنامه های آمریکا خبر ذیل را نقل از رادیو لندن در صفحات خود درج نمودند :

« دولت آمریکا بدولت ایران یادداشتی فرستاده که در عرض ۲٤ ساعت تصمیم خودرا مبنی برارجاع موضوع ایران بشورای امنیت اظهار نماید و الا دولت آمریکا تقاضای طرح اینموضوع را در شورای امنیت خواهد کرد » .

وزارت خارجه آمریکا اینخبر را تکذیب نکرد واینخبر موقعی منتشر شد که دولت آقای قوام اقدامات آقای علاء سفیر کبیر ایران رادر شورای امنیت بخبر نگاران جرائد بدون دستور قبلی دولت ایران اعلام کرد و هیئت نمایندگی ایران در مجمع سازمان ملل متحد نمیدانستند در مقابل دستورات ضدونقیض تهران چه رویه ای اتخاذ نمایند .

وقتی که دولت آمریکا طبق گذارشات سفارت آمریکا از تهران از تصمیم دولت شوروی مبنی برعدم تخلیه خاك ایران اطلاع حاصل کرد دولت آمریکا نیز یك یادداشت اعتراضیه در ٦ مارس ٤٦ (١٥ اسفند ٢٤) توسط کاردار سفارت خود در مسکو بدولت شوروی داد که مضمون

جلسه مطبوعاتی که در همان موقع تشکیل شده بود چنین گفت :

جلسه شورای امنیت سازمان ملل متفق باید روز دوشنبه ۲۵ مارس تشکیل بشود و بهیچ‌وجه تاریخ انعقاد آن نباید بتعویق بیفتد

و همینطور هم شد گفته ترومن جامه عمل بخود پوشید و در تاریخ ۲۵ مارس ٤٦ (٥ فروردین ۲۵) جلسه شورای امنیت تشکیل شد و موضوع ایران مورد بحث قرار گرفت .

در این جلسه ابتداء **گرومیکو** اظهار کرد که چون مذاکرات بین ایران و شوروی بطور مستقیم ادامه دارد و ارتش شوروی هم از تاریخ ۲٤ مارس شروع بتخلیه ایران نموده و تا ٦ هفتهٔ دیگر اگر وضع غیر مترقبهٔ پیش نیاید تخلیه خاتمه خواهد یافت بنابراین دیگر موجبی برای باقی بودن قضیه ایران در دستور شورا نمی‌بینم .

در جواب گرومیکو مستر برنز وزیر خارجه آمریکا طی نطق مبسوطی که ایراد کرد با پیشنهاد گرومیکو جداً مخالفت نمود و گفت اگر هم توافق نظر یا قراردادی بین ایران و شوروی واقع شده باید شورای امنیت ازچگونگی آن مطلع بشود بهمین علت لازمست که قضیه ایران در برنامهٔ کارهای شورا باشد .

در سومین جلسه شورای امنیت تقاضای « گرومیکو » مبنی بر تأخیر رسیدگی بقضیه ایران تا تاریخ دهم اوریل باکثریت آراء رد شد و گرومیکو باحالت عصبانی باتفاق هیئت نمایندگی شوروی سالن جلسه را ترک گفت. دراین هنگام مستر برنز نماینده آمریکا بحمایت ایران بر خاسته و با حرارت فوق العاده‌ای طی نطق خود چنین گفت :

« **اکنون باید نظریه دولت ایران را شنید زیرا اطلاعاتی**

که دولت آمریکا از نمایندگان خود در ایران بدست آورده حاکی است که اختلاف بین ایران و شوروی بهیچ نحو حل نشده . واگر بدولت ایران اجازه داده نشود که در این جلسه رأی خود را ابراز بدارد بطور حتم باید دانست که سازمان ملل متفق در موقعی که هنوز دورهٔ کودکی خود را طی میکند خواهد مرد بعلاوه بی اهمیتی این سازمان با این ترتیب ثابت خواهد شد . دول کوچك میل دارند که سازمان پیوسته وجود داشته باشد تا آنها بتوانند تقاضاهای خود را بنمایند » .

پس از نطق مستر برنز راجع بحضور آقای علاء در جلسه رأی گرفته شد و باکثریت تصویب شد فقط نمایندگان استرالیا و لهستان رأی مخالف دادند .

آقای علاء وارد طالار جلسه شد و گزارشهای خود را قرائت نمود و درضمن چنین گفت :

« دولت ایران هیچگونه قرارداد محرمانه با دولت شوروی منعقد نکرد . واگر قضیه ایران در شورای امنیت بتعویق افتد صلح بین المللی در خطر است .

. . . . دولت شوروی پیشنهاداتی بدولت ایران نموده که با حاکمیت واستقلال ایران کاملا مخالف است از نخست وزیر ایران در مدت ۱۶ روز اقامت درمسکو تقاضاهائی شده است که چون بامنشور اتلانتیك و پیمان ملل متفق و باقانون اساسی ایران کاملا مخالف بوده ، لذا از طرف دولت ایران کلیه آن تقاضا ها رد شده است .

در خاتمه اظهار کرد من ازشورای امنیت تقاضادارم که فوراً بقضیه

ایران رسیدگی شود ».

چهارمین جلسهٔ شورای امنیت ـ آقای علاء در جلسه شرکت کرد ولی کرومیکو نمایندهٔ شوروی از حضور در جلسه خودداری نمود و پس از یك رشته مباحثات بین آقای علاء و اعضاء شورا بالاخره مستر برنز اظهار کرد شورای امنیت مادامیکه اطلاعات جدید و موثقی بوی نرسد که تخلیه ایران از نیروی شوروی بطور قطع و بدون هیچ گونه قید و شرطی انجام میگیرد میتواند بکارهای خود درباره ایران ادامه دهد بنابراین مستر لی باید قضیه ایران را همچنان در برنامه کارهای شورای امنیت بگذارد تا حقیقت اوضاع روشن بشود . ضمناً برنز طرح زیر را که بایدنمایندگان ایران و شوروی بآنها پاسخ دهند بصورت سه سؤال تنظیم و بشورای پیشنهاد نمود و تصویب شد

۱ ـ تذکاریه‌ای که سفیر کبیر شوروی راجع بتخلیه ایران از ارتش سرخ بدولت ایران داده است باید منوط بهیچ گونه قید و شرطی نشده باشد .

۲ ـ آیا دنباله مذاکرات مسکو در تهران هم ادامه دارد ؟

۳ ـ آیا خروج ارتش سرخ از خاك ایران باین مذاکرات مربوط نیست ؟

• در پنجمین جلسه شورای امنیت آقای علاء شرکت کرد و پاسخ سؤالات بالا را طی نامه‌ای بشرح زیر بشوری تقدیم کرد .

« در ۲٤ مارس سفیر کبیر دولت شوروی آقای قوام‌السلطنه را ملاقات نموده ، یادداشتی تسلیم ایشان کرد که ، نیروهای شوروی از ۲٤ مارس شروع بتخلیه ایران نمودند . و در این یادداشت هم هیچ نوع قید و شرطی ذکر نگردیده بود .

بعد دومرتبه سفیر کبیر شوروی نخست‌وزیر را ملاقات و اظهار کرد که حکومت خود مختاری آذربایجان از طرف دولت ایران برسمیت شناخته شود و همچنین پیشنهاد کرد که یك شرکت نفت ایران و شوروی تشکیل بشود که شروع باستخراج نفت شمال بنماید.

چند روز بعد باز هم سفیر کبیر شوروی با نخست وزیر ایران ملاقات و اظهار نمود که از مسکو تلگرافی دارد که در آن تذکر داده شده عملیات تخلیه درصورتی انجام میگیرد که « **واقعه غیر مترقبه‌ای پیش نیاید** ».

و سه روز بعد بازهم ملاقاتی بعمل آمده و سفیر کبیر دولت شوروی به نخست وزیر اظهار داشت که اگر راجع بآذربایجان و نفت توافق حاصل بشود دیگر جمله «**واقعه غیر مترقبه**» موضوع نخواهد داشت.

بعد مستر برنز از آقای علاء پرسید که آیا پیشنهاد دیگری دارد ایشان در جواب اظهار نمود دولت ایران آماده است شکایت خود را از شورای امنیت پس بگیرد ولی درصورتی که دولت شوروی تعهد نماید که خاك ایران را بدون هیچ قید و شرطی منتهی تا ٦ مه تخلیه نماید.

در ششمین جلسه شورای امنیت دنبالهٔ مذاکرات راجع بایران ادامه پیدا کرد.

در این جلسه مستر برنز برای اینکه کشور عزیز ما که در آن موقع درچنگال بی‌رحمانه خرس سبع و درندهٔ گرفتار آمده بود نجات پیدا کند پیشنهاد زیر را تقدیم شوری کرد.

متن پیشنهاد مستر برنز وزیر امور خارجه آمریکا

« با مطالعه اظهارات نماینده ایران باینکه احاله قضیه ایران به شوری باین علت است که سربازان شوروی پس از تاریخی که برای عزیمتشان

در پیمان سه‌جانبه ۲۹ ژانویه ۱۹٤۲ تعیین شده بود همچنان درایران باقی مانده‌اند و بادر نظر گرفتن جواب‌شوروی‌واطمینانهائی که آن دولت داده است باینکه سربازان هم اکنون‌مشغول‌تخلیه‌اراضی‌ایران‌اند واراده حکومت شوروی اینستکه عمل تخلیه با سرعت ممکن مداومت یابد و حکومت‌شوروی پیش‌بینی میکند که تمام سربازان روسی‌درظرف پنج‌تاشش هفته کلیهٔ خاك ایران را ترك کنند و اینکه مذاکراتی فعلامیان‌دودولت ایران و شوروی درجریان‌است ارتباطی با مسئلهٔ تخلیه ندارد و استحضار باینکه وجود نیروی شوروی در ایران درجریان مذاکرات میان دو دولت ایران وشوروی مؤثر نیست‌با رعایت‌اینکه تخلیه‌کلیه سربازان شوروی از تمام خاك ایران در مدتی کوتاه‌تر از مدتی‌که حکومت شوروی پیشنهادکرده است تصمیم براین شدکه شوری ادامه‌مسئلهٔ ایران را تا ٦ ماه مه بتعویق بیندازد ودرتاریخ مزبور از دوحکومت ایران و شوروی درخواست میشودکه آیا تمامی اراضی ازکلیه سربازان شوروی تخلیه شده است یانه ودرآن‌وقت‌شوری تصمیم خواهد گرفت که آیا قضیه ایران باز لازم است مطرح مذاکره شود یا خیر ؟ »



مستر بیرنز

ولی مشروط براین‌که اگر دراین اثناء حکومت شوروی باایران

یا هریك از اعضای شورای امنیت بدبیر کل‌شوری گزارش داد که بروز حوادثی تخلیه ایران را از نیروی شوروی معوق گذاشته یا ممکنست معوق سازد بنابراطمینان‌هائیکه روسیه شوروی بشوری داده است دبیر کل‌شوری فوری باستحضار شوری‌خواهد رسانید که آن پیشنهاد را در سرلوحه برنامه خود برای رسیدگی قرار دهد .



آقای علاء

به‌پیشنهاد بالا رأی گرفته‌شد وباکثریت آراء تصویب‌شد دراینموقع آقای علاء برخاستند و نطق مهیجی ایراد نمودند که خلاصه آن‌را ذیلا

نقل میکنیم .

« آقایان نمایندگان یك مسئله اساسی جلو شما بود که میبایستی بحل آن بپردازید . ملت ایران مایل بوده که نیروهای بیگانه خاك کشور اورا تخلیه نمایند ، تاملت آزادی عمل و دولت قدرت اداره کردن کشور را داشته باشد اطمینانی که دولت شوروی در محضر این دادگاه عالی داد که ایران را از نیروهای خود در ظرف ٥ الی ٦ هفته و منتهی تا تاریخ ششم مه تخلیه نماید دولت ایران نیز این تعهدرا بعنوان یك تأمین بدون شرط قبول نمود .

بمحض اینکه این نیروها از کشور ماخارج و در ایران اوضاع بحال عادی بر گشت نمود . یقین دارم دولت متبوعه من حاضر خواهد بود کلیه مسائل راجع بروابط با همسایه شمالی را که دولت شوروی در آنها منافع مشروع دارد با روح تفاهم و دوستی مورد مطالعه قرار دهد

آرزوی ما اینست که با اطمینان بدوستی همسایگان وسایر اعضای ملل متفق زندگی نموده ، بحفظ امنیت وصلح در خاورمیانه که نقطه حساسی میباشد کمك نمائیم .

نظر باینکه دولت شوروی حاضر شده نیروی خود را از ایران خارج نماید ، دولت ایران هم حاضر است از اصرار خوددر مراجعه بشورای امنیت خودداری کند ولی طبعاً بدیهی است که تا تخلیه کامل ایران ، موضوع در دستور شورای میماند و هرلحظه ممکنست در شوری مطرح شود فرصتی که این قضیه برای فعالیت بشورا داد ، روح صبر و حسن اطمینان بتمام ملل بخشید .

اگرچه ملل ضعیف ازقدرت نظامی محرومند ، ولی برخی

از آنها بعلت فرهنگ و خدمات خود بعالم انسانیت درطی هزاران سال استقلال خودرا حفظ کرده‌اند . »

بالاخره پس ازاینکه دولت شوروی ملاحظه کرد که دولت آمریکا در تمام مراحل ازحقوق حقه ایران دفاع میکند و درصورتی که بخواهد تخلیه ایران را بیش ازاین بتعویق بیاندازد آمریکا شدیداً مقاومت خواهد کرد و ممکن است طبق تصمیم شورای امنیت با نیروی شکست ناپذیر آمریکا و سایر اعضاء سازمان ملل متحد مواجه شود از اینرو دفعتاً جنبه تعرضی خود را تبدیل به جنبه دفاعی نمود و نماینده آن دولت درشورای امنیت متعهد شد که دولت شوروی بدون هیچ قید وشرطی ایران را تا ٦ مه تخلیه خواهد نمود و ضمناً سفیر کبیر مسکو سادچیکف در تهران طبق دستور مسکو ابلاغیه زیر که مشتمل بر ٤ ماده بود مشترکاً باآقای قوام نخست وزیر وقت امضاء نمودند .

خلاصه ابلاغیه :

۱ - قسمتهای ارتش سرخ از تاریخ ٢٤ مارس ٤٦ یعنی یکشنبه چهارم فروردین ٢٥ در ظرف یکماه و نیم تمام خاک ایران را تخلیه می نمایند .

۲ - قرارداد ایجاد شرکت مختلط نفت ایران و شوروی شرایط آن از تاریخ ٢٤ مارس تا انقضای هفت ماه برای تصویب مجلس پانزدهم پیشنهاد خواهد شد .

۳- راجع بآذربایجان چون امر داخلی ایران است ترتیب مسالمت آمیزی برای اجرای اصلاحات بر طبق قوانین موجوده و با روح خیر خواهی نسبت باهالی آذربایجان بین دولت و اهالی آذربایجان داده

خواهد شد .

نخست وزیر ایران **احمد قوام**

سفیر کبیر اتحاد جماهیر شوروی **سادچیکف**

پس ازاین ابلاغیه نامهٔ دیگری سفارت‌شوروی راجع بتخلیه‌ایران بشرح زیر بدولت ایران نوشت .

بتاریخ اوریل ۱۹٤٦

جناب‌آقای نخست وزیر

بدین وسیله محترماً باستحضار جنابعالی می رساند که از طرف نیروی شوروی در ایران طبق دستورات واصله تمام عملیات مقدماتی برای اینکه در مدت یکماه و نیم از ۲٤ مارس ۱۹٤٦ کلیه واحد های ارتش سرخ مقیم ایران تمام خاك کشور مزبور را تخلیه نمایند انجام گردیده است .

بااحترامات فائقه

سفیر کبیر دولت اتحاد جماهیر شوروی - **سادچیکف**

دولت شوروی منظورش از نگاهداشتن ارتش خود در ایران و عدم‌تخلیه در موعدی که‌مقرر بوداین بود که اولا امتیاز نفت شمال را بهر نحوی که شده بدست آورد و در ثانی سیاست خودرا در ایران محکم نمایدهلیکن پس ازآنکه از این سیاست خشن و دیپلماسی غلط نتیجه در ایران نگرفت بلکه وجهه‌آزادیخواهی بین‌المللی خودرا هم ازدست داد شروع کرد در ایران بطور مخفی بوسیله عمال خود در امور ایران اخلال کردن و ازهر نوع دسیسه و آنتریك در آذربایجان خود داری نمی‌کرد حتی‌مقامات‌مسکو رسماً بدولت ایران فشارمی‌آوردند که‌دولت ایران حکومت خود مختار قلابی متجاسرین آذربایجان را برسمیت

بشناسد و قصد آنها این بود که آذربایجان‌را بکلی از ایران جدا کرده و ضمیمه یکی از جمهوری‌های شوروی نمایند ومرتباً دررادیو وروزنامه‌های خود در این‌باب تبلیغات شدیدی میکردند.

پس از آنکه مقاوله نامه نفت بین دولتین ایران و شوروی بامضاء رسید که بعداً جهت تصویب بمجلس‌شورای ملی‌تقدیم گردد دولت‌شوروی اصرار داشتکه شکایت ایران از دستور شورای امنیت خارج شود و در اثر فشار دولت شوری دولت ایران مجبور شدتلگراف زیررا بآقای‌علاء مخابره نماید:

«جناب آقای علاء چون باقوال و مواعید دولت اتحاد جماهیر شوروی دولت ایران اطمینان کامل دارد ، لذا دستور دارید بفوریت عرضحال ایران را از شورای امنیت مسترد دارید»

بمحض وصول این دستور آقای علاء شرحی بشورای‌امنیت نوشت و تقاضای استرداد شکایت دولت‌ایران‌را نمود.

وقتی موضوع استرداد شکایت ایران در جلسه شورای امنیت مطرح شدکرومیکو نماینده شوروی طی نطق مفصلی چنین گفت باید قضیه ایران از دستورشوری خارج‌شودزیرا اصولاموضوع‌ایران نباید در دستورباقی بماند مگر اینکه ثابت شود که چنین‌قضیه‌ای‌صلح‌بین‌المللی را تهدید مینماید آیا هیچگونه دلیلی در دست‌هست که‌قضیه ایران صلح بین‌المللی را تهدیدمینماید؟!!

و بهمین دلیل من تصمیم ٤ اوریل شوری رامبنی براینکه قضیه ایران تاتاریخ ٦ مه دوباره موردرسیدگی قرارگیرد صحیح‌نمیدانم‌زیرا مخالف‌باروح و اصول‌شوری است.

نماینده‌آمریکا استتینوس که کاملامطلع بود که این‌تقاضای‌ایران‌از روی‌اجبارو‌فشاردولت شوروی‌است‌دراینموقع بحمایت‌ایران برخاست‌وضمن

نطق با حرارت و مهیجی چنین گفت .

« دولت من هیچ‌علتی در بین نمی‌بیند که موجب تغییر تصمیم ٤ آوریل‌شوری گردد لذا باید قضیه‌ایران تا روز ٦ ماه‌مه در شورای امنیت بماند تا در آن تاریخ بنابااطلاعات واصله شورای‌امنیت یقین کامل کند که‌تمام‌خاك‌ایران‌ازنیروی سوروی تخلیه شده است‌وانگهی‌تغییر رای دولت ایران در موضوع شکایت خود بطور ناگهانی و در موقعی اتخاذ شده که هنوز نیرو های شوروی‌درخاك‌ایران‌اقامت‌دارند»


آقای استتینوس

بالاخره پس ازمباحثات زیادی که دراین‌خصوص بعمل‌آمدنسبت باین‌موضوع طبق‌نظریه‌کارشناسان شوری رأی گرفته شد در نتیجه باکثریت هشت رأی موافق در مقابل سه رأی مخالف تصمیم شورای امنیت بر این شد که باوجود درخواست‌مسترد داشتن‌شکایت، دادخواست‌ایران‌همچنان‌درشورای‌امنیت باقی بماند .

در این‌هنگام درنتیجه مداخلات بی‌رویه مأمورین وعمال‌شوروی در امورآذربایجان و ایجاد حکومت ترور و ناامنی و قتل و غارت در آن خطه دولت‌ایران مجبور شدکه دستور جدیدی بآقای‌علاء درآمریکا دهدآقای علاء قبل از تشکیل جلسه مورخ ۲۰ مه شورای امنیت نامه

زیر را به «تریگوبلی» منشی کل سازمان ملل متفق تسلیم کرد .

« اطلاعاتی که تا ساعت ٥ بعداز ظهر امروز دردسترس من بوده است حاکی از آنستکه بر اثر مداخلاتی که قبلا از آن شکایت شده بود از اجرای قدرت ایران در استان آذربایجان هنوز ممانعت میشود و نیز مداخلات شوروی در امور داخلی ایران خاتمه نیافته است . و بهمین جهت ممکن نشده استکه خبرهائی را مبنی براینکه سربازان شوروی بالباس غیر نظامی در آذربایجان باقیمانده و اینکه وسایل نظامی در اختیار کسانی که بمبارزه باحاکمیت وقدرت دولت متبوع من برخاسته اند گذارده شده مورد بازرسی قرار گیرد

من از طرف دولت خود اطلاعات صحیحی در خصوص زدوخوردی که میگویند بین نیروهای ارتش شاهنشاهی و نیروی نظامی آذربایجان که در مدت اشغال نیروهای شوروی بوجود آمده در گرفته ندارم ، واگر اخبار زدوخورد مسلح دراین ناحیه که از لحاظ « استراتژی » موقعیت بحرانی دارد راست باشد بدون شك خطر بصلح وامنیت بین المللی سخت وقریب الوقوع است » .

پس ازاینکه نامهٔ آقای علاء درجلسه ٢٠ مه خوانده شد مذاکرات زیادی دراطراف آن بعمل آمد وقرارشد درجلسه ٢٢ مه نسبت باینموضوع شوری تصمیم مقتضی اتخاذ نماید درجلسه ٢٢ مه ابتداء رئیس شوری نامه آقای علاء را مبنی برتخلیه تبریز و شش شهر دیگر از نیروی شوروی باطلاع شوری رسانید .

مستر استتینوس نماینده آمریکا فوراً برخاست و اظهار کرد : « این گزارش کامل نیست ، زیرا فقط شش شهر را اسم میبرد . وپیشنهاد کرد که طرح موضوع ایران در شوری بتعویق بیفتد و مسئلهٔ آن همچنان

در دستور شوری باقی بماند تا وقتی که اوضاع ایران کاملا روشن شود .

سپس آقای علاء ازجا برخاست وچنین گفت « من نامه اخیر آقای قوام نخست وزیر ایران را راجع بتخلیه آذربایجان یك نامه قطعی تصور نمیکنم . اکنون در آذربایجان یك ارتش از یاغیان و متجاسرین بوجود آمده استکه تحت نظارت شورویها تشکیل یافته و این ارتش از ورود سربازان ایرانی بآذربایجان ممانعت میکنند » .

بالاخره شورای امنیت باکثریت ۹ رأی در مقابل یك رأی مخالف «لهستان» تصویب کرد که قضیه ایران همانطوریکه مستر استتینوس و نماینده هلند پیشنهاد کرده بودند برای مدت کوتاهی بتعویق بیفتد .

سر انجام دولت شوروی طبق نامه زیر ارتش خودرا ازایران پس از اینکه ٦٧ روز که از موعد قرار تخلیه میگذشت طبق شرحی که گذشت تخلیه نمود و نامه زیر را سفارت شوروی در تهران بدولت ایران داد .

آقای نخست وزیر محترم

در تعقیب اظهارات شفاهی که اینجانب موافق دستور دولت شوروی در ۲۲ ماه مه سال جاری کرده است بدینوسیله محترماً تأیید مینماید که تخلیه قشون شوروی از ایران مطابق نقشه تخلیه که از طرف ستاد ناحیه قفقاز در اواخر ماه مارس سال جاری اعلام گشته است نهم ماه مه کاملا انجام یافت خواهشمند است صمیمی ترین احترامات این جانب را قبول فرمایند

سادچیکف

ارتش شوروی آذربایجان را تخلیه کرد لیکن عمال آنها با اسلحه و مهمات آنها هنوز در آذربایجان بودند و مانع ورود ارتش ایران بآن نواحی

بودند سفارت آمریکا در تهران هنوز کاملا اوضاع راموا طب و همه‌روزه
اخبار آذربایجان‌را باطلاع وزارت‌خارجه آمریکامیرساند دولت آمریکا
هم دائماً با دولت شوروی راجع بمسئله آذربایجان ایران در تماس‌بوده
و چه کتباً و چه شفاها توصیه میکرد که دولت شوروی از کمك مادی و
معنوی‌خود نسبت به‌متجاسرین‌آذربایجان‌خودداری نماید‌دولت‌شوروی
هم تحت الفاظ دیپلماسی جواب میداد که این نهضت یك‌نهضت ملی (!)
است و دولت شوروی ابداً دخالتی (!) در امور آنجا ندارد اینموضوع
چند ماهی طول کشید و نمایندگان حکومت تهران بآذربایجان رفتند و
و نیز نمایندگان متجاسرین بتهران آمدند لیکن در این زمینه موفقیت
حاصل نشد دولت ایران‌هم حتی‌المقدور از فرستادن ارتش بآذربایجان
خودداری میکرد ازلحاظ اینکه مبادا شوروی ها بحمایت متجاسرین
نیروی خود را مجدداً داخل ایران کنند و ازطرفی‌هم اسلحه و مهمات
به متجاسرین بدهند و جنگ خانگی چون اسپانیا و چین برپا افتد
سرانجام دولت آمریکا بدولت شوروی‌فهمانید که آذربایجان جزءلاینفك
ایران‌است‌و بایدارتش ایران‌بآنجا برودوصلح‌وامنیت رابرقرارنمایدواگر
ازطرف‌دولت‌شوروی‌دراین‌باب‌هرگونه‌کمکی به‌متجاسرین بشود‌ومانع
اقدامات‌دولت‌ایران‌گردد آمریکاازلحاظ اینکه حافظ‌صلح‌جهانی‌است‌واز
طرفی‌یکی‌ازاعضاءشورای‌امنیت‌سازمان‌ملل‌متحدمیباشدو بخصوص‌حکومت
آمریکا ازدیربازعلاقمند بوده که کشور ایران مستقل‌و آزادباشد ناگزیر
خواهدبود که‌باتفاق اعضاء سازمان ملل‌متحددراین‌باب‌تصمیم مقتضی اتخاذ
نمایدچون‌دولت شوروی‌دید که‌تصمیم آمریکاجدی‌است‌ازاینرو بعمال خود
که‌از سران متجاسرین‌بودند‌خبرداد‌منتظرهیچگونه کمکی ازطرف‌دولت
شوروی نباشند فقط میتوانند هرچه زودتر خودرا باینطرف‌مرزشوروی

رسانیده تاجان خودرا ازدست میهن‌پرستان ایرانی نجات دهند .

دراین هنگام بنا بفرمان و باحضور **اعلیحضرت همایون شاهنشاه** کمیسیون محرمانه درقصر سلطنتی از نخست‌وزیر ووزیر جنگ و رئیس ستاد ارتش تشکیل و گزارشی راجع بموقعیت آذربایجان بعرض رسیدو درباب فرستادن نیروی بطرف آذربایجان از طرف اعلیحضرت همایون تصمیم مقتضی اتخاذ گردید در این جلسه **شاهنشاه** چنین فرمودند .

« بنابرآنچه بر من مسلم است ، دسته‌ای از ماجرا جویان بایجاد وحشت و اضطراب میخواهند یکی ازنواحی حاصلخیز و ثروتمند ایرانرا تصاحب کنند و با تهدید و فشار برحکومت مرکزی تمام متصدیان امورر ا بقبول درخواستهای خودوادار نمایند و اگر این روش ادامه یابد وازآن جلوگیری نشود، قطعاً مسبب آثار سوئی در سراسر کشور خواهدگشت و رشته نظم را را خواهدگسیخت و استقلال کشور را متزلزل خواهدساخت لذا بنابروظیفه مهمی که برعهده من است ، باتصویب وتصدیق گزارش ستاد دستور میدهم که بلافاصله اقدامات اساسی و فوری برای نجات آذربایجان و سراسر مناطق شمالی شروع و ریشه فساد برکنده شود » .

براثر فرمان صریح **شاهانه** دولت مقدمات کار را فراهم کرد وارتش ایران‌هم بنابفرمان **اعلیحضرت همایون شاهنشاه** درتاریخ صبح روزجمعه ۱ر۹ر۲۵ از تهران بطرف آذربایجان حرکت نمود .

« و درروز ۱۵ آذر ماه اعلیحضرت همایونی شخصاً با هواپیما بزنجان تشریف فرما شدند و جزئیات کار وعمل ستونها را بفرماندهان تذکر دادند واهمیت این اردوکشی ونتیجه آنرا

تشریح کردند و در تمام مدت عملیات و حرکت قوا شخصاً با طیاره پروازهائی انجام داده و کاملا مراقب اعمال ستونهای مختلف و خاصه قسمت اعزامی از زنجان بودند»[۱].

فقط در چند نقطه زدوخورد کوچك محلی پیش آمد و ارتش راه خود را از نیروی متجاسرین پاك میکرد و بسرعت پیشروی مینمود سران متجاسرین قبل از آنکه ارتش در آذربایجان مستقر شود چند کامیون از اثاثیه و اجناس گرانبها و صندوقهای مملو از پول وطلا وجواهر آلات که متعلق بمردم آذربایجان بود پر کرده بآن طرف مرز شوروی رهسپار شدند سر انجام ارتش وارد تبریز شد و تاسرحد ایران پیشروی کرد و مردم گاو وگوسفندهائی بود که در مقابل ارتش ایران قربانی میکردند برای اینکه آنها را از دست حکومت ترور غلام یحیی دژخیم آذربایجان نجات دادند.

نکتهٔ قابل ملاحظه‌ای که باید برای ثبت درتاریخ در اینجا گفته شود اینستکه مردم غیور آذربایجان قبل از اینکه ارتش واردتبریزشود کسانیکه پدرانشان و مادرانشان و اولادشان بفجیعترین طرزی بدست اعضاء جانی و خائن فرقه قلابی دمکرات کشته شده بودند و اموال آنها غارت شده بوداسلحه‌را ازدست این جنایتکاران گرفته وآنها را با اسلحه خودشان کشتند وثابت کردند که ایرانی ممکن است برای مدتی تحت تسلط قرار بگیرد لیکن بطوری‌که تاریخ چندین هزار ساله ما نشان میدهد ایرانی باوجود حملات وتهاجم اقوام‌وقبایل وجهان گشایان‌مختلف از قبیل اسکندر مقدونی و اعراب و مغول و غیره هیچگاه روح ایران دوستی را ازدست نداده وهمواره درهر حادثه‌ای که پیش آمده‌سرانجام آتش وطن‌پرستی درقلوبش شراره کشیده و این ملت کهنسال بار دیگر

---

۱ - از یادداشتهای پسیان مخبر روزنامه‌اطلاعات.

توانسته‌است پرچم استقلال و آزادی را که‌ازهزاران‌سال‌پیش بردوش‌داشت مجدداً برافراشته و به پیشروی‌خود ادامه‌دهد زیرا این‌وحدت ملی را که امروزمادار‌یم‌اجدادمان‌ازهزاران‌سال‌پیش پایه‌واساس‌آنرا‌محکم‌ریخته‌اند آن وقتی که ملل متمدن‌امروز درجهالت و بربریت زندگی میکردندکشور ایران بوعلی‌سینا و زکریا رازی و شیخ بهائی را بجهان علم عرضه می‌داشت و فردوسی و سعدی و حافظ و خیام را بدنیای ادب تقدیم مینمود.

خیلی بایدکوته‌نظر و بی‌فکر باشندآنهائیکه‌خیال میکنندمیتوانند تاریخ این‌کشوررا تغییربدهندوایران هم درردیف‌قرقیزستان‌وازبکستان قرار دهند خیر. افراداین‌کشور طبق مدارك‌تاریخی ازچندین‌هزار سال پیش تاکنون تحت رژیم سلطنتی زندگی کرده و وجود شاهنشاه دررأس کشورکه بمنزلهٔ مظهر استقلال و وحدت ملی است جزء افتخارات ملت ایران بوده‌است.

کورش شاهنشاه ایران بودکه در دو هزار و پانصد سال پیش ارتش دلیر ایران را رهبری نمود و تادرهٔ نیل پیش برد وخشایارشاه دستورداد بمهندسین‌ایرانی‌درروی بسفر پلی‌بستندتاارتش ایران ازآنجا عبورکنند همین توضیح مختصر برای نبوغ‌وعظمت ایرانی بس که کاری‌را که این‌ملت درچندین هزار سال پیش انجام داد موجب تحیر و تعجب ملل متمدن امروز میباشد و تاکنون نتوانسته‌اند پلی مجدداً بر روی بسفر ببندند.

پس فقط دو دسته هستندکه ملت ایران‌را خوب نمیشناسند یکی آنهائیکه از تاریخ بوئی نبرده و دیگر کسانی‌که عمال و مزدورخارجی وبوده وفکر تغییر رژیم وضمیمه کردن‌قسمتی از خاك‌ایران‌را درمغزعلیل

ومالیخولیائی خود میپرورانند .

عموم ملت ایران از هرطبقه وصنفی امروزه جهت اعتلای نام ایران درزیر پرچم شیروخورشید ایران گردآمده ودر تحت توجهات اعلیحضرت همایون‌شاهنشاه محمدرضاشاه پهلوی مشغول پی‌ریزی ایران نوینی میباشند و درهرموقع حاضر برای دفاع از کشور عزیز خود هستند .

وقتیکه قضایای آذربایجان خاتمه پیدا کرد ومجدداً صلح‌وآرامش در سراسر ایران برقرار شد . در این‌هنگام‌بود که آقای جرج‌الن‌به‌پست معاونت وزارت خارجه‌آمریکا ارتقاء پیدانمود و از ایران بصوب میهن خودآمریکا رهسپار شد و دعای خیر ملت ایران بدرقه راه وی‌بود .

اینك‌کتاب خودرا باخلاصه نطق شیوائی‌که‌آقای جرج الن « در بارهٔ سبك حکومت پارلمانی » در تاریخ ۱۹ شهریور ۱۳۲۶ در انجمن روابط ایران و آمریکا ایراد نموده ختم مینمائیم :

«آقای الن نخست از مبادی حکومت پارلمانی میان طبقه اعیان فرانسه در قرون وسطی و اختیارات سلاطین قدیم فرانسه برای اخذ مالیات صحبت کرده و نشان دادند چگونه سبك حکومت پارلمانی در جلسه عقلای طوائف انگلوسکسون پیش ازفتح‌انگلستان بدست نرمانها . در سال ۱۰۶۶ بوجودآمد پس‌ازغلبه نرمانها روش پارلمانی‌فرانسویها تامدتی برسبك‌قدیم‌سکسونها تحمیل گردید و درنتیجه ترکیبی از ایندو سبك مهم قرون وسطائی پدیدآمدکه پارلمان را مظهر یك‌هیأت‌حاکمه نیرومند قرارداده بود .

آنگاه آقای جرج الن بشرح حکومت پارلمانی در آمریکا پرداخته و اظهار داشتندکه پس‌ازجنگهای انقلابی‌درآمریکاکشورهای

متحده برای تهیه قانون اساسی خوددر ۱۷۸۹ ازسرچشمه الهامات فلاسفه سیاسی فرانسوی استفاده بسیار نمودند ولی جون بیشتر آمریکائیهای اولیه انگلیسی بودند و مجالسی هم بشیوه انگلستان در ایالات آمریکا تأسیس شده بود کنگره آمریکا شباهت زیادی بدستگاه پارلمانی انگلستان پیدا کرد لیکن سبك فعلی آمریکا نتیجه ابتکارات خاص خود آمریکائیان است زیرا برخلاف طریقه‌ای که درروش حزبی تقریباً همه ممالك اروپا و ایران حکمفرماست .

هیئتهای مجریه و قضائی و مقننه آمریکا متساویاً مسئولیت دارند. سپس آقای جرج الن به تجزیه وتحلیل سبك پارلمانی وحکومتهای مختلف اروپا که در اینراه پیش قدم بوده‌اند پرداختند و نتیجه گرفتند که تمام حکومتها و همچنین حکومت آمریکا دارای نقطه های ضعفی هستند

ولی آنچه مهم بنظر میرسد اینست که هر کشوری باید نخست بکوشد و باقتضای تغییرات داخلی روش خود را علی الدوام اصلاح و تکمیل نماید تااینکه در هر مملکتی سبکی که برای آن مملکت مناسب تر است بکار بسته شود . آقای جرج الن عقیده داشتند **همان قسمی که در بسیاری از کشور های مختلف در طی زمان بثبوت رسیده است سبك حکومت پارلمانی فقط در صورتی می‌تواند محفوظ بماند که مردم در حفظ حقوق اساسی خود مراقبت دائم داشته باشند .**

سپس آقای الن از مسؤلیتهای سنگین مجلس شورایملی ایران طبق قانون اساسی ایران بالسان مؤکدی سخن گفتند و بیانات خود را با این جملات خاتمه دادند :

« انتظار میرود که در ظرف چند روز دیگر از مجلس شورایملی

تقاضا شود پیشنهادهای مربوط باستفاده از یکی ازمنابع مهم طبیعی ایران
را مورد بررسی قراردهد راجع بهرویه دولت آمریکا در اینخصوص
شایعات و ادعاهائی در افواه است و دراین اواخرهم مکرر ازمن سؤال
شده است که نظر دولت متبوع خودرا در اینمورد اظهار نمایم اینک
سعی میکنم تاحدی که برایم میسر است نظریه دولت خودرا بطورصریح
و روشن بیان کنم .

دولت آمریکا بکرات اعلام داشته که حاکمیت ایران مورد
احترام اوست . یکی از جنبه‌های مهم حاکمیت هر کشور آنست
که حق کامل داشته باشد هر پیشنهادی را که راجع باستفاده از
منابع ثروت آن کشور میشود قبول یارد کند . منابع ایران بخود
ایران تعلق دارد و ایران میتواند اگر بخواهد برایگان بدیگران
ببخشد و یا بهیچ قیمتی حاضر برای تسلیم آن نشود . پیشنهادهائی
که ازطرف یکدولت خارجی بایران داده شود و جنبه بازرگانی
یاهر جنبه دیگری داشته باشد مادام که پیشنهادهای مزبور بنابه
ارزش ذاتی آن برای ایران قابل قبول یا رد کردن باشد حقاً
ربطی بکشورهای متحدآمریکا ندارد ولی اگر آن پیشنهاد ها
با تهدید و تخویف خصومت آمیز توأم باشد و یا در بارهٔ آنها
اظهاراتی بشود مبنی براینکه ردشدن پیشنهادهای مزبور برای
ایران خطرناك خواهد بود ما و هر یك از کشورهای دیگر جهان
نگران میشویم .

دولت آمریکادراین عقیده خود محکم است که هر پیشنهادی
از طرف یك دولت مستقل بدولت مستقل دیگری تسلیم شود نباید
باتهدید و تخویف همراه باشد .

اگر دولتی بخواهد باچنین رویه‌ای دولت دیگری را وادار به‌قبول پیشنهادهای خود کند درقدر وقیمت خودآن پیشنهادها تردید حاصل میشود

دولت آمریکا تمام قدرت و منابع خودرا در راه خلاصی مردم جهان از بیم تجاوز وقف کرده است. درپیروی این سیاست اراده ما همچنانکه در هریك از نقاط دیگر جهان نیز قوی است در مورد ایران نیز قوی است. این نیت تاآن اندازه قابل اجراست که‌مردم‌ایران خودشان در راه دفاع از حاکمیت‌خویش عزم راسخ خود را نشان بدهند. بنابراین ایرانیان میهن دوست هروقت مطالبی راکه در مصالح آنها مؤثر است مورد مطالعه قراردهند‌ممکن‌است‌اطمینان‌داشته‌باشند که‌مردم‌آمریکااز آزادی آنها کاملا پشتیبانی خواهند نمود تا هر راهی را بخواهند انتخاب نمایند.»

پایان



مؤلف کتاب

اسامی بعضی از کتب و مجلات وروز نامه‌ها که جهت تألیف این کتاب مورد استفاده قرار گرفته است

۱ ـ تاریخ مشروطیت ایران ۳ ـ جلد تألیف کسروی

۲ ـ تاریخ آذربایجان جلد ٤ ـ ٥ ـ ٦ «

۳ ـ تاریخ احزاب سیاسی ۱ ـ جلد « ملك‌الشعرای بهار استاد دانشگاه

٤ ـ تاریخ دیپلماسی عمومی ۳ ـ جلد« دکتر حسن ستوده استاددانشگاه

٥ ـ تاریخ بیست ساله‌ایران ۳ ـ جلد «حسین مکی

٦ ـ کتاب اوضاع سیاسی ایران در سال ۱۳۲٤ تألیف مهدی داودی

۷ ـ جنك مخفی برای نفت تألیف آنتوان زیشكا ترجمه داود داودی

۸ ـ جنگ نفت تألیف آنتوان موهر ترجمه محمود محمود

۹ ـ مجله ایران و آمریکا دوره اول و دوم وسوم

۱۰ ـ مجله آینده « «

۱۱ ـ روز نامه ایران دوره اول

۱۲ ـ روزنامه اطلاعات

۱۳ ـ اسناد و مدارك مضبوطه در وزارت خارجه ایران و آمریکا که رونوشت آنها در این کتاب مندرج است

مآخذ انگلیسی

American Diplomacy in Action

1 - by : Richard W. Van Alstyne

2 - The strangling of Persia by : W Morgan. Shuster

3 - Document on American foreign relation Vol 7 1945 - 46.

4 - Voice of History 1945 - 46.

5 - Major problems of United States foreign policy 1948 - 49.

6 - International organization year book of the United Nations 1946 - 47.

7 - James Monroe by : W.P. Cresson.

8 - Americans : A book of lives by Herman Hagedorm.

9 - The crises of Persia by E G. Browns.

10 - The Secret oil War by : Frank. Hanighen New york 1934.

مآخذ فرانسه

1 - La politique etrangère Par: Emil Bourgeois.

2 - Histoire Diplomatique de l Europe par A. Debidour.